

مقالات علمی

مسئله جریان امور، مفهومی اجتماعی فراتر از مرزهای بازرسی
علی فرزادی

بررسی عوامل مؤثر بر پیمیدگی نظام مالیاتی کشور و اندازه گیری درجه پیمیدگی منابع
مالیات های مستقیم
علی باغانی - علیرضا مسنی

بررسی مسئله جریان امور از خلال رتبه بندی فضای کسب و کار در تجارت خارجی کشورهای
منتخب با تأکید بر ایران
اصغر مبارک

بررسی دلایل عدم گزارش دهی از فساد: پیمایشی در شهر اصفهان
علی سیف زاده - دکتر اصغر مومندی

بررسی تأثیر گریز مالیاتی بر نوسان پذیری بازده سهام
سعید طهماسبی فورنه - اصغر سپهیان قره بابا

ارزیابی عملکرد برخی دستگاه های اجرایی استان چهارمحال و بختیاری در مواجهه با فحشکسالی
در دوره برنامه پنجم توسعه کشور
دکتر ممیدرضا باقری - مهندس روح الله صادقی راد - مهندس ریمت الله مهنفشی - دکتر مسین صمدی
برومنی - دکتر مهدی گرمی دهکردی - مهندس روانفش رئیسایان - دکتر روح الله فتامی

نقش رسانه ها در مقابله با فساد
مترجمان: علی گرمی - فرامرز تمجید - بهزاد محمودی

Articles

The role of the media in dealing with corruption

Investigating the impact of tax evasion on stock return volatility

Investigating the Reasons for Not Reporting the Corruption: a Survey in Isfahan

A Survey on the Good process of the affairs by Business Ranking in the Foreign Trade of the Selected Countries with an Emphasis on Iran

Study of effective factors on the complexity of the tax system of the country and measuring the degree of complexity of direct Tax resources

Performance evaluation of some executive organizations in Chaharmahal va Bakhtiari province in the face of drought during the fifth development plan of the country

Good process of affairs, a social concept beyond the boundaries of inspection



فصلنامه دانش ارزیابی

سال نهم؛ شماره ۳۳؛ پاییز ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور

مدیر مسئول: ناصر سراج

سر دبیر: ابراهیم شاهرخیان

هیأت تحریریه:

دکتر مقصود امیری، دکتر علیرضا دیهیم، دکتر مهدی سبحانی نژاد، دکتر سید محمد رضا سید نورانی،
دکتر حسین غلامی، دکتر حسین قلجی، دکتر حمیدرضا ملک محمدی، دکتر نوروز هاشم زهی

تلفن: ۶۱۳۶۲۱۳۵-۶۱۳۶۲۳۰۷

bazrasi.research@136.ir

www.bazresi.ir

مدیر اجرایی: آمنه کاشانی موحد

ویراستار: هدی غنیمی

ویراستار انگلیسی: محمود مهدوی فر

انتشارات: نشر علوم اجتماعی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران: خیابان آیه الله طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور،

طبقه ششم، دفتر فصلنامه دانش ارزیابی

فصلنامه دانش ارزیابی به استناد مجوز شماره ۹۰/۲۵۳۹۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
منتشر می شود.

مطالب مطرح شده در مقالات موضع سازمان بازرسی نبوده و نظر نویسندگان آن ها می باشد و صحت
مطالب به عهده نویسندگان خواهد بود.

۷ حسن جریان امور، مفهومی اجتماعی فراتر از مرزهای بازرسی
علی فرهادی

۲۹ بررسی عوامل مؤثر بر پیچیدگی نظام مالیاتی کشور و اندازه گیری درجه پیچیدگی
منابع مالیات های مستقیم
علی باغانی - علیرضا حسینی

۵۱ بررسی حسن جریان امور از خلال رتبه بندی فضای کسب و کار در تجارت خارجی
کشورهای منتخب با تأکید بر ایران
اصغر مبارک

۷۵ بررسی دلایل عدم گزارش دهی از فساد: پیمایشی در شهر اصفهان
علی سیف زاده - دکتر اصغر محمدی

۹۷ بررسی تأثیر گریز مالیاتی بر نوسان پذیری بازده سهام
سعید طهماسبی خورنه - اصغر سپهیان قره بابا

۱۱۳ ارزیابی عملکرد برخی دستگاه های اجرایی استان چهارمحال و بختیاری در مواجهه
با خشکسالی در دوره برنامه پنجم توسعه کشور

دکتر حمیدرضا باقری - مهندس روح الله صادقی راد - مهندس رحمت الله جهان بخشی - دکتر حسین صمدی
بروجنی - دکتر مهدی کرمی دهکردی - مهندس روانبخش رئیسیان - دکتر روح الله فتاحی

۱۳۱ نقش رسانه ها در مقابله با فساد
ریک استا پنهورست / مترجمان: علی کرمی - فرامرز تمجید - بهزاد محمودی

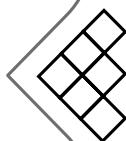
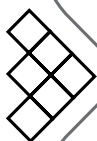
به نام آن که جان را فکرت آموخت

شماره‌ای جدید از مجله دانش ارزیابی به عنوان نوشته تخصصی حوزه فساد اداری و بحث‌های مرتبط با ارتقای سلامت نظام اداری، پیش‌روی خوانندگان محترم قرار دارد. ایجاد تنوع در این شماره از فصلنامه، ما را بر آن داشت تا در کنار مقالات ارسالی از سوی متخصصان، دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به بحث‌های حوزه‌ی جرم و فساد، از برگردان برخی نوشته‌های خارجی به فارسی و همچنین گزارش‌های تخصصی - کاربردی استفاده نماییم تا علاوه بر غنابخشی به مباحث مطرح شده، از اصل تنوع در مطالب نیز استفاده کرده باشیم.

همانند دیگر شماره‌های مجله دانش ارزیابی، کوشیده‌ایم تا از نوشته‌های برگرفته از قضایای واقعی، تحقیقات میدانی و نوشته‌های نظری، آمیخته‌ای منسجم و کاربردی را برای علاقه‌مندان فراهم آوریم و همچون گذشته، پیشنهادهای خوانندگان ارجمند را به دیده منت، ارج می‌نهم.

به مننه و کرمه
ناصر سراج

مقالات علمی



حسن جریان امور، مفهومی اجتماعی فراتر از مرزهای بازرسی

علی فرهادی^۱

چکیده

اگرچه نظریه‌های جرم‌شناسی شاید در نگاه اول ارتباط مستقیم با مباحث حوزه نظارت و بازرسی نداشته باشند، اما توجه به آن‌ها و کاربستشان در جامعه می‌تواند به کاهش نرخ‌های جرم در سطوح متخلف اجتماعی و از جمله در دستگاه‌های اداری منجر شود و پدیده حسن جریان امور را با خود از پی بیاورد. نوشته حاضر با تأکید و تمرکز بر روی نظریه برجسب‌زنی، یکی از پرکاربردترین و قدرتمندترین نظریه‌های حوزه جرم را به تحلیل می‌کشانند. این نوشته بر آن است که کامیابی در پیاده‌سازی برخی نظریه‌ها در سطوح اجتماعی و اداری، نیازمند توجه به برخی از نظریه‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله جرم‌شناسی است.

واژگان کلیدی: جرم، جرم‌شناسی، برجسب‌زنی، حسن جریان امور

مقدمه

پرداختن به مسئله جرم و فساد از جمله دغدغه‌های دیرین انسان به‌ویژه در جوامع مدرن است. دانش‌های اجتماعی از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی گرفته تا حقوق و مردم‌شناسی، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های خود را به شناخت عرصه‌های اجتماعی باهدف مقابله با جرم اختصاص دادند. در این میان جرم‌شناسی از قرن نوزدهم میلادی و پس از آن با سرعتی دوچندان، دست‌به‌کار طراحی نظریاتی شد تا با تکیه بر آن‌ها در وهله نخست به شناسایی چرایی رفتارهای انحرافی و سپس یافتن راهکارهای بهینه مقابله با این رفتارها بپردازد که از آن جمله، نظریه برچسب‌زنی، یکی از پرکاربردترین و موفق‌ترین نظریه‌ها در رسیدن به دو هدف مذکور است.

اگرچه قلم‌زدن در مجله تخصصی دانش ارزیابی که همت اصلی خود را بر شناسایی موانع پیش‌روی سلامت اداری و مقابله با فساد گذارده، مستلزم ارائه نوشته‌هایی در این راستاست اما به دلیل اهمیت برخی نظریه‌ها از جمله نظریه برچسب‌زنی که هدف اصلی طراحان و سپس به کارگیران بعدی آن، استقرار جریان مناسب امور در روابط اجتماعی بود، به نظر می‌رسد طرح این نظریه و به‌نوعی مسئله حسن جریان امور، اجرای آن و نظارت بر آن، پدیده‌ای فراتر از مرزهای یک دستگاه خاص مانند سازمان بازرسی است و تلاش و همکاری همه‌جانبه و فراگیر را می‌طلبد.

نظریه برچسب‌زنی از جمله نظریات حوزه جرم‌شناسی است که در پی یافتن دلایل وقوع رفتارهای مجرمانه در جایی خارج از حوزه‌های صرفاً فردی است و می‌کوشد تا آن را از منظری اجتماعی مورد دقت قرار دهد. طرفداران این نظریه بر این باورند که به کارگیری صحیح اصول آن در جایی که اقتضای آن وجود دارد به کاهش انواع جرایم و تخلفات منجر می‌شود و زمینه برای بهتر شدن جریان امور فراهم می‌آید و در آنچه از پی می‌آید می‌کوشیم تا این نظریه و آثار و نتایج آن را مورد توجه قرار دهیم

پیشینه نظریه

مبحث اول: روند شکل‌گیری برچسب‌زنی

در ابتدا ناگزیریم پیش از ورود در موضوع برچسب‌زنی به پیشینه شناسی نظریه‌های دیگری که تأثیر فراوانی در ایجاد نظریه برچسب‌زنی دارند اشاره نماییم.

گفتار اول - پیدایش برچسب‌زنی در مکاتب جرم‌شناسی

۱- نظریه اثبات‌گرایی (زیستی/دوانی)

از نگاه اثبات‌گرایان، جرم بر پایه نیروها و عواملی تبیین می‌شود که در محدوده‌ی توان تصمیم‌گیری فرد نیست.^۱ لذا اغلب، دیدگاه مکتب کلاسیک و اثبات‌گرایی در تقابل با یکدیگر محسوب می‌شوند، اثبات‌گرایی در شرایطی در قرن ۱۹ در اروپا شکل گرفت که در بطن آن، تقویت و تحکیم هرچه بیشتر نظام سرمایه‌داری و شیوه سرمایه‌دارانه وجود داشت.

۱- برخلاف مکتب کلاسیک که جرم را ناشی از اراده آزادانه او و مسئولیت شخص در برابر اعمال خود می‌دانند.

این نظریه حاوی دو رویکرد مهم شامل اثبات گرایی زیستی و اثبات گرایی روانی بود. نظریه پرداز برجسته‌ی اثبات گرایی زیستی لمبرزو اظهار می‌دارد انسان مجرم زاده می‌شود، نه اینکه مجرم می‌شود اصطلاح «مجرم بالفطره» ایده‌ای است که او ترویج می‌داد و معتقد بود جرم را باید محصول چیزی دانست که اساس طبیعت فرد مجرم را تشکیل می‌دهد. هرچند بعدها این نظریه خود را تعدیل نمود. در روی دیگر سکه، در اثبات گرایی روانی، جرم ناشی از مشکلات زیستی شمرده می‌شود که علل بیرونی دارد، مانند جراحت جنگی و یا نتیجه عوامل درونی است مانند بیماری‌های روانی؛ به عبارت دیگر، در این رویکرد افراد مجرم می‌شوند نه اینکه مجرم به دنیا می‌آیند.

۲- نظریه کلاسیک

این نظریه بر سه مفهوم حقوق فردی، قابلیت تعقل در انسان و حکومت قانونی تکیه دارد. در نگرش کلاسیک انسان‌ها موجوداتی خودخواه و منفعت طلب هستند. این مکتب نظریه اراده‌گرا را در باب طبیعت انسان اتخاذ کرده که بر وجود اختیار در انسان و مفهوم گزینش فردی تأکید دارد، لذا انسان را مسئول شیوه‌ای می‌داند که برای گذران عمر و استفاده از توان خویش برمی‌گزیند و هم او را مسئول نتایج و پیامدهایی که ممکن است از اعمال وی حاصل آید می‌داند (راب‌رایت و فیونا هیز، ۱۳۹۲: ۸۲-۱۰۲).

گفتار دوم- منظر اجتماعی

وجود نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و از طرفی آگاه شدن جامعه از حقوق مدنی در دهه ۱۹۵۰ شرایط را برای تغییر نگاه به موضوعات اجتماعی فراهم آورده (فرانک‌پی و مارلین دی، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۸) و اعتراضات در رابطه با حقوق مدنی به امری عادی تبدیل شده بود؛ آمریکایی‌های آفریقایی تبار به رفتاری که با آن‌ها در رستوران‌ها، تئاترها، اتوبوس‌ها و پذیرش در مدارس و دانشگاه‌ها می‌شد اعتراض می‌کردند. افزایش سطح تحصیلات جامعه، طرفداران حقوقی مدنی را به پیگیری بیشتر مطالبات ترغیب می‌نمود هرچند تغییرات به سرعت انجام نمی‌شد اما سفیدپوستان نسبت به رفتارشان با گروه‌های اقلیت، آگاهی بیشتری یافتند. آغاز دهه ۱۹۶۰، همراه با رواج یافتن آیین‌های فرهنگی جدیدی بود که بر تحرک، جدایی و شورش تکیه داشت. پیدایش موسیقی راک اندرول پس از جنگ جهانی دوم [موسیقی‌های مردم‌پسند (پاپ) در آمریکا] با شکل‌گیری نوعی «فرهنگ جوانان» همراه بود. فرهنگی که اساس آن را رفاه‌طلبی و روگردان شدن آشکار جوانان از فرهنگ موجود والدین تشکیل می‌داد. موسیقی، مد، واژگان، سرووضع و حتی فعالیت‌ها و سرگرمی‌های این قشر همه به صورتی شکل گرفته بود که آن‌ها را از عرف و عادت موجود دور می‌ساخت در این انقلاب فرهنگی نه تنها جوانان آشکارا به کج‌روی می‌پرداختند، بلکه بر سر آن مسابقه‌های پرشور می‌دادند.

مناسبات خانوادگی و سنتی نیز از حرکات اجتماعی «فمینیسم» و «هم‌جنس‌گرایان» متأثر شده بود. مردان و زنانی که جویای به رسمیت شناخته شدن برخورداری‌های خویش از نیازهای جمعی و حقوق

بشری بودند. فمینیسم‌ها مفاهیم سنتی و محافظه‌کارانه مربوط به نقش و جایگاه زنان در جامعه را به شکل جدی به چالش می‌کشیدند و ایده‌های مرسوم مرتبط با ویژگی‌ها و تمایلات جنسی و برتری یک جنس در معرض تحلیل‌ها و نکوهش‌ها قرار گرفت و شهرت یافتن حقوق مدنی، ایده وجود وفاق اجتماعی یکپارچه را بیش‌ازپیش از هم گسیخت. ارائه طرح «جامعه بزرگ» توسط دولت‌های جان اف کندی و جانسون منجر به تقویت دیدگاهی شد که در جامعه همه برابری و دانشمندان علوم اجتماعی طرح‌های آموزش کیفی به‌صورت برابر و در دسترس همگانی و افزایش فرصت‌ها برای عموم را مطرح نمودند. در این اوضاع و احوال مخالفت‌های شدید عمومی با جنگ ویتنام در کشورهایی که احضار به خدمت سربازی برای جنگ واقعی همیشگی برای جوانانش بود؛ در فروپاشی رسوم متعارف و بالا بردن سطح تفاوت‌های اجتماعی بسیار تأثیرگذار بود (راب‌رایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

در استرالیا صدای دو جنبش برابری حقوق و حقوق بومیان در سال ۱۹۷۰ خواسته‌های رنگین‌پوستان، بومیان و مهاجرین را افزایش داد و خاموشی آن دیگر ممکن نبود و منجر شد که تقسیم‌بندی اجتماعی در دستور کار محافل سیاسی آن روز قرار گیرد. هجوم کارگران و دانشجویان فرانسوی به خیابان‌ها و فلج کردن چند هفته‌ای آن کشور در سال ۱۹۶۸ وقوع تغییرات اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر نمود.

بروز این حوادث و جنبش‌های عظیم در جهان باعث شد تا دانشمندان علوم اجتماعی به بازنگری در برداشت‌های خود درباره جامعه، نظم اجتماعی و کج‌روی بپردازند. همچنین به این واقعیت توجه کنند که پدیده‌ای که روزی نوعی کج‌روی به حساب می‌آمد ممکن است در روز دیگر این وصف را نداشته باشد یا پدیده‌ای که گروهی که آن را کج‌روانه می‌پندارند گروهی دیگر آن را بپذیرند. حاصل آن که واقعیت اجتماعی، پدیده‌ای مشروط، قلمداد شده این نکته نیز به این معنا بود که نحوه‌ی نگاه فرد به جهان تا حد زیادی وابسته به موقعیت او در آن جهان است. به‌طور نمونه برخی از جامعه‌شناسان اظهار نمودند: یک عمل می‌تواند در یک زمان و از دیدگاهی غیرقابل توجه باشد و با این حال بعدها به‌عنوان رفتاری منحرفانه، نادرست و غیراخلاقی تعریف شود. مثلاً استفاده از مواد مخدر در سده نوزدهم متعارف و از نظر اجتماعی پذیرفتنی بود و افرادی مانند «زیگموند فروید»، «ملکه ویکتوریا» از آن استفاده می‌کردند اما با گذار از سده نوزدهم، استفاده از مواد مخدر با برچسب منحرفانه روبه‌رو شد و مصرف‌کنندگان از سوی جامعه به‌عنوان افراد خطرناک و غیرقابل‌پذیرش برچسب می‌خوردند. برعکس برخی اعمال که منحرفانه هستند ممکن است با گذشت زمان، متعارف تلقی شده و در پذیرش اجتماعی قرار گیرند (مارتین اوبراین، ۱۴۵-۱۴۶: ۱۳۹۴).

گفتار سوم- منظر تاریخی

برخی معتقدند ریشه‌های نظریه برچسب‌زنی از کتاب خودکشی اثر امیل دورکیم فرانسوی (۱۹۷۹) گرفته شده است. (سایت ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد) همچنین برخی، دمینگ لی مرت (۱۹۶۹) جامعه‌شناس

آمریکایی و مؤلف کتاب «آسیب‌شناسی» را مؤسس این نظریه دانسته‌اند و این نظریه را خمیرمایه مطالعات تعامل‌گرایان و مبنای نظریه برچسب‌زنی می‌دانند.^۱ پس از آن به‌اتفاق همه جرم‌شناسان هوارد بیکر جامعه‌شناس آمریکایی و نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی انحراف» را ادامه‌دهنده نظریه تعامل‌گرایی می‌دانند. او در این کتاب، فصلی را به افرادی که خارج از قانون متعارف عمل می‌کنند اختصاص داد یعنی کسانی که خارج از قانون مشروع عمل می‌کنند. به این ترتیب کژمداران مشتمل بر افراد غیراجتماعی (منحرف) و ضداجتماعی (ضدقانون) می‌باشند افراد غیراجتماعی را کج‌رو و حاشیه‌نشین هم می‌گویند. این دیدگاه مدعی می‌شود افرادی که بر آنان برچسب‌هایی مانند (کودن)، (تیزهوش)، (ابله)، (نابغه) و مانند آن وارد می‌آید واکنش‌هایی متناسب با آن برچسب از خود نشان می‌دهند. در آزمایشی که اصطلاحاً آزمون پینگ‌مالیون نام دارد و در سال ۱۹۶۸ توسط دانشگاهیان حوزه روانشناسی (روزنتال و جاکوبسن) انجام شد گروهی از دانش‌آموزان یک مدرسه به دو دسته تقسیم شدند: دسته اول را در انتظار «کودن» و دسته دوم را در همان حال «باهوش» خواندند، حاصل آن که پس از مدتی نمرات درس اعضای دودسته به ترتیب روند نزولی و صعودی گرفت (رابرایت و فیونا هیز، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۹۳).

دیدگاه برچسب‌زنی اثرگذاری‌های طیفی گسترده از حوزه‌های اندیشه را با خود به همراه دارد. در این دیدگاه مفاهیمی مانند «خود» و «نماد» برای تبیین دو متغیر رفتار اجتماعی و کنش اجتماعی به کار گرفته و محور استدلال آن عبارت است از گوناگونی واکنش‌های افراد در موقعیت‌های خاص اجتماعی.

نماد: عبارت است از هر چیزی که نشانه یا مظهر چیزی دیگر باشد مانند (آرم - یا حرکت چهره - یا یک واژه) لذا تمامی انسان‌ها چگونگی واکنش نشان دادن در برابر موقعیت‌های متفاوت را با مطالعه دقیق نمادهای پیرامون خویش می‌آموزند.

خود: این عبارت به چگونگی نگرش افراد درباره خویشتن اشاره دارد. نگرشی که به‌نوبه خود در خلال فرآیند کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد. این مفهوم باعث می‌شود که هر فرد صرفاً همان تصویر را از خود در ذهن ایجاد کند که آن را در افراد پیرامون خودش منعکس می‌بیند.

بنابراین هرچند نمی‌توان انسان‌ها را موجوداتی منفعل دانست اما باید پذیرفت که چگونگی دریافتی که دیگران از فرد دارند آثاری مستقیم و واقعی بر این امر دارد که او چگونه به خویشتن بنگرد و چگونه رفتار کند و این فرآیند اجتماعی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. با این مضمون ایده‌ای وجود دارد که هویت هر فرد را دو عنصر تعیین می‌کند: افرادی که واقعیت او را تعریف می‌کنند و دیگری چگونگی صورت پذیرفتن این تعریف.

مبحث دوم- اصول و مبنای

با آنچه در روند شکل‌گیری این نظریه از منظر اجتماعی و تاریخی گفته شد و نظریاتی که مختصراً

۱- وی در کتاب خود نظریه انحراف ثانوی را مطرح نمود و معتقد بود، عده‌ای از مرتکبین جرم به رغم برخورد با مسئول اداره و مبارزه علیه جرم پس از تحمل مجازات، باز به دنیای جرم و استفاده عدالت کیفری بازمی‌گردند.

از سوی نظریه پردازان این حوزه مطرح گردید تا حدودی چارچوب نظریه برچسب زنی مشخص شد، لیکن به طور تفصیل به تشریح این نظریه می پردازیم.

گفتار اول - تأثیر قانون گذاران بر نظریه برچسب زنی

همان طور که در دیدگاه های جامعه شناسان این نظریه مشاهده نمودیم براساس این نظریه نباید جرم یا انحراف را در عملی که فرد مرتکب شده است جست و جو کرد، بلکه باید دید طی چه فرایندی عملی که زمانی مشروع بود، نامشروع شناخته شده است و چرا در فرایند غربال کیفری عده ای مشمول این برچسب واقع شده و عده ای دیگر فرار کردند (علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱). جرم و انحراف نتیجه قانون گذاری اجتماعی و اجرای ضمانت اجرای قانونی است، از نظر «بکر» انحراف و جرم پدیده ای است که به وسیله گروه و جامعه از طریق وضع ممنوعیت های کیفردار به وجود می آید. ممنوعیت هایی که نتیجه اجرای آن رنگ و برچسب مجرمانه ای است که بر بزه کار زده می شود. از نظر وی ارزش هایی که حقوق جزا نقض آن را جرم تلقی می کند گزینشی بوده که در راستای تأمین منافع قدرت سیاسی حاکم قرار دارند و براساس آن عده ای را مجرم و عده ای را غیر مجرم معرفی می نمایند. از این منظر همچنین نظریه پردازان برچسب زنی مدعی اند که اصولاً اعمال نظام جزایی و مقامات آن است که تعیین می کند چه چیزی را باید جرم محسوب کرد. به بیان دیگر در نگاه آنان مجرمانه خواندن رفتار یا مجرم شمردن فردی خاص بسته به افرادی است که در عمل چنین برچسبی را وارد می آورند. در این خصوص مدعای آنان این است که عنوان رسمی (جرم) را افرادی بر یک رفتار می نهند که قدرت وارد آوردن برچسب را دارند به نظر این دیدگاه ها سنجش جرم عملاً فرایندی را تشکیل می دهد که در خلال آن افرادی که مناصب قدرت را در درون نظام جزایی در دست دارند، کنش های خاص افرادی معین را به عنوان کنش های کج روانه یا مجرمانه تعریف می کنند (رابرایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۱۸۱). در بیانی دیگر آمده است مفاهیم جرم و نابهنجاری پدیده ای قراردادی و نسبی است. جرم بالفطره و به خودی خود وجود ندارد. جوامع با جرم انگاری به برخی اعمال عنوان کیفری می دهند و اگر این رفتارها توسط فرد تکرار شود به او برچسب مجرم می زنند. جرم در واقع محصول کارخانه قانون گذاری است که براساس مفاهیم قراردادی ناشی از دیدگاه صاحبان قدرت از رفتار تعیین می گردد در حقیقت مفاهیمی مانند خوب و بد در عالم خارج وجود ندارد بلکه گردانندگان واقعی جوامع، با لحاظ ضرورت اداره جامعه و حفظ نظم مورد نظر خود با تأثیر پذیری از معیارهای طبقاتی فرهنگی، دینی، سیاسی دست به ارزیابی هنجارها و ارزش گذاری آن ها می زنند (علی نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۷۷).

گفتار دوم - تأثیر دستگاه عدالت کیفری بر نظریه برچسب زنی

«هاوارد بکر» در کتاب «جامعه شناسی انحراف» معتقد است باید عملکرد مجریان قانون و مسئولین اجرای آن را مورد مطالعه قرار دهند زیرا در فرایند کیفر باعث می گردد عده ای دستگیر شده برچسب مجرمانه

بخورند و عده‌ای دیگر از این برچسب فرار کنند. به عقیده او چنانچه نسبت افراد پلیس به جمعیت کشور متناسب باشد میزان جرایم کشف شده بالا می‌رود. پس رقم سیاه و میزان جرایم کشف شده تابعی از درجه کارایی و میزان فعالیت افرادی است که مسئول تعیین و اجرای واکنش اجتماعی هستند. لذا میان مجرمین و غیر مجرمین تفاوتی وجود ندارد و مجرمیت ناشی از عملکرد واکنش اجتماعی علیه مجرم است. پس بزه‌کار فردی است که جامعه، پلیس یا دستگاه قضایی موفق شده‌اند این برچسب را بر وی الصاق بکنند. به عبارتی دیگر اگرچه برچسب مجرمانه را نسبت به یک عمل، قانون‌گذار توصیف و ایجاد کرده اما توصیف واقعی مجرم یا منحرف بستگی به قضاوت جامعه و توانایی پلیس و دستگاه قضایی در کشف و اجرای آن دارد. مثلاً به موجب قانون، کشت خشخاش ممنوع است؛ این یک انگ قانونی به یک عمل است ولی چه‌بسا در یک محلی کشت خشخاش حساسیت مردم را برنیا نگیزد زیرا در آن محل کشت خشخاش یک امر هنجاری است پس کسی مورد را به مقامات صالح افشا نمی‌کند یا موضوع ماهواره در تهران و کلان‌شهرها و شهرهای کوچک که نگاه متفاوت به آن وجود دارد. پس در اینجا سازوکار انگ‌زنی از طرف جامعه نسبت به استفاده‌کنندگان صورت نمی‌گیرد. درخصوص پلیس و دستگاه قضایی هم این برچسب تا اندازه زیادی محصول سابقه و انتخاب آن‌هاست. اعتیاد در برخی مواقع یک جرم است اما درواقع مقامات رسمی برداشت‌های متفاوتی از جرم بودن این پدیده دارند در نتیجه عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند؛ که موجب می‌شود تا مأموران مختلف در مورد وضعیت‌های مشابه عکس‌العمل‌های متفاوت از خود نشان دهند و در نتیجه عده‌ای برچسب مجرم بودن بخورند. پس برحسب این نظریه بین افراد مجرم و غیر مجرم تفاوت ذاتی، سرشتی، زیستی و روانی وجود ندارد و این قضاوت پلیس و دستگاه قضایی است که وصف‌هایی را به عده‌ای می‌دهد. همچنین افرادی که در مشاغل مرتبط با فرایندهای عدالت کیفری قرار دارند (عوامل مربوط به عدالت کیفری) زمانی که یک فرد مورد توجه دستگاه آنان قرار گرفت، او را با دقت بیشتر و از نزدیک‌تر مورد توجه قرار می‌دهند. به عبارتی دیگر، افراد برچسب خورده به مشتریان نظام عدالت کیفری تبدیل می‌شوند و مانند دیگر مشاغل خوب تجاری، این نظام حساب مشتریان خود را به‌خوبی دارد. آنانی که یک‌بار برچسب خورده‌اند مثل کسانی که به‌طور مشروط آزادند یا مجرمان سابق، مشکل می‌توانند از این موضوع که مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است بگریزند و لذا رفتار بعدی آنان احتمالاً مورد شناسایی و برچسب خوردن دوباره قرار می‌گیرد. به‌طور نمونه در اکثر طرح‌های پلیس که به‌عنوان پیشگیری از جرم اجرا می‌شود. لیست بلندی از مجرمین سابقه‌دار برای حاضر و غایب شدن یا گوشزد کردن به آنان که نشان دهد تحت مراقبت هستند، تهیه می‌شود و عملاً محدودیت‌هایی برای آنان بدون آن که جرم جدیدی مرتکب شده باشند به‌صرف برچسب سابقه‌دار بودن ایجاد می‌شود (علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶).

گفتار سوم- برچسب‌زنی و شخصیت مجرم

چگونگی پذیرش جایگاه مجرمانه از طریق برچسب‌زنی، از سوی مجرم اهمیت فراوانی دارد فرایند برچسب‌زنی به دو شیوه محقق می‌شود:

۱- در نتیجه ارتکاب جرم که به انحراف اولیه معروف است.

۲- در نتیجه اشتباه قاضی یعنی مواردی که سیستم، فردی را اشتباهاً دستگیر، محاکمه و مجازات نماید.

در هر دو صورت باید عملکرد فرد و نهادها و عوامل قهریه و پلیس و دادگستری را بررسی نماییم. علاوه بر آن نحوه نگرش مردم نسبت به بزهکار و واکنشی که نسبت به اعمال وی نشان می‌دهند و درجه قضاوت مثبت یا منفی نسبت به جرم که به‌نوبه خود موجب ترغیب و یا دلسردی مجرم از ارتکاب مجدد عمل می‌شود باید مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت تحت تأثیر این عوامل فرد به سمتی سوق داده می‌شود که از نظر قانون مجرم و از دید جامعه منحرف تلقی می‌گردد. بر این مبنا فردی که جامعه موفق شد به وی برچسب مجرم یا منحرف بزند و به وی انگ زنی شده است دارای ذهنیت خاص می‌شود و ذهنیت خود را خارج از قانون تلقی می‌کند و به دنبال الصاق این برچسب بر هویت خویش است و سعی می‌کند رفتار خود را منطبق با این برچسب کند، خود را مانند یک فرد خارج از قانون می‌داند و عمل می‌کند و هویت مجرمانه را پذیرفته و دنیای جرم را انتخاب می‌کند و مجدداً مرتکب جرم می‌شود و هر چه شدت و مدت این برچسب طولانی و قوی‌تر باشد احتمال کسب ذهنیت پایدار مجرم و مجرمانه در فرد بیشتر تقویت می‌شود و با گذشت زمان آن هویت را کسب می‌کند که در واقع منطبق است با آن برچسبی که به وی داده شده است آقای بیکر مراحل حرفه‌ای شدن بزهکار را در ۴ مرحله تشریح می‌کند.

۱- مرحله اول: عبارت است از نقض یک هنجار، هرچند شاید اولین انحراف یا نقض قانون عمدی صورت نگرفته باشد. اگر فرد بتواند ظاهر خود را مطابق افراد جامعه نگه‌دارد و ظاهر او عمل نقض‌آمیز را تکذیب کند او موفق می‌شود از فرایند برچسب‌زنی فرار کند. بزهکاران یقه‌سفید نمونه‌ای از این مورد هستند؛

۲- در این مرحله فرد عمل مجرمانه را که اتفاقی انجام داده است در اثر تعامل با دیگران و کسب تجربه از آنان به یک شیوه زندگی تبدیل می‌نماید؛ مانند اعتیاد که در آن فرد معتاد، ابتدا با کسانی آشنا می‌شود که فنون مصرف را بلدند سپس لذت مصرف را لمس می‌کنند. در این مرحله او که مصرف‌کننده تفریحی بوده به مصرف‌کننده حرفه‌ای تبدیل می‌شود و علاقه پیدا می‌کند که آثار نشئگی را دوست بدارد و در مرحله بعد باید راه‌های فرار از دست عوامل کنترل‌کننده جرم را شناسایی و خنثی کند و در مراحل بعدی راه‌های تهیه مواد بدون رؤیت عوامل اجتماعی که وی را گرفتار سازند و سابقه‌دار نمایند را بیاموزد و در نهایت پلیس درونی

خود را با مقایسه سازی اعتیاد با جرایم خطرناک دیگر مانند شرب خمر و مانند آن خنثی کند؛ ۳- در مرحله سوم فرد به عنوان منحرف تعیین می شود و به معنای واقعی برچسب می خورد و تصویر اجتماعی وی با این برچسب تغییر می کند و شناخته شدن وی به عنوان معتاد بار منفی بسیار شدیدتری از مجازات اعتیاد دارد؛ زیرا این برچسب وی را در معرض توجه پلیس قرار می دهد یا به دشواری در گروه افراد آبرومند قرار می گیرد و بسیاری از حقوق اجتماعی را از دست می دهد یا برای وی محدود می شود؛ مانند استخدام در ادارات و شرکت های دولتی و یا تصدی نمایندگی شورای شهر و مجلس که همگی با اشتهار وی به برچسب مجرمانه ایجاد می شود و بازگشت وی را به شرایط آبرومندانه سابق با مشکل مواجه می سازد مگر اینکه اطرافیان با او همراهی نموده و منحرف صدا نزنند؛

۴- در این مرحله فرد منحرف چون احساس کرده از جامعه متعارف اخراج شده است، برای دور زدن یا خنثی کردن برچسب مجرمانه تصمیم می گیرد حول یک فرد یا گروه جمع شود تا با این تجمع به همدیگر قوت و انرژی بدهند و به این ترتیب یک خرده فرهنگ را تشکیل می دهند تا فشارهای جامعه ی متعارف را بهتر تحمل کنند. تشکیل گروه و بقای آن مستلزم انجام فعالیت های مجرمانه است. بی آن که مخاطره ای برای آن ها باشد به این ترتیب فرد منحرف که اتفاقی در بستر سازمان یافته وارد شد شانس بیشتری برای ادامه مسیر خود دارد (علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰۴-۱۳۰۳).

همچنین نظریه پردازان برچسب زنی معتقدند، این فرایند باعث می شود شخص برچسب خورده نقشی را به خود بپذیرد که در آن برچسب به او نسبت داده می شود، به عبارتی دیگر اگر به شخصی رسماً انگ «کج رو» و «خلاف کار» یا «مجرم» وارد آید، این امر ممکن است موجب شود که او به شکلی مناسب با آن برچسب رفتار کند؛ زیرا بدنامی حاصل از برچسب بر قامت مجرم می نشیند و به آسانی از او جدا نمی شود و این وضعیت هم بر نوع نگاه دیگران به فرد اثر می گذارد و هم بر نوع تصور او درباره خویش.

این نظریه پردازان همچنین نتیجه عمده بدنامی را آن می دانند که افراد برچسب منفی خورده نه تنها در اعمال مجرمانه و خلافکارانه بیشتری درگیر می شوند بلکه آرامش خود را در همراهی با کسانی می یابند که به همان شکل بیگانه قلمداد شده اند و یکدیگر را به هم نشینی باهم ترغیب می کنند (راب رایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

در هر حال طرفداران برچسب زنی آن را سبب انحراف فرد دانسته و معتقدند برچسب ممکن است از سوی فرد درونی شود و به قبول نوعی مفهوم خودی از انحراف بیانجامد. افرادی که به عنوان کج رفتار برچسب خورده اند دارای شانس کمتری برای درست کاری در دنیای عادی هستند یعنی راه های رایج برای کسب موفقیت آنان اغلب قطع شده و تنها راه باقی مانده برایشان راه های غیرقانونی است (فرانک پی و مارلین دی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶).

در هر حال هر چه اعتماد به نفس و قدرت روحی فرد بر چسب خورده ضعیف تر باشد امکان تسلیم شدن او و همنوایی اش با بر چسب مربوطه بیشتر خواهد شد.^۱

فصل دوم- بر چسب زنی در آموزه های اسلامی ایرانی و تأثیر آن بر نظام های حقوقی

مبحث اول- بر چسب زنی از منظر اسلام و حقوق ایران

گفتار اول- بر چسب زنی در منابع اسلامی

پیش تر در نظریه بر چسب زنی اشاره کردیم که یکی از قلمروهای اصلی تحلیل در دیدگاه بر چسب زنی، مناسبات موجود میان مجرم و افرادی است که قدرت وارد آوردن بر چسب را دارند. پیامد این قبیل مناسبات، احتمال وقوع بدنامی است. نظریه پردازان بر چسب زنی بر آنند که فرآیند بر چسب زنی می تواند آثار منفی خاص خود را داشته باشد؛ آثاری از این دست که شخص بر چسب خورده، همان نقشی را بپذیرد که بر چسب به او نسبت داده است. به بیان دیگر اگر بر شخصی انگ مجرم وارد آید، این امر ممکن است موجب شود که او همانند یک مجرم رفتار کند.

یک نتیجه دیگر بدنامی، آن است که افرادی که بر چسبی منفی خورده اند، نه تنها در اعمال مجرمانه بیشتری درگیر می شوند بلکه آرامش خود را در همراهی با کسانی می یابند که به همان شکل، بیگانه قلمداد شده اند و در نتیجه به هم نشینی با آنان ترغیب می شوند.

بر خلاف دیدگاه بر چسب زنی که جرم را ساخته و پرداخته نگرش گروه ها و طبقات خاصی نسبت به رفتار دیگران و در راستای منافع آن گروه ها می داند و هیچ معیار واقعی برای آن نمی شناسند، از دیدگاه اسلام، جرم واقعی عینی دارد و جرم انگاری در راستای تأمین مصالح واقعی فرد و جامعه صورت گرفته است و هیچ گونه جهت گیری خاص در آن دیده نمی شود. نگرش نظریه بر چسب زنی به ماهیت جرم که ریشه در نسبیت مفاهیم و ارزش های اخلاقی دارد، با نگرش دین اسلام به کلی متفاوت است؛ از نظر اسلام هنجارها مبتنی بر ارزش ها و ارزش ها مبتنی بر باورها و باورها مبتنی بر واقعیات هستی شناختی و انسان شناختی هستند که با سعادت و کمال واقعی انسان ارتباطی تنگاتنگ دارند. هر رفتار انسان بر اساس تأثیر واقعی که بر سعادت و کمال او دارد، ارزیابی می شود و بهنجار یا نابهنجار شناخته می شود.

آیات متعددی از قرآن مجید، خوب و بد و یا خبیث و طیب را به طور مطلق مطرح کرده است و وضع جوامع بشری را در این امر بی اثر می شمرد. در آیه ۱۰۰ سوره مائده می خوانیم: «بگو ناپاک و پاک برابر نیستند».^۲ در آیه ۱۵۷ سوره اعراف در توصیفی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «آنان که از این رسول، این پیامبر اُمی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند، پیروی می کنند، آن که به نیکی فرمانشان می دهد و ... و چیزهای پاکیزه را بر آن ها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام

۱ - نظریه بر چسب زنی در بزهرکاری، دکتر غلامرضا محمد نسل

۲ - «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»

و...^۱ خداوند در آیه ۲۴۳ سوره بقره می‌فرماید «خدا به مردم نعمت می‌دهد ولی بیشتر مردم شکر نعمت به جای نمی‌آورند»^۲ و یا در آیه ۱۰۳ سوره یوسف می‌فرماید: «هرچند تو به ایمانشان حریص باشی، بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند».^۳ در این آیات ایمان و پاکیزگی و شکر به عنوان یک ارزش محسوب شده‌اند، هرچند اکثریت مردم با آن مخالف باشند و بی‌ایمانی و ناپاکی و کفران، یک ضدارزش به حساب آمده‌اند هرچند از سوی اکثریت پذیرفته شود.

آنچه ذکر شده نسبت در مسائل اخلاقی را نفی می‌کند و پذیرش یا عدم پذیرش از سوی گروهی خاص را معیار ارزش یا عدم ارزش نمی‌داند. افزون اینکه واقعیت جرم از دیدگاه اسلام، به معنای نفی ارزش‌های اعتباری و قراردادی نیست. جامعه برای اداره امور اجتماعی خود ناگزیر است ضوابط و قوانینی را براساس ارزش‌های اعتباری و قراردادی وضع نماید که تخلف از آن هنجارها می‌تواند جرم به حساب آید اما سخن این است که همه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی این گونه نیستند و نمی‌توان آن‌ها را ناشی از اعتبار و قرارداد اجتماعی دانست.

۱- آثار دخالت نهادهای کیفری و برچسب خوردن فرد مجرم^۴

دیدگاه برچسب‌زنی به آثار وارد آمدن برچسب بر روند رشد و تحول روانی و اجتماعی مجرمان اشاره دارد. زمانی که فرد، برچسب می‌خورد، تحت فشار قرار می‌گیرد که برایش بسیار ناخوشایند است. درحقیقت نیاز به احترام از نیازهای اساسی است که هر فرد به آن توجه دارد و اگر این نیاز برآورده نشود، موجب فشار روانی برای او می‌شود. در روایتی امام صادق (ع) به تقویت روحیه یکی از یاران خود به نام ابوبصیر که از فشار روانی برچسب‌های وارد آمده بر شیعیان شکایت می‌کرد، پرداخته است. در این حدیث که محمد بن سلیمان از پدرش نقل کرده، می‌خوانیم: «نزد امام صادق (ع) بودم زمانی که ابوبصیر بر امام (ع) وارد شد... گفتم فدایت شوم؛ همانا ما را ملقب به القابی کرده‌اند که کمر ما به سبب آن‌ها شکسته است و ما به واسطه آن القاب، دل مرده شده‌ایم و زمامداران نیز به سبب همین القاب که بر ما گذاشته شده است، به دلیل آنچه فقیهان آن‌ها برایشان روایت کرده‌اند ریختن خون ما را حلال می‌دانند. امام صادق (ع) فرمودند: آیا نسبت دادن شما به رافضی^۵ را می‌گوی؟» گفتم: آری فرمودند: «نه، به خدا سوگند، آن‌ها شما را به این نام نخوانده‌اند، بلکه خدا شما را چنین نامیده است. ای ابا محمد،

۱- الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ... وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ...
۲- «...إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ».

۳- «وَمَا أَكْثَرَ النَّاسَ وَلَوْ خَرَصْتُ بِمُؤْمِنِينَ».

۴ - بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی، نویسنده سیدمحمد حسینی، نفیسه متولی‌زاده نائینی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲۴۶

۵ - «رفض» در لغت به معنای رها کردن چیزی آمده است. به همین دلیل به پیروان امامان (ع) رافضی می‌گفته‌اند، چرا که بر این عقیده بوده‌اند که این پیروان، سنت پیامبر (ص) را رها کرده‌اند (ابن فارس ابن زکریا، ۱۴۱۰ ه. ق، ص ۱۵۴)

آیا نمی‌دانی که هفتاد مرد از بنی اسرائیل، آنگاه که گمراهی فرعون و قومش برایشان ثابت شد، آن‌ها به موسی (ع) پیوستند و سپس هدایت شدند؟

...پس در لشکر موسی (ع) به آن‌ها رافضی می‌گفتند، چون فرعون را رها کرده بودند و آن‌ها بالاترین درجه را داشتند...^۱ (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۳۴).

همچنین «محمد بن فضیل گوید، درباره یکی از دوستانم به من خبری رسید که دلخواه من نبود. من از خودش پرسیدم. باین که افراد موثقی آن را از وی نقل کرده بودند، منکر آن شد. درباره او از امام کاظم (ع) سؤال کردم؛ ایشان در پاسخ به من فرمودند: «ای محمد، مبادا چیزی را علیه او پخش کنی که او را زشت گرداند و اعتبارش را از بین ببرد.» همچنین امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید «بر حذر باش از اظهار غیرت و بدگمانی درجایی که نباید غیرت به کاربرد؛ زیرا این کار زنان را به نادرستی و بی‌گناهان را به‌سوی آلودگی فرا می‌خواند...»^۲ (فیض الاسلام، ۹۳۹).

امام علی (ع) در این حدیث اشاره فرموده‌اند که قضاوت ناروا نسبت به دیگران ممکن است سبب گردد که هویت جدیدی از فرد ساخته شود. با وارد آمدن برچسب مجرمانه به فرد، دیگران حتی به رفتارهای متعارف او با بدبینی می‌نگرند و این امر موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های مجرمانه و ایفای نقش‌های مجرمانه می‌شود.

به همین دلیل است که در آیه ۱۲ سوره حجرات، افراد از سوءظن و بدبینی نسبت به یکدیگر نهی شده‌اند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، چرا که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است...»^۳

با توجه به این سخنان آلوده شدن فرد به بدی‌ها، یکی از آثار مهم بدبینی نسبت به دیگران است. افراد با پذیرش این هویت مجرمانه، غالباً با کسانی هم‌نشین می‌شوند که در رفتارها و افکار با آنان همراه هستند. شبیه بودن در خصوصیات، نگرش‌ها، رفتارها و بسیاری از ویژگی‌های دیگر، افراد را به هم جذب می‌کند.

۲- راه‌حل‌های کنترلی

۲-۱- بزه‌پوشی، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم

بزه‌پوشی، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم روشی است که به‌عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام مطرح است سعی در بزه‌پوشی و جلوگیری از افشای جرم و ترغیب شخص خطا کار، مردم و حتی

۱ - «كنت عند ابي عبد الله (ع) دخل عليه ابو بصير... قلت جعلت فداك فاننا قد نبزنا انكسرت له ظهورنا وماتت له افئدتا ناستحلت له الولاه دماننا في حديث رواه لهم فقهاءهم. قال فقال ابو عبد الله (ع) الرافضة؟ قال قلت نعم. قال: لا والله ما هم سموكم ولكن الله سماكم به اما علمت: يا ابا محمد ان سبعين رجلا من بني اسرائيل رفضوا فرعون وقومه لما استبان لهم ضلالهم فلهقوا بموسى (ع) لما استبان لهم هداة فسموا في عسكر موسى الرافضة لانهم رفضوا فرعون وكانوا اشد اهل ذلك العسكر عبادة...»

۲ - «إياك والتغائر في غير موضع غيرة، فإن ذلك يدعو الصحيحة إلى السقم والبرية إلى الريب»

۳ - «يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن إن بعض الظن إثم...» - قرآن کریم، سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۲

حاکم و قاضی به ستر گناه و پوشیدن خطا در آیات و روایات مورد توجه بوده و آن را از ابعاد و جنبه‌های مختلف دارای اهمیتی قابل توجه دانسته‌اند. در آیات و روایات فراوانی به این موضوع اشاره شده است. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: برای کسانی که دوست دارند درباره مؤمنان تهمت زنا شایع شود در دنیا و آخرت عذابی دردآور مهیاست؛ خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»^۱

دولتمردان و قضات از نهی از افشای سرّ مردم مستثنا نیستند و آن‌ها نیز مشمول دستور و توصیه به ستر عیوب و خطایای مردم می‌باشند. امام علی (ع) در نامه‌ی خود خطاب به مالک اشتر فرمود: «دورترین و منفورترین مردم نزد تو باید کسانی باشند که بیشتر به دنبال عیوب مردم هستند چرا که مردم را عیوبی هست که حاکم سزاوارترین کس به پوشاندن آن عیوب است به دنبال کشف خطاهایی که از تو پنهان مانده نباش. پس تا می‌توانی زشتی‌های مردم را بپوشان تا خدا زشتی‌های تو را که دوست می‌داری از مردم مستور بماند بپوشاند.»

۲-۲- عفو

از جمله راه کارهای اسلام به منظور پیشگیری از پیامدهای منفی واکنش جزایی، عفو است. مجازات حتی اگر عادلانه باشد معمولاً برای مجرم بسیار گران و سخت تمام می‌شود و نوعی نفرت و کینه در او نسبت به بزه‌دیده و جامعه پدید می‌آورد و این خود علاوه بر اینکه مایه انقطاع و بریدگی مجرم از جامعه می‌شود، می‌تواند در وقوع جرایم بعدی علیه بزه‌دیده مؤثر باشد، در حالی که عفو به دلیل آن که نوعی امتنان و رحمت نسبت به مجرم است از سویی مایه عزت و سربلندی بزه‌دیده نزد مجرم است.

۲-۳- توبه

توبه یکی از راه کارهای کنترلی است که در آیات و روایات به آن اشاره بسیار شده است. توبه در لغت به معنای بازگشت می‌باشد و در اصطلاح به معنای بازگشت از معصیت است. جهت‌گیری شارع مقدس در قرآن، همچنین اولیای دین در احادیث و روایات و نیز سیره عملی آن‌ها، بر اصلاح بزه‌کار از طریق غیر قضایی است، قرآن مجید در حالی که گناهکاران را مورد خطاب قرار می‌دهد بدون دعوت و دلالت آن‌ها به افشای سر و باطن خود برای دیگران، ایشان را به توبه و انابه به درگاه الهی و پشیمانی و ندامت از عملکرد خود دعوت کرده و با آن‌ها وعده آمرزش و مغفرت از سوی ذات باری تعالی می‌دهد. در آیه ۸ سوره تحریم می‌خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به درگاه خدا توبه کنید؛ توبه‌ای از روی اخلاص، باشد که پروردگارتان گناهانتان را محو کند و شما را به بهشت‌هایی داخل کند که در آن نهرها جاری است»^۲

۱- قرآن کریم، سوره مبارکه نور، آیه ۱۹

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»

۴-۲- میانجی‌گری و اصلاح ذات‌البین

از جمله راهکارهای اصلاحی و غیر کیفری اسلام، میانجی‌گری و اصلاح ذات‌البین است که در مورد اختلافات بین آحاد مردم وجود دارد و در آیات و روایات متعددی به آن پرداخته شده است. قرآن کریم در آیه اول سوره انفال همراه دستور به تقوای الهی به صراحت دستور به اصلاح ذات‌البین می‌دهد «از خدا بترسید و اختلاف بین خودتان را اصلاح و آشتی دهید...»^۱

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است «اصلاح دهنده دروغ گو نیست، همانا سخن غیر واقع برای صلح میان دو نفر دروغ نیست»^۲

تمامی این موارد، نشان‌دهنده میزان اهمیتی است که در اسلام به رفع خصومت و حل اختلاف مردم خارج از دایره قانون و قضا داده شده است.

۵-۲- سخت‌گیری در اثبات جرم

سخت کردن اثبات جرم نیز فرصتی بیشتر به مجرم در راستای توبه و دور ساختن فرد از برچسب خوردن است به لحاظ اصل براءت در حقوق جزایی، به‌طور کلی در مقایسه با دعاوی مدنی، در دعاوی کیفری شمار ادله اثبات محدودتر است.

ادله اثباتی کیفری در آیین دادرسی کیفری اسلامی نیز در بعضی موارد چنان مشروط و مقید شده‌اند که اثبات جرم با آن ادله بعید و نادر است.

با وجود آنچه در حقوق اسلامی در خصوص چگونگی رفتار مردم با یکدیگر و پرهیز از برچسب‌زنی گفته شد اما در برخی از جرایم خطرناک که با آبرو، ناموس یا اموال و نفوس مردم مواجه است و آن‌ها را به مخاطره جدی می‌اندازد؛ برخی از مجازات و یا شیوه اجرای آن‌ها به‌نوعی موجب برچسب بر فرد می‌گردد تا زمینه‌های پیشگیری از آن جرم را فراهم ساخته و جامعه اسلامی در امنیت اخلاقی، ناموسی، مالی و جانی قرار گیرد به‌طور نمونه اجرای حد زنا در حضور گروهی از مردم^۳ یا قطع ید سارق که به‌هر حال موجب نقص عضو همیشگی وی شده و در آینده باید پاسخ‌گوی چرایی آن نزد دیگران باشد^۴ و تشهیر^۵ مجرم در برخی از جرایم مواردی است که موجب برچسب خوردگی افراد می‌گردد.

گفتار دوم- برچسب‌زنی در حقوق موضوعه ایران

با آنچه در خصوص برچسب‌زنی گفته شد و روندی که در مکاتب حقوقی و سیاست‌های جزایی در

۱- ... فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...

۲- إِنَّ الْمُصْلَحَ لَيْسَ بِكَذَّابٍ إِنَّمَا هُوَ الصُّلْحُ وَ لَيْسَ بِكَذِّبٍ

۳- وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ، سوره مبارکه نور آیه ۲

۴- وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا ...، سوره مبارکه مائده آیه ۸۳

۵- مجازات تشهیر از جمله مجازات‌های پذیرفته شده در نظام کیفری اسلام است که به معنای معرفی مجرم به افراد جامعه و اعلان جرم او به همگان است. در روش‌های امروزی تشهیر انتشار اسامی مجرمین در روزنامه‌ها و پخش تصاویر آن‌ها در رسانه‌های گروهی می‌باشد در جرایمی مانند کلاهبرداری، قذف، قیادت و شهادت کذب استفاده از تشهیر در فقه مطرح شده است.

کلیه کشورها و دیدگاه‌های حقوقی ایجاد شده است و با عنوان تغییر مسیر یا عدالت ترمیمی درحال گسترش است. مجموعه قوانین جزایی ایران اعم از قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری نیز از این تغییرات و نوآوری‌ها عقب نمانده و با هدف ایجاد جامعه سالم و جلوگیری از مجرم‌سازی افراد با تکرار جرم که متأسفانه اکنون بالغ بر ۵۰ درصد مجرمین را شامل می‌شود مواردی را اشاره نموده است که به‌طور اختصار به آن می‌پردازیم.

۱- قانون مجازات اسلامی

در این قانون با اصلاح برخی مواد و افزایش موارد حمایتی به‌منظور برچسب نخوردن افراد و یا کمتر قرار گرفتن در سیستم جزایی مواردی مورد اشاره قرار گرفته است. استفاده از مجازات جایگزین حبس طبق مواد (۶۷-۶۶-۶۵-۶۴) معافیت از کیفر (ماده ۳۹)، نظام نیمه‌آزادی (ماده ۵۶)، رفع آثار تبعی مجازات در جرایم قابل گذشت (تبصره ۲ ماده ۲۵)، تسلیم اطفال ۱۵ تا ۹ سال به والدین در جرایم تعزیری (ماده ۸۸) و عدم صدور حکم حبس در هر صورت در جرایم تعزیری نسبت به اطفال ۱۸-۱۵ سال (ماده ۸۹)، سخت‌گیری در اثبات جرایم حدود و قصاص اطفال تا ۱۸ سال (ماده ۹۱)، تعویق و یا تعلیق اجرای مجازات اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری (ماده ۹۴)، حذف آثار کیفری جرایم اطفال (ماده ۹۵)، وضع قواعد مرور زمان طرح شکایت یا تعقیب و اجرای آن در جرایم تعزیری (مواد ۱۰۶ و ۱۰۷).^۱ برخی از این تغییرات ناشی از اصلاح نگرش‌های اخیر می‌باشد.

۲- قانون آیین دادرسی کیفری

این قانون نیز در رویکردهای اخیر کیفری و تغییرات جهان خالی از نوآوری نبوده و با الهام از آثار منفی برچسب‌زنی به متهمین، مواردی را برای پیشگیری از ورود افراد به دستگاه قضایی و حل و فصل آن قبل از طرح موضوع در سیستم قضایی یا حمایت از متهم در راستای عدم ورود و ثبت سابقه جزایی پیش‌بینی نموده که مواردی از آن را اشاره می‌نماییم؛

به‌کارگیری عناوین میانجی‌گری، صلح و سازش، رعایت حقوق متهم، (ماده ۱ قانون آ.د.ک) بایگانی کردن پرونده برخی جرایم تعزیری (ماده ۸۰ ق.آ.د.ک) تعلیق تعقیب در جرایم تعزیری (مواد ۸۱-۸۲ ق.آ.د.ک)^۲

این‌ها نوآوری‌های مهمی هستند که قانون‌گذار جزایی ایران از سال ۱۳۹۲ به بعد و بعضاً در برخی قوانین دیگر با توصیه به قضا زدایی و صلح و سازش و کاهش عناوین مجرمانه یا تبدیل آن به مجازات اداری^۳ دستگاه عدالت کیفری را به انجام آن تکلیف نموده تا مصون‌سازی افراد از انگ زنی و برچسب

۱ - همگی موارد از قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی

۲ - همگی موارد از قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی

۳ - قانون برنامه ششم، ماده ۳۸

خوری افراطی و نهایتاً سالم سازی جامعه از خیل مجرمین حرفه‌ای و تکراری و حرکت به سوی بهتر شدن جریان امور محقق گردد.

مبحث دوم- برچسب‌زنی، مکاتب جرم‌شناسی، آثار و نتایج

گفتار اول: اثرات برچسب‌زنی بر سایر مکاتب جرم‌شناسی

رویکرد برچسب‌زنی نفوذی عمده بر دیدگاه‌های جرم‌شناسی مارکسیستی، فمینیستی، انتقادی و جمهوری خواه داشته است. جامعه‌شناسانی که آثار برچسب‌زنی را مطالعه و تأثیر منفی آن را در بزهداری مجدد افراد دیده‌اند در مقابل برای کاهش این آثار به سمت مجازات شدن افراد یا جایگزینی مجازات روی آورده‌اند. آقای «بریث ویت» در نظریه جمهوری خواه در جست‌وجوی سازوکاری است که به جای فرایند کیفری مرسوم و پاسخ‌های مبتنی بر سزاگرایی و بازدارندگی که اصولاً دارای اثر شرمساری بدنام و تحقیر کننده است، دارای آثار بازپذیر کننده باشد. وی معتقد است نرخ تکرار جرم در میان بزه‌کارانی که پاسخ تحقیر کننده و بدنام می‌گیرند بیش از کسانی است که پاسخ شرمساری بازپذیر کننده را تجربه می‌کنند (دکتر حسین غلامی، ۱۳۹۵: ۲۲۸).

دیدگاه برچسب‌زنی همچنین تأثیر شایانی در سطح سیاست‌پردازی داشته است. این تأثیر به‌ویژه در سطح برنامه‌های مربوط به قشرهای جوان، نوجوان و کودک مصداق یافته، نمونه این موارد برنامه‌های «تغییر مسیر» است که امروزه از شماری از ایالات و سرزمین‌های تحت قیمومیت استرالیا به اجرا در آمده است. برای نمونه می‌توان از برنامه‌های پیش از دادگاه نام برد، این برنامه نوجوانان ۱۰ تا ۱۴ ساله با جرایم کمتر خطرناک را شامل می‌شود، پلیس با هشدارهای غیررسمی از سوی افسران با مضمون‌هایی مانند «دیگر این کار را نکن» از وارد کردن به مراحل قانونی جریان دادرسی جزایی بازمی‌دارد. این برنامه در سه دهه اخیر رواج فراوانی یافته است، همچنین با ایجاد نهادهای جایگزین دادگاه، مانند «هیئت‌های امداد اجتماعی» و «هیئت‌های قضایی جوانان» تأکید دارد مسیر برخورد جوانان را از ابعاد رسمی‌تر نظام جزایی دور سازد و به این شکل احتمال وارد آمدن برچسب‌های منفی را بر این قشر کاهش دهد (راب‌رایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۲۰۲) و یا با حذف سوابقی که در نوجوانی انجام داده‌اند آن‌ها را از بدنام شدن برهاند؛ یا اجرای دادگاه‌های علنی را نسبت به آنان محدود سازد یا از ثبت سابقه و انگشت‌نگاری آنان خودداری نماید تا این قشر عملاً از دسترسی به نظام جزایی دور نگاه داشته شوند.

گفتار دوم- انتقادات، آثار و نتایج

۱- یکی از مهم‌ترین انتقادات محققین این است که برچسب‌زنی توضیحی ارائه نمی‌دهد که کج‌روی یا انحراف اولیه چرا برای اولین بار صورت می‌پذیرد زیرا اکثر صحبت آنان به کج‌روی‌های متهم پس از ارتکاب اولین جرم و نقش برچسب منفی بر وی است؛ اما درخصوص اولین نوبت ارتکاب جرم دلیل قانع‌کننده‌ای نمی‌آورند.

۲- برخی از محققین نیز این دیدگاه برچسب‌زنی را که جرم منحصرأ حاصل واکنش اجتماعی است موردنقد قرار می‌دهند. در جرایمی مانند تجاوز و قتل عمد به لحاظ برخی کیفیت ذاتی آن‌ها تمامی فرهنگ‌ها و بخشی از قوانین جزایی خود را به آن اختصاص داده‌اند و اگر به این اعتقاد باشیم که جرم صرفأ واکنش اجتماعی است بخشی از واقعیات را تحریف نموده‌ایم زیرا در این جرایم نه فقط مبانی ذهنی دارند و نه صرفأ دولت‌ها آن را وضع نموده‌اند.

۳- دیدگاه برچسب‌زنی در مواردی این موضوع را تبیین نمی‌کند که چه چیزی توان لازم را برای دفع برچسب‌های خاص به افراد می‌دهد زیرا درحالی که برخی افراد در برابر برچسب‌ها به زانو در می‌آیند و هویت مجرمانه می‌پذیرند؛ افرادی دیگری قادر هستند فرآیند برچسب‌زنی را از خود دفع کنند.

۴- با توجه به واکنش متفاوت افراد در برابر برچسب‌زنی این نکته مهم است که چه‌بسا عدم واکنش در مقابل فردی که مرتکب سرقت شده است، موجب شود تا او از کار خود دست نکشد و بارها مرتکب جرم گردد اما با یک‌بار دستگیری ممکن است از این رفتار خود منصرف گردد (دکتر حسین غلامی، پیشین).

۵- نظریه پردازان برچسب‌زنی مرتکبان را به‌عنوان بازیگرانی که به‌سادگی برچسب‌هایی را دیگران بر آنان بار می‌کنند و رفتاری پیوسته با طبقه‌بندی منفی دیگران را برمی‌گزینند می‌پذیرند.

۶- با توجه به اینکه این دیدگاه برچسب‌زنی را محصول عوامل دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس و دادسرا می‌داند و از طرفی حاکمیت را در وضع قوانین برای محدودسازی افراد و تقویت خود با انجام برچسب‌زنی مقصر می‌شناسد لذا این نظریه فقط در نظام‌هایی کاربرد دارد که پلیس از اختیارات قضایی یا شبه قضایی برخوردار باشد و یا در آن نظام‌ها عناوین مجرمانه موسع وجود داشته و قاضی اختیارات وسیعی در تفسیر قوانین داشته باشد (علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی: ۳۵۳).

۷- نظریه برچسب‌زنی درخصوص اینکه چرا برخی از افراد تمایل به نقض هنجارها دارند اما برخی دیگر چنین نیستند پاسخی ارائه نمی‌دهد و مباحث مانند خصایص شخصی و یا اوضاع و احوالی که فرد را به‌سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد نادیده می‌گیرد. این نظریه اظهار می‌دارد فرد صرفأ به خاطر برچسب دیگران وارد حرفه مجرمانه می‌شود غافل از اینکه تربیت، تحصیلات، وابستگی‌های اجتماعی و مانند آن همگی در این روند مؤثر هستند.

۸- این نظریه توضیح نمی‌دهد که در ارتکاب جرم ثانویه آیا افزایش رفتار بزهکارانه در پی محکومیت تنها در اثر برچسب‌زنی است یا حاصل کنش متقابل با دیگر بزهکاران در زندان یا در محیط اجتماعی یا ناشی از تسری خرده‌فرهنگ بزهکاری است (غلامرضا محمدنسل: ۲).

- آثار و نتایج نظریه برچسب بزنی در بهبود جریان امور

۱- این نظریه با همه نقاط قوت و ضعفی که دارد تحولات مهمی را در ماهیت و ساختار حقوق جزا و جرم‌شناسی ایجاد نموده است؛ که بارزترین آن قضازدایی، کیفرزدایی و جرم‌زدایی می‌باشد. قضا زدایی یعنی محدود کردن صلاحیت دستگاه قضایی در رسیدگی به جرایم و متوسل شدن به طریق غیرقضایی و غیرپلیسی در رسیدگی به برخی جرایم کیفرزدایی به معنی جایگزین کردن مجازات حبس و به عبارتی دیگر اجتماعی کردن مجازات و بعضاً تخفیف مجازات کیفری و جرم‌زدایی یعنی زدودن وصف مجرمانه از برخی اعمال جزایی و تبدیل آن به تخلفات اداری، انضباطی و صنفی که مشمول نظام غیرکیفری و ضمانت اجراهای غیرکیفری می‌شوند.

۲- یکی دیگر از مهم‌ترین آثار این نظریه که تحول عمیقی ایجاد نموده است، حقوق جزایی اطفال است. حقوق جزایی صغار یا اطفال بزهکار در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا از شمول رفتار پلیس عمومی، رفتار قضات و آیین دادرسی کیفری خارج هستند. چراکه مداخله پلیس یا دستگاه کیفری درخصوص اطفال بزهکار یا ناسازگار جرم‌زا است و ویژگی‌های مجرمانه آن‌ها را تقویت می‌کند و بنابراین بهتر است که اطفال از اقدامات تربیتی و از روش‌های سنتی حل و فصل اختلافات برخوردار باشند (علی حسین نجفی ابرندآبادی: ۳۵۴).

۳- مجموعه یاد شده به اقتضای شرایط زمانی و مکانی می‌تواند در ایجاد یا تسهیل جریان امور، نقش به‌سزایی ایفا نماید. بدین لحاظ چنان‌که در عنوان این نوشته و در متن آن متذکر شدیم، بحث حسن جریان امور، مبحثی اجتماعی و فراتر از مرزهای بازرسی است و با در معرض قرار دادن جامعه عمومی، می‌تواند به تسهیل فعالیت‌های بازرسی و اثربخشی آن در هر جا که اقتضا کند، بیانجامد.

پیوست‌ها

مواد استنادی قانون مجازات اسلامی

تبصره ۲ ماده ۲۵- درمورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی باگذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

ماده ۳۹- در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرروزیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

ماده ۵۶- نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که براساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس،

فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد.

ماده ۶۴- مجازات جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف باملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.

تبصره- دادگاه در ضمن حکم، به سنجیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات جایگزین حکم دهد.

ماده ۶۵- مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده ۶۶- مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده ۶۷- دادگاه می‌تواند مرتکبان جرایم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند.

ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.

ماده ۸۹- «درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات اجرا می‌شود، در هر صورت فاقد حبس است.»

ماده ۹۱- «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.»

ماده ۹۴- «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.»

ماده ۹۵- «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.»

ماده ۱۰۶- «در جرایم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود.»

ماده ۱۰۷- «مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند.»

مواد استنادی قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۱- «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.»

ماده ۸۰- «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد،

در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند.»

ماده ۸۱- «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از أخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با أخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند.»

ماده ۸۲- «همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد.»

ماده ۳۸ قانون برنامه ششم توسعه کشور

ماده ۳۸- الف- «قوه قضائیه مکلف است نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین قضایی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم و اختلاف، کاهش عناوین مجرمانه و محکومیت حبس و تبدیل آن به مجازات دیگر و متناسب‌سازی مجازات و جرایم جایگزین کردن ضمانت اجرای غیر کیفری مؤثر و روزآمد از قبلی انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی اقدام و لوایح موردنیاز را تهیه و از طریق دولت با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۸۹/۳/۲۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند»

ب- «قوه قضائیه مکلف است در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم و کاهش دعاوی حقوقی نسبت به انجام تکالیف قانونی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام کند.»

ج- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات عمومی و مردم‌نهاد، به منظور بازاجتماعی شدن محکومان اقدامات زیر انجام دهد:

- ۱- تسهیل بازگشت محکومان پس از تحمل کیفر به زندگی شرافتمندانه و رفع موانع اشتغال آنان با سازمان‌دهی و محدود کردن و موارد استعمال از سوءپیشینه به موارد خاص و رفع اثر محکومیت در چارچوب قوانین مربوط.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- پایگاه خبری ویکی پدیا، www.wikipedia، مقاله نظریه برچسب‌زنی
- ۳- حسینی، سیدمحمد، متولی زاده نائینی، نفیسه (۱۳۹۱). بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴
- ۴- راب رایت و فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۵- مقاله برچسب‌زنی در منابع اسلامی
- ۶- غلامی، حسین (۱۳۹۵). کیفرشناسی، چاپ اول، نشر میزان
- ۷- فرانک پی، مارلین دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، (۱۳۹۱). انتشارات میزان
- ۸- محمدنسل، غلامرضا. نقش برچسب‌زنی در بزهکاری، پایگاه اینترنتی شفقنا
- ۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱). مباحثی در علوم جنایی، ویراست هفتم، تهیه‌کننده شهرام ابراهیمی

بررسی عوامل مؤثر بر پیچیدگی نظام مالیاتی کشور و اندازه گیری درجه پیچیدگی منابع مالیات های مستقیم

علی باغانی^۱

علیرضا حسنی^۲

چکیده

پیچیدگی مالیاتی باعث افزایش هزینه های تمکین برای مؤدیان و هزینه های اداری وصول مالیات برای دولت می شود. این پژوهش ضمن بیان مبانی نظری عوامل مؤثر بر پیچیدگی مالیات های مستقیم در چهار گروه پیچیدگی سیاسی، قانونی، اداری و اجرایی و تمکین، به اندازه گیری پیچیدگی مالیات های مستقیم پرداخته و با استفاده از تکنیک دلفی و ضریب هماهنگی کندال-وی با حضور اعضای خبرگان مالیاتی نسبت به رتبه بندی و استخراج وزن عوامل مؤثر در پیچیدگی مالیات مستقیم اقدام کرده است، سپس با ادغام وزن های به دست آمده و داده ها و اطلاعات مربوط در نظام مالیاتی کشور، شاخصی به منظور اندازه گیری پیچیدگی مالیات های مستقیم ارائه نموده است. شاخص مذکور در منابع اشخاص حقیقی و حقوقی و زیرگروه های مربوط محاسبه و حاصل آن با استفاده از نرم افزار spss18 و آزمون های لون، کولموگروف-سمیرنوف، ران، فریدمن، t و میانگین دو جامعه مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که به ترتیب عوامل اداری و اجرایی، قانونی، تمکین و در نهایت عوامل سیاسی بیشترین تأثیر را در پیچیدگی نظام مالیات مستقیم به خود اختصاص داده اند همچنین در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می دهد که نظام مالیات مستقیم به سمت ساده سازی سوق پیدا نکرده، بلکه به سوی پیچیدگی بیشتر گرایش داشته است و پیچیدگی مالیاتی اشخاص حقیقی بیشتر از اشخاص حقوقی مالیات مستقیم بوده است.

واژگان کلیدی: شاخص پیچیدگی مالیات های مستقیم، عوامل سیاسی، عوامل اداری و اجرا، عوامل تمکین، عوامل قانونی

۱ - عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران - Ali.baghani58@gmail.com
۲ - کارشناس ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و سرپرست هیئت بازرسی مالیاتی سازمان بازرسی کل کشور (نویسنده مسئول) - ha.ali182@gmail.com

مقدمه

برای مالیات به عنوان ابزار سیاست مالی دولت کارکردهای متفاوتی تعریف شده که از جمله آن می توان به تأمین درآمدهای دولت، هدایت اقتصاد و توزیع مجدد ثروت اشاره کرد، لکن باید اعلام نمود که این کارکردها در اجرا باعث پیچیدگی هایی برای دولت، پرداخت کنندگان مالیات و سایر ذی نفعان می گردد.

بخش زیادی از مشکلات و معضلات رفتاری تمکین مؤدیان مالیاتی به ماهیت قوانین برمی گردد. در حقیقت باید مشخص شود که قوانین مالیاتی به درستی تدوین شده اند و مقررات مناسب هستند یا خیر. این امکان وجود دارد که قوانین مالیاتی دربردارنده ی راه های فرار یا امکان تأخیر در پرداخت مالیات باشند. شفافیت در قانون، هم برای مؤدیان و هم دولت یک امر مهم است. از دیدگاه سیاست گذاری، عدم شفافیت می تواند نتایج خوداظهاری را مخدوش کند. وقتی که قانون مبهم است مؤدی نمی تواند آنچه را که در چارچوب قانون می تواند انجام دهد از پیش بداند و هرگونه «طراحی مالیاتی» را برای او غیرممکن می کند (Li, 1997).

رویکردهای اخیر در اصلاح نظام مالیاتی تأکید زیادی بر حداقل کردن آثار تحریفی سیاست های مالیاتی به منظور حفظ رقابت پذیری اقتصاد دارد کاهش تنوع نرخ های مالیاتی به منظور کاهش تحریف های ناخواسته در قیمت های نسبی، توجه به عدالت افقی به جای عدالت عمودی، ساده سازی مالیات، گسترش پایه های مالیاتی و کاهش تنوع نرخ ها از رویکردهای جدید برنامه اصلاح مالیاتی قلمداد می شود (زایر، ۱۳۸۸).

تحقیقات نشان داده هرچه مقررات پیچیده تر باشند و مالیات بیشتری دریافت شود، اقتصاد زیرزمینی بزرگ تر خواهد بود بسیاری دیگر از محققان نتیجه گرفته اند که مهم ترین عامل رونق اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی در بالا بودن نرخ های مالیاتی و پیچیدگی قوانین و مقررات مربوط به بازارهای کار و کالا نهفته است (سیدنورانی، ۱۳۸۸).

یکی از مسائل و نارسایی های عمده ی قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ و اصلاحیه های بعدی آن، عدم رعایت اصل سادگی و شفافیت و استفاده از لغات غیرمصطلح، غیرمعمول، مشکل، غیرفارسی و با حجم زیاد بوده که به طور عموم در تفسیر و توجیه، هم برای مأموران و هم برای مؤدیان مالیاتی مشکل ساز است (بابایی اسکویی، ۱۳۸۵).

۱- بیان مسئله

پیچیدگی های قوانین و سیاست های مالیاتی، سبب می شود که اجرای آن ها با مشکلات بسیاری مواجه شود. بسیاری از مؤدیان به علت ناتوانی از درک کامل قوانین موجود مرتکب اشتباهات پی درپی شده و دستگاه مالیاتی ناگزیر از اصلاح آن ها با صرف هزینه های سنگین است.

علاوه بر قوانین، عدم شفافیت در فرم ها و اظهارنامه های مالیاتی نیز نقش زیادی در فرار و عدم تمکین

مالیات دارد که ناشی از عدم شفافیت و یا ابهام در قوانین مالیاتی است (خان جان، ۱۳۸۴). اهمیت ساده‌سازی نظام مالیاتی، به دلیل تأثیر آن بر افزایش اثربخشی و کارایی دستگاه مالیاتی است. قوانین پیچیده و مبهم، دشواری‌هایی برای مؤدیان ایجاد می‌کند و پیچیدگی قوانین مالیاتی یکی از مهم‌ترین عواملی است که هزینه‌های تمکین را نیز افزایش می‌دهد و از موانع تمکین داوطلبانه مؤدیان به شمار می‌رود (سیلوانی، ۱۳۸۱).

اولین قانون مالیات‌های مستقیم که در سال ۱۳۴۵ وضع گردید، در سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۶۶ و ۱۳۸۰ و اخیراً در سال ۱۳۹۴ مورد بازنگری قرار گرفته است. از آنجا که دوره مالیاتی بر مبنای قانون مصوب ۱۳۴۵ فاقد داده‌های اطلاعاتی کافی بوده و یا دسترسی به آن‌ها وجود ندارد و همچنین اصلاحیه قانون اخیر سال ۱۳۹۴ نیز با توجه به اینکه در بدو شروع به اجرا بوده و عملاً داده‌های آماری برای این دوره متصور نیست، لذا در این مقاله ضمن معرفی و شناسایی عناصر مؤثر در پیچیدگی مالیات‌های مستقیم، در نهایت شاخصی ارائه می‌گردد که به «شاخص پیچیدگی مالیات‌های مستقیم»^۱ موسوم خواهد بود و تلاش می‌کند تا نظام مالیاتی مبتنی بر قوانین مالیات‌های مستقیم مصوب (۱۳۶۶) و اصلاحیه قوانین مالیات مستقیم (۱۳۸۰) را با توجه به اینکه حائز داده‌های اطلاعاتی مورد نیاز هستند را با یکدیگر مقایسه نموده و نتایج مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. همچنین براساس عناصر معرفی شده، شاخص پیچیدگی مالیات‌های مستقیم در زیرگروه منابع اشخاص حقیقی و حقوقی جاری در نظام مالیاتی کشور مورد آزمون و تحلیل قرار گرفته است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- ادبیات پژوهش

۲-۱-۱ مفهوم پیچیدگی مالیاتی

پیچیدگی را به صورت مجموع هزینه‌هایی که بر مؤدیان و دولت تحمیل می‌شوند تعریف می‌کنند و می‌توان با معیاری کمی نظام‌های مالیاتی مختلف را با یکدیگر مقایسه و نیز ابعاد مختلف یک نظام مالیاتی خاص را بررسی و تأثیرات آن را بر اصول عدالت، کارایی و درآمد مالیاتی تحلیل نمود (زایر ۱۳۸۸). پیچیدگی یک مفهوم چندبعدی است که از دید ذی‌نفعان مختلف مانند وکلا، حسابداران، حسابرسان و مؤدیان مالیاتی معانی مختلفی دارد و ارزیابی‌های متفاوتی از این مفهوم وجود دارد (اوانز و تران، ۲۰۱۳).

۲-۱-۲ آثار و ابعاد پیچیدگی مالیاتی

پیچیدگی بالای نظام مالیاتی، اثرات و پیامدهایی در حوزه‌های مختلف برجا می‌گذارد از جمله یافتن ترندهای گوناگون به منظور کتمان درآمد از اصابت مالیاتی، پایین بودن سطح تمکین داوطلبانه،

افزایش احتمال اشتباهات سهوی مؤدیان در محاسبه میزان مالیات پرداختی، افزایش تصور عمومی مبنی بر ناعادلانه بودن نظام مالیاتی، هزینه‌های بالای وصول و تمکین مالیاتی، کیفیت پایین خدمات مالیاتی ادارات مالیاتی، کاهش اثربخشی ابزارهای ضمانت اجرا از قبیل جرایم مالیاتی و... (زائر، ۱۳۸۸).

۲-۲- عوامل مؤثر بر پیچیدگی مالیاتی

متغیر پیچیدگی نظام مالیات مستقیم در این مقاله در چهار گروه سیاستی، قانونی، اداری و تمکین تعریف گردیده و هریک از گروه‌ها دارای زیرگروه‌های دیگری بوده که با اندازه‌گیری هریک از زیرگروه‌ها در نهایت متغیر پیچیدگی مالیات مستقیم به دست می‌آید.

۲-۲-۱- عوامل سیاستی^۱

به‌طور کلی پیچیدگی که از سیاست‌های تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران ناشی می‌شود و باعث پیچیدگی نظام مالیاتی می‌گردد (اوانز و تران، ۲۰۱۳).

یکی از عوامل مؤثر در پیچیدگی نظام مالیاتی، عدم اتفاق نظر در مورد اهداف سیاست‌های مالیاتی است، نتایج سیاست مالیاتی معمولاً منعکس‌کننده تلاش‌هایی است که برای متوازن کردن یک یا چند هدف در مقابل اهداف دیگر صورت می‌گیرد، به عبارت دیگر گاهی اوقات میزان مشخصی از پیچیدگی به‌منظور دستیابی به سایر اهداف سیاستی اجتناب‌ناپذیر است. به عنوان مثال اقداماتی که برای منصفانه کردن مالیات‌ها انجام می‌شود، معمولاً مغایر با تلاش‌هایی است که در راستای ساده‌تر کردن مالیات‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین در هنگام طراحی و اجرای سیاست‌های مالیاتی، سیاست‌گذاران با مجموعه‌ای از اصطلاحاً بده-بستان‌های سیاستی مواجه هستند. برای نمونه، رابطه‌ی بین عدالت و ساده‌سازی خطی نیست. مالیات ساده و مقطوع معمولاً ناعادلانه تلقی می‌شود لیکن از سطح پیچیدگی کمتری برخوردار است (زائر، ۱۳۸۸).

نماینده‌گانی^۲ که به عنوان عوامل سیاستی در پیچیدگی مالیات‌های مستقیم مطرح بوده‌اند در پنج زیرگروه به شرح زیر تفکیک و برای هر دوره مورد مقایسه اندازه‌گیری می‌شوند:

- ۱- تعداد انواع مالیات‌های مستقیم (xdj1)؛
- ۲- فراوانی مؤدیان اشخاص حقیقی به کل مؤدیان مالیات‌های مستقیم (xdj2)؛
- ۳- فراوانی مؤدیان اشخاص حقوقی به کل مؤدیان مالیات‌های مستقیم (xdj3)؛
- ۴- فراوانی مؤدیان مالیات‌های مستقیم به کل مؤدیان نظام مالیاتی (xdj4)؛
- ۵- فراوانی سیاست‌های غیر درآمدی مالیات‌های مستقیم (xdj5).

1 -policy complexity

2 - Proxy

۲-۲-۲- عوامل قانونی^۱

به پیچیدگی‌هایی گفته می‌شود که از قوانین مالیاتی صادر و مشتق شده‌اند و باعث پیچیدگی در نظام مالیاتی می‌گردند (اوانز ۲۰۱۳).

پیچیدگی مالیاتی بیشتر از پیچیدگی قوانین مالیاتی نشأت گرفته است (ریچارد سون، ۲۰۰۱). کارایی قانون مالیاتی در صورتی بالا می‌رود که واژگان آن پرمعنا و قابل درک بوده و با تفکر و سازمانی مطلوب تهیه شده باشد. قوانین مالیاتی کشورهای دارای نظام پیچیده چه‌بسا کاملاً نفوذناپذیر باشند زیرا شرایط و استثنائات قوانین مالیاتی در این گونه نظام‌ها معمولاً برپایه اصول و مقررات موجود است (ثورونی، ۱۳۸۲).

نماینده‌هایی که به‌عنوان عوامل قانونی در پیچیدگی مالیات‌های مستقیم مطرح می‌باشند در ۹ زیرگروه به شرح زیر تفکیک و برای هر دو دوره مورد مقایسه اندازه‌گیری می‌شوند:

- ۱- طول قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj6)؛
- ۲- خوانایی قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj7)؛
- ۳- مقررات مالیاتی متعدد قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj8)؛
- ۴- معافیت‌های قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj9)؛
- ۵- طبقات نرخ‌های مالیات مستقیم (xdj10)؛
- ۶- تغییرات قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj11)؛
- ۷- تعداد مدارک و مستندات الزام به نگهداری مؤدیان مالیات مستقیم (xdj12)؛
- ۸- آرا و مقررات متناقض صادره از محاکم غیرمالیاتی (xdj13)؛
- ۹- قوانین و مقررات مالیاتی خارج از قانون مالیات‌های مستقیم (xdj14).

۲-۲-۳- عوامل اداری و اجرایی^۲

پیچیدگی که از روش‌ها و رویه‌های اجرایی دستگاه مالیاتی ناشی می‌گردد و سبب پیچیدگی در نظام مالیاتی می‌گردد (اوانز و تران، ۲۰۱۳).

تیلور و لیند (۱۹۹۲) معیارهایی را برای مفهوم انصاف رویه‌ای^۳ در نظام مالیاتی برشمرده‌اند از آن‌جمله می‌توان به برخورد محترمانه از سوی مقامات مالیاتی، حق اظهارنظر و بی‌طرفی اشاره نمود. هزینه‌های اداری وصول مالیات گاهی اوقات می‌تواند به‌طور مستقیم جانشین هزینه‌های تمکین شود. به‌عنوان مثال حرکت به سمت خود اظهاری با کاهش هزینه‌های اداری، افزایش هزینه‌های تمکین را سبب شود (زایر، ۱۳۸۸).

1 - statutory complexity

2 - Administrative complexity

3 - Procedural Fairness

سوءاستفاده از گستره‌ی اختیارات قانونی دستگاه مالیات‌ستانی (دولت و قوه مجریه)، بیشتر از جنبه‌های ماهوی آن، نقض اصل حاکمیت قانون را در گستره‌ی قوانین و مقررات مالیاتی دربرمی‌گیرد و به مقاصد محدود موقتی دستگاه مالیاتی برمی‌گردد؛ از این رو کمتر به حقوق مؤدیان مالیاتی و روح قوانین توجه می‌شود، به عبارت دیگر مفاد برخی از نظام‌نامه‌های مالیاتی دولتی تنها به افزایش وصول درآمدهای مالیاتی به نفع دولت نظر دارند (طاهری تاری، ۱۳۹۳).

نماینده‌هایی که به عنوان عوامل اداری و اجرایی در پیچیدگی مالیات‌های مستقیم مطرح بوده در سه زیرگروه به شرح زیر تفکیک و برای هر دو دوره مورد مقایسه اندازه‌گیری می‌شوند:

۱- پیچیدگی فرم‌های مالیات مستقیم (xdj15)؛

۲- تعدد پرداخت‌های مالیات مستقیم (xdj16)؛

۳- تعدد گزارش‌های مالیاتی (xdj17).

۲-۲-۴- عوامل تمکین^۱

پیچیدگی که از محاسبات مالیاتی و رفتار برنامه‌ریزی شده مؤدیان حقیقی و حقوقی ناشی می‌شود (اوانز ۲۰۱۳). به عبارت دیگر میزان تمکین می‌تواند معیاری برای سلامتی نظام مالیاتی در سطح خرد و حکومت در سطح کلان محسوب شود (ارارد، ۲۰۰۲).

کارنز و کاسیا (۱۹۹۶) و کرچلر (۲۰۰۶) معتقدند رابطه‌ی معکوسی بین پیچیدگی مالیاتی و طرز تلقی مؤدیان نسبت به انصاف نظام مالیاتی حاکم است. اصولاً عدم تمکین مالیاتی در دو قالب کلی «فرار مالیاتی» و «اجتناب مالیاتی» می‌گنجد که هر دو به منظور «گریز مالیاتی» از پرداخت صورت می‌گیرد.

فرار مالیاتی به معنای اتخاذ ترتیبات غیرقانونی به منظور اختفا یا نادیده گرفتن بدهی مالیاتی به کار می‌رود (ساندمو، ۲۰۰۴) و اجتناب مالیاتی، استفاده از راه‌های قانونی مختلف توسط مؤدی به منظور کاهش میزان مالیات خود را گویند.

نماینده‌هایی که به عنوان عوامل تمکین در کاهش پیچیدگی مالیات‌های مستقیم مطرح بوده در سه زیرگروه به شرح زیر تفکیک و برای هر دو دوره مورد مقایسه اندازه‌گیری می‌شوند:

۱- اثر معکوس فناوری اطلاعات و ارتباطات (xdj18)؛

۲- اثر معکوس واکنش به قبولی در اجرای مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj19)؛

۳- اثر معکوس خود اظهاری مالیات‌های مستقیم (xdj20).

۲-۳- پیشینه پژوهش

رستمی و سایر (۱۳۹۳) در پژوهش خود به موضوع شفافیت قانون و نقش آن‌ها در تمکین و فرار

مالیاتی با نقدی بر قانون مالیات‌های مستقیم پرداخته و نتیجه گرفته‌اند تحلیل گروه‌های متوسط جامعه به‌طور گسترده‌ای در تحقیقات مربوط به تمکین مالیات از نظرها دور مانده است. وقتی مردم خود را به عنوان یک فرد قبول ندارند و تنها خود را عضوی از گروه اجتماعی می‌دانند، مطالعات انجام شده روی عدالت اجتماعی و محرومیت‌های نسبی، هنجارهای متفاوتی را به اثبات می‌رساند.

ذکوری و سایر (۱۳۹۳) طی پژوهشی به بررسی شناسایی نارسایی‌های بنیادی موجود در قانون مالیات‌های مستقیم و راهکارهای اصلاحی آن پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلات موجود در قانون مالیاتی به دو بخش اصلی درون و برون‌سازمانی تقسیم می‌شود، به این معنی که اگر تنها به اصلاح خود قانون درحد افزایش و کاهش نرخ‌ها و پایه‌ها بسنده شود، تجربه‌ی اصلاحی سال ۱۳۸۰ و ارزش‌افزوده نشان می‌دهد که این امر تأثیر چندانی بر بهبود وضعیت مالیات نخواهد داشت، لذا برای اینکه نظام مالیات دارای کارایی لازم باشد باید ضمن اصلاح قانون و افزایش منابع مالیاتی و اصلاح روش‌های مالیات‌ستانی، سایر قوانین مانند قوانین پول‌شویی و نظام صنفی و نظام حسابداری و شبکه‌ی آموزش نیز با آن تعامل داشته و مکمل هم شوند و لذا اصلاح فرایند مالیاتی یک بحث کلان و فراسازمانی بوده و به همین دلیل یک حمایت ملی همه‌جانبه را نیاز دارد.

امین خاکی و سایر (۱۳۹۳) طی پژوهشی به موضوع بررسی تأثیر مخارج اجتماعی دولت بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند و پیچیدگی مالیاتی را به‌عنوان یکی از عوامل فرار مالیاتی وارد نموده است. در این تحقیق از شاخص، هریشمن وهرفیندال^۱ (HHC) استفاده شده است، در این شاخص سهم مالیاتی هر کدام از پایه‌های مالیاتی نسبت به کل مالیات اخذشده، محاسبه شده و مجذورات آن‌ها با یکدیگر جمع می‌شوند که حاصل آن، عددی بین صفر و یک است. چنانچه این عدد به صفر نزدیک باشد پیچیدگی مالیاتی کمتر و در نتیجه تمکین مالیاتی بیشتری شود و در نهایت فرار مالیاتی کمتر می‌شود.

زایر (۱۳۸۸) در پژوهشی به موضوع «جایگاه ساده‌سازی در برنامه‌ها یا اصلاح مالیاتی، تجربه جهانی و چالش‌های نظام مالیاتی ایران» پرداخته و نتیجه گرفته است که ترکیب درآمدهای مالیاتی کشور به نفع مالیات‌های مستقیم تغییر یافته است به‌طوری که در سال‌های ۱۳۸۳ لغایت ۱۳۸۷ سهم مالیات‌های غیرمستقیم از ۵۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۳۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است و نتیجه این ترکیب باعث پیچیده‌تر شدن سیستم مالیاتی کشور شده است به طوری که سهم مالیات‌های مستقیم که ذاتاً پیچیده و دارای هزینه‌های بالای وصول و تمکین است و ارتباط مستقیمی بین مؤدیان و اداره مالیاتی وجود دارد در این ترکیب بیشتر است.

اوانز و تران نام^۲ (۲۰۱۳) در کشور استرالیا به بررسی و ارائه شاخصی به‌منظور اندازه‌گیری پیچیدگی

1 - Hirschman – Herfindal Index

2 - Evans, Chris and Tran-Nam, Binh, 2013

سیستم مالیاتی پرداخته‌اند و با تحلیل منابع و عوامل مؤثر در پیچیدگی سیستم‌های مالیاتی در گروه‌های سیاسی، قانونی، اداری و تمکین در نهایت تلاش نموده‌اند که با استفاده از روش دلفی و میانگین هندسی، مدلی نظری برای اندازه‌گیری پیچیدگی سیستم مالیاتی شامل مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم پیشنهاد نمایند و بررسی نموده‌اند که عوامل اصلی در پیچیدگی مالیاتی عبارت‌اند از تعدد منابع مالیاتی، طولانی بودن سرفصل‌های قانون و کدهای مالیاتی (خوانایی قانون)، وابستگی عامل مالیاتی، هزینه‌های عملیات و اختلافات مالیاتی.

دیوید آلپ^۱ (۲۰۱۳) طی مقاله‌ای به بررسی موضوع اندازه‌گیری پیچیدگی مالیات^۲ پرداخته است. وی موضوع را در چهار مبحث ماهیت، نتایج و هزینه‌ها، اندازه‌گیری و ارزیابی جاری پیچیدگی مالیاتی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. همچنین ضمن بررسی پیچیدگی عملیاتی در نظام مالیاتی، عللی که می‌تواند باعث آن شود را تشریح نموده است. خوانایی قانون، نرخ‌های مالیاتی، پیچیدگی بنیادی و غیر ضرور، هزینه‌های تمکین، احکام مالیاتی متعدد و رویه‌های اجرایی از مباحث مورد بحث و مؤثر در این مقاله است و در نهایت هدف اصلی را در مقاله ارائه مدل پیچیدگی و راهنمایی به منظور کاهش پیچیدگی مالیاتی اعلام می‌کند.

OTS یا اداره ساده‌سازی مالیات در انگلستان (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان ویرایش دوم شاخص پیچیدگی^۳ OTS، به ارائه‌ی شاخصی تکمیلی از پیچیدگی مالیات پرداخته است. این مقاله پیرو اولین شاخص پیچیدگی مالیاتی که در سال ۲۰۱۲ توسط این اداره منتشر شد، تهیه شده است.^۴ در مقاله این اداره به معرفی دیاگرام پیچیدگی مالیاتی در نظام مالیاتی که ناشی از عوامل سیاسی، قانونی و پیاده‌سازی می‌باشد می‌پردازد و تشریح می‌نماید که علل سیاسی می‌تواند با تعداد معافیت‌ها، بخشنامه‌های اضافی و تعداد تغییرات قوانین مالی اندازه‌گیری شود؛ همچنین پیچیدگی قانونی را با شاخص خوانایی قانون و تعداد صفحات قانون مورد سنجش قرار می‌دهد و نیز بیان می‌کند پیچیدگی عملیاتی را می‌توان با اندازه‌گیری هزینه‌های عملیاتی وصول مالیات و اطلاعات مورد نیاز برای تکمیل اظهارنامه ارزیابی نمود. در نهایت مدلی را ارائه می‌دهد که با رتبه‌بندی و نمره‌گذاری به منابع پیچیدگی شامل هزینه‌های عملیاتی وصول مالیات، اطلاعات مورد نیاز برای تکمیل اظهارنامه، متوسط هزینه‌ی مؤدیان، تعداد مؤدیان و ریسک اجتناب از مالیات در یک نظام مالیاتی که بین نمرات ۱ الی ۵ نمره‌گذاری می‌شوند، منابع به سه درجه‌ی پیچیده (نمره ۵-۳)، متوسط (نمره ۳-۱) و ساده (نمره ۱) تقسیم‌بندی می‌شوند.

1 - David Ulph: Professor of Economics, University of St Andrews, and Director of Scottish Institute for Research in Economics.

2 - Measuring Tax Complexity

3 - The ots complexity index-version2

4 - <http://www.gov.uk/government/uploads/system/attachment-data/file/193493/ots-complexity-index-metodology-paper.pdf>

OTS اداره ساده‌سازی مالیات در انگلستان (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی مدلی برای اندازه‌گیری شاخص پیچیدگی مالیات پرداخته است که این مدل مرکب از منابع پیچیدگی در سرفصل‌های پیچیدگی قوانین^۱، اثربخشی^۲ و منابع کارایی^۳ تهیه شده است، به‌طوری‌که مصادیق پیچیدگی قوانین شامل زیرگروه‌های تعداد جملات قانون، صفحات قوانین، بیانیه‌های قانون، قوانین مالی و شاخص نمره خوانایی قانون می‌باشند. سرفصل اثربخشی شامل پیچیدگی هزینه‌های راهنمایی مؤدیان مالیات، تعداد مؤدیان پنهان توسط قانون، متوسط توانایی پرداخت مؤدیان و ریسک اجتناب از پرداخت مالیات است و در سرفصل منابع کارایی، هزینه‌های تمکین و هزینه‌های عملیاتی وصول مالیات را برشمرده که درنهایت با رتبه‌بندی و نمره‌دهی به آن‌ها شاخصی برای پیچیدگی مالیاتی ارائه نموده است.

۳- مدل پژوهش

۳-۱- فرضیه‌های پژوهش

۱- پیچیدگی مالیات‌های مستقیم درحوزه زیرگروه‌های منبع اشخاص حقوقی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند؛

۲- پیچیدگی مالیات‌های مستقیم درحوزه زیرگروه‌های اشخاص حقیقی (مالیات بر درآمد و دارایی) با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند؛

۳- پیچیدگی مالیات‌های مستقیم در منابع زیرگروه‌های اشخاص حقوقی و حقیقی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند.

۳-۲- روش پژوهش

از آنجاکه مدل پژوهش مدلی ترکیبی است به‌طوری‌که برای محاسبه و اندازه‌گیری متغیر وابسته (پیچیدگی مالیات‌های مستقیم) و متغیر مستقل (عوامل مؤثر در پیچیدگی مالیات‌های مستقیم) از رابطه زیر که عبارت است از میانگین هندسی داده‌های n عوامل پیچیدگی که درنهایت عدد به‌دست آمده شاخص پیچیدگی را در منابع و زیرگروه‌های مالیات مستقیم دوره‌های مورد مقایسه نشان می‌دهد. شاخص پیچیدگی مالیات مستقیم (TCI):

$$TCI = \left[\prod_{j=1}^n = (X_{djn})^{wdj} \right]$$

رابطه‌های فوق عبارت است از محاسبه میانگین هندسی تعداد n عامل پیچیدگی، به‌طوری‌که حاصل ضرب داده‌های عوامل پیچیدگی $(X_{dj1} \dots X_{djn})$ به توان وزن هریک از عوامل پیچیدگی (wdj) به شرح زیر نمایش داده می‌شود:

$$TCI = \sum [(X_{dj1})^{wdj1} \cdot (X_{dj2})^{wdj2} \dots (X_{dj18})^{wdj18} \cdot (X_{dj19})^{wdj19} \cdot (X_{dj20})^{wdj20}]^{1/n}$$

$$wdj > 0, \sum_{j=1}^n wdj = 1$$

1 - Legislative complexity

2 - Effectiveness

3 - Resource efficiency

- TCI: شاخص پیچیدگی مالیات‌های مستقیم؛
- Xdj: عوامل پیچیدگی مالیات مستقیم مربوط به دوره‌های مورد مقایسه؛
- Wdj: وزن عوامل پیچیدگی مالیات مستقیم استخراج شده از پرسشنامه دلفی؛
- n: تعداد عوامل پیچیدگی مالیات‌های مستقیم؛
- J: عامل زام.

۳-۲-۱- استخراج وزن عوامل (توان شاخص پیچیدگی مالیات مستقیم)

به منظور استخراج وزن عوامل مؤثر در پیچیدگی مالیات مستقیم (WDJ) از روش دلفی، اعضای خبرگان دلفی، به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی و زنجیره‌ای گلوله برفی برگزیده شدند و نظرات این اعضا که شامل اساتید، متخصصین و ذی‌نفعان موضوع مورد بحث به منظور تعیین وزن عوامل پیچیدگی با ابزار پرسشنامه بوده جمع‌آوری گردیده است.

در تکنیک دلفی معمولاً یکسانی در بین ۵۱ درصد تا ۱۰۰ درصد پاسخ‌ها به عنوان اجماع تلقی می‌شود، ولی توافق بر ۷۵ درصد به عنوان مبنای اجماع بیشتر تأکید شده است (طیبی، ملکی و دلگشایی، ۱۳۸۸).

دلفی روشی ارزان، چندکاره، عینی، بدون تهدید و آسان برای شناسایی و فهمیدن مسئله پژوهش است. به خصوص در موارد ابهام، عدم وضوح و کمبود شواهد تجربی، با استفاده از اجماع متخصصین از این روش استفاده می‌شود. با توجه به اینکه ذهن انسان همیشه زندگی را به صورت روند در نظر گرفته، به طوری که از تحلیل گذشته برای آینده استفاده می‌کنیم، اما این موضوع همیشه نمی‌تواند صادق باشد، چرا که تکنولوژی تغییرات مهمی ایجاد نموده است و امروزه، روندها خیلی قابل اتکا نیستند و بحث آینده‌پژوهی وارد حوزه جدیدی شده که البته برای جلوگیری از غفلت‌زدگی ناشی از روندها مورد نظر می‌باشد. دلفی مبتنی بر سنتز است (توافق و اجماع جدید) که خود عامل تز (ایجاد عقیده و نظر) می‌شود و نکته اصلی در این موضوع این است که «اعتبار دلفی به تعداد شرکت کنندگان نیست بلکه به اعتبار علمی متخصصان آن حوزه است» که معمولاً تعداد این اعضا بین ۵ الی ۲۰ نفر هستند.

جدول ۱- میزان تحصیلات اعضای پانل دلفی

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد خالص
کارشناسی	۴	۲۳/۵	۲۳/۵
کارشناسی ارشد	۱۲	۷۰/۶	۷۰/۶
دکتر و بالاتر	۱	۵/۹	۵/۹
جمع	۱۷	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۲ - تفکیک خبرگان براساس حوزه تخصص آن‌ها

زیر گروه	اعضای پانل	تعداد خبرگان شرکت کننده
مالیات بر دارایی (ارث و حق تمیر) و اتفاقی	خبرگان اجرایی و مدیران تصمیم ساز	۲ نفر
املاک و مستغلات (فروش، اجاره و نقل و انتقال ملک و سرقفلی و درآمد املاک)	خبرگان اجرایی و مدیران تصمیم ساز	۴ نفر
مشاغل	خبرگان اجرایی و مدیران تصمیم ساز	۵ نفر
اشخاص حقوقی و ارزش افزوده (درآمد، انحلال و انتقال سهم)، تکلیفی و حقوق	جامعه حسابداران رسمی و استاد دانشگاه و مدیران و خبرگان اجرایی	۶ نفر
جمع		۱۷ نفر

برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال - وی^۱ استفاده شده است. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه‌ی هماهنگی و N شیئی افراد. درحقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه - رتبه را یافت، ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که چند درصد اعضا رتبه این عوامل را همانند رتبه گروه پانل تعیین نموده‌اند؟ چنانچه درباره تمامی عوامل، نسبت اعضایی که ترتیب اهمیت آن‌ها را مانند ترتیب گروه تعیین کرده‌اند بیش از ۵۰ درصد باشد با یکدیگر اتفاق نظر دارند. این مقیاس با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$w = \frac{s}{12k^2(n-1)}$$

جدول ۳ - نتایج مقیاس ضریب هماهنگی کندال - وی

راند	W ضریب هماهنگی	دامنه W	اتفاق نظر
اول	۳۴/۸۹	0/3 < W < 0/5	متوسط
دوم	۴۹/۷۸	0/3 < W < 0/5	متوسط
سوم	۶۶/۹۸	0/5 < W < 0/7	قوی
چهارم	۶۷/۳۶	0/5 < W < 0/7	قوی
نتیجه	از آنجاکه در راند چهارم تغییر بااهمیتی در ضریب هماهنگی ایجاد نگردیده لذا در این مرحله متوقف می‌گردد.		

۳-۲-۲ - استخراج داده‌ها و اطلاعات موجود در نظام مالیاتی کشور

برای اندازه‌گیری پیچیدگی مالیات‌های مستقیم و مقایسه شاخص پیچیدگی اشخاص حقوقی و حقیقی مالیات‌های مستقیم، از آنجاکه داده‌ها و اطلاعات برای هریک از عوامل مؤثر در پیچیدگی مالیات‌های

مستقیم (XDJ) در نظام مالیاتی کشور مربوط به دو دوره چهارده ساله قبلی (مصوب ۱۳۶۶ لغایت ۱۳۸۰) و بعدی (از اصلاحیه ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۴) موجود بوده لذا با بهره گیری از منابع موثق مالیاتی داده‌های مربوط احصا و یا به صورت کمی محاسبه گردیده است. به عنوان نمونه داده‌های فراوانی (تعداد) مؤدیان اشخاص حقیقی و حقوقی نظام مالیاتی کشور به عنوان برخی از عوامل موثر پیچیدگی در گروه سیاستی به شرح جدول زیر به دست آمده است.

جدول ۴- فراوانی تعداد مؤدیان اشخاص حقیقی و حقوقی مالیات مستقیم

نسبت	(سال ۱۳۸۹ نماینده دوره بعدی)	نسبت	(سال ۱۳۸۱ نماینده دوره قبلی)	زیر گروه‌ها
-	-	-	-	ارث- حق نمبر- انفاقی
۰/۷۴	۳۳۴۱۰۴۲	۰/۸۵	۳۵۶۴۲۴۸	مشاغل
۰/۱۲	۵۵۲۸۲۰	۰/۰۵	۲۰۹۶۶۲	املاک*
۰/۱۴	۶۱۵۴۱۱	۰/۱۰	۴۱۹۳۲۳	اشخاص حقوقی
۱	۴۵۰۹۲۷۳	۱	۴۱۹۳۲۳۳	جمع تعداد مؤدیان مالیات‌های مستقیم ^۱

*: محاسباتی و برآوردی است.

۳-۳- جامعه آماری پژوهش

در این تحقیق جامعه آماری شامل داده‌ها و اطلاعات منابع مختلف مالیاتی در دو دوره نظام مالیاتی کشور مبتنی بر قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۶۶ لغایت ۱۳۸۰) و بعدی (از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۴) می‌باشد.

۳-۳-۱- روایی و پایایی پژوهش

در این تحقیق برای سنجش روایی از نظر افراد خبره و صاحب نظر در حرفه استفاده کردیم تا روایی سؤالات پرسشنامه محقق شود و اتفاق نظر از طریق مقیاس کندال - وی، دستیابی به این هدف را محقق می‌سازد و از آزمون آلفای کرونباخ نیز برای آزمون پایایی داده‌های تحقیق بهره گرفته شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون آلفا کرونباخ

متغیر	عوامل پیچیدگی	مقدار آلفای کرونباخ	ضریب آلفای کرونباخ
پیچیدگی مالیات‌های مستقیم	سیاستی	۰/۷۸	۰/۷۷۵
	قانونی	۰/۷۲	
	اداری و اجراء	۰/۷۶	
	تمکین	۰/۸۴	

۴- یافته‌های پژوهش

جدول ۶- رتبه بندی عوامل مؤثر بر پیچیدگی نظام مالیات مستقیم براساس نظر خبرگان دلفی

تاثیر عوامل در پیچیدگی مالیات مستقیم	میانگین رتبه	رتبه	میانگین	وزن
اداری و اجرایی	۴	۱	۳۳/۸۲	۴
قانونی	۲/۶۵	۲	۳۷/۱۸	۳
تمکین	۲/۱۸	۳	۱۱/۱۸	۲
سیاستی	۲/۱۸	۴	۱۴/۲۴	۱

۴-۲- استخراج وزن عوامل مؤثر بر پیچیدگی قانون مالیات‌های مستقیم براساس روش دلفی

جدول ۷- وزن نسبی هریک از عوامل پیچیدگی مالیات مستقیم

عامل پیچیدگی	وزن	عامل پیچیدگی	وزن
تعداد انواع مالیات‌های مستقیم (xdj1)	۰/۰۳۴	تغییرات قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj11)	۰/۰۵۹
فراوانی مؤدیان اشخاص حقیقی به کل مؤدیان مالیات‌های مستقیم (xdj2)	۰/۰۱۹	تعداد مدارک و مستندات الزام به نگهداری مؤدیان مالیات مستقیم (xdj12)	۰/۰۶۳
فراوانی مؤدیان اشخاص حقوقی به کل مؤدیان مالیات‌های مستقیم (xdj3)	۰/۰۳۹	آرا و مقررات متناقض صادره از محاکم غیر مالیاتی (xdj13)	۰/۰۴۶
فراوانی مؤدیان مالیات‌های مستقیم به کل مؤدیان نظام مالیاتی (xdj4)	۰/۰۳۹	قوانین و مقررات مالیاتی خارج از قانون مالیات‌های مستقیم (xdj14)	۰/۰۵۲
فراوانی سیاست‌های غیردرآمدی مالیات‌های مستقیم (xdj5)	۰/۰۳۵	پیچیدگی فرم‌های مالیات مستقیم (xdj15)	۰/۰۵۹

وزن	عامل پیچیدگی	وزن	عامل پیچیدگی
۰/۰۴۲	تعدد پرداخت‌های مالیات مستقیم (xdj16)	۰/۰۴	طول قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj6)
۰/۰۴۴	تعدد گزارش‌های مالیاتی (xdj17)	۰/۰۶۶	خوانایی قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj7)
۰/۰۶۰	اثر معکوس فناوری اطلاعات و ارتباطات (xdj18)	۰/۰۷۹	مقررات مالیاتی متعدد قوانین مالیات‌های مستقیم (xdj8)
۰/۰۵۲	اثر معکوس واکنش به قبولی در اجرای مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قوانین مالیات‌های مستقیم. (xdj19)	۰/۰۵۴	معافیت‌های قوانین مالیات‌های مستقیم xdj9
۰/۰۶۰	اثر معکوس خود اظهاری مالیات‌های مستقیم xdj20	۰/۰۴۷	-طبقات نرخ‌های مالیات مستقیم xdj10

۴-۳- اندازه‌گیری شاخص پیچیدگی مالیات‌های مستقیم مربوط به منابع مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی در دوره نظام مالیاتی قبلی (مصوب ۱۳۶۶) و بعدی (اصلاحیه ۱۳۸۰)

پس از جمع‌آوری اطلاعات در زیرگروه‌های منابع مالیاتی مستقیم به تفکیک اشخاص حقیقی و حقوقی در دوره‌های مورد مقایسه‌ی مورد بحث و استفاده از اوزان به‌دست‌آمده هریک از عوامل پیچیدگی از روش دلفی، درنهایت شاخص پیچیدگی مالیات‌های مستقیم TCI محاسبه و به شرح فرمول زیر نشان داده می‌شود:

$$[TCI = \prod_{j=1}^n = (X_{djn})^{wdj}$$

$$TCI = \sum [(x_{dj1})^{wdj1}, (x_{dj2})^{wdj2}, \dots, (x_{dj18})^{wdj18}, (x_{dj19})^{wdj19}, (x_{dj20})^{wdj20}]^{1/n}$$

$$wdj > 0, \sum_{j=1}^n wdj = 1$$

به عبارت دیگر با استفاده از فرمول فوق و محاسبه میانگین هندسی و جای‌گذاری عوامل بیست‌گانه‌ی پیچیدگی در پایه‌ی شاخص و وزن‌های به‌دست‌آمده از متد دلفی در توان شاخص به شرح جدول ۷، در زیرگروه منابع مالیاتی، اشخاص حقیقی و حقوقی به شرح زیر به‌دست‌آمده است.

جدول ۸- شاخص پیچیدگی زیرگروه منابع مالیات‌های مستقیم

شخص	زیرگروه منابع اشخاص حقیقی و حقوقی مالیات‌های مستقیم	TCI (شاخص پیچیدگی مبتنی بر قانون مالیات مستقیم مصوب ۱۳۶۶)	TCI (شاخص پیچیدگی مبتنی بر قانون مالیات مستقیم اصلاحیه ۱۳۸۰)
حقیقی	سالانه املاک	۱/۰۳	-
	مسکونی خالی	۱/۰۲	-
	اراضی بایر	۱/۰۳	-
	ارث	۱/۰۶	۱/۰۶
	حق تمیر	۱/۰۳	۱/۰۴
	املاک	۱/۰۸	۱/۰۸
	کشاورزی	۱/۰۲	۱/۰۱
	حقوق و تکلیفی	۱/۰۶	۱/۰۷
	مشاغل	۱/۰۸	۱/۰۸
حقوقی	اشخاص حقوقی	۱/۰۶	۱/۰۷
	انحلال	۱/۰۳	۱/۰۴
	نقل و انتقال سهام	۱/۰۳	۱/۰۴
حقیقی و حقوقی	اتفاقی	۱/۰۴	۱/۰۳
	جمع درآمد	۱/۰۲	۱/۱۱
	سایر موارد قانون	۱/۱۰	۱/۰۶

۴-۴-۴- آزمون فرضیات

۴-۴-۱- آزمون مربوط به مقایسه میانگین میزان پیچیدگی قوانین اشخاص حقوقی در دو دوره

مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه ۱۳۸۰

H0: پیچیدگی مالیات‌های مستقیم در زیرگروه منابع اشخاص حقوقی با یکدیگر تفاوت معناداری

ندارند.

H1: پیچیدگی مالیات‌های مستقیم در زیرگروه منابع اشخاص حقوقی با یکدیگر تفاوت معناداری

دارند.

جدول ۹- نتیجه آزمون t برای فرضیه دوم

آزمون	میانگین پیچیدگی اشخاص حقوقی		مقدار آزمون t	درجه آزادی	معناداری sig	نتیجه آزمون فرضیه
	اصلاحیه ۱۳۸۰	مصوب ۱۳۶۶				
فرضیه دوم	۱/۰۴	۱/۰۵	-۰/۷۰۷	۴	۰/۵۱۹	قبول

طبق مقدار آزمون t (-۰/۷۰۷) و با توجه به درجه آزادی $d.f=4$ ، با قبول خطای بیش از ۰/۰۵ (Sig=0/519) و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ می توان نتیجه گرفت بین این دو وضعیت (سال)، از نظر میزان پیچیدگی قوانین اشخاص حقوقی رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی فرضیه خنثی (H_0) که نشانگر عدم وجود رابطه است را پذیرفته و نمی توانیم رد کنیم.

۴-۲-۴-۴ آزمون مربوط به مقایسه میانگین میزان پیچیدگی قوانین اشخاص حقیقی در دو دوره مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه ۱۳۸۰

H_0 : پیچیدگی مالیات های مستقیم در زیر گروه منابع اشخاص حقیقی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

H_1 : پیچیدگی مالیات های مستقیم در زیر گروه منابع اشخاص حقیقی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

جدول ۱۰- نتیجه آزمون t برای فرضیه سوم

آزمون	میانگین پیچیدگی اشخاص حقیقی		مقدار آزمون t	درجه آزادی	معناداری sig	نتیجه آزمون فرضیه
	اصلاحیه ۱۳۸۰	مصوب ۱۳۶۶				
فرضیه سوم	۱/۰۴۲	۱/۰۵۲	-۰/۸۴۸	۱۶	۰/۴۰۹	قبول

طبق مقدار آزمون t (-۰/۸۴۸) و با توجه به درجه آزادی $d.f=16$ ، با قبول خطای بیش از ۰/۰۵ (Sig=0/409) و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ می توان نتیجه گرفت بین این دو وضعیت (سال) از نظر میزان پیچیدگی قوانین اشخاص حقیقی رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی فرضیه خنثی (H_0) که نشانگر عدم وجود رابطه است را پذیرفته و نمی توانیم رد کنیم.

۴-۳-۴-۴ مقایسه میانگین میزان پیچیدگی قوانین اشخاص حقوقی و حقیقی دوره مصوب ۱۳۶۶
 H_0 : پیچیدگی مالیات های مستقیم در زیر گروه منابع اشخاص حقوقی و حقیقی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

H_1 : پیچیدگی مالیات های مستقیم در زیر گروه منابع اشخاص حقوقی و حقیقی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

جدول ۱۱- نتیجه آزمون t برای فرضیه چهارم

پیچیدگی مالیات‌های مستقیم	مقدار آزمون t	درجه آزادی	معناداری sig	نتیجه آزمون فرضیه
فرضیه چهارم	۰/۱۸۷	۱۲	۰/۸۵۵	قبول

طبق مقدار آزمون t (۰/۱۸۷) و با توجه به درجه آزادی $d.f=12$ ، با قبول خطای بیش از ۰/۰۵ ($Sig=0/855$) و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ می‌توان نتیجه گرفت بین این دو وضعیت (شخص حقیقی و حقوقی) در سال ۶۶ از نظر میزان پیچیدگی قوانین رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی فرضیه خنثی (H_0) که نشانگر عدم وجود رابطه است را پذیرفته و نمی‌توانیم رد کنیم.

۴-۲- مقایسه میانگین میزان پیچیدگی قوانین اشخاص حقوقی و حقیقی اصلاحیه ۱۳۸۰
 H_0 : پیچیدگی مالیات‌های مستقیم در زیر گروه منابع اشخاص حقوقی و حقیقی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

H_1 : پیچیدگی مالیات‌های مستقیم در زیر گروه منابع اشخاص حقوقی و حقیقی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

جدول ۱۱- نتیجه آزمون t برای فرضیه چهارم

پیچیدگی مالیات‌های مستقیم	مقدار آزمون t	درجه آزادی	معناداری sig	نتیجه آزمون فرضیه
فرضیه چهارم	۰/۱۶۷	۸	۰/۸۷۲	قبول

طبق مقدار آزمون t (۰/۱۶۷) و با توجه به درجه آزادی $d.f=8$ ، با قبول خطای بیش از ۰/۰۵ ($Sig=0/872$) و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ می‌توان نتیجه گرفت بین این دو وضعیت (شخص حقیقی و حقوقی) در سال ۸۱ از نظر میزان پیچیدگی قوانین رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی فرضیه خنثی (H_0) که نشانگر عدم وجود رابطه است را پذیرفته و نمی‌توانیم رد کنیم.

۵- نتیجه‌گیری

در بخش اول و دوم متغیر پیچیدگی در چهار گروه سیاستی، قانونی، اداری و اجرا و تمکین، تعریف و زیر گروه‌های آن‌ها نیز برای اندازه‌گیری معرفی شده‌اند. در بخش سوم برای اندازه‌گیری پیچیدگی از فرمول ریاضی میانگین هندسی استفاده شد که درجه پیچیدگی مالیاتی را اندازه‌گیری می‌کند. این فرمول که به شاخص پیچیدگی موسوم است در پایه‌ی خود داده‌های بیست عامل پیچیدگی و در توان شاخص، وزن این عوامل در پیچیدگی مالیاتی که از روش دلفی به دست آمده جایگذاری شده است که در نهایت میزان پیچیدگی در هر کدام از منابع مالیاتی به دست آمده است. در بخش چهارم یافته‌های به دست آمده برای آزمون فرضیه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهند که پیچیدگی مالیات‌های مستقیم در نظام مالیاتی کشور در دوره اجرای قوانین مالیات‌های مستقیم مصوب قبلی (۱۳۶۶ الی ۱۳۸۰) و بعدی (۱۳۸۰ الی ۱۳۹۴)

تفاوت معناداری نداشته است. به عبارت دیگر درجه‌ی پیچیدگی نظام مالیاتی مبتنی بر قانون ۱۳۸۰ نسبت به قانون ۱۳۶۶ کمتر نشده و حتی در برخی موارد نیز بیشتر است. با رتبه‌بندی عوامل مؤثر در پیچیدگی مالیات‌های مستقیم از نظر خبرگان مالیاتی، عوامل اداری و اجرایی دارای بیشترین تأثیر هستند، سپس عوامل قانونی و تمکین و در نهایت عوامل سیاستی بیشترین تأثیر را از آن خود کرده‌اند، به‌طوری‌که فرم‌های مالیاتی پیچیده‌تر شده و تعدد پرداخت مؤدیان و مراجعات آن‌ها به ادارات امور مالیاتی نیز افزایش یافته است.

با توجه به مراتب فوق، نظام مالیات‌های مستقیم به سمت سادگی سوق پیدا نکرده و حتی با مقایسه میانگین‌های دو دوره به سمت پیچیدگی بیشتر هم گرایش دارد به‌طوری‌که میانگین شاخص کل پیچیدگی مالیات‌های مستقیم برای مصوب ۱۳۶۶ از (۱/۰۴۶) به (۱/۰۵۷) در دوره مبتنی بر اصلاحیه ۱۳۸۰ افزایش یافته است. در زیرگروه اشخاص حقوقی نیز شاخص پیچیدگی به سمت سادگی سوق پیدا نکرده و به سمت پیچیدگی بیشتر گرایش داشته است، به‌طوری‌که میانگین شاخص پیچیدگی نظام مالیات مستقیم در حوزه اشخاص حقوقی دوره قبلی (سال‌های ۸۰-۶۶) از عدد (۱/۰۴) به عدد (۱/۰۵) در دوره بعدی (سال‌های ۹۴-۸۰) افزایش داشته است.

در زیرگروه منابع اشخاص حقیقی نیز این شاخص به سمت سادگی تمایل نداشته و به سمت پیچیدگی بیشتر گرایش داشته است، به‌طوری‌که میانگین شاخص پیچیدگی نظام مالیات مستقیم در حوزه اشخاص حقوقی دوره قبلی از عدد (۱/۰۴۲) به عدد (۱/۰۵۲) در دوره بعدی افزایش داشته است و با مقایسه این شاخص در زیرگروه منابع اشخاص حقیقی با حقوقی در دو دوره مالیاتی قبلی و بعدی نیز با یکدیگر معنادار نیست، اما میانگین شاخص پیچیدگی اشخاص حقیقی فعلی نسبت به بعدی به پیچیدگی بیشتر گرایش داشته و در بحث اشخاص حقوقی نیز این قضیه صادق است. همچنین با مقایسه میانگین شاخص پیچیدگی اشخاص حقیقی قبلی (۱/۰۴۲) با اشخاص حقوقی قبلی (۱/۰۴) نشان می‌دهد که اشخاص حقیقی از پیچیدگی بیشتری نسبت به اشخاص حقوقی در نظام مالیاتی قبلی برخوردار بوده و در نظام مالیاتی بعدی نیز به همین منوال است (اشخاص حقیقی، ۱/۰۵۲) و (اشخاص حقوقی، ۱/۰۵).

با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- لزوم استفاده از متخصصین حوزه‌های مختلف بین رشته‌ای اعم از اقتصاد، حقوق، ادبیات فارسی، حسابداری و حسابرسی و سایر در تنظیم و تصویب قوانین و مقررات مالیات مستقیم در مراجع ذی‌ربط؛
- ۲- لزوم ساده‌سازی فرم‌های مالیاتی با تعداد صفحات اندک و عدم اقدام به تغییرات مکرر شکل آن‌ها؛
- ۳- لزوم تمرکز نظام مالیاتی با رویکرد مالیات الکترونیکی و تکریم مؤدیان بر مبنای تمکین

داوطلبانه مالیات؛

۴- لزوم احیای نقش تنقیحی شورای عالی مالیاتی، با عنایت به افزایش تعداد آرای باطله توسط دیوان عدالت اداری؛

۵- استفاده‌ی بهینه از فناوری اطلاعات در راستای کاهش مراجعات مؤدیان مالیاتی به ادارات و تعدد پرداخت‌های مالیاتی و همچنین فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم به‌منظور پرداخت‌های برخط مؤدیان؛

۶- یکپارچگی و عدم تعارض در سایر قوانین موضوعه اثرگذار درحوزه مالیات با قوانین مالیات‌های مستقیم و همچنین هماهنگی و عدم تعارض و تراحم در صدور مقررات مالیاتی؛

۷- لزوم تکمیل بانک‌های اطلاعاتی مالیاتی مؤدیان به‌ویژه اشخاص حقیقی برای شفافیت اطلاعات و در نتیجه افزایش سطح تمکین و خوداظهاری آن‌ها.

فهرست منابع

- ۱- آقا نظری، حسن، آقایی، اله محمد، جوشقانی نایینی، سیدحمید، (۱۳۹۰). مالیات و مشوق مالیاتی در گردونه عدالت اجتماعی، فصلنامه علمی- پژوهشی مالیات، شماره دوازدهم، صفحه ۱۵۳
- ۲- الماسی، حسن، عاملی، آنزلا، حاج محمدی، فرشته، (۱۳۹۳). بررسی طرز تلقی مؤدیان نسبت به انصاف نظام مالیاتی و تأثیر آن بر تمکین مالیاتی، فصلنامه علمی- پژوهشی مالیات، شماره ۲۲، صفحه ۲۲۱
- ۳- الماسی، حسن، مرجانی، امیربابک، قریشی، راهله، (۱۳۹۱). عوامل سازمانی مؤثر بر فرار مالیات برارزش افزوده، فصلنامه علمی- پژوهشی مالیات، شماره ۱۵، صفحه ۳۷
- ۴- امین خاکی، علیرضا، (۱۳۹۰). برآورد فرار مالیاتی و عوامل تعیین کننده آن در اقتصاد ایران، مجموعه مقالات چاپی در همایش سیاست‌های مالیاتی ایران
- ۵- بابایی اسکویی، محمدرضا، (۱۳۸۵). پروژه بررسی نارسایی‌های قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با آخرین اصلاحات، پروژه امتحان جامع کارشناسی ارشد مرکز آموزش مدیریت دولتی آذربایجان شرقی
- ۶- خان جان، علیرضا، (۱۳۸۳). «پتانسیل فرار و تقلب در نظام مالیات برارزش افزوده»، مجله اقتصادی، سال چهارم، صفحه ۳۷
- ۷- ذکوری، وجیه اله، شمس زاده، باقر، (۱۳۹۰). «بررسی و شناسایی نارسایی‌ها بنیادین موجود در قانون مالیات‌های مستقیم و راهکارهای اصلاحی آن»، مجموعه مقالات چاپی در ششمین همایش سیاست‌های مالیاتی ایران
- ۸- رستمی، ولی، ایزدی، سلمان (۱۳۹۳)، «شفافیت قوانین و نقش آن‌ها در تمکین و فرار مالیاتی (نقدی بر قانون مالیات‌های مستقیم)»، مجموعه مقالات چاپی در ششمین همایش سیاست‌های مالیاتی ایران
- ۹- زایر، آیت، (۱۳۸۸). جایگاه ساده‌سازی در برنامه اصلاح مالیاتی، تجربه جهانی و چالش‌های نظام مالیاتی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی مالیات، شماره ششم، صفحه ۱۵۷
- ۱۰- سالنامه‌های آمار مالیاتی سال ۱۳۸۷ سازمان امور مالیاتی کشور مأخوذه از کتابخانه الکترونیکی پایگاه سازمان امور مالیاتی کشور
- ۱۱- سالنامه‌های آمار مالیاتی سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ سازمان امور مالیاتی کشور. مأخوذه از کتابخانه الکترونیکی پایگاه سازمان امور مالیاتی کشور
- ۱۲- صالحی، مهدی، پرویزی فرد، سعید، استوار، مستوره، (۱۳۹۳). تأثیر عوامل فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی در بین مؤدیان مالیاتی، فصلنامه علمی- پژوهشی مالیات، شماره ۲۳، صفحه ۱۸۵
- ۱۳- طاهری تاری، میرمحسن، (۱۳۹۳). جایگاه رویه‌ی قضایی در حقوق مالیاتی ایران و شوندهای ابطال نظام نامه دولتی مالیاتی، تهران، انتشارات جنگل

- ۱۴- ظرفیت‌های مالیاتی اقتصاد ایران، چالش‌ها و راهکارهای توسعه ۱۳۹۱-۱۳۹۲، معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل سازمان امور مالیاتی کشور.
- ۱۵- عرب‌مازار، علی‌اکبر، گل محمدی، مریم، باقری، بهروز، (۱۳۹۰). سطح تمکین مالیاتی مهم‌ترین شاخص دست‌یابی به یک نظام مالیاتی کارآمد و مطلوب، فصلنامه علمی-پژوهشی مالیات، شماره دوازدهم، صفحه ۲۷
- ۱۶- قانون مالیات تعاون ملی برای بازسازی و آیین‌نامه اجرایی آن
- ۱۷- قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات (۱۳۷۱). دفتر روابط عمومی و ارشاد وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۱۸- قوانین برنامه پنجاه و یک ساله اولی پنجم توسعه کشور
- ۱۹- کرمی، غلامرضا، (۱۳۸۵). مجموعه قوانین مالیاتی کشوری ۱۳۸۵-۱۳۸۹، تهران، انتشارات شاپور
- ۲۰- کمالی، سعید، شفیع، سعیده (۱۳۹۰). مفهوم تمکین مالیاتی و محاسبه آن در نظام مالیاتی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی مالیات، شماره دهم، صفحه ۱۴۳-۱۶۸
- ۲۱- گزارش تحلیلی مالیات بر درآمد مشاغل به تفکیک اصناف (۱۳۹۲-۱۳۹۳). معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل سازمان امور مالیاتی کشور
- ۲۲- ملکی نجفدر، علیرضا، رسولی شمیرانی، رضا، روستا، محمود، (۱۳۹۰). بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر پذیرش و کاربرد فناوری اطلاعات بر اساس مدل دیویس، مطالعه موردی مؤدیان اداره کل امور مالیاتی جنوب استان تهران، فصل نامه علمی-پژوهشی، شماره ۱۴، صفحه ۱۳۵
- ۲۳- ویکتور ثورونی، (۱۳۸۲)(۱۳۸۴). طراحی و نگارش قانون مالیاتی، ج ۱ و ۲، (ترجمه مرتضی ملانظر)، تهران، سازمان امور مالیاتی کشور (کتاب اصلی در ۱۹۹۶ به وسیله صندوق بین‌المللی پول انتشار یافته است).
- 24- AICPA(2002) Guiding Principles for Tax Simplification, Issued by the Tax Division of the American Institute of Certified Public Accountants, Inc. New York, NY 100368775-
- 25- Alm, James, I. Sanchez, and A. De Juan. (1995) "Economic and Non-Economic Factors in Tax Compliance. KYKLOS 48: 3-18
- 26- Adam broke, (1999) icaew, tax faculty hardman lecture "Simplification of tax or wouldnot start from here"
- 27- questionnaire.
- 28- David, ulph, (2013) measuring tax complexity institute for research in economics(sire), p112-
- 29- Daniel.M and Michael.J(2013), Measuring the complexity of the law.the united states code.August 2013

- 30- Evans, Chris and Tran-Nam, Binh, (2013), Towards the Development of a Tax System Complexity Index... UNSW Australian School of Business Research Paper No. 2013 TABL 1001. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2216322>
- 31- McKerchar Margaret, (2007), Tax Complexity and its Impact on Tax Compliance and Tax Administration in Australia, University of New South Wales, Proceedings of the 2007 IRS Research Conference Bulletin The IRS Research
- 32- OECD committee of fiscal Affairs from on strategic management (2001), tax policy and administration, May 2001
- 33- professor Pederson, (2011) "advancing the study of tax complexity with the usability model", new york university.
- 34- Richard, T (2012), length of tax legislation as a measure of complexity (OTS)
- 35- the office of tax simplification (OTS), the office of tax simplification index.
- 36- the OTS, (2010) tax thresholds and ceiling- the numbers game, p16-
- 37- Ulps and Richard, B (2012) the OTS complexity index, p19-
- 38- www.Doing Business 2006 & 2011 concern to MENA & OECD countries

بررسی حسن جریان امور از خلال رتبه‌بندی فضای کسب و کار در تجارت خارجی کشورهای منتخب با تأکید بر ایران

اصغر مبارک^۱

چکیده

سرمایه یکی از پیش‌نیازهای اساسی رشد اقتصادی محسوب می‌شود، از این رو جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به‌عنوان مکمل منابع مالی داخلی یکی از راه‌های تأمین سرمایه است. براساس مطالعات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت خارجی تابع عوامل زیادی می‌باشد که فضای کسب و کار، یکی از این عوامل است، بهبود فضای کسب و کار نقش مهمی در افزایش قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و رشد اقتصادی پایدار دارد.

از طرفی، مسئله هزینه مبادله در محافل اقتصادی حاضر از اهمیت خاصی برخوردار است. صاحب‌نظران بر این باورند که کاهش هزینه مبادله عاملی بر رشد و توسعه هر کشور خواهد شد. به عبارت دیگر اگر فضاهای اقتصادی اعم از بازار، بنگاه‌ها، نهادهای اقتصادی و مانند آن با پرهیز از قوانین دست و پاگیر و زائد، روند مبادله را آسان کنند، در نتیجه حجم مبادلات بالا خواهد رفت و تحرک اقتصادی در چنین محیطی مشهود خواهد بود.

در این پژوهش در پی آن هستیم تا با تعریف محیط نهادی، شاخص‌های بانک جهانی و بنیاد هریتیج در ارزیابی، فضای کسب و کار را به‌عنوان شاخص‌های هزینه مبادله تعریف کرده و با انتخاب تعدادی از این شاخص‌ها و براساس دیدگاه کارشناسان و بهره‌گیری از تکنیک ترکیبی (AHP-Topsis) و نرم‌افزارهای (Expert choice) و نرم‌افزار (SPSS) وضعیت برخی کشورهای منتخب را در هزینه مبادله مشخص نماییم. نتایج پایانی نشان می‌دهد، در هر کشوری که امنیت و آزادی اقتصادی بیشتری در فضای کسب و کار حاکم باشد و مبادلات سریع‌تر و آسان‌تر پیش برود، هزینه مبادله در آن کشورها میزان کمتری را نصیب خود خواهد نمود.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فضای کسب و کار

JEL:L11,L12,L13

مقدمه

انسان امروزی در تمام ادوار زندگی اش همواره در حال معامله کردن است، خدمت یا کالایی را عرضه می کند و در عوض آن مطالبه ای را طلب می نماید. عرضه ی علم از طرف استاد و تقاضای آن از سوی دانشجو، عرضه ی خدمات درون شهری تا دریافت آن توسط شهروندان، تأمین نیازهای اقتصادی از بازارها و ... همگی هرچند تکراری و روزمره هستند، اما در چارچوب معاملات انجام می گیرند. البته با طرح مفهوم مبادله، ذهن به شکل ناخودآگاه به سمت بازارهای اقتصادی کشیده می شود و خود را به انتقال کالا از یک فرد به فرد دیگر محدود می کند که این مفهوم، عام است، ولی کامل نیست چراکه گستره ی مفهوم مبادله در تمام شئون زندگی اجتماعی نمایان است.

فرآیند مفهوم عام مبادله در محلی با نام بازار می تواند در سه بخش انجام گیرد. در ابتدا طرفین معامله یعنی عرضه کننده و تقاضاکننده به دنبال یافتن یکدیگر خواهند بود. آنگاه که قسمت اول محقق شد و تمایل عرضه و تقاضا برای طرفین مبادله حاصل گردید، مرحله ی دوم یعنی عقد قرارداد و اجرای آن فرآیند را پیش می برد و در نهایت اعمال نظارت بر اجرای قرارداد و پایان تعهدات از سوی طرفین این فرآیند را خاتمه خواهد داد. چون مقصود طرفین مبادله برای حضور در معاملات، افزایش منافع خویش است. از همین روی اقداماتی و هزینه هایی را انجام می دهند تا در سه بخش مذکور، اهداف خود یعنی حداکثر کردن مطلوبیت یا ثروت را محقق سازند. به این دست از هزینه های مرتبط با مراحل مختلف مبادله شامل هزینه های جست و جو، چانه زنی، اعمال قرارداد، نظارت بر حسن اجرای قرارداد و مواردی از این گونه که در جریان مبادلات رخ می دهد هزینه مبادله^۱ می گویند.

توجه به مبادله به عنوان خاستگاه هزینه مبادله باعث شده است تا مفهوم هزینه مبادله در سه بخش بازار، بنگاه و نهاد مورد بررسی قرار گیرد. بحث نهادها و ایجاد محیط نهادی می تواند عاملی برای شاخص سازی هزینه مبادله باشد. از همین روی چنانچه در محیط نهادی هریک از نهادهای موجود از قبیل قوانین و مقررات، قواعد، عادات، رسوم، سنت ها و ... که در پیشبرد معاملات از اهمیت فراوانی برخوردار هستند پیچیده تر و دشوارتر گردند، مبادله نیز به سختی شکل می گیرد و هزینه های زیادی را بر دوش طرفین مبادله قرار می دهد. در نتیجه، ایجاد یک محیط نهادی امن و آزاد که به واسطه ی ترتیبات نهادی مناسب حاصل آمده است، مبادلات را آسان تر می کند و هزینه مبادله را کاهش می دهد. شاخص های موجود در بنیاد هریتیج و کارگروه (Doing Business) بررسی امنیت و آزادی محیط های نهادی را امکان پذیر ساخته است.

از طرف دیگر پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) همواره موضوع پرچالشی برای سیاست گذاران کشور بوده است. این مسئله و همچنین تحریم های مختلف اعمال شده ی اخیر، بر

تصمیم‌گیری مسئولان تأثیرگذار است، لذا هر ساله سازمان توسعه تجارت ایران براساس روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای مختلف اقدام به اولویت‌بندی هدف‌های تجارت می‌نماید تا محدوده فعالیت‌ها و اهداف اصلی تجارت را بر این مبانی برای بازرگانان کشور تعیین نماید، اما این اولویت‌بندی بدون توجه به مسائل عمده کشور مقصد، می‌تواند علاوه بر کاهش فرصت‌ها، تهدیدهای مهمی را برای توسعه کسب‌وکار داخلی به بار آورد، لذا در این پژوهش سعی شده تا با ادغام داده‌های دو پایگاه سازمان توسعه تجارت ایران و گزارش رقابت‌پذیری جهانی، برخی از روابط مابین متغیرهای اصلی کسب‌وکار بررسی شود.

در نهایت، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از برخی شاخص‌های بنیاد هریتیج و کارگروه اجرای کسب‌وکار (Doing Business) وضعیت منتخبی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در زمینه مبادله را مورد بررسی قرار داده است. به این منظور با کمک روش (AHP) و نرم‌افزار (Expert Choice 11) معیارهای انتخابی توسط نخبگان وزن‌دهی شد و آنگاه به کمک روش (Topsis) با در نظر گرفتن وزن‌های به‌دست‌آمده و ارقام کمی استخراج شده از بنیاد هریتیج و کارگروه اجرای کسب‌وکار (Doing Business) در فضای نرم‌افزار (SPSS) کشورهای منتخب براساس کمترین هزینه مبادله رتبه‌بندی شدند.

هزینه مبادله

زندگی اجتماعی بر پایه مبادله استوار است و هر مبادله‌ای هزینه‌هایی را نیز بر طرفین مبادله تحمیل می‌کند. به‌طور نمونه مبادله در مفهوم بازار در سه بخش انجام می‌گیرد، در ابتدا طرفین معامله یعنی عرضه‌کننده و تقاضاکننده به‌دنبال یافتن یکدیگر خواهند بود. آنگاه که تمایل عرضه و تقاضا برای طرفین مبادله حاصل گردید مرحله‌ی دوم یعنی عقد قرارداد و اجرای آن فرآیند را پیش می‌برد و در نهایت اعمال نظارت بر اجرای قرارداد و پایان تعهدات از سوی طرفین این فرآیند را خاتمه خواهد داد (شریف‌زاده و نادران، ۱۳۸۹). چون مقصود طرفین مبادله برای حضور در معاملات، افزایش منافع خویش است از همین‌روی اقدامات و هزینه‌هایی را انجام می‌دهند تا در سه بخش مذکور، اهداف خود یعنی حداکثر کردن مطلوبیت یا ثروت را محقق سازند. به این‌دست از هزینه‌های مرتبط با مراحل مختلف مبادله شامل هزینه‌های جست‌وجو، چانه‌زنی، اعمال قرارداد، نظارت بر حسن اجرای قرارداد و ... که در جریان مبادلات رخ می‌دهد هزینه مبادله می‌گویند (موسل^۱، ۲۰۰۹).

اولین مفهوم هزینه مبادله با نام اصطکاک در اقتصاد پولی مورد استفاده قرار گرفت و علت آن‌هم این بود که چون با ایجاد تخصیص به‌وسیله تقسیم کار و پیدایش کالاهای مازاد، مبادله‌ی کالاها مشروط به تعیین ارزش نسبی آن است، در نتیجه تعیین عوامل مؤثر بر ارزش کالاها در مبادله با پول مطرح

گردید (تفضلی، ۱۳۸۸). به همین دلیل پول در نقش تسهیل کننده مبادله و واحد شمارش، وارد میدان شد؛ بنابراین نهاد پولی با این بیان برای غلبه بر اصطکاک اقتصاد تهاتری پدیدار گشت و هزینه مبادله را کاهش داد (فورابان ورشتر^۱، ۲۰۰۰).

اما به طور مشخص مقاله «ماهیت بنگاه» کوز^۲ در سال ۱۹۳۷ با بررسی نقش نهاد بنگاه در جانشینی با بازار، موجب پدیدار شدن اقتصاد نهاد گرایی جدید و مفهومی شفاف تر از هزینه مبادله گردید. البته کوز به وضوح نامی از هزینه مبادله به میان نیاورد. او در مقاله خود با لحاظ کردن هزینه هایی در هریک از مراحل فرآیند مبادله، آموزه ی مسلط اقتصاد نئو کلاسیک در بازار را که سازوکار قیمت ها را مؤثرترین عامل در تخصیص کارایی منابع می دانست زیر سؤال برد و با پیش کشیدن فلسفه ی وجودی عاملی با نام مدیر که وظیفه اش تخصیص منابع است، چنین بیان کرد که استفاده از بازار بدون هزینه نیست و هرگاه هزینه های انجام دادن مبادله در بازار از منافع آن فراتر رود، عوامل اقتصادی ترجیح می دهند آن مبادله را در درون یک بنگاه اقتصادی تعهد نمایند تا در یک بازار.

پس از کوز اولین اقتصاددانی که واژه هزینه مبادله را به کار برد کنت ارو^۳ (۱۹۶۹) بود. وی یکی از موانع تشکیل بازارها را هزینه مبادله می داند و هزینه مبادله را هزینه ای می پندارد که در مقابل حرکت مداوم نظام اقتصادی وجود دارد. وی معتقد است که هزینه مبادله در اقتصاد به مثابه اصطکاک در علم فیزیک است. بارزل^۴ (۱۹۸۹) هزینه های انتقال (جابه جایی)، ضمانت، حفظ و حمایت حقوق را هزینه مبادله می داند. نورث^۵ (۱۹۹۰) هزینه های مبادله را به دو بخش بازاری و غیربازاری تقسیم بندی می کند. از دید او هزینه های جست و جوی اطلاعات، هزینه انجام تعهدات با توجه به قوانین و مقررات مانند هزینه های افتتاح و اخذ مجوز، هزینه های بازاری هستند و هزینه هایی که از بازار عبور نمی کنند و مشکل اندازه گیری دارند و با مسائل خاصی چون انتشار آلودگی و عدم رعایت حقوق مالکیت مرتبط اند هزینه های غیربازاری نامیده می شوند. فورابان و رشتر^۶ (۲۰۰۰) هزینه مبادله را هزینه جست و جوی اطلاعات، چانه زنی، هزینه اجرای سیاست و نظارت تلقی می کنند و تأکید می نمایند که هزینه های مبادله همراه با فرایند مبادله (دامنه آن) افزایش می یابد. همچنین ماجرو و ریچمن^۷ (۲۰۰۶) در تعریف هزینه مبادله تأکید بر آن هزینه هایی دارند که ناشی از عدم توانایی افراد برای پیش بینی و برنامه ریزی باشد.

برآیند مطالب فوق چنین می رساند که هزینه هایی که طرفین قراردادها برای کسب اطلاعات، یا به خاطر عدم اجرای مفاد قرارداد از سوی طرفین مقابل یا به منظور نظارت و کنترل اعمال قانونی قرارداد متحمل می شوند را هزینه مبادله می گویند (رنانی، ۱۳۷۶: ۱۴۷).

1 . Furuboten&Richter

2 . coase

3 . Arrow

4 . Barzel

5 . North

6 . Furubotn & Richter

7 . Macher & Richman

به‌طور مشخص طرفین مبادله باید یکدیگر را جست‌وجو کنند، از طریق علایق مشترک با هم ارتباط برقرار کنند، راجع به یکدیگر بیشتر بدانند، هریک باید تعیین کند طرف معامله چه کسی است و آیا او قادر به انجام هر توافقی که حاصل می‌شود، هست؟ جزئیات و شرایط دادوستد باید تشریح شود، تضمین‌های قانونی برای افراد لحاظ گردد (فورابان ورشتر، ۲۰۰۰) که جملگی هزینه‌هایی را بر دوش طرفین می‌گذارد که معرف هزینه مبادله هستند حال آن‌که هر قدر این هزینه‌ها بالاتر باشد امکان فسخ مبادله بیشتر می‌شود.

فرض کنیم بحث موردنظر، مبادله‌ی عوامل تولید مانند نیروی کار در یک قرارداد میان کارگران و صاحبان بنگاه است که هر دو طرف با اعمال رفتاری فرصت‌طلبانه می‌توانند هزینه‌ی مبادله را بالا ببرند. به‌طور نمونه کارگران با رفتاری چون استفاده‌ی نادرست یا آسیب زدن به تجهیزات بنگاه، عدم دقت در کیفیت محصولات تولیدی، استفاده‌های شخصی از وسایل بنگاه، ادعاهای نادرست در مورد بنگاه و یا سوابق کاری و یا مفاد قرارداد به مراجع قانونی و کارفرما با اعمال تبعیض‌های نژادی و جنسی یا سنی در پرداخت دستمزد یا آلودگی یا ناسالمی نیروی کار حرکت‌های فرصت‌جویانه را داشته باشند (رنانی، ۱۳۷۶: ۳۶۱). حرکت فرصت‌طلبانه‌ی کارگران کارفرما را به کنترل و رفتار کارگر، برقراری سیستم‌ها و نصب دستگاه‌های شمارش‌گر و ... مجبور می‌کند و حرکت فرصت‌طلبانه کارفرما هزینه‌های تشکیل اتحادیه و انجمن‌های مختلف را بر دوش کارگران می‌نهد که هر دو حالت به‌نوعی هزینه مبادله در امر انتقال توانایی‌های کاری از نیروی کار به کارفرما را افزایش خواهد داد.

در باور نورث اولین و چشم‌گیرترین اثر هزینه مبادله، اثر مستقیم آن بر سرمایه‌گذاری است. او معتقد است افزایش هزینه مبادله باعث اخلاص در بازار سرمایه می‌گردد (نورث، ۱۹۹۰). تأکید بر هزینه مبادله و تأثیر آن بر فضای کسب و کار امروزه و در اقتصاد جهانی کنونی بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر تا دیروز پایین آوردن هزینه عوامل تولید مدنظر قرار می‌گرفت، امروزه امور مربوط به هزینه مبادله برای سهولت ورود به بازار و ایجاد نقدینگی در بازار (مالپزی^۱، ۱۹۹۸) نیز در کنار عوامل تولید مورد توجه قرار گرفته است. به‌همین دلیل چنانچه در فضای کسب و کار هزینه مبادله چه در زمان شروع به کار و تأمین سرمایه و چه در دوران کار و چه در عرضه کالا افزایش یابد، بی‌تردید توان تولید و ارائه خدمات روبه‌کاهش می‌نهد و با افزایش هزینه کل و کاهش تولید، اشتغال، رشد اقتصادی و حجم و میزان مبادلات روبه‌رو خواهیم شد.

شاخص‌سازی هزینه مبادله به‌وسیله محیط نهادی

توجه به مبادله به‌عنوان خاستگاه هزینه مبادله باعث شده است تا مفهوم هزینه مبادله از سه منظر بازار، بنگاه و نهاد مورد بررسی قرار گیرد. دیدگاه اول هزینه مبادله را وابسته به بازارها می‌داند و بازار را

به عنوان شکل دهنده ترتیبات میان عرضه کننده و تقاضاکننده عاملی مهم در کاهش هزینه مبادله می پندارد. دیدگاه دوم به طور کلی بر هزینه مبادله بنگاه و سازمان توجه دارد و تمرکز اصلی خود را به ارتباط اندازه بنگاه و ساختار درونی آن با بازارها معطوف کرده است و در دیدگاه سوم نقش نهادهای اقتصادی در بازار و بنگاه‌ها برجسته شده و هزینه مبادله را به تغییرات نهادی مرتبط دانسته است.

ادبیات نهادهای اقتصادی به عنوان عاملی تعیین کننده در رفتار اقتصادی مردم، مفهومی نا آشنا برای بنیان گذاران رشته اقتصاد و به ویژه آدام اسمیت و سایر دانشمندان آن زمان نبوده است اما گذر زمان این مفهوم را از تحلیل های اقتصادی دور نمود. پس از مدتی با ظهور مکتب تاریخی آلمان و به ویژه اقتصاد نهادگرایی قدیم بار دیگر نهادهای اقتصادی مورد توجه قرار گرفتند. ولی مجدداً بعد از جنگ جهانی دوم برای مدتی به حاشیه رفتند یا به قولی به رشته جامعه شناسی تبعید شدند تا اینکه با ظهور اقتصاد نهادگرایی جدید نهادهای اقتصادی دوباره به عرصه اقتصاد بازگشتند و این بار جایگاه خود را تثبیت کردند.

اقتصاد نهادگرایی جدید که عمدتاً در آرای رونالد کوز، داگلاس نورث و الیور ویلیامسون تشکیل یافته است با اتخاذ رهیافتی میان رشته ای علم اقتصاد، حقوق، نظریه سازمان، علم سیاست، جامعه شناسی و انسان شناسی را به هدف فهم نهادهای اجتماعی، سیاسی و تجاری ترکیب می کند تا از این منظر تأثیر ترتیبات و چارچوب های نهادی جامعه بر الگوی رفتاری افراد و واکنش متفاوت کنشگران اقتصادی را در شرایط نهادی حاکم بر جامعه تبیین نماید.

تأکیدات ویلیامسون^۱ (۱۹۷۰) بر تأثیرات متقابل محیط نهادی و افراد در تعیین نوع سامان دهی مبادلات (ویلیامسون، ۱۹۷۰) و ادعای رودفورد^۲ (۱۹۹۴) مبنی بر نقش نهادها به عنوان بن مایه اصلی اقتصاد نهادگرایی قدیم و نهادگرایی جدید در شکل دادن رفتارهای کارگزاران اقتصادی و عملکرد اقتصادی (رودفورد، ۱۹۹۴) مهر تأییدی بر نقش نهادها و محیط نهادی در میزان وقوع هزینه مبادله است. هرچند اجماع نظری در تعریف نهادها، میان اقتصاددانان وجود ندارد ولی به طور معمول گفته می شود که نهادها، قوانین بازی و قیودی هستند که به خواسته ها، کنش ها و روابط متقابل افراد با یکدیگر شکل داده و راهنمای کنش متقابل انسان می باشد و کارکرد آن تأسیس یک ساختار نظام مند و با ثبات در میان انگیزه های نهفته در مبادلات بشری است (نورث، ۱۹۹۰). مجموعه ای از نهادها، محیطی را تشکیل خواهند داد که با نام محیط نهادی شناخته می شود و روشن می سازد که در گستره ی یک اقتصاد امکان شکل گیری چه سازمان هایی وجود دارد و چه استراتژی هایی برای سازمان قابل پیگیری است. به عبارتی قوانین و مقررات جاری اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، آیین نامه ها و ... و سیاست های حاکم بر تدوین و اجرای آنها از مؤلفه های اصلی تشکیل دهنده محیط نهادی در هر کشور

1 . Wiliamson

2 . Rutherford

به‌شمار می‌رود (جوسکو^۱، ۲۰۰۸) که رویه‌ها و استانداردهای محیط عمومی اقتصاد را مشخص می‌کند. با این تفاسیر می‌توان گفت که رفتارهای متقابل در محیط نهادی از برآیند نهادهای رسمی و غیررسمی شکل گرفته است. نهادهای رسمی شامل قانون‌ها و قواعدی است که از طرف قانون‌گذار و یا عمدتاً دولت تعیین می‌گردد و نهادهای غیررسمی، قواعد اخلاقی و هنجارهای ارزشی است که آداب‌ورسوم، سنت و عرف حاکم در هر جامعه آن‌ها را مشخص کرده است. در نتیجه باوجود نهادهای رسمی و غیررسمی، حقوق افراد در محیط‌های اقتصادی به شکل قانونی و اقتصادی شرح می‌گردد. در این رابطه حقوق قانونی افراد، حق تعریف شده به‌وسیله دولت از سوی قانون و عرف است که در قالب نهادهای رسمی و غیررسمی گنجانده می‌شود و حقوق اقتصادی، توانایی افراد برای انجام کار به‌منظور کسب یک دارایی است (لیا و وبستر^۲، ۲۰۰۳). به‌دیگر سخن هر فرد برای ورود به عرصه کسب‌وکار در عین توجه به توانایی‌های اقتصادی خود باید به قوانین و رسوم حاکم بر فضاهای اقتصادی نیز نظر داشته باشد. حال آن‌که هر قدر حقوق قانونی افراد با حقوق اقتصادی فاصله داشته و قوانین و آداب پیچیده و دست‌وپاگیری موجود باشد، راه برای فرصت‌طلبی و پرداخت‌های غیرقانونی بالاتر و در نتیجه هزینه مبادله سیر صعودی می‌گیرد. بدیهی است وجود مقررات زاید، فساد مالی را رقم می‌زند (تانزی^۳، ۱۹۹۸) و بیشترین هزینه‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که طرفین مبادله با محدودیت‌های رسمی و غیررسمی در شکل‌گیری مبادله مواجه باشند و در بدترین حالت ممکن باوجود چنین هزینه‌هایی انجام مبادله غیرممکن گردد (شولتز^۴، ۲۰۰۱).

فضای کسب‌وکار نمونه‌ای بارز از محیط نهادی است که تمامی فاکتورهای نهادی اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی در شکل‌گیری و سرعت بخشیدن به آن تأثیر بسزایی دارند. محیطی که با سرعت و سهولت بخشیدن به کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری زمینه تحریک رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد، محیط نهادی امن و آزاد شمرده می‌شود به عبارتی هر قدر در بستر کسب‌وکار حقوق قانونی و اقتصادی افراد شفاف‌تر و آزادانه‌تر بیان گردد و محدودیت‌های رسمی و غیررسمی کاهش یابد، آنگاه تمایل افراد برای ورود به کسب‌وکار افزایش می‌یابد و شاهد جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در چنین بستری خواهیم بود. با چنین نگاهی ایجاد محیط امن و آزاد یک ضرورت در کاهش هزینه مبادله پنداشته می‌شود و می‌توان شاخص‌های امنیت، سهولت و آزادی کسب‌وکار را به‌عنوان شاخص‌های هزینه مبادله معرفی نمود. برای دست یافتن به این مهم به آمار دو سازمان بانک جهانی و بنیاد هریتیج که آزادی و امنیت اقتصادی را نشان می‌دهند، اشاره می‌گردد.

کارگروه اجرای کسب‌وکار (Doing Business) بانک جهانی با توجه به چرخه کسب‌وکار

1 . Joskow
2 . Lia& Webster
3 . Tanzi
4 . Sholtz

از زمان شکل‌گیری تا انحلال و وجود قوانین و مقررات کسب‌وکار، تحمیل هزینه‌های گوناگون و صرف زمان در این چرخه، سالانه شاخص‌هایی کمی و عینی درخصوص مقررات مربوط به آغاز یک کسب‌وکار و طی مراحل دیگر تا تعطیلی آن برای قریب به ۱۹۰ کشور جهان را تهیه می‌نماید. این شاخص‌های ده‌گانه به شرح زیر مطرح می‌گردند:

- ۱- شروع کسب‌وکار: این شاخص فرآیند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان موردنیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت در نظر می‌گیرد.
- ۲- اخذ مجوزها: شامل تمامی فرآیند لازم‌الرعايه برای اخذ مجوزهای موردنیاز تا تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه می‌باشد که مطالعه موردی این شاخص نشان‌دهنده تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه صرف شده برای دریافت مجوزهای موردنیاز با استاندارد معین هر کشور است.
- ۳- شاخص استخدام و اخراج نیروی کار: میزان دشواری استخدام، انعطاف‌ناپذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می‌سنجد.
- ۴- ثبت مالکیت: فرآیند لازم به منظور ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی است. تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می‌شود. به عنوان مطالعه موردی فرایند کامل خرید یک زمین، ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر نشان‌دهنده این شاخص است.
- ۵- اخذ اعتبار: این شاخص میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده، دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمان‌ها یا افراد قرار داده می‌شود تا براساس اعتبار تعیین شده به ارزیابی فعالان اقتصادی پردازند.
- ۶- حمایت از سرمایه‌گذاران (سهام‌داران): در این شاخص بررسی می‌شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی هستند به‌ویژه در معاملاتی که در آن‌ها منافع مدیران با منافع شرکت یا منافع دولت در تعارض است. این شاخص میزان علنی بودن (افشا) مبادلات مالی، میزان پاسخ‌گویی مدیر، سهولت شکایت برای سهام‌دار و توان حمایت از سرمایه‌گذار را دربر می‌گیرد.
- ۷- پرداخت مالیات: این شاخص مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان تعیین و پرداخت و کل مالیات قابل پرداخت را برحسب درصد از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی را ارزیابی می‌کند.
- ۸- تجارت فرامرزی: تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات (از بسته‌بندی در کارخانه تا خروج از بندر)، میزان تعرفه‌ها و عوارض و همچنین تعداد مراحل

تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای واردات (از پهلوی گرفتن کشتی در بندر تا تحویل محموله به انبار کارخانه) و میزان تعرفه‌ها و عوارض را می‌سنجد. در مطالعه موردی صدور و ورود یک محموله استاندارد از راه دریایی در نظر گرفته می‌شود.

۹- انحلال یک فعالیت: تعداد مرحله، زمان لازم برای دادرسی (روز) و هزینه پرداخت شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی در این شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱۰- الزام آور بودن قراردادها: زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را دربر می‌گیرد.

بدیهی است هر قدر این مراحل مشکل‌تر، پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر باشند انگیزه افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی برای انجام و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در فضای کسب و کار کم‌تر خواهد شد.

بنیاد هر نتیجه نیز با رویکرد امنیت سرمایه‌گذاری به محیط نهادی می‌نگرد و طبق این رویکرد دولت‌ها با فشار یا اجبار بیش از حد محیط سرمایه‌گذاری را ناامن می‌سازند. از همین روی این بنیاد معیار آزادی اقتصادی را در دو بعد روابط خارجی و داخلی کشورها در ده شاخص به قرار زیر دنبال می‌کند:

۱- آزادی کسب و کار: این شاخص به میزان آزادی هر کشور از بروکراسی‌های اداری و قوانین زاید در فضای کسب و کار می‌پردازد.

۲- شاخص آزادی تجارت: این شاخص مربوط است به میزان تعرفه‌هایی که بر واردات کالاهای خارجی اعمال می‌گردد. برای محاسبه این شاخص میزان محدودیت تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای مدنظر است.

۳- شاخص آزادی مالی: این شاخص بر موضوع مالیات تمرکز دارد. مالیات‌بازی است که دولت برای تأمین مخارج خود از آن استفاده می‌نماید و فعالیت‌های اقتصادی افراد و شرکت‌ها از آن متأثر می‌شود. در این شاخص سه متغیر مدنظر است. حداکثر نرخ مالیات بر درآمد افراد، حداکثر نرخ مالیات بر بنگاه‌ها و شرکت‌ها و میزان درآمد دولت از طریق مالیات (درصد از تولید ناخالص داخلی).

۴- شاخص مخارج دولت: میزان مخارج دولت (درصد نسبت به GDP) در بسیاری از مطالعات اقتصادی به عنوان یک متغیر واسطه‌ای و معیاری برای سنجش اندازه دولت استفاده می‌شود و زیاد بودن مخارج دولت نسبت به درآمد ملی (G/GDP) نشان‌دهنده بزرگ‌تر بودن اندازه دولت است.

۵- آزادی پولی: دو آفت برای بازارهای اقتصادی، دخالت و کنترل دولت در قیمت‌ها و نرخ تورم زیاد می‌باشد. شاخص آزادی پولی دربرگیرنده این دو متغیر است. برای محاسبه این شاخص با استفاده از فرمول‌هایی میانگین تورم سه سال گذشته و میزان کنترل دولت بر قیمت‌ها محاسبه می‌گردد.

۶- آزادی سرمایه‌گذاری: کشوری که سرمایه‌گذاری در آن با حداقل محدودیت‌های قانونی و بوروکراتیک امکان‌پذیر باشد و ورود و خروج سرمایه‌ها در عرصه‌های بین‌المللی بدون محدودیت و به آسانی انجام گیرد می‌تواند امتیاز مناسبی برای این شاخص به خود اختصاص دهد.

۷- آزادی تأمین اعتبار: مالکیت و کنترل دولتی در بخش بانکداری و بیمه و میزان آزادی مؤسسات مالی در تعیین نحوه تأمین اعتبار از عوامل مؤثر بر تعیین امتیاز برای این شاخص است.

۸- حقوق مالکیت: قانون کپی‌رایت و علی‌الخصوص استفاده وسیع و رایگان از نرم‌افزارها از عوامل مرتبط با کاهش امتیاز در این شاخص است.

۹- آزادی از رشوه و فساد: این شاخص به‌نوعی حکایت از وجود فساد در فضای کسب‌وکار از جنبه‌هایی چون فساد بدنه دولت، ساختار قضایی و اجرایی دارد. در محاسبه این شاخص از شاخص درک فساد (CPI) که توسط سازمان بین‌المللی شفافیت محاسبه می‌شود، استفاده می‌گردد.

۱۰- آزادی بازار نیروی کار: برای محاسبه این شاخص از متغیرهایی همچون نسبت حداقل دستمزد به میانگین ارزش افزوده هر کارگر، میزان نامناسب بودن ساعات کار، میزان سختی اخراج کارگر اضافی و وجوه پرداختی بابت انفصال از خدمت استفاده می‌شود.

رویکردهای تصمیم‌گیری چندمعیاره

تصمیم‌گیری چندشاخصه از مدل‌های ریاضی است و به رویکردی از حل مسئله اشاره دارد که تصمیم‌گیرنده قصد دارد تا با توجه به هدف موردنظر و با در نظر گرفتن شاخص‌های پیش‌روی، بهترین گزینه را از میان گزینه‌های موجود انتخاب نماید (اکبری و زاهدی کیوان، ۱۳۸۷). یک سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری چند شاخصه باید امکان صورت‌بندی مسئله و تجدیدنظر در آن را بدهد، گزینه‌ها، معیارهای مختلف کمی و کیفی را در تصمیم‌گیری دخالت دهد، نظرات افراد مختلف را درمورد گزینه‌ها و معیارها لحاظ کند، امکان تلفیق قضاوت‌ها را فراهم سازد و بر مبنای یک نظریه قوی استوار باشد. روش‌های (MADM) به سهولت کاربرد معروف هستند. رویه‌های ترکیبی (چنانچه به‌درستی ترکیب شوند) می‌توانند این نقطه قوت را حفظ کنند و منابع چندگانه‌ای از دانش و تجربه ایجاد کنند؛ بنابراین این پژوهش به‌منظور دستیابی به تصمیمات کارا تر از ترکیب دو رویکرد (AHP) و (Topsis) که نقاط ضعف هریک با نقاط قوت دیگری جبران می‌شود، استفاده می‌کند.

منطق زیربنایی روش (Topsis) (روش منظم کردن ترجیحات با تشابه به راه‌حل ایده‌آل)، تعریف راه‌حل ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی بوده و مبنای آن بر این است که ابتدا ایده‌آل مثبت (بهترین حالت) و ایده‌آل منفی (بدترین حالت) را برای هریک از شاخص‌ها یافته و سپس فاصله هر گزینه از ایده‌آل

مثبت و منفی محاسبه شود، گزینه منتخب گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از ایده‌آل‌های مثبت و بیشترین فاصله را از ایده‌آل‌های منفی داشته باشد این تکنیک طوری طراحی شده است که طراح می‌تواند نوع شاخص‌ها را از لحاظ تأثیر مثبت و منفی داشتن بر هدف تصمیم‌گیری در مدل دخالت دهد (اکبری و کیوان زاهدی، ۱۳۸۷). به‌طور خلاصه راه‌حل ایده‌آل مثبت ترکیبی از بهترین ارزش‌های در دسترس معیارها و راه‌حل ایده‌آل منفی شامل بدترین ارزش‌های قابل دسترس معیارها است.

روش (AHP) با ترکیب نظرات کارشناسان، سیستم تصمیم‌گیری پیچیده را به سیستم سلسله‌مراتبی ساده تبدیل می‌کند. سپس با استفاده از مقایسات زوجی، روش ارزیابی برحسب مقیاس به‌منظور بررسی اهمیت نسبی، انجام می‌شود. از ویژگی‌های جالب این روش این است که به تصمیم‌گیرنده امکان می‌دهد تا بتواند قضاوت‌های شخصی و تجربیات خویش را علاوه بر اهداف مسئله در فرآیند حل مسئله تصمیم‌گیری دخالت دهد (اکبری و کیوان زاهدی، ۱۳۸۷). رویه (AHP) شامل شش مرحله اساسی است: ۱- باید مسئله بدون ساختار را تعریف نموده، اهداف و پیامدها را به‌روشنی بیان کرد. ۲- مسئله پیچیده را توسط عناصر تصمیم (معیارها و گزینه‌ها) به یک ساختار سلسله‌مراتبی تبدیل نمود. ۳- یک مقایسه زوجی بین عناصر انجام داد. ۴- عناصر اصلی را به‌وسیله ماتریس تشکیل شده تخمین زد. ۵- سازگاری معیارها را بررسی نمود. ۶- وزن‌دهی‌های نسبی را به‌منظور رسیدن به وزن نهایی عناصر با یکدیگر جمع کرد (لی و چن، ۲۰۰۸).

روشن است چنانچه فضای اقتصادی و محیط نهادی باعث کاهش زمان و هزینه شاخص‌های کسب‌وکار گردد و درجه آزادی در شاخص‌های آزادی اقتصادی را بالا ببرد آنگاه مبادلات روان‌تر و سریع‌تر انجام می‌گیرند و هزینه مبادله کاهش خواهد یافت. در نتیجه هر قدر میزان شاخص‌های مورد توجه (Doing Business) کاهش و شاخص‌های بنیاد هریتیج افزایش یابد، فضای امن و آزاد اقتصادی فراهم، امکان جذب سرمایه بیشتر و بالطبع هزینه مبادله کاهش خواهد یافت. از همین روی شاخص‌های بالا در هر دو نهاد بانک جهانی (کارگروه Doing Business) و بنیاد هریتیج به‌عنوان شاخص‌های هزینه مبادله که تعریف‌کننده محیط نهادی و تغییرات نهادی هستند معرفی می‌گردد.

روش ترکیبی (Topsis-AHP)

روش Topsis نیازمند رویه‌ای کارا است تا اهمیت نسبی شاخص‌های مختلف را با توجه به هدف تعیین کند. از همین روی روش (AHP) چنین نیازی را برآورده می‌سازد. به‌عبارتی روش (AHP) براساس نظر نخبگان میزان اهمیت معیارها را تعیین و شیوه (Topsis) از آن بهره می‌گیرد؛ بنابراین به‌منظور دستیابی به مزایای هر دو روش در رتبه‌بندی و انتخاب بهترین گزینه، روش ترکیبی (AHP - Topsis) استفاده می‌شود که مراحل در گام‌های زیر پیش خواهند رفت:

گام اول: تعیین اهداف و شناسایی شاخص‌های ارزیابی مرتبط با موضوع

گام دوم: تشکیل ماتریس تصمیم بر مبنای اطلاعات موجود شاخص‌ها. در این ماتریس، عنصر d_{ij} نشان دهنده ارزش شاخص j ام برای گزینه i ام است.

گام سوم: به دست آوردن ماتریس تصمیم نرمال با استفاده از رابطه زیر:

$$R_{ij} = \frac{d_{ij}}{\sqrt{\sum_{j=1}^M d_{ij}^2}}$$

گام چهارم: تشکیل ماتریس‌های مقایسه زوجی. در این ماتریس عنصر a_{ij} نشان دهنده ترجیح شاخص i در مقایسه با شاخص j ، مطابق با نظر نخبگان است.

گام پنجم: تشکیل ماتریس مقایسه زوجی جامع. این ماتریس از میانگین هندسی ماتریس مقایسات زوجی نظرات نخبگان ایجاد شده و با توجه به آن وزن معیارها (شاخص‌ها) محاسبه می‌شود.

گام ششم: تعیین اهمیت نسبی هر شاخص. وزن نسبی هر شاخص پس از بی‌مقیاس سازی ماتریس مقایسه زوجی جامع محاسبه می‌شود

گام هفتم: محاسبه ماتریس نرمال وزین V_{ij} . این ماتریس با ضرب ماتریس R_{ij} (ماتریس تصمیم نرمال) در وزن مربوطه W_j که از روش AHP حاصل آمده به دست می‌آید.

$$V_{ij} = W_j \times R_{ij}$$

گام هشتم: به دست آوردن راه حل ایده آل مثبت (بهترین راه حل) و راه حل ایده آل منفی (بدترین راه حل) به صورت:

$$A^+ = \{v_1^+, v_2^+, \dots, v_n^+\} = \{(max_i v_{ij} | j \in J^+), (min_i v_{ij} | j \in J^-)\}$$

$$A^- = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-\} = \{(min_i v_{ij} | j \in J^+), (max_i v_{ij} | j \in J^-)\}$$

در این روابط J^+ و J^- به ترتیب معرف مجموعه اندیس و شاخص‌های مثبت و منفی در مسئله تصمیم گیری می‌باشند.

گام نهم: محاسبه فاصله هر گزینه تا راه حل ایده آل مثبت و منفی به کمک فاصله اقلیدسی و روابط

زیر:

$$D_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2}$$

$$D_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$$

گام دهم: محاسبه نزدیکی نسبی هر گزینه به راه حل ایده آل با استفاده از رابطه زیر:

$$CL_i = \frac{D_i^-}{D_i^+ + D_i^-}$$

گام یازدهم: رتبه‌بندی گزینه‌ها. در این مرحله گزینه‌ای که دارای بزرگ‌ترین فاصله نسبی CL_i نسبت به سایر گزینه‌ها باشد، بالاترین رتبه را کسب خواهد نمود (ری و کیوان زاهدی، ۱۳۸۷).

روش تحقیق

در بخش ادبیات تحقیق برای جمع‌آوری مطالب از روش کتابخانه‌ای و در بخش تعیین وزن معیارها به روش آمارگیری و تحلیل نتایج از منابع آماری زیر نظر صندوق بین‌المللی پول بوده و در نهایت براساس داده‌های کمی هدف موردنظر تعیین گردیده است.

هرچند روابط تجاری با کشورهای دیگر، تحت تأثیر عوامل مختلف به‌خصوص عوامل سیاسی است، بااین حال توجه به داده‌های آماری پذیرفته و منتشر شده در جهان مانند گزارش رقابت‌پذیری جهانی، می‌تواند کمک شایانی به شناخت شرایط کسب‌وکار در مقاصد تجاری داشته باشد و راهنمای کاربردی در تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی این کشورها برای سیاست‌گذاران باشد.

این گزارش‌ها با در اختیار گذاشتن اطلاعات به‌روزی همچون جمعیت، تولید ناخالص داخلی و سهم آن کشور در جهان و رایج‌ترین مشکلات کسب‌وکار، شناخت محیط انتخاب‌شده به‌عنوان مقصد تجارت، عرضه و تقاضاهای مهم و همچنین چالش‌های محتمل در اثر تجارت با آن کشور را ممکن ساخته و اقدامات تجاری را با ریسک کمتری محقق می‌سازد.

پایگاه داده‌های تعریف‌شده از ترکیب ۲ پایگاه «گزارش رقابت‌پذیری جهانی» و «اولویت‌های تجاری ایران» به‌دست آمده است که شامل ۲ بخش کشورهای اولویت اول و کشورهای اولویت دوم و هر بخش با ۲۴ ستون داده می‌باشد. پارامترهای تعیین‌شده در ستون‌ها شامل نام کشور، جمعیت، فاصله از ایران، تولید ناخالص داخلی، صادرات به ایران، واردات از ایران، تراز تجاری، سطح توسعه‌یافتگی و اصلی‌ترین مشکلات کسب‌وکار کشور مقصد از جمله نرخ مالیات، نیروی کار نامناسب، بروکراسی، قوانین مالیاتی، زیرساخت‌ها، نرخ ارز خارجی، قوانین نامناسب نیروی کار، گنجایش پایین نوآوری، اخلاق کار، اختلاس، تورم، ناپایداری سیاسی، ناپایداری دولت، نرخ سلامت، جرم و دسترسی به منابع مالی است.

کشورهای اولویت اول با توجه به حذف کشورهایی که اطلاعات آن‌ها ناقص بوده، شامل ۳۲ کشور و کشورهای اولویت دوم با همین شرط شامل ۱۶ کشور می‌باشد.

براین اساس سؤال اصلی تحقیق به شرح زیر خواهد بود:

آیا مشکلات کسب‌وکار در کشور مقصد تجاری، در انتخاب آن کشور به‌عنوان اولویت اول یا دوم تجارت توسط سازمان توسعه تجارت ایران رابطه دارد؟

بر مبنای این سؤال، ۵ سؤال فرعی طراحی شده است:

✓ آیا تراز تجاری با مرحله توسعه‌یافتگی کشور مقصد و ایران رابطه دارد؟

✓ آیا تراز تجاری با فاصله کشور مقصد تا ایران رابطه دارد؟

- ✓ آیا تراز تجاری با جمعیت کشور مقصد رابطه دارد؟
- ✓ آیا تراز تجاری با مشکلات کسب و کار کشور مقصد رابطه دارد؟
- ✓ آیا تراز تجاری با تولید ناخالص داخلی کشور مقصد رابطه دارد؟

در نهایت با توجه به سؤالات طرح شده، فرضیات تحقیق برای هر گروه اولویت به شرح زیر مشخص شده است:

- تراز تجاری با مرحله توسعه یافتگی کشور مقصد و ایران رابطه دارد؛
- تراز تجاری با فاصله کشور مقصد تا ایران رابطه دارد؛
- تراز تجاری با جمعیت کشور مقصد رابطه دارد؛
- تراز تجاری با مشکلات کسب و کار کشور مقصد رابطه دارد؛
- تراز تجاری با تولید ناخالص داخلی کشور مقصد رابطه دارد.

در نهایت هدف اصلی در این پژوهش، دست یافتن به کشوری با کمترین هزینه مبادله در میان کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته می باشد. در نتیجه به منظور تحقق این امر از مجموع ده شاخص مطرح شده در کار گروه کسب و کار (Doing Business) بانک جهانی و شاخص های ده گانه بنیاد هریتیج به دلیل نبود آمارهای کمی، محدودیت در معیارهای ورودی به نرم افزار مرتبط با روش (AHP) (Expert Choice 11) و امکان هم پوشانی معیارها تنها ده معیار ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته است.

این معیارها عبارت اند از: آزادی تجارت، آزاد مالی، آزادی پولی، آزادی تأمین اعتبار، آزادی سرمایه گذاری، حقوق مالکیت، هزینه شروع کسب و کار، هزینه دریافت مجوز ساخت و ساز، هزینه ثبت اسناد و املاک و هزینه اجرای قراردادهای که با وزن دریافتی از طریق آنها و مقادیر کمی اطلاقی از دو نهاد اجرای کسب و کار (Doing Business) و بنیاد هریتیج، کشورهای مورد اشاره با کمترین هزینه مبادله را سطح بندی خواهند نمود.

۱- ساخت سلسله مراتب معیارها و وزن دهی به آنان

به منظور تحلیل سلسله مراتبی، ماتریسی شامل ده معیار طراحی و در میان کشورهای منتخب در حوزه هزینه مبادله توزیع گردید. ارقام ارائه شده به تفکیک افراد وارد نرم افزار (Expert Choice 11) گردید و با ترکیب آنها ماتریس جامع تشکیل شد و در نهایت این ماتریس با سازگاری ۰.۰۲ وزن معیارهای تعریف شده را مشخص نمود. وزنهای به دست آمده برآیندی از آمارهای مختلف منابع آماری در اولویت دهی به معیارهای با اهمیت و کم اهمیت در کاهش هزینه مبادله است. به طوری که در مجموعه معیارهای مذکور توجه به اعمال حقوق مالکیت مهم ترین عامل در کاهش هزینه مبادله و آزادی مالی کم اهمیت ترین معیار معرفی شده است.

۲- رتبه‌بندی کشورها براساس روش (Tapsis - AHP)

براساس داده‌های موجود در کارگروه اجرای کسب‌وکار (Doing Business) و بنیاد هریتیج، ماتریس تصمیم‌گیری شامل معیارهای انتخاب‌شده در ستون و کشورهای منتخب در سطر را تشکیل می‌دهیم. تمامی داده‌ها مربوط به سال ۲۰۱۱ می‌باشند و در بازه ۰ تا ۱۰۰ به شکل درصدی تعریف می‌گردند.

معیارها	ضریب اهمیت
آزادی تجارت	۰/۰۸۵
آزادی مالی	۰/۰۶۶
آزادی پولی	۰/۰۸۳
آزادی تأمین اعتبار	۰/۰۹۶
آزادی سرمایه‌گذاری	۰/۰۸۴
حقوق مالکیت	۰/۱۸۳
هزینه شروع کسب‌وکار	۰/۰۹۵
هزینه دریافت مجوز ساخت‌وساز	۰/۰۷۳
هزینه ثبت اسناد و املاک	۰/۰۹۳
هزینه اجرای قرارداد	۰/۱۴۲

ماتریس تصمیم‌گیری

هزینه اجرای قرارداد	هزینه ثبت اسناد و املاک	هزینه دریافت مجوز ساخت‌وساز	هزینه شروع کسب‌وکار تجاری	حقوق مالکیت	آزادی بازار سرمایه	آزادی سرمایه‌گذاری	آزادی پولی	آزادی مالی	آزادی تجارت	
۲۲,۷۸	۶,۹۹	۱۳,۸۵	۲,۷۲	۹۲	۹۲	۸۲	۸۷	۶۳,۳	۸۶,۴	استرالیا
۲۰,۷	۴,۹۹	۱۱,۸۵	۰,۷۲	۹۰	۹۰	۸۰	۸۵	۶۱,۳	۸۴,۴	بوسنی
۲۲,۳	۱,۷۸	۸۴	۰,۴۵	۹۰	۸۰	۷۵	۷۸,۸	۷۸	۸۸,۱	برزیل
۱۷,۴	۶,۷۸	۲۳,۶۴	۰,۹	۸۰	۷۰	۵۵	۸۳,۷	۵۲,۳	۸۲,۶	بلغارستان

هزینه اجرای قرارداد	هزینه ثبت اسناد و املاک	هزینه دریافت مجوز ساخت و ساز	هزینه شروع کسب و کار تجاری	حقوق مالکیت	آزادی بازار سرمایه	آزادی سرمایه گذاری	آزادی پولی	آزادی مالی	آزادی تجارت	
۱۴,۴	۵,۲۱	۶۱,۷۷	۴,۸۱	۹۰	۶۰	۸۵	۸۳	۵۸,۸	۸۷,۶	کرواسی
۲۹,۹	۴,۵۲	۱۴,۳۵	۱۸,۵۲	۵۰	۶۰	۷۵	۸۲	۵۵,۴	۸۷	قبرس
۲۲,۷	۵,۱۴	۲۰,۸۵	۷,۳۵	۸۰	۵۰	۶۰	۸۷	۶۷	۸۲	فیلیپین
۹,۹	۲,۵۲	۴۳,۷۸	۱,۸۵	۹۰	۶۰	۶۵	۷۵	۵۱,۶	۸۹	یونان
۱۰,۳۶	۵,۱۳	۱۸,۶۴	۱۴,۷۱	۷۰	۷۰	۷۰	۷۸	۷۲	۷۰	هنگ کنگ
۳۱,۲	۳	۸۵,۶۵	۰,۵۹	۹۰	۸۰	۸۵	۸۰	۳۷	۸۷	صربستان
۲۴	۰,۳۵	۵۱,۳۳	۲,۱	۹۰	۸۰	۸۰	۸۳	۶۸	۹۰	سنگاپور
۲۳,۴	۴,۰۸	۷۰,۸۸	۰,۷۱	۸۶	۸۰	۹۰	۷۴	۵۲	۸۷	تایلند
۱۴,۴	۰,۴۶	۱۲,۸۷	۱,۴۵	۸۵	۷۰	۷۵	۷۷	۶۸	۸۶	ونزوئلا
۱۲,۹	۰,۵۱	۴۱,۸۷	۲,۱۸	۸۸	۵۸	۶۳	۷۳	۴۹	۸۷	ویتنام
۱۰,۳	۳,۱۳	۱۲۹,۸۵	۸,۴۲	۶۸	۶۸	۶۸	۷۶	۷۰	۶۸	مجارستان
۲۹,۳	۲,۱۵	۱۰۴,۴۲	۳,۴۱	۸۸	۷۸	۸۳	۷۸	۳۵	۸۵	غنا

www.Doing Business.org کار گروه www.Heritage.org استخراج شده از مؤسسه هریتیج

در گام بعد ماتریس را نرمال کرده و با ضرب ستون معیارها در وزنهای به دست آمده از آمارها را با ماتریس بی مقیاس شده موزون را حاصل می آوریم.

ماتریس بی مقیاس شده موزون

هزینه اجرای قرارداد	هزینه ثبت اسناد و املاک	هزینه دریافت مجوز ساخت و ساز	هزینه شروع کسب و کار تجاری	حقوق مالکیت	آزادی بازار سرمایه	آزادی سرمایه گذاری	آزادی پولی	آزادی مالی	آزادی تجارت	
۰,۲۲۷۸	۰,۰۶۹۹	۰,۱۳۸۵	۰,۰۲۷۲	۰,۹۲	۰,۹۲	۰,۸۲	۰,۸۷	۰,۶۳۳	۰,۸۶۴	استرالیا
۰,۲۰۷	۰,۰۴۹۹	۰,۱۱۸۵	۰,۰۰۷۲	۰,۹	۰,۹	۰,۸	۰,۸۵	۰,۶۱۳	۰,۸۴۴	بوسنی

هزینه اجرای قرارداد	هزینه ثبت اسناد و املاک	هزینه دریافت مجوز ساخت و ساز	هزینه شروع کسب و کار تجاری	حقوق مالکیت	آزادی بازار سرمایه	آزادی سرمایه گذاری	آزادی پولی	آزادی مالی	آزادی تجارت	
۰,۲۲۳	۰,۰۱۷۸	۰,۸۴	۰,۰۰۴۵	۰,۹	۰,۸	۰,۷۵	۰,۷۸۸	۰,۷۸	۰,۸۸۱	برزیل
۰,۱۷۴	۰,۰۶۷۸	۰,۲۳۶۴	۰,۰۰۹	۰,۸	۰,۷	۰,۵۵	۰,۸۳۷	۰,۵۲۳	۰,۸۲۶	بلغارستان
۰,۱۴۴	۰,۰۵۲۱	۰,۶۱۷۷	۰,۰۴۸۱	۰,۹	۰,۶	۰,۸۵	۰,۸۳	۰,۵۸۸	۰,۸۷۶	کرواسی
۰,۲۹۹	۰,۰۴۵۲	۰,۱۴۳۵	۰,۱۸۵۲	۰,۵	۰,۶	۰,۷۵	۰,۸۲	۰,۵۵۴	۰,۸۷	قبرس
۰,۲۲۷	۰,۰۵۱۴	۰,۲۰۸۵	۰,۰۷۳۵	۰,۸	۰,۵	۰,۶	۰,۸۷	۰,۶۷	۰,۸۲	فیلیپین
۰,۰۹۹	۰,۰۲۵۲	۰,۴۳۷۸	۰,۰۱۸۵	۰,۹	۰,۶	۰,۶۵	۰,۷۵	۰,۵۱۶	۰,۸۹	یونان
۰,۱۰۳۶	۰,۰۵۱۳	۰,۱۸۶۴	۰,۱۴۷۱	۰,۷	۰,۷	۰,۷	۰,۷۸	۰,۷۲	۰,۷	هنگ کنگ
۰,۳۱۲	۰,۰۳	۰,۸۵۶۵	۰,۰۰۵۹	۰,۹	۰,۸	۰,۸۵	۰,۸	۰,۳۷	۰,۸۷	صربستان
۰,۲۴	۰,۰۰۳۵	۰,۵۱۳۳	۰,۰۲۱	۰,۹	۰,۸	۰,۸	۰,۸۳	۰,۶۸	۰,۹	سنگاپور
۰,۲۳۴	۰,۰۴۰۸	۰,۷۰۸۸	۰,۰۰۷۱	۰,۸۶	۰,۸	۰,۹	۰,۷۴	۰,۵۲	۰,۸۷	تایلند
۰,۱۴۴	۰,۰۰۴۶	۰,۱۲۸۷	۰,۰۱۴۵	۰,۸۵	۰,۷	۰,۷۵	۰,۷۷	۰,۶۸	۰,۸۶	ونزوئلا
۰,۱۲۹	۰,۰۰۵۱	۰,۴۱۸۷	۰,۰۲۱۸	۰,۸۸	۰,۵۸	۰,۶۳	۰,۷۳	۰,۴۹	۰,۸۷	ویتنام
۰,۱۰۳	۰,۰۳۱۳	۱,۲۹۸۵	۰,۰۸۴۲	۰,۶۸	۰,۶۸	۰,۶۸	۰,۷۶	۰,۷	۰,۶۸	مجارستان
۰,۲۹۳	۰,۰۲۱۵	۱,۰۴۴۲	۰,۰۳۴۱	۰,۸۸	۰,۷۸	۰,۸۳	۰,۷۸	۰,۳۵	۰,۸۵	غنا

بعد از تشکیل ماتریس بی‌مقیاس شده موزون، ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی برای هریک از معیارها استخراج می‌گردد. چنانچه معیاری اثر مثبت بر هدف داشته باشد بیشترین مقدار ستون آن معیار، ایده‌آل مثبت و کمترین مقدار آن ایده‌آل منفی شمرده می‌شود ولی اگر اثرش منفی باشد کمترین مقدار ایده‌آل مثبت و بیشترین مقدار ایده‌آل منفی خواهد بود. در موضوع حاضر هدف اصلی کاهش هزینه مبادله است در نتیجه معیارهای آزادی تجارت، آزادی مالی، آزادی پولی، آزادی تأمین اعتبار، آزادی سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت بر این هدف اثرگذاری مثبت و هزینه

شروع کسب و کار، هزینه دریافت مجوز ساخت و ساز، هزینه ثبت اسناد و املاک و هزینه اجرای قراردادها اثرگذاری منفی دارند. به بیانی آسان تر بالا بودن آزادی تجارت باعث کاهش هزینه مبادله می شود ولی بالا بودن هزینه ثبت اسناد و املاک موجب افزایش هزینه مبادله خواهد بود که این اتفاق برخلاف هدف تعیین شده است.

آزادی تجارت	آزادی مالی	آزادی پولی	آزادی سرمایه گذاری	آزادی بازار سرمایه	حقوق مالکیت	هزینه شروع کسب و کار تجاری	هزینه دریافت مجوز ساخت و ساز	هزینه ثبت اسناد و املاک	هزینه اجرای قرارداد
۸,۶۴	۶,۳۳	۸,۷	۸,۲	۹,۲	۹,۲	۰,۲۷۲	۰,۵۸۵	۰,۶۹۹	۰,۲۷۸
ایده آل مثبت									
۸,۶۴	۶,۳۳	۸,۷	۸,۲	۹,۲	۹,۲	۰,۲۷۲	۰,۳۸۵	۰,۶۹۹	۰,۴۷۸
ایده آل منفی									

تعیین ایده آل مثبت و ایده آل منفی برای هریک از معیارهای منتخب

در مرحله بعد و پایانی با محاسبه فاصله اقلیدسی هر کشور تا ایده آل مثبت و ایده آل منفی، فاصله نسبی را محاسبه می کنیم و در نهایت هر کشوری که بیشترین فاصله نسبی را نصیب خود نماید رتبه بهتری را در هدف مورد نظر یعنی دارا بودن کمترین هزینه مبادله کسب خواهد نمود.

کشور	رتبه	فاصله نسبی
استرالیا	۱	۲,۰۷
بوسنی	۲	۲,۲۳
برزیل	۳	۰,۱۷۴
بلغارستان	۴	۰,۱۴۴
کرواسی	۵	۰,۲۹۹
قبرس	۶	۰,۲۲۷
فیلیپین	۷	۰,۰۹۹
یونان	۸	۰,۱۰۳۶
هنگ کنگ	۹	۰,۳۱۲
صربستان	۱۰	۰,۲۴

کشور	رتبه	فاصله نسبی
سنگاپور	۱۱	۰,۲۳۴
تایلند	۱۲	۰,۱۴۴
ونزوئلا	۱۳	۲,۰۷
ویتنام	۱۴	۲,۲۳
مجارستان	۱۵	۰,۱۷۴
غنا	۱۶	۰,۱۴۴

خروجی مدل مذکور چنین می‌رساند که استرالیا، بوسنی و برزیل در مناسب بودن فضای کسب و کار و کمترین هزینه مبادله، بهترین رتبه‌ها را در میان کشورهای منتخب به‌دست آمده آورده‌اند و غنا بدترین موقعیت را کسب کرده است. به‌دیگر سخن در سه کشور نخست آزادی‌های اقتصادی و سهولت ورود به کسب و کار از شرایط بهتری برخوردار است و این امر سطح هزینه مبادله را در آن کشورها کاهش داده است. ضروری است توجه شود که رتبه‌بندی‌های حاصل آمده به دو عامل بستگی داشته‌اند که اگر هریک از این دو عامل تغییر کنند، رتبه‌بندی‌ها نیز تغییر خواهند نمود؛ اول میزان اهمیتی که کارشناسان به معیارها داده‌اند که این عامل می‌تواند برای هر گروهی از کارشناسان متفاوت باشد و دیگری مقادیر کمی است که دو نهاد برای معیارها و کشورها در نظر گرفته‌اند.

تحلیل فرضیات

با توجه به تحلیل‌های انجام شده، نتایج بررسی در هر گروه از اولویت‌ها به شرح زیر است:
تراز تجاری با مرحله توسعه یافتگی کشور مقصد و ایران رابطه دارد.
در کشورهای اولویت اول:

R	R2	.Sig
۰,۴۶۷	۰,۲۱۸	۰,۰۰۷

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، همبستگی متغیرها منفی است و فرضیه تأیید می‌شود.
در کشورهای اولویت دوم:

R	R2	.Sig
۰,۲۲۵	۰,۰۵۱	۰,۴۰۱

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه رد می‌شود.
تراز تجاری با فاصله کشور مقصد تا ایران رابطه دارد.
در کشورهای اولویت اول:

R	R2	.Sig
۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۹۹۵

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه رد می‌شود.

در کشورهای اولویت دوم:

R	R2	.Sig
۰,۳۳۵	۰,۱۱۲	۰,۲۰۴

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه رد می‌شود.

تراز تجاری با جمعیت کشور مقصد رابطه دارد.

در کشورهای اولویت اول:

R	R2	.Sig
۰,۰۰۴	۰,۰۰۰	۰,۹۸۳

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه رد می‌شود.

در کشورهای اولویت دوم:

R	R2	.Sig
۰,۵۱۹	۰,۲۶۹	۰,۰۴

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه تأیید می‌شود.

تراز تجاری با مشکلات کسب و کار کشور مقصد رابطه دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه در هر دو گروه اولویت اول و دوم رد می‌شود.

تراز تجاری با تولید ناخالص داخلی کشور مقصد رابطه دارد.

در کشورهای اولویت اول:

R	R ^۲	.Sig
۰,۲۰۴	۰,۰۴۲	۰,۲۶۲

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه رد می‌شود.

در کشورهای اولویت دوم:

R	R ^۲	.Sig
۰,۵۸۹	۰,۳۴۷	۰,۰۱۶

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه نتایج حاصل از بررسی فرضیات در دو گروه اولویت متفاوت است، می‌توان گفت در کشورهای مقصد تجاری اولویت اول تنها بین تراز تجاری و مرحله توسعه‌یافتگی رابطه معنادار و منفی وجود دارد، به این معنا که هرچه سطح توسعه‌یافتگی کشور مقصد بالاتر است توان ایران برای صادرات، کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته و حجم واردات از صادرات پیشی می‌گیرد. با توجه به جمعیت هدف این گروه که بالغ بر ۴ میلیارد نفر است، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق‌تری به‌منظور افزایش سهم کشور از زنجیره ارزش جهانی پیشنهاد می‌گردد.

درخصوص کشورهای اولویت دوم تجاری، رابطه معناداری بین تراز تجاری و فاصله و همچنین تولید ناخالص داخلی وجود دارد که باوجود جمعیت حدود ۶۰۰ میلیونی هدف، همچنان مجموع تراز تجاری ایران منفی است.

هرچند تحلیل درخصوص انتخاب کشور مقصد صادراتی و نوع اقلام صادر شده به آن‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف دیگری نیز می‌باشد که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته نشده، اما روند روزافزون رشد واردات و تغییرات مداوم تقاضای جهانی، نیاز به برنامه‌ریزی و اجرای مناسب‌تر سیاست‌ها را چشمگیرتر می‌کند که درصورت بی‌توجهی به این مسائل، صنایع کشور حتی درصورت عدم پیوستن به سازمان تجارت جهانی نیز به‌سرعت از عرصه رقابت خارج شده و درنهایت، وابستگی به منابع خام نفتی و معدنی، روند توسعه کشور را کندتر خواهد کرد.

از طرفی در رویکرد ارائه شده، در فرایند مقایسه زوجی و داده‌های کارگروه اجرای کسب‌وکار (Doing Business) و بنیاد هریتیج در ارزیابی وضعیت هزینه مبادله کشورهای منتخب مورد استفاده قرار گرفت و با ترکیب روش‌های (AHP) و (Topsis) ضمن بهره‌گیری از مزایا، نقاط ضعف آن‌ها یعنی تعداد محدود مقایسات زوجی و عدم ارائه وزن شاخص‌ها جبران گردید.

با مقایسه نتایج پژوهش و رتبه‌بندی حاصل شده، کشور استرالیا در میان دیگر کشورها رتبه نخست را کسب کرده است. این بدین معناست که براساس معیارهای برگزیده و وزنی که کارشناسان تحلیل کردند، استرالیا به نسبت دیگر کشورهای منتخب در هزینه مبادله از وضعیت بهتری برخوردار است؛ به عبارت دیگر محیط نهادی حاکم در آمریکا در سال ۲۰۱۲ توانسته است امنیت و آزادی بیشتری را در خود جای دهد. در نتیجه فضای کسب‌وکار در این کشور روان‌تر شده است و مبادلات سریع‌تر و آسان‌تر شکل گرفته‌اند. لذا وضعیت بهتری را در هزینه مبادله به‌دست آورده است.

مدل تصمیم‌گیری پژوهش حاضر در رتبه‌بندی کشورهای منتخب با توجه به اطلاعات موجود در کارگروه اجرای کسب‌وکار (Doing Business) و بنیاد هریتیج رقم خورده است. این مدل می‌تواند در تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوط به رتبه‌بندی کشورها در هر مقوله‌ای با لحاظ نمودن معیارها مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

- ۱- اکبری، نعمت‌الله و زاهدی کیوان، مهدی. (۱۳۸۷). کاربرد برنامه‌ریزی در اقتصاد و مدیریت. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۲- اکبری، نعمت‌الله و زاهدی کیوان، مهدی. (۱۳۸۷). کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چند شاخصه. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- ۳- رنایی غلامی، محسن. (۱۳۷۶). بازار یا نابازار؟ تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۴- صابری نمین، مهتاب. (۱۳۷۹). بررسی علل ایجاد هزینه مبادله از دیدگاه نهادگرایی جدید. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده اقتصاد.
- ۵- متوسلی، محمود. (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- ۶- نصیری اقدم، علی. (۱۳۸۵). اقتصاد هزینه مبادله. جستارهای اقتصادی. شماره ۵. ص ۱۷۵-۲۰۸.
- ۷- نورث، داگلاس. (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه حمیدرضا معینی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- 8- Arrow, K. J. (1969). The organization of economic activity: Issues pertinent to the choice of market versus non-market allocation. In US Joint Economic Committee, The analysis and evaluation of public expenditures: The PPB-system: Vol. 1, pp. 59-73. Washington, DC: Government Printing Office.
- 9- Barzel, Y. (1989). Economic analysis of property rights. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- 10- Alejandro, A. Chafuen and Eugenio Guzman. (2011). Index of Economic Freedom. <http://www.heritage.org>
- 11- Coase, R. H. (1937). The nature of the firm. *Economica*, 4(3), 386-405
- 12- Coase, R. H. (1959). The federal communications commission. *Journal of Law and Economics*, 2, 1-40.
- 13- Coase, R. H. (1960). The problem of social cost. *Journal of Law and Economics*, 3, 1-44.
- 14- Coase, R. H. (1964). The regulated industries: Discussion. *American Economic Review*, 54(3), 192-197.
- 15- Furubotn, E. G. & Richter, R. (2000). Institutions and economic theory: The contribution of the new institutional economics. Ann Arbor, MI: The University of Michigan Press
- 16- Lee, A. H.I. Chen, W.C. & Chang, C.J. (2008). A fuzzy AHP and BSC approach

- for evaluating performance of IT department in the manufacturing industry in Taiwan. *Expert Systems with Applications*, 34, 96–107
- 17- Macher, Jeffrey T. and Barak D. Richman (2006) "Transaction Cost Economics: An Assessment of Empirical Research in the Social Sciences", Duke Law School Legal
 - 18- Malpezzi, S. (1998). Welfare analysis of rent control with side payments: A natural experiment in Cairo, Egypt. *Regional Science and Urban Economics*, 28(6), 773–795
 - 19- Musole, M. (2009). Property rights, transaction costs and institutional change: Conceptual framework and literature review. *Progress in Planning* 71 43–85
 - 20- North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
 - 21- Rutherford, M. (1994). *Institutions in economics: The old and the new institutionalism*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
 - 22- Sholtz, P. (2001). Transaction costs and the social costs of online privacy. *First Monday*, 6(5). Online peer-reviewed journal, available from:
 - 23- <<http://www.uic.edu/htbin/cgiwrap/bin/ojs/index.php/fm/article/view/859768/>> Accessed 10 December 2008.
 - 24- Tanzi, V. (1998). *Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope and Cures*. Working paper Number 98. International Monetary Fund, Washington, DC
 - 25- Webster, C. J. & Lai, L. W. C. (2003). *Property rights, planning and markets: Managing spontaneous cities*. Cheltenham, UK; Northampton, MA: Edward Elgar.
 - 26- Williamson, O. E. (1970). The institutions of governance. *The American Economic Review*, 88(2), 75–79.
 - 27- World Bank. (2000). *Helping countries combat corruption. Progress at the World Bank since 1997*. Washington DC

پیوست

کشورهای منتخب برای بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر تجارت

ردیف	کشورهای در حال توسعه	رتبه بندی	کشورهای توسعه یافته	رتبه بندی
۱	ترکیه	۴	استرالیا	۵
۲	چین	۳	بوسنی	۳
۳	روسیه	۴	برزیل	۴
۴	هند	۱	بلغارستان	۳
۵	امارات عربی متحده	۵	کروواسی	۴
۶	قزاقستان	۴	قبرس	۵
۷	پاکستان	۱	فیلیپین	۲
۸	عمان	۴	یونان	۵
۹	آذربایجان	۲	هنک کنگ	۵
۱۰	اندونزی	۳	صربستان	۳
۱۱	کویت	۲	سنگاپور	۵
۱۲	کره جنوبی	۵	تایلند	۳
۱۳	مصر	۳	ونزوئلا	۲
۱۴	قطر	۵	ویتنام	۱
۱۵	مالزی	۴	مجارستان	۴
۱۶	آفریقای جنوبی	۳	غنا	۱
۱۷	عربستان سعودی	۲		
۱۸	ارمنستان	۲		
۱۹	لبنان	۴		
۲۰	نیجریه	۱		
۲۱	تونس	۳		
۲۲	قرقیزستان	۱		
۲۳	الجزایر	۲		
۲۴	بنگلادش	۱		
۲۵	ژاپن	۵		
۲۶	کنیا	۱		
۲۷	بحرین	۵		
۲۸	سريلانکا	۲		
۲۹	تانزانیا	۱		
۳۰	اردن	۳		
۳۱	اوکراین	۳		
۳۲	لیبی	۲		

بررسی دلایل عدم گزارش دهی از فساد: پیمایشی در شهر اصفهان

علی سیف زاده^۱

دکتر اصغر محمدی^۲

چکیده

فساد یک مسئله‌ی جهانی و به‌نوعی همه‌گیر است که می‌تواند در هر سطحی از جامعه رخ دهد و لذا نقش مردم در تشدید یا کاهش پدیده‌ی فساد ارزنده و درخور اهمیت است. هدف کلی پژوهش حاضر بررسی دلایل عدم گزارش دهی فساد از سوی شهروندان اصفهانی بود.

در این پژوهش از روش پیمایشی و از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه شهروندان ۱۸ ساله و بالاتر در شهر اصفهان بوده، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده و حجم نمونه نیز ۷۳۹ نفر بوده است. برای سنجش از اعتبار صوری و برای محاسبه‌ی پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS در دو سطح توصیفی و تحلیلی استخراج شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد پاسخ‌گویان برای گزارش نکردن فساد دلایل متعددی دارند. بیشترین دلیل این عدم اعلام، مربوط به دردرساز بودن شکایت و گزارش فساد است. دشوار بودن اثبات فساد و عدم برخورد جدی با مفسدین در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

واژگان کلیدی: فساد، عدم گزارش، شهروندان اصفهانی

۱ - کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی
seyfzadehali@yahoo.com

۲ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

مفهوم فساد همانند سایر مفاهیم دلالت‌های بسیار متنوعی دارد و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. چندوجهی بودن و درهم‌تنیدگی واقعیت‌های اجتماعی در تعریف پدیده‌ها و تعیین حدود مرز دقیق از دلایل این مسئله است. این واژه از ریشه «فسد» به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، «Corruption» از ریشه لاتینی «Corruptus»، به معنای شکستن و نقض کردن است. چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (تانزی، ۱۳۷۸، ۱۸۲ - ۱۸۳).

در میان انواع و اقسام تعاریفی که از مفهوم فساد ارائه شده است به نظر می‌رسد تعریفی جامعه‌شناختی از فساد، بهتر و دقیق‌تر می‌تواند پدیده فساد را از دیگر پدیده‌های مشابه متمایز سازد و حدود مفهومی آن را تعیین نماید. از این منظر، فساد، تبدیل روابط اجتماعی به مبادله‌های سودمندانه‌ی تبعیض‌آمیز است که در طی آن اهداف عام جای خود را به اهداف خاص می‌دهند و خیری نامحدود (نظیر قانون‌گرایی، امانت‌داری، حلال‌خوری، شرافت کاری، رعایت موازین حرفه‌ای و تخصصی، وفاداری، تعهد، صداقت، فضیلت، حریت، علم، حق‌طلبی و ...) به خاطر خیری محدود (پول، مقام و منصب، مدرک، نفوذ، اعتبار اجتماعی و ...) قربانی می‌شود (دوگراف، واخنار، فون مارافیک، ۱۳۹۴: ۴۱). فساد مسئله‌ای است که در تمام ادوار گریبان‌گیر دستگاه‌ها و سازمان‌ها بوده و هسته اندیشه بسیاری از دانشمندان و متفکران اجتماعی و سیاسی را تشکیل می‌داده است.

پدیده فساد دائماً در حال تغییر است و تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر شرایط اجتماعی و فرهنگی، ساختارهای نهادی و سازمانی، محیط‌های سیاسی و نیز سیاست‌های ساختاری و اقتصادی قرار دارد. از دیدگاه جامعه‌شناختی فساد دارای چهار ویژگی است: ۱) فساد فرایندی اجتماعی است که در آن افراد متعددی درگیر و در ارتباط باهمند. ۲) فساد دربردارنده مبادله‌هایی آگاهانه است که در نظر افراد یا گروه‌های درگیر سودمند است، درعین حال که در مقام تعریف، به زیان بخش دیگری از افراد جامعه این مبادله‌ها جریان می‌یابد. ۳) در طی این فرایند خیری نامحدود به پای خیری محدود قربانی می‌شود. به‌همین دلیل فساد امری غیراخلاقی است. ۴) فساد مستلزم نوعی تغییر در روابط کارکردی و عملکردی در حیطه فعالیت معین است (دوگراف، واخنار، فون مارافیک، ۱۳۹۴: ۴۱).

در ایران نیز، فساد به معنای عام آن، در جامعه قابل‌رؤیت است. از اختلاس ۳ هزار میلیاردی و حقوق‌های نجومی تا برداشت بی‌رویه از صندوق ذخیره فرهنگیان و املاک نجومی. در گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی در مورد شاخص ادراک فساد نیز در سال ۲۰۱۷ ایران با نمره ۳۰ رتبه ۱۳۰ را در میان ۱۸۰ کشور کسب کرده است. براساس این محاسبات در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، کشورهای افغانستان، لبنان، سوریه، یمن، لیبی، عراق و سودان وضعیت بسیار بدی دارند (سازمان

شفافیت بین الملل، ۲۰۱۷). از آنجایی که در گزارش سال ۲۰۱۶ ایران با نمره ۲۹ رتبه ۱۳۱ را کسب کرده بود، وضعیت ایران در سال ۲۰۱۷ نشان می دهد به رغم اینکه رتبه ادراک فساد در ایران بهبود یافته است اما همچنان برخی از کشورهای منطقه وضعیت بهتری را نسبت به ایران دارند (حق شناس، ۱۳۹۶).

وجود فساد علاوه بر ضررهای اقتصادی کلان، موجب نارضایتی های گسترده اجتماعی شده و زمینه ساز کاهش اعتماد مردم به حاکمیت می شود. دیگر کشورهای دنیا نیز با چنین مشکلاتی مواجه بوده اند و روش ها و ابزارهای نوین مبارزه با فساد به دلیل مواجهه تخصصی با پدیده فساد به مرور شکل گرفته است. در ایران از جنبه های مختلفی به بحث فساد پرداخته شده و در قوانین بالادستی به راهکارهایی برای مبارزه با فساد اشاره شده است. یکی از محورهای مهم مشارکت دادن مردم در مبارزه با فساد است. استفاده از توان نظارتی مردمی برای کشف و کاهش تخلفات یکی از قوی ترین ابزارهای مقابله با فساد است. نظارت عمومی از پایین به بالا که مردم بازیگر اصلی آن هستند، طبق آمارهای جهانی اولین عامل کشف تخلفات به شمار می آید (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۴: ۸).

گزارش های سازمان های بین المللی نشان می دهد، اصلی ترین راهکار کشف فساد استفاده از ظرفیت نظارت مردمی در قالب تقویت مسیرهای گزارش فساد است. این سازوکار علاوه بر کشف فساد، فضا را برای مفسدان ناامن کرده و موجب پیشگیری از مفاسد به ویژه مفاسد سازمان یافته می شود، زیرا در مفاسد سازمان یافته نیاز به همکاری مجرمان در اجرای تخلف وجود دارد و سازوکار گزارش تخلف این امکان را می دهد که هریک از مشارکت کنندگان در تخلف به عنوان یک گزارش دهنده اقدام کنند (سیدزاده، ۱۳۹۶). باید توجه داشت که نهادهای نظارتی و در رأس آنها سازمان بازرسی کل کشور نمی تواند با امکانات محدود خود در هر سازمان یک نماینده دائمی داشته باشد که به این تخلفات رسیدگی نماید؛ اما مردم ناظران دائمی عملکرد افراد و سازمان ها هستند.

بنابراین رفتار مسئولانه از شاخص های انسان سالم در هر جامعه، از جمله جامعه ایران با نسبت جمعیتی جوان، تلقی می شود. در کشور ما، سازوکارهای کشف فساد عمدتاً تحت عنوان نظارت شناخته شده است و از طریق توسعه سازمان های نظارتی در سازمان ها، دنبال می شود به طوری که مسیر اصلی مبارزه با فسادهای سازمانی و اقتصادی در رسانه ها و به خصوص از زبان مسئولین کشور، «تشدید نظارت ها» معرفی می شود. امروزه در کنار بهره مندی از دستگاه های نظارتی، یکی از مؤثرترین و کارآمدترین سازوکارهای نظارتی مبتنی بر دخیل کردن مردم در فرایند نظارت است ولی اینکه چرا مردم در گزارش فساد کمتر احساس مسئولیت کرده و موارد تخلف و فساد را اعلام نمی کنند، مهم ترین سؤال این پژوهش است.

مبارزه با فساد باید یک فرایند هوشمند باشد که اولین و مهم ترین مرحله ی آن کشف فساد است. درواقع تقویت قدرت کشف فساد، تأثیر بسزایی بر پیشگیری از بروز آن دارد و به همین دلیل کشورهای پیشرفته تمرکز جدی خود را بر توسعه سازوکارهای کشف فساد گذاشته اند. امروزه، مؤثرترین و

کارآمدترین سازوکارهای نظارتی مبتنی بر دخیل کردن مردم در فرایند نظارت است. در برخی از کشورهای پیشرو در این حوزه علاوه بر وضع قوانین حمایتی از گزارشگران فساد و تخلف، قوانین تشویقی برای آن دسته از گزارشگران فساد که گزارش‌های آنان موجب صیانت از منافع ملی گردیده، تصویب شده است. علاوه بر این، یکی از ملاحظات بسیار مهم و مؤثر به منظور فعال کردن ظرفیت مردمی در کشف و مبارزه با فساد، ایجاد ساختار و سازوکاری امن برای دریافت گزارش‌های مردمی با تضمین عدم افشای هویت شخص گزارشگر فساد است. فقدان قوانین حمایتی و همچنین نبود ساختار مناسب و ایمن برای دریافت گزارش‌های تخلف موجب شده است که بسیاری از مردم به دلیل ترس و نگرانی از افشای هویتشان و آسیب و آزار از سوی مفسدین، با وجود اطلاع از فساد و تخلف جرأت و انگیزه گزارش فساد را نداشته باشند.^۱ بنابراین مسئله اصلی پژوهش، بررسی دلایل عدم گزارش‌دهی و اعلام فساد از سوی شهروندان اصفهانی است. پس بررسی عوامل مؤثر بر عدم مسئولیت‌پذیری و گزارش نکردن فساد ضرورت بسیار دارد و اهمیت مسئله حاضر را نمایان می‌کند.

یک تحقیق باید حداقل یکی از کارکردهای عینی و ملموس یا کارکردهای ذهنی و انتزاعی و نظری را داشته باشد. این کارکردها در سه گروه کلی از یکدیگر قابل تفکیک می‌باشند: کارکرد شناختی، کارکرد فلسفی و کارکرد کاربردی، در صورتی که تحقیق به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب تغییر دیدگاه‌های متداول نسبت به موضوع تحقیق گردد، کارکرد آن فلسفی خواهد بود. زمانی که به شناخت بهتر و جامع‌تر مسئله منجر گردد، کارکرد آن شناختی بوده و بالاخره اگر گره‌ای از کار گشاید و مشکلی را حل کند، کارکرد آن کاربردی است (پیران، ۱۳۷۱: ۲۴). نوشتار حاضر دارای کارکرد کاربردی است. آشنایی با دلایل عدم گزارش و اعلام فساد از سوی شهروندان اصفهانی موجب شناخت مسئولین نهادهای نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور از دلایل عدم گزارش‌دهی شهروندان از موارد فساد می‌شود تا دست‌اندرکاران مربوط موانع موجود در این خصوص را از بین برده و زمینه مشارکت بیشتر شهروندان را فراهم نمایند؛ بنابراین در این نوشتار به دلایل عدم گزارش فساد از سوی شهروندان پرداخته می‌شود.

پیشینه‌ی بحث

غمامی و قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «نقاط شروع مبارزه با فساد با تأکید بر رویکرد نشانگانی» با مطالعه تطبیقی و تمرکز بر وضعیت ایران کشورها را از حیث مسئله فساد به چهار نوع دسته‌بندی کرده‌اند و برای هر یک براساس ویژگی‌هایی که بیان‌شده راهبرد متفاوتی ارائه کرده‌اند. این پژوهش از نظر غایت، توسعه‌ای و از نظر شیوه اجرا تحلیلی - توصیفی بوده و گردآوری اطلاعات آن، به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که ایران زیرمجموعه «نشانگان کشورهای کارت‌های

۱ - محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ در گفت‌وگوی ویژه خبری.

نخبگانی» قرار گرفته و نقاط شروع مبارزه با فساد با توجه به این جایگاه، افزایش استقلال سازمانی، ارتقای شفافیت، اصلاح قوانین حاکم بر ادله اثبات فساد و افزایش مشارکت مردمی می‌باشد (غمامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۷۲-۱۵۱).

نیک‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی الگوی نظارت عمومی به‌منظور پیشگیری از بروز فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران را ارائه کرده است. هدف از این پژوهش، ارائه الگوی نظارت عمومی به‌منظور پیشگیری از بروز فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران بوده است. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، متشکل از ۳۰۲۱ نفر کارکنان سازمان‌های دولتی ایران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای، به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های نظارت عمومی و فساد اداری است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده معنادار بودن الگوی پیشنهادی است و ابعاد نظارت عمومی بر فساد اداری تأثیر منفی دارد. یافته دیگر پژوهش نیز نشان داد که از بین ابعاد نظارت عمومی، بُعد نظارت نهادهای وابسته به قوه مقننه بالاترین رتبه را در سازمان‌های دولتی ایران داشته است (نیک‌پور، ۱۳۹۵: ۲۰۱-۲۳۱).

رفیع‌پور پیمایشی را در شهر تهران انجام داده است. وی در پی پاسخ دادن به این سؤال بود که «آیا فساد در ایران وجود دارد؟» برای پاسخ به این سؤال از راهبردهای متفاوتی استفاده نموده است. ابتدا شواهد فساد را در متون ادبی فارسی جست‌وجو کرده، سپس در گزارش‌های روزنامه‌ها درباره فساد کاوش می‌کند؛ اما روشی که برای سنجش کمی فساد به‌کاربرده از جنس پیمایش‌های ادراک فساد است. ابزاری که در این تحقیق به‌کاربرده شده، نگرش‌های مردم درباره رواج فساد در بخش دولتی، نمایندگان مجلس، پلیس، قوه قضائیه و بخش خصوصی را ارزیابی می‌کنند. همچنین برخی گویه‌های به‌کاررفته در پرسشنامه برای فرضیه‌آزمایی درباره عوامل مؤثر بر نگرش مردم به فساد هستند (رفیع‌پور، ۱۳۸۶: ۵۷).

عنبری و همکاران (۱۳۹۴) در نوشتاری به بررسی تأثیر نظارت مردمی بر کاهش تخلفات اداری کارکنان نیروی انتظامی (مطالعه موردی سامانه ۱۹۷ شهرستان اهواز) پرداخته‌اند. این تحقیق باهدف بررسی تأثیر نظارت مردمی بر کاهش تخلفات اداری کارکنان نیروی انتظامی در شهر اهواز انجام شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی، پیمایشی بوده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه و مصاحبه است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه کارکنان نیروی انتظامی در شهر اهواز بوده که دویست و نود نفر از آنان به‌عنوان واحدهای تحلیل با استفاده از روش نمونه‌گیری اتفاقی ساده انتخاب شده‌اند. نتایج به‌دست آمده از تحقیق نشان داد که نظارت مردمی از طریق سامانه ۱۹۷ بر پیشگیری از تخلفات و فساد اداری و ابعاد آن یعنی عدم رعایت حقوق شهروندی مردم، تخلفات مالی، عدم انجام وظایف شغلی و عدم قانون‌مداری اثرگذار است. بررسی دقیق نتایج به‌دست آمده در این پژوهش نشان داد؛ آن دسته

از کارکنان ناجا که عملکرد آنان توسط مردم مورد ارزیابی قرار گرفته و در ارتباط با آنان، مردم به هر دلیلی اعم از شکایت، تقدیر و تشکر و یا پیشنهاد و انتقاد از طریق سامانه ۱۹۷ اظهارنظر نموده‌اند، نقش نظارت مردمی را بسیار بیشتر از سایر کارکنان ناجا عنوان نموده‌اند، چراکه آثار آن را در زندگی کاری خود به صورت تقدیرنامه، ارتقا و یا توبیخ و تنزل درجه و درج بی انضباطی در پرونده مشاهده و لمس نموده‌اند (عنبری و همکاران، ۱۳۹۴).

زرنندی و معدنی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به طراحی و تبیین مدل مطلوب فرهنگ سازمانی اسلامی برای مقابله با فساد اداری در سازمان‌ها پرداخته‌اند. روش تحقیق این مقاله ترکیبی (شامل دو طیف مطالعه کیفی-کمی) با رویکرد متوالی اکتشافی بود: در بخش اول از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی (اسنادی-کتابخانه‌ای) و فرا ترکیب و در بخش دوم از روش پژوهشی میدانی-پیمایشی محدود استفاده شده است. این پژوهش از حیث هدف، در مجموعه تحقیقات توصیفی قرار می‌گیرد و از نظر نتایج در زمره تحقیقات کاربردی است و به لحاظ نوع داده، تحقیق کیفی به شمار می‌رود. با مطالعه‌ی منابع و تحقیقات متعدد در این زمینه، ۴ نوع فرهنگ و ۳۰ شاخص فرهنگی شناسایی شد که با تحلیل‌های صورت گرفته، در قالب یک مدل مفهومی مبتنی بر مدل مطلوب فرهنگ سازمانی اسلامی برای مقابله با فساد اداری در سازمان‌ها ارائه شده است (زرنندی و معدنی، ۱۳۹۵).

حاجیان، تاج‌آبادی و مرادی‌نژاد (۱۳۸۹) فرهنگ‌ایثار و تأثیر آن در پیشگیری از بروز فساد اداری را بررسی نموده‌اند. پیامدهای مخرب فساد اداری و تضاد آن با منافع عمومی به شکل‌های اتلاف منابع کاهش رشد اقتصادی کشورها و کاهش اثربخشی باعث توجه روزافزون به اهمیت پدیده تقلب و فساد در جوامع مختلف شده است. فساد اداری از جمله پدیده‌های سازمانی است که روند توسعه کشورها را به طور چشمگیری با مشکل روبه‌رو می‌کند در زمینه‌ی مبارزه با فساد اداری صاحب‌نظران سازمانی معتقد به رویکردهایی هستند که بیشتر بر پیشگیری از بروز چنین پدیده‌ای می‌باشد تا اینکه بخواهد از طریق اعمال مجازات بر کارکنان خاطی با چنین پدیده گسترده‌ای مبارزه کند. به جای اتکا بر رویه‌هایی که مبتنی بر تنبیه بعد از ارتکاب فساد است ایجاد و راه‌اندازی یک سیستم پیشگیری از فساد که هسته مرکزی آن فرهنگ‌سازی در جامعه و توسعه فرهنگ‌ایثار است امری ضروری می‌باشد (حاجیان، تاج‌آبادی و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۹).

امیر فخریان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به رابطه اعتماد مردم به کارکنان دولت با کاهش فساد اداری در ادارات دولتی شهرستان دامغان پرداخته است. هدف از تحقیق حاضر شناسایی رابطه‌ی بین اعتماد عمومی و کاهش فساد اداری در ادارات دولتی شهرستان دامغان می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی است. روش جمع‌آوری اطلاعات میدانی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر ادارات دولتی شهرستان دامغان به تعداد ۳۱ سازمان است؛ که از بین آن‌ها ۲۸ سازمان حاضر به همکاری شدند. پرسشنامه فساد

اداری بین ۲۵۰ نفر از کارکنان سازمان‌ها و پرسشنامه اعتماد عمومی بین ۳۸۴ ارباب رجوع این سازمان‌ها توزیع گردید. نتایج حاصل از تحلیل، حاکی از تأیید تمامی فرضیه‌هاست؛ یعنی اعتماد عمومی و ابعاد آن (اطمینان، خطرپذیری و درستکاری) رابطه مثبت و معناداری با کاهش فساد اداری در ادارات دولتی شهرستان دامغان دارد (امیر فخریان، ۱۳۹۳).

پورعزت در تحقیق عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمان‌های دولتی (مؤسسات پژوهشی تهران) را بررسی کرده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمان‌های دولتی (مؤسسات پژوهشی تهران) است. جامعه آماری متشکل از ۲۰۰۰ نفر شامل کارکنان، کارشناسان، متخصصین و صاحب نظران در حوزه اداری، مالی مؤسسات مذکور در تهران است. تعداد جامعه آماری با استفاده از فرمول عمومی کوکران ۳۱۷ نفر مشخص شد. نتیجه داده‌ها تأیید کرد که از پنج متغیر اصلی، فقط سه متغیر، شامل: (۱) عوامل فرهنگی، (۲) عوامل سیاسی و (۳) عوامل اداری - ساختاری، تأثیر مثبت بر کاهش فساد مالی دارند. دو متغیر اصلی، شامل: عوامل اقتصادی، عوامل رفتاری مدیران، و دوازده متغیر فرعی، شامل: (۱) تدوین منشور اخلاقی، (۲) جامعه‌پذیری ارزش‌های فرهنگی، (۳) توسعه مشارکت مردم، (۴) جبران خدمات کارکنان، (۵) تقویت نقش اطلاع‌رسانی، (۶) تقویت نقش حکومت الکترونیک، (۷) شفافیت در بُعد مالی، (۸) توسعه اداره اسوه، (۹) تعیین استاندارد سطح زندگی و ردیابی اموال، (۱۰) استقلال شغلی و مسئولیت در برابر شغل، (۱۱) مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری و (۱۲) تفویض اختیار همراه با نظارت دقیق، تأیید نشدند (پورعزت، ۱۳۹۱).

روش‌شناسی

در هر تحقیقی محقق باید روش اجرای کار خود را شرح دهد و توضیح دهد از چه ابزاری استفاده نموده و چگونه اطلاعات خود را جمع‌آوری کرده است. در این پژوهش از روش پیمایشی و از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شده است. جامعه (جمعیت) آماری تحقیق کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر اصفهان بودند. همچنین از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است و حجم نمونه ۷۳۹ نفر بود. برای سنجش دلایل عدم گزارش دهی فساد از پرسشنامه محقق ساخته و برای سنجش از اعتبار صوری و برای محاسبه پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج تحقیق نیز با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS در دو سطح توصیفی و تحلیلی استخراج و برای تحلیل اطلاعات و مقایسه نظرات پاسخ‌گویان درخصوص دلایل گزارش نکردن فساد اداری، از آزمون آماری خی دو استفاده گردیده است.

یافته‌ها

از مجموع ۷۳۹ نفری که پاسخ‌گوی پرسشنامه‌های این تحقیق محسوب می‌شوند، حدود ۶۶ درصد مرد و ۳۴ درصد از جمعیت نمونه آماری را زنان تشکیل داده‌اند. حدود ۳۶ درصد جوان، ۴۲ درصد میان‌سال و ۲۲ درصد بزرگ‌سال بوده‌اند. حدود ۶۷ درصد پاسخ‌گویان متأهل و ۳۳ درصد مجرند.

حدود ۶ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات ابتدایی، ۹ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۵ درصد پاسخ‌گویان دیپلم، ۴۱ درصد دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی و حدود ۱۰ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند.

جدول ۱- دلایل گزارش نکردن موارد فساد

ردیف	گویه	کاملاً مخالف	مخالف	نظری ندارم / نمی‌دانم	موافق	کاملاً موافق	جمع
۱	نمی‌دانم فساد را باید به کجا گزارش کرد.	۱۳/۴٪	۱۱/۵٪	۲۵/۷٪	۲۷/۹٪	۲۱/۴٪	۱۰۰
۲	اثبات فساد دشوار است.	۵/۱٪	۶/۴٪	۲۰/۶٪	۳۵/۹٪	۳۲/۰٪	۱۰۰
۳	شکایت کردن و گزارش کردن این چیزها دردرساز است.	۳/۹٪	۳/۵٪	۲۰/۴٪	۳۳/۴٪	۳۸/۷٪	۱۰۰
۴	این‌گونه موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد.	۱۱/۷٪	۱۰/۰٪	۲۶/۶٪	۳۰/۴٪	۲۱/۳٪	۱۰۰
۵	وقتی باعث می‌شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد.	۲۰/۲٪	۱۲/۵٪	۲۷/۲٪	۲۱/۱٪	۱۹/۰٪	۱۰۰
۶	به شکایت‌ها و گزارش‌های فساد اهمیتی داده نمی‌شود.	۵/۶٪	۶/۰٪	۲۹/۲٪	۲۹/۳٪	۳۰/۰٪	۱۰۰
۷	با افراد فاسد در عمل هیچ برخوردی نمی‌شود.	۶/۴٪	۸/۰٪	۲۴/۷٪	۳۲/۵٪	۲۸/۵٪	۱۰۰
۸	هرکسی مسئول کار خودش است، به من ربطی ندارد که بقیه فساد می‌کنند.	۲۸/۰٪	۱۵/۲٪	۲۶/۴٪	۱۹/۵٪	۱۱/۰٪	۱۰۰
۹	با شکایت کردن می‌ترسم که کارم متوقف‌شده و در آن اداره انجام نشود.	۹/۶٪	۸/۱٪	۲۱/۹٪	۲۶/۷٪	۳۳/۷٪	۱۰۰

در پاسخ به این سؤال که «اگر زمانی موردی از فساد (نظیر رشوه‌خواری، رانت‌خواری، پارتی‌بازی، اختلاس و ...) را مشاهده کنید و آن را گزارش ندهید، حتماً برای گزارش نکردن موضوع و سکوت خود، دلایلی دارید. هر یک از این دلایل چقدر در تصمیم شما به گزارش نکردن موضوع نقش دارند؟» حدود ۷۲ درصد پاسخ‌گویان دردرساز بودن شکایت و گزارش فساد را دلیل اصلی گزارش نکردن فساد دانسته‌اند. ۶۸ درصد پاسخ‌گویان با دشوار بودن اثبات فساد، ۶۱ درصد با عدم برخورد با افراد فاسد، ۶۰ درصد با ترس از شکایت به علت توقف کار، حدود ۵۹ درصد با اهمیت داده نشدن به شکایت‌ها و گزارش‌های فساد، حدود ۵۲ درصد با عادی شدن موارد فساد، ۴۹ درصد با عدم اطلاع از مرجع برای اعلام فساد، ۴۰ درصد با نداشتن دلیلی برای گزارش کردن و ۳۰.۵ درصد نیز با ارتباط نداشتن فساد افراد به فرد دیگر موافق و کاملاً موافق‌اند.

جدول ۲- بررسی دلایل گزارش نکردن موارد فساد برحسب جنسیت پاسخ‌گویان

گویه	جنسیت	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم / نمی‌دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خی دو	سطح معنی‌داری
نمی‌دانم فساد را باید به کجا گزارش کرد.	مرد	۲۶/۶٪	۲۷/۴٪	۴۶/۰٪	۶,۳۵۴	۰,۰۴۲
	زن	۲۱/۷٪	۲۲/۵٪	۵۵/۸٪		
اثبات فساد دشوار است.	مرد	۱۲/۱٪	۲۲/۷٪	۶۵/۲٪	۴,۹۹۱	۰,۰۸۲
	زن	۱۰/۴٪	۱۶/۵٪	۷۳/۱٪		
شکایت کردن و گزارش کردن این چیزها دردسرساز است.	مرد	۸/۶٪	۲۲/۰٪	۶۹/۴٪	۵,۸۴۰	۰,۰۵۴
	زن	۵/۲٪	۱۷/۳٪	۷۷/۵٪		
این گونه موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد.	مرد	۱۹/۱٪	۲۶/۲٪	۵۴/۷٪	۷,۲۹۶	۰,۰۲۶
	زن	۲۶/۹٪	۲۷/۳٪	۴۵/۸٪		
وقتی باعث می‌شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد.	مرد	۳۰/۱٪	۲۸/۰٪	۴۱/۹٪	۴,۵۰۱	۰,۱۰۵
	زن	۳۷/۸٪	۲۵/۷٪	۳۶/۵٪		
به شکایت‌ها و گزارش‌های فساد اهمیتی داده نمی‌شود.	مرد	۱۲/۳٪	۲۸/۳٪	۵۹/۴٪	۱,۱۲۷	۰,۵۹۹
	زن	۱۰/۰٪	۳۰/۹٪	۵۹/۰٪		
با افراد فاسد و رشوه‌گیر در عمل هیچ برخوردی نمی‌شود	مرد	۱۵/۱٪	۲۳/۳٪	۶۱/۶٪	۱,۷۴۶	۰,۴۱۸
	زن	۱۲/۹٪	۲۷/۳٪	۵۹/۸٪		
هرکسی مسئول کار خودش است، به من ربطی ندارد که بقیه فساد می‌کنند.	مرد	۴۱/۴٪	۲۹/۰٪	۲۹/۶٪	۵,۰۷۱	۰,۰۷۹
	زن	۴۶/۶٪	۲۱/۳٪	۳۲/۱٪		
با شکایت کردن می‌ترسم که کارم متوقف‌شده و در آن اداره انجام نشود.	مرد	۱۸/۶٪	۲۲/۴٪	۵۹/۰٪	۱,۲۲۴	۰,۵۴۲
	زن	۱۶/۱٪	۲۰/۹٪	۶۳/۱٪		

بین جنسیت پاسخ‌گویان و دلایل گزارش نکردن فساد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، به این معنی که پاسخ‌گویان زن و مرد به میزان مشابهی با هر یک از دلایل هفت‌گانه فوق موافق هستند. بررسی دقیق‌تر یافته‌های جدول بیانگر آن است که زنان بیشتر از مردان اظهار کرده‌اند که نمی‌دانند فساد را باید به کجا گزارش کرد و از نظر آماری این تفاوت معنی‌دار است. در مقابل مردان بیشتر از زنان معتقدند که موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد. در باب رابطه بین جنسیت و دلایل گزارش نکردن

فساد باید گفت این رابطه در تحقیقات بسیاری سنجیده شده و نتایج متنوعی به دست آمده است. یافته‌های پژوهش راندولف و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی تحت تأثیر جنسیت افراد قرار می‌گیرد؛ بدین گونه که مسئولیت‌پذیری مردان اندکی کمتر از زنان است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده عادی شدن فساد برای مردان بوده و کمتر احساس مسئولیت می‌کنند. نکته‌ای که بایستی توجه شود این است که زنان به‌رغم تمایل بیشتر به گزارش دهی فساد، نمی‌دانند که فساد را باید به کجا گزارش کرد.

جدول ۳- بررسی دلایل گزارش نکردن موارد فساد برحسب سن پاسخ‌گویان

گویه	سن	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم / نمی‌دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خی دو	سطح معنی‌داری
نمی‌دانم فساد را باید به کجا گزارش کرد.	جوان	۲۱/۶٪	۲۸/۳٪	۵۰/۲٪	۳,۱۸۰	۰,۵۲۸
	میان‌سال	۲۷/۴٪	۲۴/۲٪	۴۸/۴٪		
	بزرگ‌سال	۲۵/۸٪	۲۴/۵٪	۴۹/۷٪		
اثبات فساد دشوار است.	جوان	۱۱/۵٪	۱۹/۳٪	۶۹/۱٪	۱,۴۵۵	۰,۸۳۴
	میان‌سال	۱۲/۶٪	۲۱/۰٪	۶۶/۵٪		
	بزرگ‌سال	۹/۴٪	۲۲/۰٪	۶۸/۶٪		
شکایت کردن و گزارش کردن این چیزها در دسرساز است.	جوان	۸/۹٪	۲۰/۱٪	۷۱/۰٪	۲,۸۲۳	۰,۵۸۸
	میان‌سال	۶/۸٪	۲۲/۲٪	۷۱/۱٪		
	بزرگ‌سال	۶/۳٪	۱۷/۶٪	۷۶/۱٪		
این گونه موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد.	جوان	۲۲/۷٪	۲۶/۴٪	۵۰/۹٪	۵,۳۲۰	۰,۲۵۶
	میان‌سال	۱۸/۴٪	۲۹/۱٪	۵۲/۴٪		
	بزرگ‌سال	۲۶/۴٪	۲۲/۰٪	۵۱/۶٪		
وقتی باعث می‌شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد.	جوان	۴۰/۵٪	۲۵/۷٪	۳۳/۸٪	۱۴,۰۲۹	۰,۰۰۷
	میان‌سال	۲۸/۴٪	۲۶/۵٪	۴۵/۲٪		
	بزرگ‌سال	۲۷/۷٪	۳۱/۴٪	۴۰/۹٪		
به شکایت‌ها و گزارش‌های فساد اهمیتی داده نمی‌شود.	جوان	۱۱/۶٪	۳۰/۲٪	۵۸/۲٪	۴,۷۳۳	۰,۳۱۶
	میان‌سال	۹/۶٪	۳۰/۹٪	۵۹/۵٪		
	بزرگ‌سال	۱۵/۲٪	۲۴/۱٪	۶۰/۸٪		

گویه	سن	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم / نمی دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خی دو	سطح معنی داری
با افراد فاسد و رشوه گیر در عمل هیچ برخوردی نمی شود.	جوان	٪۱۶/۰	٪۲۶/۵	٪۵۷/۵	۵,۴۱۵	۰,۲۴۷
	میان سال	٪۱۱/۹	٪۲۵/۷	٪۶۲/۴		
	بزرگ سال	٪۱۶/۴	٪۱۹/۵	٪۶۴/۲		
هر کسی مسئول کار خودش است، به من ربطی ندارد که بقیه فساد می کنند.	جوان	٪۴۷/۶	٪۲۶/۰	٪۲۶/۴	۵,۶۱۰	۰,۲۳۰
	میان سال	٪۳۹/۹	٪۲۸/۳	٪۳۱/۸		
	بزرگ سال	٪۴۲/۱	٪۲۳/۳	٪۳۴/۶		
با شکایت کردن می ترسم که کارم متوقف شده و در آن اداره انجام نشود.	جوان	٪۲۰/۸	٪۲۰/۴	٪۵۸/۷	۲,۹۷۱	۰,۵۶۳
	میان سال	٪۱۵/۸	٪۲۳/۲	٪۶۱/۱		
	بزرگ سال	٪۱۶/۴	٪۲۲/۰	٪۶۱/۶		

مطابق جدول فوق، بین سن پاسخ گویان و دلایل گزارش نکردن فساد تفاوت معنی داری وجود ندارد، به این معنی که دلایل گزارش نکردن فساد گروه های سنی مختلف تقریباً یکسان است؛ بنابراین فرضیه وجود تفاوت بین سن پاسخ گویان و دلایل گزارش نکردن از فساد، رد می شود. فقط در مورد گویه «وقتی باعث می شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد» نظرات گروه های سنی متفاوت است. به این صورت که پاسخ گویان میان سال بیش از جوانان و بزرگ سالان معتقدند که وقتی باعث می شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد. بنابراین دلایل هشت گانه گزارش نکردن فساد و عدم مشارکت شهروندان در این خصوص برای همه گروه های سنی تقریباً یکسان بوده و تفاوت معنی داری بین پاسخ گویان با سنین مختلف در این خصوص وجود ندارد.

جدول ۴- بررسی دلایل گزارش نکردن موارد فساد برحسب تحصیلات پاسخ گویان

گویه	تحصیلات	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم / نمی دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خی دو	سطح معنی داری
نمی دانم فساد را باید به کجا گزارش کرد	زیر دیپلم	٪۱۵/۹	٪۲۵/۲	٪۵۸/۹	۱۳,۰۹۸	۰/۰۴۱
	دیپلم	٪۲۳/۸	٪۲۵/۸	٪۵۰/۴		
	کارדانی و کارشناسی	٪۲۸/۷	٪۲۸/۰	٪۴۳/۲		
	کارشناسی ارشد و دکتری	٪۲۳/۶	٪۱۸/۱	٪۵۸/۳		

گویه	تحصیلات	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم / نمی دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خنثی دو	سطح معنی داری
اثبات فساد دشوار است	زیر دیپلم	۹/۳	۱۵/۹	۷۴/۸	۱۱,۴۷۰	۰/۰۷۵
	دیپلم	۱۱/۳	۲۷/۰	۶۱/۷		
	کاردانی و کارشناسی	۱۲/۱	۱۶/۸	۷۱/۰		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۱۲/۷	۲۱/۱	۶۶/۲		
شکایت کردن و گزارش کردن این چیزها دردسرساز است	زیر دیپلم	۴/۷	۱۴/۰	۸۱/۳	۷,۴۷۰	۰/۲۸۰
	دیپلم	۶/۶	۲۳/۴	۶۹/۹		
	کاردانی و کارشناسی	۸/۱	۱۹/۵	۷۲/۴		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۹/۷	۲۳/۶	۶۶/۷		
این گونه موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد	زیر دیپلم	۲۰/۶	۲۵/۲	۵۴/۲	۸,۹۰۹	۰/۱۷۹
	دیپلم	۱۹/۱	۳۰/۹	۵۰/۰		
	کاردانی و کارشناسی	۲۳/۰	۲۶/۴	۵۰/۷		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۲۵/۴	۱۴/۱	۶۰/۶		
وقتی باعث می شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد	زیر دیپلم	۲۸/۰	۲۵/۲	۴۶/۷	۴,۲۶۲	۰/۶۴۱
	دیپلم	۳۰/۵	۲۹/۳	۴۰/۲		
	کاردانی و کارشناسی	۳۵/۰	۲۶/۹	۳۸/۰		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۳۶/۶	۲۳/۹	۳۹/۴		
به شکایت ها و گزارش های فساد اهمیتی داده نمی شود.	زیر دیپلم	۸/۴	۲۳/۴	۶۸/۲	۲۰,۵۸۷	۰/۰۰۲
	دیپلم	۱۲/۲	۳۶/۹	۵۱/۰		
	کاردانی و کارشناسی	۱۱/۵	۲۸/۴	۶۰/۱		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۸/۳	۱۵/۳	۷۶/۴		
با افراد فاسد و رشوه گیر در عمل هیچ برخوردی نمی شود	زیر دیپلم	۱۰/۳	۲۰/۶	۶۹/۲	۱۰,۶۶۳	۰/۰۹۹
	دیپلم	۱۸/۸	۲۳/۴	۵۷/۸		
	کاردانی و کارشناسی	۱۳/۲	۲۷/۰	۵۹/۸		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۸/۳	۲۳/۶	۶۸/۱		

گویه	تحصیلات	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم / نمی دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خی دو	سطح معنی داری
هر کسی مسئول کار خودش است، به من ربطی ندارد که بقیه فساد می کنند	زیر دیپلم	٪۴۱/۱	٪۱۷/۸	٪۴۱/۱	۲۰,۷۸۵	۰/۰۰۲
	دیپلم	٪۳۶/۷	٪۳۰/۹	٪۳۲/۴		
	کاردانی و کارشناسی	٪۴۵/۸	٪۲۷/۶	٪۲۶/۶		
	کارشناسی ارشد و دکتری	٪۵۸/۳	٪۱۸/۱	٪۲۳/۶		
با شکایت کردن می ترسم که کارم متوقف شده و در آن اداره انجام نشود	زیر دیپلم	٪۱۳/۱	٪۱۵/۹	٪۷۱/۰	۱۰,۱۸۵	۰/۱۱۷
	دیپلم	٪۱۴/۸	٪۲۳/۸	٪۶۱/۳		
	کاردانی و کارشناسی	٪۲۱/۲	٪۲۲/۹	٪۵۵/۹		
	کارشناسی ارشد و دکتری	٪۱۸/۱	٪۱۹/۴	٪۶۲/۵		

براساس داده های جدول فوق، پاسخ گویان با تحصیلات زیر دیپلم بیش از سایر پاسخ گویان اعلام کرده اند که نمی دانند فساد را باید به کجا گزارش کرد. پاسخ گویان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بیش از سایر گروه های تحصیلی معتقدند که به شکایت ها و گزارش های فساد اهمیتی داده نمی شود. پاسخ گویان با تحصیلات زیر دیپلم نیز بیش از سایر افراد اظهار داشته اند که هر کسی مسئول کار خودش است و به آن ها ربطی ندارد که بقیه فساد می کنند. بین نظرات پاسخ گویان با تحصیلات مختلف در زمینه ی سایر دلایل گزارش نکردن فساد تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول ۵- بررسی دلایل گزارش نکردن موارد فساد برحسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخ گویان

گویه	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم / نمی دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خی دو	سطح معنی داری
نمی دانم فساد را باید به کجا گزارش کرد.	بالا	٪۲۵/۳	٪۳۳/۱	٪۴۱/۶	۱۸,۶۶۳	۰/۰۰۱
	متوسط	٪۲۸/۸	٪۲۰/۱	٪۵۱/۱		
	پایین	٪۲۱/۰	٪۲۲/۳	٪۵۶/۷		
اثبات فساد دشوار است.	بالا	٪۱۴/۶	٪۲۶/۷	٪۵۸/۷	۲۰,۱۰۵	۰/۰۰۰
	متوسط	٪۱۱/۰	٪۱۹/۲	٪۶۹/۹		
	پایین	٪۸/۴	٪۱۴/۷	٪۷۶/۹		

گویه	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	مخالف و کاملاً مخالف	نظری ندارم/ نمی دانم	موافق و کاملاً موافق	آزمون خی دو	سطح معنی داری
شکایت کردن و گزارش کردن این چیزها در دسرساز است.	بالا	۱۰/۳٪	۲۳/۴٪	۶۶/۳٪	۱۰,۸۵۸	۰/۰۲۸
	متوسط	۷/۳٪	۱۷/۴٪	۷۵/۳٪		
	پایین	۴/۲٪	۱۹/۷٪	۷۶/۱٪		
این گونه موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد.	بالا	۲۱/۴٪	۲۶/۳٪	۵۲/۳٪	۶,۴۰۸	۰/۱۷۱
	متوسط	۱۸/۳٪	۲۴/۳٪	۵۷/۳٪		
	پایین	۲۵/۲٪	۲۹/۰٪	۴۵/۸٪		
وقتی باعث می شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد.	بالا	۳۲/۴٪	۳۰/۲٪	۳۷/۴٪	۷,۹۵۳	۰/۰۹۳
	متوسط	۲۸/۳٪	۲۴/۷٪	۴۷/۰٪		
	پایین	۳۷/۰٪	۲۶/۱٪	۳۷/۰٪		
به شکایت ها و گزارش های فساد اهمیتی داده نمی شود.	بالا	۱۵/۲٪	۳۰/۱٪	۵۴/۶٪	۷,۶۸۰	۰/۱۰۴
	متوسط	۸/۳٪	۲۸/۶٪	۶۳/۱٪		
	پایین	۱۰/۱٪	۲۸/۶٪	۶۱/۳٪		
با افراد فاسد و رشوه گیر در عمل هیچ برخوردی نمی شود.	بالا	۲۰/۶٪	۲۵/۶٪	۵۳/۷٪	۱۶,۶۰۲	۰/۰۰۲
	متوسط	۱۰/۵٪	۲۴/۷٪	۶۴/۸٪		
	پایین	۱۰/۵٪	۲۳/۵٪	۶۶/۰٪		
هرکسی مسئول کار خودش است، به من ربطی ندارد که بقیه فساد می کنند.	بالا	۴۳/۶٪	۲۸/۷٪	۲۷/۷٪	۴,۴۵۹	۰/۳۴۷
	متوسط	۳۹/۷٪	۲۷/۹٪	۳۲/۴٪		
	پایین	۴۵/۸٪	۲۲/۳٪	۳۱/۹٪		
با شکایت کردن می ترسم که کارم متوقف شده و در آن اداره انجام نشود.	بالا	۲۰/۹٪	۲۴/۸٪	۵۴/۳٪	۷,۶۷۱	۰/۱۰۴
	متوسط	۱۶/۹٪	۱۹/۲٪	۶۳/۹٪		
	پایین	۱۴/۷٪	۲۱/۰٪	۶۴/۳٪		

پاسخ گویان با پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین بیش از سایر پاسخ گویان اعلام کرده اند که نمی دانند فساد را باید به کجا گزارش کرد، همچنین بیش از سایر افراد معتقدند که اثبات فساد دشوار است. پاسخ گویان با پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین نیز بیش از سایرین اظهار داشته اند که با افراد فاسد

و رشوه گیر در عمل هیچ برخوردی نمی شود. بین نظرات پاسخ گویان با پایگاه اقتصادی- اجتماعی مختلف در زمینه ی سایر دلایل گزارش نکردن فساد تفاوت معنی داری وجود ندارد، به این معنی که دلایل عدم گزارش و اعلام فساد تقریباً یکسان می باشد. نتایج تحقیق با یافته های پژوهش یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۳) مطابقت ندارد. یافته های پژوهش آن ها نشان داد که بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، به گونه ای که میزان مسئولیت پذیری اجتماعی در میان پاسخ گویان با پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط بیشتر از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا و پایین است.

نتیجه گیری

نقش مردم و مشارکت آنان در حل مشکلات کشور تعیین کننده و در پیشگیری از موارد خلاف قانون و سوء جریان در دستگاه های اداری غیر قابل انکار است. این امر یعنی مشارکت مردم، در امر نظارت و مبارزه با فساد اهمیتی دوچندان می یابد.

سازمان بازرسی کل کشور با برقراری تلفن ۱۳۶ و سامانه رسیدگی به شکایات و اطلاعات مردم برای دسترسی به شکایات و گزارش های شهروندان گام های مثبتی در راستای نظارت مردم و مشارکت آن ها در مقابله با فساد برداشته است؛ اما این تمام کار نیست، در صورتی که حس اعتماد در میان مردم ایجاد شود، نیروی نظارتی بسیار قدرتمندی ایجاد خواهد شد که کمک شایانی به سازمان نظارت و بازرسی کل کشور خواهد نمود (مشبکی و محمودزاده، ۱۳۹۳).

لازم به ذکر است که برای استفاده از ظرفیت های مردمی در مقابله با فساد حداقل دو سازوکار نیاز است: اول اینکه امکان گزارش تخلفات و پیگیری حقوقی مفسد برای عموم مردم فراهم شود تا شهروندان با احساس مسئولیت به گزارش تخلف و فساد اقدام نمایند. درواقع در مسئولیت پذیری اجتماعی فرد گرایش مسئولانه دارد، برای فعالیت به صورت مسئولانه احساس شایستگی می کند، درباره فعالیت مسئولیت پذیرانه خود را اثرگذار احساس می کند و اعمال مسئولانه انجام می دهد (سیحان نژاد، ۱۳۷۹: ۱۸). دوم اینکه سازوکارهای حمایت از گزارش دهندگان تخلف به منظور جلوگیری از انتقام گیری و مقابله به مثل علیه گزارش دهندگان تخلف فراهم گردد. نکته ای که در قانون ایران ناظر به استفاده از مشارکت مردم در راستای مبارزه با فساد به آن کمتر توجه شده است درواقع ساختار منسجمی برای حمایت های جانی، مالی، اداری، قضایی از اشخاصی که در راستای مبارزه با فساد عمل می کنند و یا به افشای اطلاعات فساد می پردازند، وجود ندارد. واقعیت این است که فعالیت های غیرقانونی را گزارش می دهند از ایمنی جانی برخوردار نیستند و بعضاً به صورت های وحشتناکی مورد انتقام قرار می گیرند (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۴۸: ۸).

براساس یافته های تحقیق حدود ۷۲ درصد پاسخ گویان با گویه «شکایت کردن و گزارش کردن این چیزها دردسرساز است» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۸ درصد مخالف و کاملاً مخالف اند. حدود ۲۰ درصد نیز نظری نداشته اند. لازم به ذکر است که بین میزان موافقت مردان و زنان، گروه های

سنی و تحصیلی در این خصوص تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و اکثریت این اقشار موافق این عبارت‌اند که «شکایت کردن و گزارش کردن این چیزها دردرساز است». بررسی دقیق‌تر میزان موافقت شهروندان با این گویه نشان می‌دهد که شهروندان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا بیشتر از سایر طبقات موافق و کاملاً موافق‌اند. این رفتار شهروندان با تئوری مبادله قابل تحلیل می‌باشد. چراکه در نظریه مبادله، انسان موجود زنده‌ای در جست‌وجوی پاداش است. پاداش و همچنین تنبیه براساس صلاحیتشان در ایجاد رضایت‌مندی، که امری زیستی-روانی است یا برآورد نیازهای ذاتی یا اکتسابی تعریف می‌شوند. زندگی همچون صفحه‌ی شطرنج تلقی می‌شود که انسان شطرنج‌باز با محاسبه سود و هزینه رفتار خود را سامان می‌دهد (کلانتری، ۱۳۸۶). براساس این نظریه مشاهده‌گران و تجربه‌کنندگان فساد به‌عنوان موجود حسابگر، سود و زیاده‌ناشی از گزارش و اعلام فساد را برآورد کرده و چون به این جمع‌بندی می‌رسند که ممکن است شکایت و گزارش کردن فساد دردرساز بشود، آن را اعلام نمی‌کنند. این افراد نفع شخصی را به نفع اجتماع و جامعه ترجیح داده و از خیر گزارش فساد می‌گذرند. نکته دیگر در این خصوص به تجربه افراد از گزارش کردن فساد مربوط می‌شود که این مسئله نیز با تئوری متغیرهای الگویی پارسونز قابل‌بررسی است. متغیرهای الگویی انواع جهت‌گیری‌ها نسبت به کنش، نقش‌ها یا روابط اجتماعی‌اند که چند گزینه‌ی دویخشی را برای معنا دادن به یک وضعیت در اختیار می‌گذارند (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲). طبق نظر پارسونز در این شرایط افراد به منافع خصوصی به‌جای منافع جمعی توجه می‌کنند.

مطابق یافته‌های تحقیق حدود ۶۸ درصد پاسخ‌گویان با عبارت «اثبات فساد دشوار است» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۱۱ درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند. حدود ۲۱ درصد نیز نظری نداشته‌اند. در این خصوص بین میزان موافقت مردان و زنان، گروه‌های سنی و تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود نداشته و اکثریت این اقشار موافق دشوار بودن اثبات فساد هستند ولی شهروندان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا بیشتر از سایر افراد موافق‌اند. اصلاح قوانین حاکم بر ادله اثبات فساد و آسان‌تر شدن اثبات مفاسد یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در مقابله با فساد مؤثر باشد.

نتایج تحقیق نشانگر آن است که حدود ۶۱ درصد پاسخ‌گویان با گویه «با افراد فاسد در عمل هیچ برخوردی نمی‌شود» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۱۴ درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند و ۲۵ درصد نیز نظری نداشته‌اند. در این خصوص بین میزان موافقت مردان و زنان، گروه‌های سنی و تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود نداشته و اکثریت این اقشار با عدم برخورد با افراد فاسد موافق و کاملاً موافق می‌باشند، ولی شهروندان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا بیشتر از سایر افراد موافق‌اند. به نظر می‌رسد برخورد قضایی و جدی با مفسدین نیز در این زمینه تأثیر گذار می‌باشد.

براساس یافته‌های تحقیق، حدود ۶۰ درصد پاسخ‌گویان با گویه «با شکایت کردن می‌ترسم که کارم متوقف‌شده و در آن اداره انجام نشود» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۲۲ درصد مخالف

و کاملاً مخالفند و ۱۸ درصد نیز نظری نداشته‌اند. در این خصوص بین نظرات مردان و زنان، گروه‌های سنی، تحصیلی و با پایگاه اقتصادی-اجتماعی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود نداشته و اکثریت این اقشار بیان داشته‌اند که با شکایت کردن می‌ترسند که کارشان متوقف شده و در آن اداره انجام نشود. باید توجه داشت که استفاده از ظرفیت مردم برای کشف و کاهش مفاسد مستلزم وجود حمایت‌های قانونی از کاشفان (گزارشگران) فساد است.

مطابق یافته‌های تحقیق حدود ۵۹ درصد پاسخ‌گویان با جمله «به شکایت‌ها و گزارش‌های فساد اهمیتی داده نمی‌شود» موافق و کاملاً موافق و در مقابل ۱۲ درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند و حدود ۲۹ درصد نیز نظری نداشته‌اند. در این خصوص بین میزان موافقت مردان و زنان، گروه‌های سنی تفاوت معنی‌داری وجود نداشته و اکثریت این اقشار موافق دشوار بودن اثبات فساد هستند ولی شهروندان با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بیشتر از سایرین معتقدند که به شکایت‌ها و گزارش‌های فساد اهمیتی داده نمی‌شود. طراحی و اجرای سازوکارهای تشویق گزارش‌دهندگان تخلف به منظور ایجاد انگیزه برای گزارش تخلف و اهمیت دادن به شکایت‌ها و اطلاعات آن‌ها می‌تواند در کاهش فساد مؤثر باشد.

براساس یافته‌های تحقیق، حدود ۵۲ درصد پاسخ‌گویان با عبارت «این گونه موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۲۲ درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند. همچنین حدود ۲۷ درصد نیز نظری نداشته‌اند. مردان بیشتر از زنان معتقدند که موارد فساد دیگر عادی شده و باید با آن کنار آمد. در این خصوص بین نظرات گروه‌های سنی، تحصیلی و پاسخ‌گویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. فساد اداری، اختلاس، دزدی و ... با تأسف به کلماتی عادی تبدیل شده و هر کدام از شهروندان روزانه خبرهای متفاوتی از فساد و رانت را در هر سطحی شنیده و با بی‌تفاوتی از کنار آن رد می‌شوند، بی‌تفاوتی که البته ناشی از گسترش و عادی شدن آن در جامعه است. در حالی که عادی شدن فساد از خود فساد بدتر بوده و باعث می‌شود قبح فساد برداشته شده و برای مردم وجود فساد در سطوح مختلف و میزان‌های مختلف عادی شود. عمل قبیح آن است که از دید قانون و همچنین بیشتر از نظر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی منفی تلقی گردد. اگر یک کار خلاف، قبیح تلقی شود، شخص خاطی باید دو نوع هزینه مجازات بپردازد؛ یعنی نه فقط مجازات قانونی می‌شود بلکه باید او و بچه‌هایش در مقابل مردم (دوستان، محیط مدرسه، ...) هزینه زیاد حیثیتی بپردازد. لذا تا زمانی که یک خلاف، قبیح تلقی می‌شود یک مکانیسم درونی در افراد به وجود می‌آید که هزینه عمل خلاف را زیاد ارزیابی می‌کند (بیش از فایده آن). براساس تئوری اتکینسون فرد از آن بیشتر حذر می‌کند. حال اگر قبح فساد گرفته شود، شخص خاطی فقط یک هزینه مجازات قانونی می‌پردازد که در مقابل هزینه حیثیتی چندان مهم نیست. در آن صورت براساس تئوری اتکینسون هزینه کار خلاف کمتر از فایده آن خواهد بود (رفیع پور، ۱۳۸۶).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۴۹ درصد پاسخ‌گویان با جمله «نمی‌دانم فساد را باید به کجا

گزارش کرد» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۲۵ درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند و همچنین ۲۶ درصد نیز نظری نداشته‌اند. در این خصوص بین نظرات گروه‌های سنی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. پاسخ‌گویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، افراد با تحصیلات زیر دیپلم بیش از سایر پاسخ‌گویان و زنان بیش از مردان اعلام کرده‌اند که نمی‌دانند فساد را باید به کجا گزارش کرد.

نتایج پژوهش حاضر نشانگر آن است که حدود ۴۰ درصد پاسخ‌گویان با گویه «وقتی باعث می‌شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۳۳ درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند. همچنین حدود ۲۷ درصد نیز نظری نداشته‌اند. در این خصوص بین نظرات مردان و زنان، گروه‌های تحصیلی و با پایگاه اقتصادی-اجتماعی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود نداشته و اکثریت این اقشار بیان داشته‌اند که وقتی باعث می‌شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد. پاسخ‌گویان میان‌سال بیش از جوانان و بزرگ‌سالان معتقدند که وقتی باعث می‌شود کار آدم راه بیفتد، دلیلی برای گزارش کردن وجود ندارد.

نتایج پژوهش حاضر نشانگر آن است که ۳۰/۵ درصد پاسخ‌گویان با گویه «هرکسی مسئول کار خودش است، به من ربطی ندارد که بقیه فساد می‌کنند» موافق و کاملاً موافق و در مقابل حدود ۴۳ درصد مخالف و کاملاً مخالف‌اند. همچنین حدود ۲۶ درصد نیز نظری نداشته‌اند. بالا بودن درصد مخالفت با این نظر نشانگر احساس مسئولیت و روحیه مسئولیت‌پذیری شهروندان است. این مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زیادی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها دگرخواهی در روابط اجتماعی است. دگرخواهی به روان شدن روند تعاملات در نهادهای اجتماعی کمک کرده، باعث می‌شود نهادهای جامعه از جمله نهادهای نظارتی به‌خوبی کارکرد خاص خود را انجام داده، نیازهای اصلی جامعه را پاسخ داده باشند. در این خصوص بین نظرات گروه‌های سنی و پاسخ‌گویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. ولی پاسخ‌گویان با تحصیلات زیر دیپلم بیشتر از سایر شهروندان با این نظر موافق‌اند. زنان نیز بیش از مردان با گویه «هرکسی مسئول کار خودش است، به من ربطی ندارد که بقیه فساد می‌کنند» موافق و کاملاً موافق می‌باشند. معدود مطالعاتی که در دنیا رابطه جنسیت و فساد را مطالعه کرده‌اند، به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند که جمع‌بندی در این زمینه را با مشکل مواجه می‌کند و نمی‌توان با قاطعیت نتیجه گرفت که زنان فی‌نفسه به دلیل زن بودنشان کمتر از مردان احساس مسئولیت در مورد گزارش و اعلام فساد می‌کنند. نتایج پژوهش هدایتی و همکاران (۱۳۸۷) در میان جوانان دانشجو نشان داد که مسئولیت‌پذیری دختران کمی بیش از پسران است.

به‌طور کلی، بسترهایی که در کشورهای مختلف برای تقویت فرآیندهای گزارش‌دهی فساد ایجاد شده‌اند به دودسته کلی حمایت و حفاظت از گزارش‌دهندگان و تشویق آن‌ها تقسیم می‌شود. در نظام قانونی کشورمان متأسفانه به‌صورت کامل به دو بعد حمایت و تشویق توجه نشده، بنابراین اصلاح

قوانین کشور برای افزایش مشارکت مردم در کاهش فساد ضروری است. افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به آثار زیان‌بار و متعددی که فساد اداری بر زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه می‌گذارد و ایجاد درک عمومی برای مبارزه با فساد از جمله طرق مطلوبی است که می‌تواند در مهار و کاهش فساد اداری مؤثر باشد. نهادهای نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور می‌توانند با ترغیب مردم به احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از این سازوکار در راستای دستیابی به اهداف نظارتی خود و حسن اجرای امور و رعایت قوانین و مقررات استفاده کنند.

فهرست منابع

- ۱- امیر فخریان، الهام (۱۳۹۳). بررسی رابطه اعتماد مردم به کارکنان دولت با کاهش فساد اداری در ادارات دولتی شهرستان دامغان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ۲- آتوتیت، ویلیام و باتامور، تام؛ (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ اول
- ۳- پور عزت، علی اصغر (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمانهای دولتی (مؤسسات پژوهشی تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده مدیریت و حسابداری.
- ۴- پیران، پرویز (۱۳۷۱). جزوه درسی روش تحقیق در علوم اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۵- تانزی، ویتو (۱۳۷۸). مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰.
- ۶- حاجیان حسین، تاج‌آبادی رضا و مرادی نژاد امیر (۱۳۸۹). فرهنگ ایثار و تأثیر آن در پیشگیری از بروز فساد اداری. مقاله‌های همایش‌های ایران. همایش ملی ادب ایثار، هنر شهادت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- ۷- حق شناس، محمدجواد (۱۳۹۶). همه چیز درباره شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل. گزارش پژوهشی شماره ۱۰۳. مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد سازمان بازرسی کل کشور.
- ۸- دوگراف، خیالت؛ و اخنار، پیتز؛ فون مارافیک، پتریک (۱۳۹۴). چشم‌اندازهای نظری فساد. ترجمه هانیه هژیرالساداتی و دیگران. تهران: آگاه.
- ۹- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۶) سرطان اجتماعی فساد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۰- زرنندی سعید و معدنی جواد (۱۳۹۵). طراحی و تبیین مدل مطلوب فرهنگ سازمانی اسلامی برای مقابله با فساد اداری در سازمان‌ها. فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی. دوره ۵، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۸، صفحه ۸۵-۱۱۷
- ۱۱- سازمان شفافیت بین‌الملل <http://www.transparency.org/cpi2017/result>
- ۱۲- سایت عیار آنلاین، تاریخ انتشار ۲۸ مرداد ۹۶
- ۱۳- سبحان‌نژاد، مهدی (۱۳۷۹) مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران و طراحی برای آینده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۴- سیدزاده، سید محمدحسن (۱۳۹۶). امکان استفاده از توان نظارتی مردمی برای کشف و کاهش تخلفات. روزنامه گسترش صنعت به نقل از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- ۱۵- عنبری علی، حقیقتیان منصور، کاردوست بیژن و اکبری مهدی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نظارت مردمی بر کاهش تخلفات اداری کارکنان نیروی انتظامی (مطالعه موردی سامانه ۱۹۷ شهرستان اهواز). فصلنامه علمی ترویجی نظارت و بازرسی. دوره نهم. شماره ۳۳. صص ۱۳۵-۱۶۰.
- ۱۶- غمامی محمد مهدی، قاسمی محمدرضا (۱۳۹۶). نقاط شروع مبارزه با فساد با تأکید بر رویکرد نشانگانی؛ با بررسی موردی وضعیت نظام حقوقی ایران. دانش حسابرسی. ۱۷ (۶۹): ۱۵۱-۱۷۲.
- ۱۷- کمالی، یحیی (۱۳۸۸). درآمدی بر نظارت همگانی. گزارش پژوهشی شماره ۵. مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد سازمان بازرسی کل کشور.
- ۱۸- کلاتری، عبدالحسین (۱۳۸۶). معنا و عقلانیت در آرای علامه طباطبایی و پیروینچ، قم: کتاب طه (چاپ شریعت)، چاپ اول.
- ۱۹- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶). بررسی ظرفیت‌های مردمی برای مقابله و پیشگیری از فساد. سایت عیار نیوز.
- ۲۰- مشبکی، اصغر و محمود زاده، سید مجتبی (۱۳۹۳). بررسی نقش مراکز ارزیابی در ترویج فرهنگ نظارت و بازرسی. (رویکردی نوین بر مکانیسم‌های نظارت و بازرسی)
- ۲۱- نیک پور، امین (۱۳۹۵). ارائه الگوی نظارت عمومی به منظور پیشگیری از بروز فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران. مجله مجلس و راهبرد. دوره ۲۳، شماره ۸۷، صفحه ۲۰۱-۲۳۱.
- ۲۲- یزدان‌پناه، لیلا و حکمت، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان). مجله: مطالعات اجتماعی ایران. دوره ۸، شماره ۲. صفحه ۱۲۸-۱۵۲.
- 23- Randolph, S. W. (2008), "The Role of Altruistic Behavior, Empathetic and social Responsibility Motivation in Blood Donation Behavior", Transfusion, Vol. 48: 43- 54.

بررسی تأثیر گریز مالیاتی بر نوسان پذیری بازده سهام

سعید طهماسبی خورنه^۱

اصغر سپهان قره بابا^۲

چکیده

گریز مالیاتی می‌تواند فضای اطلاعاتی واحد تجاری را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی منجر به نوسان پذیری بازده سهام گردد. از این رو انتظار می‌رود گریز مالیاتی بر نوسان پذیری بازده سهام تأثیر بگذارد. بر این اساس در پژوهش حاضر، فرضیه‌ی «گریز مالیاتی بر نوسان پذیری بازده سهام اثر دارد» مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا، تعداد ۱۰۴ نمونه از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ (۵۲۰ سال شرکتی) انتخاب شده و با استفاده از روش رگرسیون ترکیبی مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، گریز مالیاتی با استفاده از تفاوت بین سود مشمول مالیات و سود حسابداری اندازه‌گیری و برای محاسبه‌ی نوسان پذیری بازده سهام از لگاریتم طبیعی یک به علاوه انحراف معیار بازده روزانه سهام استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد گریز مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌های بورسی دارد. این یافته‌ها می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، دستگاه‌های نظارتی و قانون‌گذار و سایر استفاده‌کنندگان برای تبیین چگونگی ارتباط بین گریز مالیاتی و نوسان پذیری بازده سهام مفید باشد.

واژگان کلیدی: گریز مالیاتی، عدم تقارن اطلاعاتی، نوسان پذیری بازده سهام

۱ - کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه مازندران - tahmasebisaeid@gmail.com

۲ - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی و نماینده دفتر مدیریت عملکرد اداره بازرسی کل استان کرمانشاه

مقدمه

پرداخت مالیات منتج به کاهش سود و وجوه نقد متعلق به شرکت و سهامداران و انتقال این منابع به دولت می‌گردد. این موضوع سبب می‌شود که شرکت از طریق مدیران خود و با استفاده از گزارشگری مالیاتی متهورانه، اقدام به فرار از پرداخت مالیات نماید (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). اگرچه از دیدگاه تئوری‌های سنتی، گریز مالیاتی منجر به افزایش ارزش شرکت از طریق انتقال ثروت از دولت به سهامداران می‌گردد؛ با این حال، در این دیدگاه ویژگی مهم شرکت‌های امروزی، یعنی جدایی مالکیت از مدیریت در نظر گرفته نشده است (چن و چو، ۲۰۰۵؛ کراکر و اسلمورد، ۲۰۰۵؛ اسلمورد، ۲۰۰۴). بر مبنای تئوری نمایندگی، تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که گریز مالیاتی می‌تواند منجر به خاکستری شدن فضای اطلاعاتی (کاهش شفافیت اطلاعاتی) توسط مدیریت گردد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰). چنانچه مدیریت شرکت اقدام به کاهش شفافیت اطلاعاتی و به نوعی نگهداری و عدم افشای اخبار بد بکند، اطلاعات به صورت نامتوازن و نابرابر بین استفاده‌کنندگان توزیع می‌گردد و بدین ترتیب عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد (براون و هایلجیست، ۲۰۰۷). به گفته آینفوس (۲۰۱۵) افزایش عدم تقارن اطلاعاتی نیز می‌تواند منجر به افزایش نوسانات بازده سهام گردد. به عبارتی اطلاعات نامتقارن باعث تغییر در اهرم مالی شده که در نهایت منجر به ایجاد نوسان‌پذیری بازده سهام (ریسک) شود. به بیان دیگر نابرابری اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان باعث ناآگاهی یک‌سری از آنان نسبت به دیگران می‌گردد و بدین ترتیب نوسانات بازده سهام افزایش می‌یابد.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان احتمال وجود ارتباط بین گریز مالیاتی و نوسان‌پذیری بازده سهام را پیش‌بینی نمود. لذا در این پژوهش به بررسی این موضوع در بازار سرمایه ایران پرداخته می‌شود. به عبارتی دیگر در این مطالعه به بررسی تأثیر گریز مالیاتی بر نوسان‌پذیری بازده سهام پرداخته خواهد شد. این پژوهش می‌تواند به ادبیات حسابداری و مالی کمک نماید. اول اینکه از جنبه نظری روابط بین این دو متغیر را مورد بحث قرار می‌دهد و سبب گسترش و توسعه ادبیات مربوط به روابط بین متغیرهای پژوهش می‌شود. دوم اینکه از جنبه‌ی عملی نیز کشف روابط بین متغیرهای مذکور در بازار سرمایه ایران می‌تواند برای ذی‌نفعان مفید باشد؛ بنابراین انتظار می‌رود که نتایج این پژوهش برای سرمایه‌گذاران، مدیران، حساب‌رسان، بورس اوراق بهادار و سایر دستگاه‌های نظارتی برای تبیین روابط بین متغیرها مفید باشد.

براین اساس، در ادامه این پژوهش، ابتدا مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین مورد بررسی می‌گیرد و پس از طرح فرضیه‌ها، روش پژوهش بیان می‌گردد و در نهایت به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

سؤال پژوهش

آیا گریز مالیاتی بر نوسان‌پذیری بازده سهام تأثیر دارد؟

فرضیه پژوهش

گریز مالیاتی بر نوسان‌پذیری بازده سهام تأثیر دارد.

مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش حاضر بر پایه نظریات ارائه شده درخصوص مفاهیم زیر استوار است:

گریز مالیاتی

گریز مالیاتی شامل فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات است. فرار مالیاتی، رفتار غیرقانونی عمدی و یا نقض قانون مالیات‌های مستقیم برای پرداخت نکردن مالیات تعریف شده است (دایره بین‌المللی مستندات مالی^۱، ۲۰۰۱). مطالعات قبلی نشان می‌دهد که گزارش کمتر از واقع در آمد، معمول‌ترین روش فرار مالیاتی توسط اشخاص است (ماسون و کلونین^۲، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۴؛ فنشتین^۳، ۱۹۹۱؛ وارما و دووب^۴، ۱۹۹۸). شایع‌ترین دلایل فرار مالیاتی عبارت‌اند از: ۱) عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، ۲) مبادله نکردن کامل اطلاعات و نبودن نظام نظارت و پیگیری در اخذ مالیات، ۳) تشخیص علی‌الرأس و ضعف در اجرای آن، ۴) فقدان الزامات قانونی یا ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی، ۵) عدم ظهور نمودهای پرداخت مالیات در جامعه، ۶) نشناختن مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمدهای آن‌ها به‌خصوص در بخش مالیات مشاغل و ۷) وجود معافیت‌های وسیع، متنوع و نابرابر (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲). در مقابل اجتناب از پرداخت مالیات، تقلیل بدهی مالیاتی بدون تخلف از قوانین مالیاتی تعریف شده است (دایره بین‌المللی مستندات مالی، ۲۰۰۱). فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات، هر دو به‌منظور گریز از پرداخت مالیات انجام می‌شود؛ اما تفاوت اساسی این دو، آن است که اجتناب از پرداخت مالیات رفتاری قانونی است درحالی‌که فرار مالیاتی رفتاری غیرقانونی است. به عبارت دیگر فرار مالیاتی یک نوع تخلف از قانون است، اما اجتناب از پرداخت مالیات ناشی از خلأهای قانونی در قانون مالیات‌ها می‌باشد. در اجتناب از پرداخت مالیات فرد به‌منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات دنبال راه‌های گریز می‌گردد (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸). به‌عنوان مثال، فرض کنید که برای فروش تجهیزاتی مالیات بر ارزش افزوده وضع شود. حال اگر فروشنده برای پرداخت مالیات کمتر، تجهیزات کمتری بفروشد رفتار وی بر پایه‌ی اجتناب از مالیات است؛ لیکن اگر همین فروشنده میزان فروش خود را کمتر از مقدار واقعی به اداره مالیات گزارش کند، رفتار وی فرار از مالیات قلمداد می‌شود. به‌هرصورت از لحاظ نظری خط مشخصی برای نشان دادن تمایز بین فرار مالیاتی قانونی و غیرقانونی وجود ندارد (کولیچ^۵، ۲۰۰۵).

1 - International Bureau of Fiscal Documentation

2 - Mason and Calvin

3 - Feinstein

4 - Varma and Doob

5 - Kulić

نوسان پذیری بازده سهام

نوسان پذیری بازده، مدت زیادی است که از موضوعات مهم مباحث مالی می باشد و تحقیقات متنوعی در این باره صورت گرفته است. نوسانات بازده سهام به بی ثباتی در تغییرات قیمت سهام در طول دوره ای از زمان اشاره می کند (کارولی^۱، ۲۰۰۱). سرمایه گذاران این بی ثباتی را به عنوان معیاری از ریسک در نظر می گیرند و همین طور سیاست گذاران از برآورد بازار از نوسانات بازده سهام به عنوان ابزاری برای اندازه گیری میزان آسیب پذیری بازار سهام استفاده می کنند (ظفر و همکاران^۲، ۲۰۰۸). سرمایه گذاران، تحلیل گران، دلالان، واسطه ها و تنظیم کنندگان بازار، نوسانات بازده سهام را نه تنها به عنوان معیاری از ریسک، مورد توجه قرار می دهند، بلکه آن ها در مورد نوسان پذیری مازاد نیز نگران اند، چرا که معتقدند نوسانات مشاهده شده در قیمت های سهام، به دنبال هرگونه اخبار مهمی در مورد شرکت و یا به طور کلی بازار، ایجاد نمی شوند. نوسان پذیری مازاد بازده سهام، سودمندی قیمت های سهام، که نشانه ای برای ارزش ذاتی شرکت محسوب می شود را کاهش می دهد که این مفهوم، موضوع اصلی الگوی کارایی اطلاعاتی بازار است. البته نوسان پذیری به معنای رفتار غیر عقلایی در بازار و یا بازارهای ناکارآمد نمی باشد. درک میزان نوسان پذیری نیازمند آگاهی از چگونگی اندازه گیری نوسان پذیری، شناخت فشارهای گسترده بازار و عوامل کلان اقتصادی و همین طور ویژگی های خاص شرکت می باشد که با نوسان پذیری بالاتر و یا پایین تر در ارتباط است (کارولی، ۲۰۰۱). ظفر و همکارانش (۲۰۰۸)، در مطالعات خود عنوان کرده اند که تغییر در بازده سهام به صورتی افزایشی نشان دهنده قابلیت سوددهی بالای سهام است که این موضوع یکی از معیارهای رشد اقتصادی است.

ارتباط بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی

بحث گریز مالیاتی و چگونگی مدیریت و برنامه ریزی های مالیاتی در راستای کاهش بدهی های مالیاتی یکی از موضوع های مهم برای مدیران مالی شرکت ها تلقی می گردد. بدیهی است که اگر مزایای مالیاتی را با گریز مالیاتی در نظر بگیریم باید برای آن هزینه هایی پرداخته شود. به طور مثال مدیران واحدهای تجاری که درصدد انجام فعالیت های گریز مالیاتی هستند باید متحمل هزینه هایی گردند. در ادبیات حسابداری این هزینه ها با عنوان هزینه ابهام یا عدم تقارن اطلاعاتی مطرح می شوند. به عبارتی مدیران با انجام اقدامات گریز مالیاتی، فضا را برای ایجاد ابهام اطلاعاتی فراهم می نمایند (چن و همکاران، ۲۰۰۹). از طرفی در ادبیات حسابداری، نظریه های متفاوتی در رابطه با این دیدگاه که «گریز مالیاتی منجر به افزایش منافع سهام داران می شود» وجود دارد. یکی از نظریه های کلاسیک در این رابطه بیان می دارد: از آنجایی که مدیران با اعمال فعالیت های گریز مالیاتی، مالیات پرداختی را

1 - karohyi

2 - Zafar, et al.

کاهش می‌دهند، به افزایش منافع سهام‌داران کمک نموده و این امر افزایش ارزش شرکت را به دنبال دارد. در مقابل با قبول اینکه شرکت مجموعه‌ای از قراردادهاست انتظار می‌رود که مدیران با انجام فعالیت‌های گریز مالیاتی، یک محیط مبهم اطلاعاتی را ایجاد نمایند و دست به صرفه‌جویی‌های مالیاتی و رانت‌های خود زده و به دنبال منفعت‌طلبی‌های خود باشند (چن و همکاران، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر گریز مالیاتی پیچیدگی‌های معاملاتی و فعالیت‌های مالی را افزایش داده و مدیران با انجام این اقدام، مقامات مالیاتی را برای کشف پیچیدگی‌ها گمراه می‌نمایند و در نهایت این کار باعث ایجاد ابهام محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌گردد و در نتیجه منجر به عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود؛ اما در سال‌های اخیر برخلاف دیدگاه اول که بر مبنای تئوری نمایندگی بیان شد نتایج برخی از پژوهش‌ها عکس این قضیه را نشان داده است. چن و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این موضوع اشاره داشته‌اند، این امکان وجود دارد واحدهای تجاری که گریز مالیاتی بیشتری دارند، افشای اطلاعات را برای از بین بردن ابهام اطلاعاتی افزایش دهند. بر این اساس انتظار می‌رود که سازوکارهایی از قبیل حاکمیت شرکتی و ساختار فامیلی شرکت‌ها که سبب تضاد نمایندگی می‌شوند، این ارتباط معکوس را تعدیل نموده و در نتیجه گریز مالیاتی منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردد (چن و همکاران، ۲۰۰۹).

ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و نوسان‌پذیری بازده سهام

عدم تقارن اطلاعاتی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن بین استفاده‌کنندگان اطلاعات یکسان و برابری وجود ندارد و می‌تواند منجر به تغییر در اهرم مالی شده و در نتیجه ریسک (نوسان) را تغییر دهد (آینفوس، ۲۰۱۵). کاهش عدم تقارن اطلاعاتی که در نتیجه کیفیت بالای افشای اطلاعاتی ایجاد می‌شود دارای اثرات بالقوه زیادی از قبیل بهبود در نقدینگی، کاهش هزینه سرمایه و افزایش توجه مشارکت‌کنندگان در بازار اشاره است (هیلی و همکاران، ۲۰۱۱). کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند نوسان‌پذیری بازده سهام را کاهش دهد. به گونه‌ای که بعضی از محققین مانند کورمیر و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، لاندلم و همکاران^۲ (۱۹۹۳) و لویز^۳ و همکاران (۲۰۰۰) از نوسان‌پذیری بازده سهام به عنوان شاخصی برای عدم تقارن اطلاعات در پژوهش‌های خود استفاده کرده‌اند. در ادبیات مالی و حسابداری نوسان‌پذیری بازده سهام به معنای ریسک بیشتر تلقی شده که افزایش در هزینه سرمایه را می‌تواند به دنبال داشته باشد (بوش و نو، ۲۰۰۰).

نوسان‌پذیری بازده سهام که به تغییرات در قیمت سهام گفته می‌شود یک نوع علامت‌دهی منفی در مورد قیمت سهام موجود در بازار است که از نظر علمی برای شرکت‌هایی که مدیران آن‌ها طرح‌های پاداش خود را براساس قیمت سهام تعیین می‌کنند می‌تواند هزینه‌بر باشد (کیلک و همکاران، ۲۰۰۶).

1 - Cormier, et al.

2 - Lang, and Lundholm

3 - Leuz

به‌طور خلاصه یافته‌ها نشان داد که کاهش عدم تقارن به معنای کاهش خبرهای هیجان‌انگیز در مورد شرکت‌ها بوده که می‌تواند موجب کاهش نوسانات بازده شرکت‌ها باشد. با توجه به مبانی نظری فوق به‌نظر می‌رسد که گریز مالیاتی بر نوسان‌پذیری بازده سهام تأثیر دارد. به‌منظور درک بهتر این روابط و آگاهی از پژوهش‌های انجام شده در ادامه به بررسی پژوهش‌های پیشین پرداخته خواهد شد.

با توجه به مبانی نظری فوق به‌نظر می‌رسد که گریز مالیاتی بر نوسان‌پذیری بازده سهام تأثیر دارد. به‌منظور درک بهتر این روابط و آگاهی از تحقیقات انجام شده در ادامه به بررسی تحقیقات‌های پیشین در دو بخش خارجی و داخلی می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

چن و همکاران (۲۰۱۱) به مطالعه رابطه بین اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری شرکت بر مبنای تئوری نمایندگی پرداختند. این محققان از دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به‌عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به‌عنوان معیار اجتناب مالیاتی استفاده کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که هر چه میزان اجتناب مالیاتی بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر بوده و از شفافیت کمتری برخوردارند.

بالاکریشنان و همکاران^۱ (۲۰۱۲) به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. آنان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران به‌عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌هایی با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسئله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

آینفوس (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر نوسانات بازده سهام شرکت‌های بورسی نیجریه با استفاده از داده‌های روزانه طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ پرداخت. یافته‌های او حاکی از آن بود که عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری بر نوسانات بازده سهام دارد.

یاسین^۲ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر بازده سهام شرکت‌های بورسی عمان طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ پرداختند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن بود که سرمایه‌گذارانی که دارای اطلاعات محرمانه بودند می‌توانند سود بیشتری ببرند. به‌عبارتی دیگر عدم تقارن اطلاعاتی بر بازده سهام تأثیر مثبتی دارد؛ اما هنگامی که سیاست‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تری توسط مدیریت اعمال می‌شود این اثر کم‌رنگ‌تر می‌شود.

1 - Balakrishnan, et al.

2 - Yassin

کیم و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداختند. براساس یافته‌های پژوهش ایشان، در شرکت‌هایی که اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات کرده‌اند، ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیشتر است. همچنین در شرکت‌هایی که از سازوکارهای نظارتی خارجی قوی برخوردارند، رابطه مثبت بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، ضعیف‌تر است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه‌ی بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، داده‌های ۷۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ را با استفاده از رگرسیون لجستیک و داده‌های تابلویی موردبررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از این بود که بین گریز مالیاتی با ریسک سقوط قیمت سهام (متغیر نوسان پایین به بالا) یک رابطه مثبت وجود دارد. پورحیدری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر شفافیت گزارشگری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده برای اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری به ترتیب نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی بود. نمونه آماری پژوهش شامل ۷۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ بود. نتایج حاکی از پژوهش نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری شرکت می‌شود.

فروغی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین فرار مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که بین فرار مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین در شرایطی که یک نظام راهبری قوی در شرکت مستقر است، اثر فرار مالیاتی بر افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام کمتر است.

حقیقت و محمدی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه‌ی کیفیت افشای شرکتی و اجتناب مالیاتی و میزان توجه افراد برون‌سازمانی به اجتناب مالیاتی، پرداختند. بدین منظور نمونه‌ای متشکل از ۶۰۰ سال- شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره هشت ساله ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ را موردبررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که شرکت‌های با شفافیت بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشتر نسبت به شرکت‌های با شفافیت پایین دارند و همچنین افراد برون‌سازمانی اهمیت خاصی به اجتناب مالیاتی شرکت‌ها قائل نیستند؛ بنابراین در شرکت‌هایی

که برنامه‌های اجتناب مالیاتی اجرا می‌شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف تحقیقی کاربردی بوده و همچنین از نظر جمع‌آوری داده تحقیقی توصیفی - رگرسیونی می‌باشد که برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیلی - ترکیبی استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه

در این تحقیق جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به منظور ایجاد هماهنگی میان اعضای جامعه در ارتباط با داده‌های مورد نیاز تحقیق، از ویژگی‌های زیر به عنوان ویژگی مشترک نمونه انتخابی استفاده شده است:

- چون ارقام مالی و حسابداری مربوط به برخی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مانند بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها، لیزینگ‌ها) ممکن است شامل ارقام سایر شرکت‌ها نیز باشد، این شرکت‌ها از جامعه آماری حذف گردیده‌اند. دلیل این امر، تفاوت در ماهیت فعالیت و اینکه پرتفوی دارایی‌های این گونه شرکت‌ها از سهام سایر شرکت‌های فعال در بازار بورس تشکیل شده، می‌باشد؛
- شرکت‌ها در پایان سال مالی سودآور باشند. با توجه به معیار گریز از پرداخت مالیات که از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به دست می‌آید شرکت‌هایی انتخاب شدند که سودآور بودند؛
- به دلیل قابل مقایسه بودن و همچنین همگنی و تعمیم نتایج، سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه باشد؛
- صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی آن‌ها به طور کامل در دسترس باشد؛
- طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ تغییر سال مالی نداشته‌اند.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، ۱۰۴ شرکت برای بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، انتخاب شدند. سپس، اطلاعاتی که مربوط به مبانی نظری پژوهش بودند از منابع مختلف مانند کتب، نشریات و مقالات داخلی و خارجی که از پایگاه‌های اینترنتی یا کتابخانه‌های معتبر جمع‌آوری شده است. اطلاعات و داده‌های خام مورد نیاز شرکت‌ها به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از طریق نرم‌افزار تدبیرپرداز و وب‌سایت سیستم جامع اطلاع‌رسانی ناشران (شبکه کدال) جمع‌آوری شده است. همچنین برای برآورد آماره توصیفی و تحلیل و استنباط آماری، از نرم‌افزار اویوز^۸ استفاده شده است. برای آزمون فرضیه از رگرسیون تحلیلی - ترکیبی استفاده شده است.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه این پژوهش از مدل زیر استفاده شده است:

$$SRV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TaxNon_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱)$$

متغیر مستقل

گریز مالیاتی ($TaxNon$) که به صورت «هرگونه کاهش در پرداخت مالیات‌ها» تعریف می‌شود. برای محاسبه‌ی گریز مالیاتی از معیارهای متفاوتی استفاده می‌شود. در این پژوهش از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات به مجموع دارایی‌ها استفاده می‌گردد و به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر دارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است که از طریق رابطه (۳) به دست می‌آید:

$$TaxNon_{i,t} = |(Accinc_{i,t} - Taxinc_{i,t}) / ASS_{i,t-1}| \quad (۲)$$

$TaxNon_{i,t}$: تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت i در سال t

$Accinc_{i,t}$: سود حسابداری شرکت i در سال t

$Taxinc_{i,t}$: سود مشمول مالیات شرکت i در سال t

$ASS_{i,t-1}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

متغیر وابسته

نوسان‌پذیری بازده سهام

در این پژوهش نوسان بازده سهام (SRV)، از طریق لگاریتم طبیعی یک به علاوه انحراف معیار بازده روزانه سهام محاسبه شده است:

$$SRV_{i,t} = \ln(1 + \delta return_{i,t}) \quad (۳)$$

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، اندازه شرکت و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند و از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها به عنوان معیاری برای اندازه شرکت و همچنین از تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌های آن شرکت برای محاسبه اهرم مالی استفاده شده است.

۱. تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای این پژوهش در جدول شماره (۱) آمده شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
گریز مالیاتی	۰/۰۸۶۷	۰/۰۴۷۲	۰/۷۷۵۶	۰/۰۰۰۰	۰/۱۱۷۸
نوسان پذیری بازده سهام	۰/۰۳۲۵	۰/۰۲۲۹	۰/۴۸۷۵	۰/۰۰۲۴	۰/۰۵۱۷
اندازه شرکت	۶/۱۱۱۷	۶/۰۲۳۴	۸/۲۵۵۶	۴/۹۱۳۷	۰/۶۴۳۷
اهرم مالی	۰/۵۶۷۹	۰/۵۸۴۸	۰/۹۷۴۵	۰/۰۸۹۱	۰/۱۸۴۳

همبستگی بین متغیرها

مطالعه همبستگی، ابزاری آماری است که به وسیله آن می توان درجه ای را که یک متغیر با متغیر دیگر از نظر خطی مرتبط می شود، اندازه گیری کرد. در یک مدل رگرسیون چنانچه همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی (در این تحقیق، اندازه و اهرم مالی متغیر کنترلی هستند) زیاد باشد، ممکن است منجر به مخدوش شدن نتایج شود. منظور از همبستگی بالا، همبستگی شدید یعنی بیش از ۵۰ درصد است. همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود بین متغیرهای مستقل و کنترلی همبستگی بیشتر از ۵۰ درصد وجود ندارد بنابراین مشکل همبستگی وجود ندارد.

جدول ۲- همبستگی بین متغیرها

گریز مالیاتی	۱	-	-	-
نوسان پذیری بازده سهام	۰/۲۴۰۲	۱	-	-
اندازه شرکت	۰/۱۹۰۳	-۰/۰۴۶۴	۱	-
اهرم مالی	-۰/۴۵۷۰	-۰/۱۵۸۸	-۰/۰۶۷۴	۱

آزمون ناهمسانی واریانس

یکی دیگر از فروض کلاسیک، آزمون ناهمسانی واریانس است. در این پژوهش برای بررسی این موضوع از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج حاصل از جدول ۳ بیانگر این موضوع است که احتمال آماره F در مدل بیشتر از ۰/۰۵ است که نشان می دهد بین متغیرهای پژوهش ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس

مدل‌ها	آزمون ناهمسانی واریانس LM Test: White
مدل ۱	
۳/۶۲۵۲	آماره F
۰/۹۲۷۳	احتمال آماره F

آزمون مانایی متغیرها

در این پژوهش برای بررسی مانایی متغیرها برای داده‌های ترکیبی، از آزمون لوین، لین و چو استفاده شده است. با توجه به جداول ۴ مقدار Value-P همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین فرض صفر رد می‌شود و متغیرها مانا هستند.

جدول ۴- نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	Bandwidth	Prob
گریز مالیاتی	۲/۰	۰/۰۰۰۰
نوسان‌پذیری بازده سهام	۱۰/۰	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکتی	۵۸/۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۵۸/۰	۰/۰۰۰۰

انتخاب الگو برای مدل

در بررسی داده‌های مقطعی و سری زمانی، اگر ضرایب اثرات مقطعی و اثرات زمانی معنادار نشود، می‌توان داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین زد. در بیشتر داده‌های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری‌های زمانی معنادار هستند، این مدل به مدل رگرسیون ترکیب شده معروف است. با توجه به ساختار ترکیبی داده‌ها، برای بررسی ترکیب‌پذیری از آزمون چاو و برای بررسی وجود اثر ثابت از آزمون هاسمن استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۵ سطح معناداری آزمون چاو زیر ۰/۰۵ است بنابراین برای برآورد مدل از روش داده‌های پانل استفاده شده است. همچنین سطح معناداری مربوط به آزمون هاسمن زیر ۰/۰۵ می‌باشد و نشان می‌دهد که برای برآورد مدل باید از آزمون اثرات ثابت استفاده شود.

جدول ۵ - انتخاب الگوی مناسب برای مدل

آزمون	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	روش تأییدشده
آزمون چاو	۱/۹۴۶۸	۱۰۳/۴۱۳	۰/۰۰۰۰	رد H صفر	روش داده‌های پانل
آزمون هاسمن	۲/۸۵۷۰	۳	۰/۰۱۴۲	رد H صفر	روش اثرات ثابت

آزمون فرضیه

فرضیه این پژوهش به منظور بررسی تأثیر گریز مالیاتی بر نوسان‌پذیری بازده سهام مطرح شده است که نتایج به دست آمده از رگرسیون ترکیبی در جدول ۶ نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود گریز مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری در سطح ۹۹ درصد بر نوسان‌پذیری بازده سهام دارد (معناداری زیر ۰/۰۱). ضریب این تأثیر ۰/۴۷۸۰ است که نشان می‌دهد در شرکت‌های بورسی با افزایش یک درصد گریز مالیاتی، ۰/۴۷۸۰ درصد افزایش در نوسان‌پذیری بازده سهام واحدهای تجاری مشاهده شده است. همچنین نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که اندازه شرکتی تأثیر معناداری را بر نوسان‌پذیری بازده سهام ندارد؛ اما اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری را بر نوسان‌پذیری بازده سهام دارد.

در آزمون این فرضیه نیز برای بررسی برقرار بودن فرض عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرها در نتایج حاصل از معادلات رگرسیونی، از آزمون دوربین واتسون استفاده گردیده است. مقدار دوربین واتسون برآورد شده در جدول ۶ برابر با ۳۹۸۰/۲ است و از آنجایی که مقدار محاسبه شده در محدوده بین ۵/۱ تا ۲/۵ است، بنابراین این مقدار بیانگر این موضوع است که بین باقی مانده‌ها خودهمبستگی نوع اول وجود ندارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی این فرضیه برابر با ۲۶۶۲/۰ می‌باشد که این مقدار بیانگر این مطلب است که حدود ۶۲/۲۶ درصد رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. همچنین از آنجایی که مقدار vif متغیرها در هر دو معادله کمتر از ۱۰ است، بیانگر این موضوع است که بین متغیرهای مشکل هم خطی وجود ندارد.

جدول ۶- نتایج حاصل از آزمون فرضیه

$SRV_{i,t} = \delta_0 + \delta_1 Tax Avoid_{i,t} + \delta_2 Size_{i,t} + \delta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معنی‌داری	VIF
مقدار ثابت	۰/۱۵۹۳	۰/۱۹۰۳	۰/۸۳۶۷	۰/۴۰۳۴	-
گریز مالیاتی*	۰/۴۷۸۰	۰/۰۶۱۴	۷/۷۸۱۳	۰/۰۰۰۰	۱,۳۰۶۳
اندازه شرکت	-۰/۰۱۳۰	۰/۰۳۰۵	-۰/۴۲۶۲	۰/۶۷۰۲	۱,۰۳۸۱
اهرم مالی**	-۰/۰۳۰۳	۰/۰۶۴۲	-۰/۴۷۲۲	۰/۰۳۷۱	۱,۲۶۴۷
دوربین واتسون	۲,۳۹۸۰		ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۳۶۶۲
آماره F	۲,۴۰۷۱		احتمال آماره F		۰,۰۰۰۰

* معناداری در سطح ۹۹ درصد، ** معناداری در سطح ۹۵ درصد

نتیجه و پیشنهاد

نتایج حاصل از آزمون فرضیه که با استفاده از رگرسیون تحلیلی - ترکیبی صورت گرفت، نمایانگر این موضوع است که گریز مالیاتی بر نوسان‌پذیری بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تأثیر مثبت و معنادار در سطح ۹۹ درصدی دارد. این نتایج می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که در شرکت‌های ایرانی با افزایش گریز مالیاتی، نوسان‌پذیری بازده سهام افزایش می‌یابد. علت این موضوع می‌تواند ناشی از آن باشد که مدیران شرکت‌هایی که دست به فعالیت‌های گریز مالیاتی می‌زنند با انجام فرآیندهای پیچیده و پنهان‌کاری اخبار بد و با ظاهر آرایبی اطلاعاتی، دید سرمایه‌گذاران را نسبت به شرکت مثبت می‌کنند و بدین ترتیب نوسان‌پذیری بازده سهام افزایش می‌یابد. یافته‌های این مطالعه با یافته‌های پژوهش‌های کیم و همکاران (۲۰۱۱)، مرادی و همکاران (۱۳۹۵) و فروغی و همکاران (۱۳۹۱) تطابق دارد. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی خود برای بررسی رابطه‌ی بین این دو متغیر از سایر معیارهای کمی کردن هر کدام از آن‌ها استفاده کنند. همچنین به دستگاه‌های نظارتی و بورس اوراق بهادار تهران و همچنین سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان توصیه می‌گردد که روابط بین گریز مالیاتی و نوسان‌پذیری بازده سهام را در اتخاذ تصمیمات خود لحاظ کنند.

فهرست منابع

- ۱- پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن و امینی نیا، میثم (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۸۵-۶۹.
- ۲- حقیقت، حمید و محمدی، محمدحسن (۱۳۹۲)، بررسی رابطه‌ی بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا و ارزش شرکت، مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره یک، صص ۲۲۸-۲۰۹.
- ۳- سوری، علی، اقتصادسنجی همراه با کاربرد نرم‌افزار اویوز، انتشارات فرهنگ شناسی، ۱۳۹۱، صص ۳۵۵-۶۷.
- ۴- طهماسبی خورنه، سعید. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی، کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
- ۵- فخاری، حسین و طهماسبی خورنه، سعید (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه‌ی متقابل بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان (SLS3)»، پژوهشنامه مالیات، سال ۲۴، شماره سی‌ودو، صص ۱۰۱-۱۱۹.
- ۶- مرادی، مهدی؛ باقرپور ولاشانی، محمدعلی و رستمی، امین. (۱۳۹۴). ارتباط بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال پنجم، شماره هفدهم، بهار.
- ۷- موسوی جهرمی، یگانه؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد و خاکی، نرگس. (۱۳۸۸). «فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری». فصلنامه تخصصی مالیات، شماره پنجم (مسلسل ۵۳)، صص ۳۸-۲۷.
- ۸- نوروش، ایرج و حسینی، سعید (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به‌موقع بودن) و مدیریت سود، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال شانزدهم، شماره ۵۵، صص ۱۳۴-۱۱۷.
- 9- Balakrishnan, K. Blouin, J. L. & Guay, W. R. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency? Available at SSRN 1792783.
- 10- Brown, S. & Hillegeist, S. A. (2007). How disclosure quality affects the level of information asymmetry. Review of Accounting Studies, 12(2477-443), (3-).
- 11- Chen, K. P. & Chu, C. C. (2005). Internal control versus external manipulation: A model of corporate income tax evasion. RAND Journal of Economics, 151164-.
- 12- Chen, Y. Huang, S. Pereira, R. & Wang, J. (2011). Corporate tax avoidance and firm opacity. Unpublished Working Paper University of Missouri.
- 13- Crocker, K. J. & Slemrod, J. (2005). Corporate tax evasion with agency costs.

- Journal of Public Economics, 89(9), 1593-1610.
- 14- Desai, M. A. & Dharmapala, D. (2009). Earnings management, corporate tax shelters, and book-tax alignment. *National Tax Journal*, 169-186.
 - 15- Feinstein, J. S. (1991). An econometric analysis of income tax evasion and its detection. *RAND Journal of Economics*, 22, 14-35.
 - 16- Hanlon, M. & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.
 - 17- Healy, P. M. & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, 13(4), 365-383.
 - 18- International Bureau of Fiscal Documentation, (2001). *International Tax Glossary* (4th Ed). Amsterdam, Netherlands: IBFD Publications.
 - 19- Karolyi, G. A. (2001). Why stock return volatility really matters. *Institutional investor journal series*, 34(376-54), 5.
 - 20- Kim, J. B. Li, Y. & Zhang, L. (2010). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level evidence. *Forthcoming at Journal of Financial Economics*.
 - 21- Kulić, M. (2005). *Economic and Social Aspects of Tax Evasion*. Faculty of Business Studies, Megatrend University of Applied Sciences, Belgrade, 177-195.
 - 22- Lang, M. H. & Lundholm, R. J. (1996). Corporate disclosure policy and analyst behavior. *Accounting review*, 467-492.
 - 23- Mason, R. & L. D. Calvin, (1978). A study of admitted income tax evasion. *Law & Society Review*, 13, 73-89.
 - 24- Mutalib, A. (2015). Information Asymmetric Effect on the Stock Return Volatility in Nigerian Capital Market. Available at SSRN 2752915.
 - 25- Varma, K. N. & A. N. Doob, (1998). Deterring economic crimes: The case of tax evasion. *Canadian Journal of Criminology*, 40, 165-184.
 - 26- Yassin, M. M. Ali, H. Y. & Hamdallah, M. E. (2015). The Relationship between Information Asymmetry and Stock Return in the Presence of Accounting Conservatism. *International Journal of Business and Management*, 10(5), 126.
 - 27- Zafar, N. Urooj, S. F. Durrani, T. K. (2008). Interest rate volatility and stock return and volatility. *European journal of economic*, issue 14.

ارزیابی عملکرد برخی دستگاه‌های اجرایی استان چهارمحال و بختیاری در مواجهه با خشکسالی در دوره برنامه پنجم توسعه کشور

دکتر حمیدرضا باقری^۱
مهندس روح‌الله صادقی راد^۲
مهندس رحمت‌الله جهانبخشی^۳
دکتر حسین صمدی بروجنی^۴
دکتر مهدی کرمی دهکردی^۵
مهندس روانبخش رئیس‌یان^۶
دکتر روح‌الله فتاحی^۷

چکیده

خشکسالی به عنوان یکی از بی‌سروصداترین بلایای طبیعی، خطرات و خسارت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فراوانی برای جوامع بشری به دنبال دارد و مدیریت جامع خشکسالی راه مؤثر در مقابله با این پدیده طبیعی است. مدیریت جامع دارای چرخه مدیریت ریسک (قبل از وقوع) و مدیریت بحران (پس از وقوع) می‌باشد. از جمله مهم‌ترین مراحل این چرخه، مرحله «ارزیابی» است که بدون انجام آن نمی‌توان نقاط ضعف و قوت مراحل مدیریت را مشخص نمود و در تدوین برنامه‌های مقابله با خشکسالی مورد استفاده قرار داد. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر، در استان چهارمحال و بختیاری یکی از خشکسالی‌های شدید و طولانی مدت اتفاق افتاده و اثرات عمیق و درازمدت بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی بر جای گذاشته است، عملکرد دستگاه‌های اجرایی مربوط در استان در دوره برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی کشور مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد از نظر شاخص‌های اصلی ارزیابی شامل اعتبارات، حفاظت و بهره‌برداری، زیربنایی و توسعه و آموزش و پژوهش، دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه شامل شرکت آب منطقه‌ای استان چهارمحال و بختیاری، شرکت آب و فاضلاب شهری استان، شرکت آب و فاضلاب روستایی استان، سازمان جهاد کشاورزی استان و اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان توانسته‌اند به ترتیب ۳۳٪، ۳۸٪، ۳۶٪، ۳۸٪ و ۲۸٪ از اهداف مورد انتظار برنامه پنجم در ارتباط با خشکسالی را محقق نمایند. در این مقاله پیشنهاد‌های عملی بهبود عملکرد دستگاه‌ها ارائه شده است.

واژگان کلیدی: خشکسالی، ارزیابی، شرکت آب منطقه‌ای، استان چهارمحال و بختیاری

- ۱ - دانش‌آموخته دکترای زراعت - مدیر گروه اقتصادی بازرسی کل استان چهارمحال و بختیاری
- ۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی منابع آب - بازرس گروه اقتصادی بازرسی کل استان چهارمحال و بختیاری
- ۳ - دانش‌آموخته کارشناسی مهندسی عمران - بازرس گروه اقتصادی بازرسی کل استان چهارمحال و بختیاری
- ۴ - دانشیار گروه مهندسی آب دانشگاه شهرکرد و رئیس مرکز تحقیقات منابع آب دانشگاه شهرکرد
- ۵ - استادیار گروه توسعه روستایی دانشگاه شهرکرد
- ۶ - کارشناس ارشد مرکز تحقیقات منابع آب دانشگاه شهرکرد
- ۷ - دانشیار گروه مهندسی آب دانشگاه شهرکرد

مقدمه

خشکسالی از جمله حوادث طبیعی است که جوامع انسانی را تحت تأثیر قرار داده و به تدریج و در یک دوره‌ی زمانی نسبتاً طولانی، اثرات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حتی سیاسی و فرهنگی عمیقی بر جوامع تحت تأثیر بر جای می‌گذارد (صمدی بروجنی و ابراهیمی، ۱۳۹۰).

خشکسالی بلایی پیچیده و چندبعدی است (ویل هیت و گلانز، ۱۹۸۵) که ارایه تعریفی فراگیر از آن به دلیل وابستگی این پدیده به تفاوت‌های اقلیمی گوناگون، نیازها و دیدگاه‌های متفاوت مشکل است (ویل هیت، ۱۹۹۶)؛ اما متخصصان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که خشکسالی به عنوان یک پدیده اقلیمی اثرات اجتماعی، اقتصادی، کشاورزی و زیست‌محیطی انکارناپذیری بر محیط اعمال می‌کند (هاودن، ۲۰۱۴). هرچند آثار خشکسالی در محیط‌های شهری و روستایی یکسان نیست، اما گسترده‌ترین اثرات خشکسالی، خسارت تحمیل شده بر بخش کشاورزی است. چراکه، اقتصاد خانوار روستایی وابستگی قابل توجهی به بخش کشاورزی دارد و با کاهش ظرفیت‌های اقتصادی این بخش، اقتصاد خانواده به مخاطره افتاده و پیامدهای بعدی رانیز در پی خواهد داشت (صالح و مختاری، ۱۳۸۶). البته، وقوع مکرر خشکسالی موجب شده که این بحران، برای کشاورزان به عنوان یک پدیده جدید مطرح نباشد، اما پیچیدگی عوامل زمینه‌ساز و درهم‌تنیدگی پیامدهای منفی ناشی از خشکسالی، این پدیده را به یکی از دغدغه‌های اصلی کشاورزان ساکن در مناطق دارای شرایط بحرانی، تبدیل نموده است (کمپل و همکاران، ۲۰۱۰؛ لیچنکو و ابرین، ۲۰۰۲). هرچند، به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر جوامع روستایی و کشاورزی، شدت پیامدهای حاصل از بلایای طبیعی در سطح روستا بیشتر است اما می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق در برابر چنین سوانحی، تبعات آن‌ها را کاهش داد (بیتمن و همکاران، ۲۰۱۱).

طبق بررسی‌های صورت گرفته، کشور ما همواره در معرض بلایای طبیعی همچون سیل، زلزله و خشکسالی قرار دارد؛ به گونه‌ای که از ۴۰ بلای اتفاق افتاده در جهان، ۳۱ مورد آن در ایران اتفاق می‌افتد (جزایری، ۱۳۷۹) اما در میان آن‌ها، خشکسالی از فراوانی بیشتری برخوردار است، به گونه‌ای که از ایران به عنوان کشوری مستعد خشکسالی یاد شده است. میزان خسارت خشکسالی بنا به دلایلی از جمله: کاهش سرانه آب قابل دسترسی ناشی از افزایش جمعیت، تغییر اقلیم و بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی، کاهش کیفیت منابع آب موجود (شوری و آلودگی) در حال افزایش است (علیزاده، ۱۳۸۴). شدت بحران‌های حاصل از خشکسالی در ایران زمانی بیشتر خواهد شد که معلوم شود در حال حاضر به علت برخی از محدودیت‌ها به ویژه کمبود آب، فقط ۱۸/۵ میلیون هکتار از مجموع ۳۷ میلیون هکتار اراضی کشاورزی زیر کشت قرار دارند که از این میزان حدود ۸/۵ میلیون هکتار (۴۶ درصد) آبی و ۱۰ میلیون هکتار (۵۴ درصد) دیم می‌باشد (علی محمدی، ۱۳۸۱).

خشکسالی خسارت‌های ناپیدای دیگری را نیز باعث می‌شود که در مواردی جبران‌ناپذیر و امکان رفع عواقب آن به هیچ طریقی میسر نخواهد بود. حساسیت و عکس‌العمل‌های اجتماعی نسبت به عمق

فاجعه خشکسالی در قیاس با سایر بلاهای طبیعی نظیر وقوع سیلاب نابرابر است. به محض وقوع سیلاب، موضوع در افکار عمومی سریعاً بازتاب پیدا نموده و دستگاه اجرایی و متولیان حوادث غیرمترقبه بلافاصله وارد عمل شده و مجموعه اقداماتی را جهت کنترل اوضاع و کاهش و جبران خسارات به عمل می‌آورند. درحالی‌که درمورد فاجعه خشکسالی به دلیل عدم بروز آنی علائم آن و به رغم تبعات بسیار شدید، این گونه رفتار نمی‌شود (اودمال و همکاران، ۲۰۱۴).

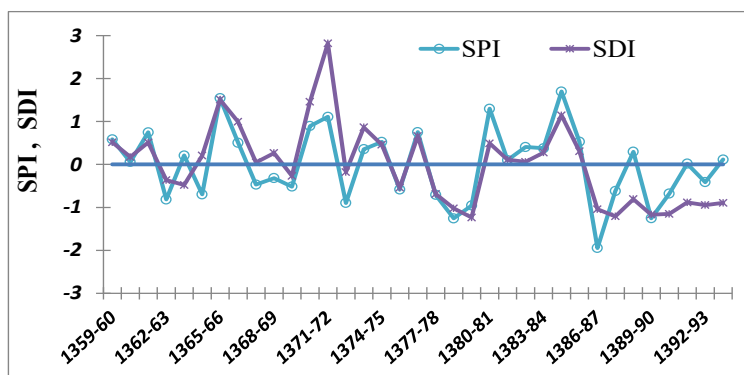
امروزه مدیریت خشکسالی طی چرخه مدیریت جامع انجام می‌گردد که شامل دو راهبرد مختلف؛ اول راهبرد مدیریت ریسک و دوم راهبرد مدیریت بحران برنامه‌ریزی و اعمال می‌گردد (صمدی بروجنی، ۱۳۹۰). راهبرد مدیریت ریسک مربوط به اقدامات و سیاست‌هایی است که قبل از حادث شدن واقعه خشکسالی می‌باشد و راهبرد مدیریت بحران مربوط به زمان پس از وقوع واقعه خشکسالی است. این دو راهبرد مدیریتی به صورت یک چرخه با مراحل مختلف و مجزا در هر دوره خشکسالی اجرا و تکرار می‌شود. یکی از مراحل مهم مدیریت بحران خشکسالی، مرحله ارزیابی بوده و شامل گام‌هایی است که گام اول، تعیین اثرات است که پس از وقوع خشکسالی می‌بایست انجام شود. در این مرحله، سعی می‌شود بخش‌های متأثر از خشکسالی شناسایی شود و درجه تأثیر هر بخش موردتوجه قرار گیرد و از نظر میزان خسارت یا آسیب‌پذیری الویت‌بندی شوند. گام دوم ارزیابی، بررسی اقدامات انجام شده توسط دستگاه اجرایی مرتبط با خشکسالی است که به چه میزان به وظایف خود عمل کرده‌اند. گام سوم ارزیابی، بررسی اثر اقدامات انجام شده در راستای کاهش اثرات منفی خشکسالی است. در این پژوهش، مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات انجام شده توسط شرکت آب منطقه‌ای، شرکت آب و فاضلاب شهری، شرکت آب و فاضلاب روستایی، سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان چهارمحال و بختیاری در راستای مقابله جامع با خشکسالی موردبررسی و ارزیابی قرار گرفت تا براساس نتایج به دست آمده نقاط ضعف و قوت هر کدام از فعالیت‌ها مشخص و روشن گردد. لذا در این تحقیق گام ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه در نحوه مقابله با خشکسالی مدنظر قرار گرفت و با جمع‌آوری اطلاعات مستند و تحلیل آن‌ها، درنهایت درصد تحقق برنامه‌های مرتبط با مقابله با خشکسالی برای دستگاه‌های مذکور، تعیین و ارائه گردید.

وضعیت خشکسالی در استان چهارمحال و بختیاری

تواتر طبیعی روند ترسالی‌ها و خشکسالی‌ها به صورت یک سری زمانی است که در آن، زمان وقوع مهم و اساسی است. تواتر خشکسالی‌ها از دیدگاه‌های مختلف از جمله هواشناسی و هیدرولوژی ارزیابی می‌شوند و براساس آن‌ها سایر اشکال خشکسالی نظیر خشکسالی اقتصادی-اجتماعی و کشاورزی نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در این گزارش برای ارزیابی وضعیت خشکسالی استان از شاخص استاندارد بارش (SPI^1) برای

ارزیابی خشکسالی هواشناسی و از شاخص خشکسالی رواناب سطحی (SDI) برای ارزیابی خشکسالی هیدرولوژی استفاده گردید که نتایج کاربرد این شاخص ها برای دوره آماری ۳۵ ساله ایستگاه های هواشناسی و هیدرومتری استان به صورت نمودار در شکل (۱) ارائه شده است. در این دوره آماری از نظر خشکسالی هواشناسی، در ۴۶ درصد سال ها ترسالی و در ۵۴ درصد سال ها خشکسالی اتفاق افتاده است. این بررسی نشان می دهد سهم خشکسالی متوسط در استان ۶۶ درصد، سهم خشکسالی شدید معادل ۲۴ درصد و سهم خشکسالی بسیار شدید ۱۰ درصد است. از نظر خشکسالی هیدرولوژی نیز نتایج نشان می دهد در ۴۸ درصد سال ها ترسالی و در ۵۲ درصد سال ها خشکسالی هیدرولوژی اتفاق افتاده است. از این ۵۲ درصد سال های وقوع خشکسالی، ۳۳/۶ درصد خشکسالی خفیف، ۱۷/۴ درصد خشکسالی متوسط و ۱ درصد خشکسالی شدید بوده است. مقایسه خشکسالی هواشناسی و هیدرولوژی در استان نشان می دهد در یک دهه اخیر هر دو نوع خشکسالی در استان اتفاق افتاده است ولی خشکسالی هیدرولوژی نسبت به خشکسالی هواشناسی از شدت بیشتری برخوردار بوده است و این به معنی آن است که به جز خشکسالی هواشناسی عوامل دیگری در تشدید خشکسالی هیدرولوژی دخیل بوده اند که از جمله تغییر اقلیم در استان و افزایش دما که در نتیجه آن نوع بارش از برف به باران تغییراتی داشته و همچنین افت آب های زیرزمینی دشت های استان که در یک دهه اخیر باعث شده تبادل آب سطحی و زیرزمینی دچار تغییراتی شود و به جای اینکه زایش های آب زیرزمینی، رودخانه های استان را تغذیه کنند، به دلیل افت سطح آب زیرزمینی این رودخانه ها بوده اند که آب زیرزمینی را تغذیه کرده اند.



شکل ۱- تغییرات زمانی میانگین شاخص خشکسالی SPI و SDI در تمامی ایستگاه های مورد مطالعه

روش کلی کار

روش کلی انجام این پژوهش شامل مراحل زیر است:

- تشکیل جلسه با سازمان مورد مطالعه و ادارات ذی ربط در استان و نهایی کردن شاخص های ارزیابی عملکرد؛

- مراجعه به دستگاه اجرایی مورد مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات و بررسی مطالعات صورت گرفته در این حوزه در انطباق با وظایف دستگاه اجرایی با شاخص‌ها؛
- بررسی اسنادی مرتبط با مدیریت بحران خشکسالی دستگاه اجرایی مورد مطالعه؛
- طراحی پرسشنامه مرتبط برای دستگاه اجرایی به منظور تعیین روایی و پایایی اطلاعات؛
- جمع‌آوری اطلاعات و بررسی عملکرد؛
- آنالیز کلی داده‌های کمی و کیفی در کنار یکدیگر و نتیجه‌گیری مورد نیاز.

شاخص‌های ارزیابی عملکرد

بدون تعیین شاخص ارزیابی، نمی‌توان ارزیابی عملکرد یک مجموعه را انجام داد. در این تحقیق برای انتخاب و تعیین شاخص‌های ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه، از شرح وظایف دستگاه اجرایی، گزارش برنامه پنجم توسعه که توسط دستگاه اجرایی قبل از شروع برنامه پنجم تدوین شده و همچنین مسائل و مشکلات اولویت‌دار ناشی از خشکسالی که به هر دستگاه اجرایی مرتبط می‌شود، به عنوان معیارهای استخراج شاخص‌های ارزیابی استفاده شد. بر این اساس، شاخص‌های ارزیابی در چهار محور اصلی شامل الف- اعتبارات، ب- حفاظت و بهره‌برداری، ج- اقدامات زیربنایی و توسعه و د- آموزش، پژوهش و ترویج، تعریف شدند و برای هر شاخص اصلی، تعدادی زیرشاخص مرتبط با خشکسالی متناسب با اهداف، مأموریت‌ها و اساسنامه دستگاه اجرایی تعریف گردید. آمار و اطلاعات هر دستگاه اجرایی نیز براساس این شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها جمع‌آوری و تحلیل گردید.

نتایج و بحث

براساس یافته‌های تحقیق حاضر، اهم نتایج کلی به دست آمده در ارزیابی عملکرد دستگاه اجرایی مورد مطالعه در استان چهارمحال و بختیاری از منظر نحوه مواجهه با خشکسالی و انجام وظایف و تکالیف در مدیریت آن در دوره برنامه پنجم توسعه کشور، به تفکیک شاخص‌های اصلی به شرح آتی ارائه می‌گردد.

۱) نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه از نظر شاخص اعتبارات

۱- شرکت آب منطقه‌ای استان

- بررسی‌ها نشان داد در طول برنامه پنجم توسعه، ۶۷/۱ درصد از پیش‌بینی اعتبارات برای سرمایه‌گذاری در گزارش برنامه پنجم به شرکت آب منطقه‌ای استان، پرداخت شده است.
- از کل اعتبارات مواد ۱۰ و ۱۲ استان در طول برنامه پنجم توسعه تنها ۱/۸ درصد به شرکت آب منطقه‌ای استان اختصاص یافته است.
- سهم اعتبارات اختصاص یافته برای مطالعات طرح‌های توسعه منابع آب شرکت آب منطقه‌ای

استان تنها ۲/۵ درصد کل اعتبارات بوده و مابقی مربوط به اجرا بوده است که نشان از کم توجهی به مطالعات است.

- کل اعتبارات اختصاص یافته به طرح احیا و تعادل بخشی در طول برنامه پنجم توسعه معادل ۵۱ میلیارد ریال بوده (۶/۵ درصد از اعتبارات استانی و ۹۳/۵ درصد از اعتبارات عمومی) که این رقم کمتر از نیمی از سرمایه گذاری پیش بینی شده در برنامه پنجم بوده است.

۲- شرکت آب و فاضلاب شهری استان

- در برنامه پنجم توسعه مجموع سرمایه گذاری مورد انتظار برای تحقق برنامه های بخش آب شرب شهری استان معادل ۱۸۵۴ میلیارد ریال در ۵ سال برنامه پیش بینی شده بود که ۴۰/۶ درصد آن محقق گردید.
- در طول برنامه پنجم توسعه، حدود ۴۱/۷ درصد اعتبارات مصوب شرکت آب و فاضلاب استان مربوط به خشکسالی بوده، ولی تخصیص اعتبارات خشکسالی شرکت مذکور ۶۲/۳ درصد بوده است.
- از کل اعتبار مصوب مواد ۱۰ و ۱۲ استان، حدود ۹/۶۶ درصد برای مقابله با خشکسالی به شرکت آب و فاضلاب شهری استان اختصاص پیدا کرده که ۳۳ درصد این رقم در بخش اصلاح شبکه های آب شرب، ۴۵/۹ درصد جهت تأمین آب شهرهای استان و مابقی (۲۱/۱ درصد) برای احداث مخازن شهرهای استان هزینه شده است.
- کل اعتبارات مصوب شرکت آب و فاضلاب استان از محل اعتبارات استانی در ۵ سال برنامه پنجم معادل ۵۵۸ میلیارد ریال بوده که این رقم ۳ درصد سرجمع اعتبارات استان را تشکیل می دهد.

۳- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان

- در برنامه پنجم توسعه مجموع سرمایه گذاری مورد انتظار برای تحقق برنامه های بخش آب شرب روستایی استان در مجموع معادل ۲۰۳۳ میلیارد ریال پیش بینی شده بوده که ۵۲/۸ درصد آن محقق گردیده است.
- بررسی ها نشان داد در طول برنامه پنجم توسعه، حدود ۱۲ درصد اعتبارات مصوب شرکت آب و فاضلاب روستایی استان مربوط به خشکسالی بوده، ولی تخصیص اعتبارات خشکسالی شرکت مذکور ۸۹/۱ درصد بوده است.
- بررسی ها نشان داد از کل اعتبار مصوب مواد ۱۰ و ۱۲ استان، حدود ۲۲/۱ درصد برای مقابله با

خشکسالی به شرکت آب و فاضلاب روستایی استان اختصاص پیدا کرده است.

- کل اعتبارات مصوب شرکت آب و فاضلاب روستایی استان از محل اعتبارات استانی در ۵ سال برنامه پنجم معادل ۵۵۸ میلیارد ریال بوده که این رقم ۶/۴ درصد سرجمع اعتبارات استان را تشکیل می‌دهد.

۴- سازمان جهاد کشاورزی استان

- در برنامه پنجم توسعه، مجموع سرمایه‌گذاری مورد انتظار برای تحقق برنامه‌های بخش کشاورزی استان معادل ۶۰۱۵ میلیارد ریال در ۵ سال برنامه پیش‌بینی شده بوده که ۳۶ درصد آن محقق شده است.
- نتایج نشان داد در طی برنامه پنجم به‌طور میانگین ۷۰ درصد اعتبارات به این سازمان تخصیص یافته است.
- یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در طی برنامه پنجم به‌طور میانگین ۱۴/۴ درصد مجموع اعتبارات مصوب سازمان جهاد کشاورزی (ملی و استانی) مربوط به خشکسالی بوده که از نظر تخصیص اعتبارات این رقم ۱۲/۶ بوده است. بررسی‌ها نشان داد از سرجمع اعتبارات مواد ۱۰ و ۱۲ استان؛ تنها ۸/۹ درصد به سازمان جهاد کشاورزی استان تخصیص یافته است.

۵- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان

- در برنامه پنجم توسعه مجموع سرمایه‌گذاری مورد انتظار برای تحقق برنامه‌های بخش منابع طبیعی و آبخیزداری استان معادل ۶۰۷/۷ میلیارد ریال در ۵ سال برنامه پیش‌بینی شده بود که ۳۹ درصد آن به دستگاه اجرایی پرداخت شده است.
- نتایج نشان داد در مجموع تخصیص به دستگاه اجرایی؛ ۴۲/۲۱ درصد از محل اعتبارات ملی و ۵۲/۵۵ درصد از محل اعتبارات استانی پرداخت انجام شده است.
- در طول برنامه پنجم توسعه، سهم اعتبارات خشکسالی از مجموع اعتبارات مصوب دستگاه اجرایی ۱۴/۸ درصد بوده و از نظر تخصیص اعتبارات این سهم ۱۵/۱ درصد بوده است.
- از کل اعتبارات مصوب مواد ۱۰ و ۱۲ استان، تنها ۱/۲ درصد برای مقابله با خشکسالی به اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اختصاص پیدا کرده که با توجه به آسیب‌پذیری بالای بخش منابع طبیعی در مقابل خشکسالی، این سهم به‌نظر کافی نمی‌آید.

ب) نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه از نظر شاخص حفاظت و بهره‌برداری

۱- شرکت آب منطقه‌ای استان

- شرکت آب منطقه‌ای استان در طول دوره برنامه پنجم توسعه، نزدیک به ۹۹ میلیون مترمکعب آب به مصرف کنندگان مختلف تخصیص آب داده است که ۷۸ درصد از محل منابع آب‌های سطحی و ۲۲ درصد از محل منابع آب زیرزمینی بوده است.
- نتایج نشان داد تخصیص آب از منابع آب زیرزمینی به مصارف مختلف شامل ۴۷/۳ درصد کشاورزی، ۲۱/۸ درصد شرب و ۳۰/۹ درصد صنعت بوده است.
- در طول دوره برنامه پنج‌ساله پنجم، حجم آب پروانه‌های بهره‌برداری صادره مجموعاً ۸۰/۸ میلیون مترمکعب (۲۶٪) مربوط به آب‌های زیرزمینی و ۷۴٪ مربوط به آب‌های سطحی) بوده است که معادل ۸۱/۶ درصد تخصیص آب صادره در طول برنامه پنجم بوده و نشان می‌دهد عمده آب تخصیص داده شده مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. ولی باید متذکر شد ۷۸/۲ درصد حجم آب پروانه‌های صادره مربوط به کشاورزی، ۱۲/۳ درصد مربوط به شرب و ۹/۵ درصد مربوط به بخش صنعت بوده است.
- بررسی‌ها نشان داد در طول برنامه تنها ۲/۹ درصد تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی انجام گرفته است که در مقایسه با تکالیف برنامه که مقرر بوده ۱۲/۵ درصد تعادل بخشی انجام شود، این عملکرد نامناسب ارزیابی می‌شود.
- درخصوص برگزاری جلسات شورای حفاظت منابع آب استان که نقش مهمی در تحقق اهداف مدیریت و حفاظت منابع آب دارد، بررسی‌ها نشان داد تا سال ۱۳۹۳ این شورا در استان تشکیل جلسه نداده ولی در سال ۱۳۹۴ تعداد جلسات برگزار شده در دفتر استاندار ۸ مورد بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد تنها ۱۳/۳ درصد جلسات شورا تشکیل شده است.

۲- شرکت آب و فاضلاب شهری استان

- حجم آب تحویلی برای شرب شهرهای استان در طول برنامه پنجم ۱۰/۵ میلیون مترمکعب افزایش داشته که معادل ۳۰/۴ درصد حجم آب مورد انتظار در برنامه پنجم است.
- در برنامه پنجم توسعه، متوسط مصرف سرانه شهرهای استان ۱۷۱ لیتر بر شبنانه‌روز بوده که ۳۱/۵ درصد بیشتر از مقدار ذکر شده در نشریه استاندارد شماره ۳-۱۱۷ وزارت نیرو است.
- براساس اطلاعات دریافتی، در طول برنامه پنجم توسعه شرکت آب و فاضلاب استان تعداد ۲۶ حلقه چاه آب شرب با آبدهی مورد انتظار ۵۰۰ لیتر بر ثانیه حفر نموده که آبدهی این چاه‌ها برابر ۳۰۰ لیتر بر ثانیه (با ۴۰ درصد کاهش) محقق شده است که نشان از ضعیف بودن منابع آب زیرزمینی استان دارد.

- بررسی‌ها نشان می‌دهد تقریباً در تمامی شهرهای استان، آب فضای سبز به سیستم آب شرب متصل بوده و از آب شرب استفاده می‌کند ولی حجم آب تحویلی به شهرها کمتر از ۱ درصد مصرف آب شرب شهری است.
- تلفات آب در شبکه‌های آب شرب شهری استان در دوره برنامه پنجم توسعه از ۲۲/۵ درصد به ۲۵/۳ درصد رسیده که نسبت به حد مجاز (که در نشریه استاندارد شماره ۱۱۷-۳ وزارت نیرو برابر ۱۵ درصد تعیین شده) ۶۸/۷ درصد بیشتر است و این رقم قابل توجهی است. از نظر شبکه جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب، در سال ۱۳۹۴ معادل ۵۳/۳ درصد جمعیت شهری استان زیر پوشش بوده است که نسبت به مقدار مورد انتظار در برنامه پنجم توسعه (که برابر با ۸۱/۵ درصد بوده)، ۳۴/۶ درصد کمتر است.
- در طول برنامه پنجم توسعه مجموعاً ۵۶۰۰ مترمکعب بر شبانه‌روز ظرفیت تصفیه‌خانه‌های فاضلاب استان افزایش یافته است که معادل ۱۸/۷ درصد ظرفیت مورد انتظار در برنامه پنجم می‌باشد.
- از نظر استفاده مجدد از فاضلاب تصفیه شده براساس اطلاعات دریافتی، به جز استفاده‌های کشاورزی که محدود به فصل کشت می‌باشد و بعضاً بدون نظارت هستند، اقدام عملی لازم برای استفاده بهینه از پساب صورت نگرفته است.

۳- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان

- جمعیت زیر پوشش شبکه آب شرب روستایی، در سال ۱۳۹۴ حدود ۸۶ درصد بوده که از برنامه پنجم که مقرر بوده به ۹۸/۱ درصد برسد، بیش از ۱۲ درصد عقب‌تر می‌باشد. شایان ذکر است در طول برنامه با تبدیل برخی روستاها به شهر، جمعیت آن نیز از پوشش شرکت آب و فاضلاب روستایی استان خارج و زیر پوشش آب و فاضلاب شهری قرار گرفته که این تغییرات در محاسبات لحاظ شده است.
- در برنامه پنجم توسعه، متوسط مصرف سرانه روستاهای استان در طول برنامه پنجم توسعه ۱۶۹ لیتر بر شبانه‌روز بوده که ۱/۶ برابر مصرف بهینه است.
- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان در طول برنامه پنجم توسعه تعداد ۵۶ حلقه چاه حفر نموده که آبدهی متوسط هر چاه جدید در طول برنامه پنجم روند کاهشی داشته به‌طوری‌که از رقم ۹ لیتر بر ثانیه بر هر چاه در ابتدای برنامه (سال ۱۳۹۰) به رقم ۶ لیتر بر ثانیه برای هر چاه در سال ۱۳۹۴ رسیده است که نشان از ضعیف شدن منابع آب زیرزمینی استان با گذشت زمان است.
- در دوره برنامه پنجم حجم آب‌رسانی با تانکر سیار برای روستاها روند افزایشی داشته و از ۱۱۲ هزار مترمکعب در سال اول برنامه (سال ۱۳۹۰) به بیش از ۲۴۸ هزار مترمکعب در سال آخر

برنامه (سال ۳۹۴) افزایش یافته که بیانگر افزایش بیش از دو برابری آبرسانی با تانکر برای روستاهای کم آب استان می باشد. این درحالی است که در این پنج سال، جمعیت زیر پوشش آبرسانی با تانکر روند کاهشی داشته است و در طول برنامه به یک چهارم کاهش یافته است. این امر به خاطر افزایش سرانه آبرسانی با تانکر از ۲ مترمکعب بر نفر در سال اول برنامه به ۱۸ مترمکعب بر نفر در پایان برنامه بوده است.

۴- سازمان جهاد کشاورزی استان

- منطبق با یافته های تحقیق، ۲۳/۴۵ درصد از اراضی در طی برنامه پنجم با بذره های اصلاح شده مقاوم به خشکی، زیر کشت بوده است.
- در طول برنامه پنجم، از نظر شاخص زمین های زراعی زیر پوشش مبارزه با آفات همگانی، حدود ۵۰/۳ درصد تکالیف برنامه پنجم اجرا شده است. این عملکرد در طول برنامه حدود ۷/۷ درصد کل اراضی زراعی آبی استان را پوشش می دهد.
- در طول برنامه پنجم، از نظر شاخص زمین های باغی زیر پوشش مبارزه با آفات همگانی، حدود ۴۷/۱ درصد تکالیف برنامه پنجم اجرا شده است. این عملکرد در طول برنامه حدود ۱۵ درصد کل اراضی باغی آبی استان را پوشش می دهد.
- منطبق با یافته های تحقیق در طول برنامه پنجم معادل ۱۸۴۵۲ تن بذر اصلاح شده تولید شده است. همچنین نتایج نشان می دهد در طول برنامه پنجم، به طور متوسط ۲۵ درصد اراضی زراعی استان زیر پوشش بذره های اصلاح شده می باشد که لازم است در برنامه ششم توسعه به این مهم توجه بیشتری معطوف گردد.
- با استناد به نتایج تحقیق؛ روند اقدامات انجام گرفته درخصوص بیمه خشکسالی محصولات زراعی و باغی در کل به صورت نزولی بوده ولی هزینه انجام شده به طور کلی روند صعودی داشته است.
- با استناد به نتایج تحقیق؛ روند اقدامات انجام گرفته درخصوص بیمه خشکسالی محصولات دام، طیور و آبزیان در کل به صورت نزولی بوده است. همچنین نتایج نشان می دهد در طول برنامه پنجم توسعه حدود ۵۲/۳ درصد اراضی کشاورزی استان زیر پوشش بیمه قرار گرفته اند.
- یافته های تحقیق حاکی از آن است که به طور میانگین تعداد جلسات کارگروه خشکسالی و مخاطرات کشاورزی در طی برنامه پنجم توسعه ۲/۸۰ جلسه در سال بوده است که این به معنی تشکیل ۲۳ درصد جلسات کارگروه بوده است.
- احیا، مرمت و لایروبی قنوات نیز یکی از شاخص های مورد نظر درخصوص ارزیابی و اقدامات دستگاه اجرایی مربوطه بوده که این مقدار در بازه زمانی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ معادل ۱۰ کیلومتر بوده و این روند حالت نزولی داشته است.

- براساس یافته‌های تحقیق، در بازه زمانی سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۴ مقدار ۲۶۵۰۰ تن اصلاح الگوی کشت بوده که در کل این مقدار (به‌جز سال ۱۳۹۳) دارای روند افزایشی بوده است.
- نتایج نشان داد از نظر شاخص مبارزه با آفات همگانی اراضی زراعی و زمین‌های باغی زیر پوشش مبارزه با آفات همگانی به ترتیب ۵۰/۲۹ و ۶۰/۸۳ درصد از تکالیف برنامه پنجم انجام گرفته است.

۵- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان

- در برنامه پنجم توسعه، ۲۶/۵ درصد رویشگاه‌های جنگلی زیر نظر طرح‌های مدیریت جنگل بوده حال آن‌که در برنامه پنجم مقرر بوده این سهم به ۶۷ درصد برسد. این نتیجه نشان می‌دهد اداره کل منابع طبیعی استان توانسته ۳۹/۵۵ درصد از تکالیف برنامه پنجم را انجام دهد.
- منطبق با یافته‌های تحقیق نسبت مساحت مراتع اصلاح و احیا شده به کل مساحت مراتع استان رشد بسیار کمی داشته به نحوی که در طی برنامه پنجم این نسبت از ۲۳/۷۱ درصد به ۲۹ درصد رسیده است. این نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد مراتع استان نیازمند احیا و اصلاح است.
- نتایج نشان می‌دهد وسعت زیر پوشش برنامه‌های اصلاحی مراتع با روش‌های بیولوژیک و بیومکانیکی در طول برنامه پنجم توسعه نسبت به تکالیف برنامه روند کاهشی داشته و از رقم ۱۰۸ درصد تکالیف برنامه در ابتدای برنامه به کمتر از ۲۰ درصد تکالیف در انتهای برنامه کاهش یافته است. این نشان می‌دهد تنها ۰/۲۴ درصد عرصه‌های مراتع استان زیر پوشش برنامه‌های اصلاحی مراتع با روش‌های بیولوژیک و بیومکانیکی قرار گرفته است.
- در برنامه پنجم با تولید ۱۷۰۰ هزار اصله نهال، ۷۵/۲۳ درصد از برنامه پوشش داده شده است.
- تولید بذرهای مرتعی از دیگر شاخص‌های تعریف شده به‌منظور تبیین اهداف مطالعه حاضر بوده است که با استناد به یافته‌های تحقیق در طی برنامه پنجم ۱۲/۸ تن بذر مرتعی تولید شده است که کم‌ترین مقدار مربوط به سال ۱۳۹۱ و بیشترین مقادیر آن با تولید ۳ تن مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ بوده است.
- براساس یافته‌های تحقیق، ۱۸/۹۳ درصد از برنامه پنجم توسعه در ارتباط با جایگزینی سوخت‌های مناسب، تغییر و اصلاح الگوی مصرف تبیین شده است که این گویه خود به نحوی غیرمستقیم در بحث خشکسالی می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد، گفتنی است که این شاخص در کل روند نزولی را طی کرده است.
- در برنامه پنجم توسعه، ۳۱/۶۸ درصد سطح مساحت کل جنگل‌های استان مورد حفاظت قرار گرفته که در برنامه پنجم مقرر بوده این سهم به ۶۷ درصد برسد. این نتیجه نشان می‌دهد اداره کل منابع طبیعی استان توانسته ۴۷/۲۸ درصد از تکالیف برنامه پنجم را انجام دهد.
- در برنامه پنجم توسعه، ۳۰/۱ درصد سطح مساحت مراتع استان مورد حفاظت قرار گرفته که

- در برنامه پنجم مقرر بوده این سهم به ۷۳ درصد برسد. این نتیجه نشان می‌دهد اداره کل منابع طبیعی استان توانسته ۴۱/۲۳ درصد از تکالیف برنامه پنجم را انجام دهد.
- از نظر کنترل آفات و امراض در جنگل‌ها و مراتع قرار بر پوشش ۵۴۴۵۵ هکتاری در برنامه پنجم توسعه بوده که ۳۱/۸۲ درصد تکالیف برنامه محقق شده است.
- با استناد به یافته‌های مطالعه حاضر، ۳۹/۲۸ درصد از شاخص تجهیز یگان حفاظت و به کارگیری نیروی نظامی و انتظامی در برنامه پنجم توسعه پوشش داده شده است.
- در ارتباط با تأمین و تجهیز نیروی حفاظتی، ۳۳/۹۰ درصد برنامه پنجم توسعه محقق گردیده است.

ج) نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه از نظر شاخص زیربنایی و توسعه

۱- شرکت آب منطقه‌ای استان

- در برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی ایجاد مخازن از طریق احداث سدهای کوتاه در کل برنامه معادل ۷۲ میلیون مترمکعب بود که تنها ۱۱/۶۷ میلیون مترمکعب حجم مخزن (معادل ۱۶/۲ درصد تکالیف برنامه پنجم) ایجاد شده است و این عملکرد متناسب با تخصیص اعتبارات نبوده است.
- در طول برنامه پنجم پیش‌بینی شده بود بالغ بر ۱۷۸۰ کیلومتر شبکه آبیاری و زهکشی ایجاد شود که عملکرد شرکت آب منطقه‌ای استان در احداث کانال‌های درجه ۱ و ۲ مجموعاً ۹/۱۲ کیلومتر بوده که هیچ تناسبی بین برنامه و عملکرد نمی‌توان متصور شد.

۲- شرکت آب و فاضلاب شهری استان

- در طول برنامه پنجم ۳۱ کیلومتر در سال اصلاح شبکه و ۸/۸ کیلومتر در سال توسعه شبکه بوده است. این نشان می‌دهد از نظر شاخص توسعه شبکه آب شهری، ۶۲/۵ درصد برنامه پنجم محقق شده و از نظر اصلاح شبکه آب شرب، ۱۴۰ درصد برنامه محقق شده است.
- از نظر حجم مخزن ذخیره آب شرب شهری در طول برنامه پنجم توسعه، مجموعاً ۳۶۹۰۰ مترمکعب مخزن ذخیره جدید احداث شده است که نشان می‌دهد ۷۷/۷ درصد تکالیف برنامه پنجم محقق شده است و کسری مخازن ۲۷/۶ درصد است.
- در برنامه پنجم توسعه برای ۷ شهر سیستم‌های تله‌متری ایجاد شده و تنها برای یک شهر سامانه GIS تهیه شده است که این اقدام کمتر از ۲۰ درصد شهرهای استان را پوشش می‌دهد.
- در طول برنامه پنجم توسعه مجموعاً ۲۲۷ کیلومتر شبکه جمع‌آوری فاضلاب احداث شده است که این رقم معادل ۴۷ درصد برنامه مورد انتظار می‌باشد.

۳- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان

- در طول برنامه پنجم مجموعاً ۷۶۸ کیلومتر شبکه آب شرب روستایی توسعه داده شده که

- معادل ۲۶/۷ درصد تکالیف برنامه پنجم است و همچنین اصلاح شبکه آب شرب، مجموعاً ۲۳۷ کیلومتر انجام گرفته که معادل ۴۴/۶ درصد برنامه پنجم است.
- در طول برنامه پنجم توسعه، مجموعاً حدود ۹۰۰۰ مترمکعب مخزن جدید ایجاد شده است که این رقم معادل ۵۳ درصد تکالیف برنامه پنجم توسعه بوده است.
- در برنامه پنجم برای ۱۵ روستا سیستم‌های تله‌متری ایجاد شده که این اقدام کمتر از ۴ درصد روستاهای تحت آبرسانی استان را پوشش می‌دهد.
- اگرچه در برنامه پنجم توسعه هیچ روستایی زیر پوشش شبکه جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب قرار نگرفته ولی مطالعات مربوطه برای ۲۵ روستا با جمعیت بالغ بر ۳۳ هزار نفر انجام گرفته است که در صورت اجرای آن، ضریب نفوذ جمعیت روستایی زیر پوشش شبکه فاضلاب روستایی استان به حدود ۱۰ درصد خواهد رسید.

۴- سازمان جهاد کشاورزی استان

- منطبق با یافته‌های تحقیق؛ در برنامه پنجم می‌بایستی ۴۴۳۰۴۰ مترمربع به مطالعه و ایجاد زیربنای مجتمعات آبریز پروری پرداخته می‌شد و این درحالی است که در بازه زمانی برنامه پنجم و از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴؛ ۷۳۰۰۰۰ مترمربع در این خصوص فعالیت صورت گرفته است که ۱۶۴/۷۷ درصد رشد داشته است. با توجه به اثرات منفی زیست محیطی توسعه آبریز پروری در استان، بیشتر بودن عملکرد نسبت به برنامه پنجم می‌باید مورد بازبینی قرار گیرد.
- یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که تجهیز و نوسازی اراضی در مقایسه با برنامه پنجم ۲۵/۱۸ از آن را پوشش داده است.
- در پوشش انهار سنتی نیز ۳۶/۶۱ درصد از برنامه پنجم، در بهسازی کانال‌های آبیاری عمومی ۶۳/۷۵ درصد از برنامه پنجم و در احداث کانال‌های آبیاری عمومی و ۳ و ۴ حدود ۱۶/۳۴ درصد از برنامه پنجم اجرایی شده است.
- براساس برنامه پنجم مقرر گردیده بود که اجرای سیستم‌های نوین آبیاری (بارانی و قطره‌ای و میکرو) از ۲۸۴۳ هکتار به ۴۴۴۳۳ هکتار در سال ۱۳۹۴ برسد که با استناد به موارد ذکر شده عملکرد در این باره ۱۴۳/۸ درصد می‌باشد. این میزان افزایش عملکرد نسبت به برنامه پنجم اگرچه از دیدگاه دستگاه اجرایی یک عملکرد مطلوب به حساب می‌آید ولی لازم است آثار جانبی آن در افزایش بیکاری (به خاطر کاهش وابستگی سیستمهای آبیاری نوین به کارگر) و همچنین اثر واقعی آن در کاهش مصرف آب موردبررسی و ارزیابی بیشتر قرار گیرد.
- منطبق با یافته‌های تحقیق، معادل ۴۴/۰۷ درصد از برنامه در مطالعه و ایجاد زیربنای مجتمعات دامپروری در مقایسه با برنامه تعریف شده پنجم پوشش داده است.

۱- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان

- در برنامه پنجم توسعه وسعت زیر پوشش اقدامات آبخیزداری تنها ۰/۴۳ درصد عرصه‌های مراتع استان را پوشش می‌دهد که رقم بسیار ناچیزی می‌باشد.
- از نظر مطالعات تفصیلی - اجرایی، بررسی‌ها نشان داد تنها ۴/۲۲ درصد از کل برنامه پنجم انجام شده است (۲۷۰۰ هکتار از ۶۴۰۱۰ هکتار پیش‌بینی برنامه)
- منطبق با یافته‌های تحقیق تنها ۳/۱۶ درصد از برنامه پنجم در راستای آبخیزداری حوزه‌های شهری و روستایی محقق شده است.

د) نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه از نظر شاخص آموزش، پژوهش و ترویج

۱- شرکت آب منطقه‌ای استان

- بررسی‌ها نشان داد در مجموع تنها ۰/۲۸ درصد اعتبار تخصیصی دستگاه اجرایی در دوره برنامه پنجم صرف فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی شده که با مقایسه شاخص تخصیص حداقل ۳ درصد کل اعتبارات تملک دارایی تخصیص یافته به دستگاه اجرایی برای امر پژوهش و آموزش، مشخص می‌گردد سازمان جهاد کشاورزی در این بخش توانسته تنها ۹/۳ درصد حد مطلوب فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی را در دوره برنامه پنجم توسعه انجام دهد. از نظر فعالیت‌های ترویجی، در طول برنامه پنجم توسعه، در شرکت آب منطقه‌ای استان هیچ فعالیت ترویجی انجام نشده است.

۲- شرکت آب و فاضلاب شهری استان

- بررسی‌ها نشان داد در مجموع تنها ۰/۳۵ درصد اعتبار تخصیصی دستگاه اجرایی در دوره برنامه پنجم صرف فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی شده که با مقایسه شاخص تخصیص حداقل ۳ درصد کل اعتبارات تملک دارایی تخصیص یافته به دستگاه اجرایی برای امر پژوهش و آموزش، مشخص می‌گردد شرکت آب و فاضلاب شهری استان در این بخش توانسته تنها ۱۱/۵ درصد حد مطلوب فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی را در دوره برنامه پنجم توسعه انجام دهد.

- همچنین در طول برنامه پنجم توسعه، در شرکت آب و فاضلاب شهری استان ۲۱ فعالیت ترویجی با هزینه ۳۸۰ میلیون ریال انجام گرفته که با توجه به اهمیت این موضوع در فرهنگ سازی کاهش سرانه مصرف آب شرب، لازم است در برنامه ششم توسعه به این بخش توجه ویژه مبذول گردد.

۳- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان

- بررسی‌ها نشان داد در برنامه پنجم هیچ هزینه‌ای در امر پژوهش شرکت صرف نشده ولی

در مجموع ۰/۰۶۷ درصد اعتبار تخصیصی دستگاه اجرایی در دوره برنامه پنجم صرف فعالیت‌های آموزشی شده که با مقایسه شاخص تخصیص حداقل ۳ درصد کل اعتبارات تملک دارایی تخصیص یافته به دستگاه اجرایی برای امر پژوهش و آموزش، مشخص می‌گردد شرکت آب و فاضلاب روستایی استان در این بخش توانسته تنها ۲/۲ درصد حد مطلوب فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی را در دوره برنامه پنجم توسعه انجام دهد. همچنین براساس اطلاعات دریافتی از شرکت آب و فاضلاب روستایی استان، این شرکت در طول برنامه پنجم توسعه هیچ فعالیت ترویجی انجام نداده است.

۴- سازمان جهاد کشاورزی استان

- بررسی‌ها نشان داد در مجموع تنها ۰/۲۷ درصد اعتبار تخصیصی دستگاه اجرایی در دوره برنامه پنجم صرف فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی شده که با مقایسه شاخص تخصیص حداقل ۳ درصد کل اعتبارات تملک دارایی تخصیص یافته به دستگاه اجرایی برای امر پژوهش و آموزش، مشخص می‌گردد سازمان جهاد کشاورزی استان در این بخش توانسته تنها ۹/۰۲ درصد حد مطلوب فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی را در دوره برنامه پنجم توسعه انجام دهد. همچنین بررسی‌ها نشان داد سهم هزینه‌های ترویجی از سرجمع بودجه‌های تخصیص یافته به سازمان جهاد کشاورزی استان طی برنامه پنجم برابر ۴/۰۹ درصد بوده است.

۵- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان

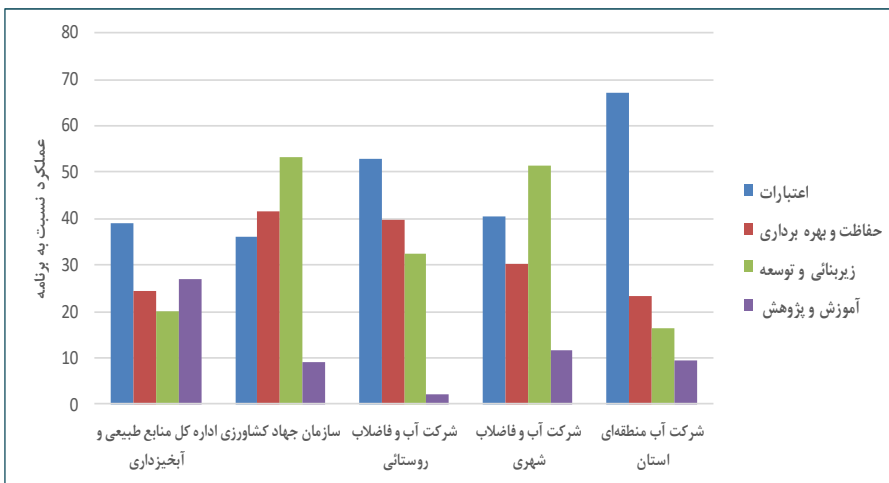
- بررسی‌ها نشان داد در مجموع تنها ۰/۸۱ درصد اعتبار تخصیصی دستگاه اجرایی در دوره برنامه پنجم صرف فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی شده که با مقایسه شاخص تخصیص حداقل ۳ درصد کل اعتبارات تملک دارایی تخصیص یافته به دستگاه اجرایی برای امر پژوهش و آموزش، مشخص می‌گردد اداره کل منابع طبیعی استان در این بخش توانسته تنها ۲۷/۱ درصد حد مطلوب فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی را در دوره برنامه پنجم توسعه انجام دهد.

همچنین به منظور مقایسه نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی استان در انطباق با برنامه پنجم توسعه، درصد تحقق اهداف برنامه به تفکیک شاخص‌های اصلی به دست آمد و نتیجه در جدول (۱) و شکل (۲) به صورت نمودار ارائه گردید. وزن شاخص‌ها براساس اهمیت شرح وظایف دستگاه‌ها در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد دستگاه‌های اجرایی استان به طور متوسط توانسته‌اند تنها یک سوم برنامه‌های پیش‌بینی شده در برنامه پنجم توسعه را محقق نمایند که رقم پایینی است. لذا با توجه به اهمیت مدیریت خشکسالی لازم است در برنامه پنجم توسعه تمهیداتی در نظر گرفته شود تا عقب‌ماندگی‌های برنامه پنجم جبران گردد.

جدول ۱- نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی استان برای مقابله با خشکسالی

در انطباق با برنامه پنجم

دستگاه اجرایی	شرکت آب منطقه‌ای استان		شرکت آب و فاضلاب شهری		شرکت آب و فاضلاب روستایی		سازمان جهاد کشاورزی		اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری	
شاخص	وزن شاخص	عملکرد نسبت به برنامه	وزن شاخص	عملکرد نسبت به برنامه	وزن شاخص	عملکرد نسبت به برنامه	وزن شاخص	عملکرد نسبت به برنامه	وزن شاخص	عملکرد نسبت به برنامه
اعتبارات	۳۰٪	۶۷,۱٪	۳۰٪	۴۰,۶٪	۳۰٪	۵۲,۸٪	۳۰٪	۳۶,۰٪	۳۰٪	۳۹,۰٪
حفاظت و بهره‌برداری	۳۰٪	۲۳,۲٪	۲۰٪	۳۰,۴٪	۲۰٪	۳۹,۸٪	۳۰٪	۴۱,۴٪	۳۵٪	۲۴,۵٪
زیربنایی و توسعه	۲۵٪	۱۶,۲٪	۳۵٪	۵۱,۳٪	۳۵٪	۳۲,۵٪	۲۵٪	۵۳,۲٪	۲۰٪	۱۹,۹٪
آموزش و پژوهش	۱۵٪	۹,۳٪	۱۵٪	۱۱,۵٪	۱۵٪	۲,۲٪	۱۵٪	۹,۰٪	۱۵٪	۲۷,۱٪
میانگین	۳۳٪		۳۸٪		۳۶٪		۳۸٪		۲۸٪	



شکل ۲- نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی استان برای مقابله با خشکسالی در انطباق با برنامه پنجم

پیشنهاده‌ها

براساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای زیر در راستای اصلاح امور و تقویت دستگاه‌های اجرایی مورد مطالعه بیان می‌گردد:

شرکت‌های آب منطقه‌ای، آب و فاضلاب شهری و آب و فاضلاب روستایی استان

جبران عقب‌ماندگی عملکرد نسبت به برنامه توسعه پنج‌ساله، افزایش سهم از اعتبارات استانی، مدیریت تخصیص آب، توجه ویژه به تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی، فعال کردن شورای حفاظت منابع آب استان، توسعه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی، افزایش جمعیت زیر پوشش فاضلاب، اجاره چاه‌ها و سایر منابع آب موجود به جای حفر چاه جدید، استفاده از پساب تصفیه‌شده، توسعه سیستم تله‌متری، فرهنگ‌سازی مصرف بهینه آب شرب، توسعه شبکه آب شرب روستایی، کاهش تلفات آب شبکه و توسعه مخازن ذخیره آب

سازمان جهاد کشاورزی استان

جبران عقب‌ماندگی عملکرد نسبت به برنامه توسعه پنج‌ساله، اهتمام در احداث کانال‌های آبیاری عمومی و پوشش انهار سنتی، استفاده از گونه‌های مقاوم به خشکی، بررسی پیامدهای توسعه سیستم‌های آبیاری تحت فشار، افزایش سهم از اعتبارات استانی، اهتمام در توسعه کشاورزی نوین و گلخانه‌ها و توسعه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان

جبران عقب‌ماندگی عملکرد نسبت به برنامه توسعه پنج‌ساله، تکمیل بانک اطلاعاتی، اهتمام در حفاظت از مراتع و جنگل‌های استان، برنامه جامع و عملیاتی احیا و اصلاح مراتع، توسعه آبخیزداری، استفاده از راه‌های جدید تأمین بودجه آبخیزداری، افزایش سهم از اعتبارات استانی، سوخت جایگزین، انجام مطالعات تفصیلی - اجرایی و توسعه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی

سپاسگزاری

این تحقیق با مشارکت مرکز تحقیقات منابع آب دانشگاه شهرکرد و بازرسی کل استان چهارمحال و بختیاری انجام شده که بدین وسیله از تلاش‌های تمامی همکاران، تشکر و قدردانی می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- جزایری، الف. (۹۷۳۱). ۵۲ استان از ۸۲ استان در معرض خشکسالی‌اند. انتقال صنعت، شماره ۱۹۱، صص ۱۱-۰۱.
- ۲- سعیدی نیا، م. صمدی بروجنی، ح. فتاحی، ر؛ و رجایی، ف. ۱۳۸۷. بررسی تأثیر خشکسالی هیدرولوژیکی بر سطوح توسعه کشاورزی دشت‌های حوضه بهشت‌آباد با استفاده از مدل شبیه‌سازی WEAP، همایش خشکسالی در استان چهارمحال و بختیاری و راه‌های مقابله با آن، دانشگاه شهرکرد
- ۳- صمدی بروجنی، ح؛ و ابراهیمی، ع. ۱۳۹۱. پیامدهای خشکسالی و راه‌های مقابله با آن (در استان چهارمحال و بختیاری)، انتشارات مرکز تحقیقات منابع آب، چاپ دوم. ص ۴۷۴.
- 4- Adger, W. N. Huq, S. Brown, K. Conway, D. and Hulme, M. (2003). Adaptation to climate change in the developing world. Progress in development studies, 3(3): 179195-.
- 5- Batabyal, A.A. Beladi, H. (2001). Aspects of the Theory of Financial Risk Management for Natural Disasters, Applied Mathematics Letters, vol, 14(7): 875880-.
- 6- Campbell, D. Barker, D. and McGeregor, D. (2010). Dealing with droght: Small farmers and invironmental hazard in southern St, Elizabeth, Jamaica. Applied Geography, 31(2011): 146158-.
- 7- Howden, Mark. Schroeter, Serena. Crimp, Steven and Hanigan, Ivan. 2014. The changing roles of science in managing Australian droughts: An agriculturalperspective. Weather and Climate Extremes 3 (2014) 80-89.
- 8- Leichenko, R.M. and O, Brien, K.L. (2002). The dynamics of rural vulnerability to global change: The case study of sourthern Africa. Mitigation and adaption Strategies for global change, 7, pp: 118-.
- 9- Pittman, J. Virginia, W. Kulshreshtha, S. Elaine, W.(2011). Vulnerability to Climate Change in Rural Saskatchewan: Case study of the Rural Municipality of Rudy, No. 284, Journal of Rural Studies, vol 27, issue 1, PP. 83- 94
- 10- Udmale, Parmeshwar. Ichikawa, Yutaka. Manandhar, Sujata. Ishidaira, Hiroshi and S.Kiem, Anthony. 2014. Farmers' perception of drought impacts, local adaptation and administrative mitigation measures in Maharashtra State,India. International Journal of Disaster Risk Reduction 10 (2014) 250-269.
- 11- Wilhite, D.A. (1996).A Methodology for Drought Preparedness. Natural Hazards, 13: 229252-.

نقش رسانه‌ها در مقابله با فساد

نویسنده: ریک استاپنهورست^۱

مترجمان: علی کرمی^۲ - فرامرز تمجید^۳ - بهزاد محمودی^۴

چکیده

نقش رسانه‌ها در ترویج حکمرانی خوب و کنترل فساد بسیار مهم است و رسانه‌های آزاد، مستقل و سخت‌گیر می‌توانند در پیشگیری از فساد نقش مهمی ایفا کنند. رسانه‌ها نه تنها آگاهی‌های عمومی در مورد فساد، دلایل، نتایج و راه‌حل‌های احتمالی را افزایش می‌دهند، بلکه به بررسی و گزارش بروز فساد نیز می‌پردازند. تأثیر رسانه‌ها، به‌نوبه‌ی خود، بستگی به دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان، به‌علاوه کادر حرفه‌ای و اخلاقی روزنامه‌نگاران تحقیقی دارد. جامعه مدنی و رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و حفظ جو حاکم بر زندگی مردم دارند که مانع از بروز تقلب و فساد است. اینها مسلماً دو عامل مهم در از بین بردن فساد در نهادهای دولتی هستند.

این مقاله به بررسی چگونگی افشای مقامات فاسد توسط رسانه‌ها، تحقیقات درخواستی توسط نهادهای رسمی، تقویت کار و مشروعیت پارلمان‌ها و نهادهای مبارزه با فساد، و فشار برای تغییر در قوانین و مقررات ایجادکننده زمینه مطلوب برای فساد می‌پردازد. همچنین، چگونگی تقویت رسانه‌ها و برجسته‌سازی مالکیت خصوصی در مقابل مالکیت عمومی، لزوم حمایت بهتر از روزنامه‌نگاران بررسی‌کننده فساد، آزادی مطبوعات و پاسخ‌گویی به رسانه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: فساد، رسانه‌ها، روزنامه‌نگاری تحقیقی، آزادی مطبوعات، خودگردانی، پاسخ‌گویی

۱. Rick Stapenhurst

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی - رئیس منطقه ۵ سازمان و بازرس کل استان آذربایجان شرقی

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی - قاضی اجرای احکام دادگستری استان اردبیل

۴. کارشناس ارشد ریاضی کاربردی - کارشناس برنامه‌ریزی و بودجه بازرسکل استان اردبیل، نویسنده مسئول مقاله

behzadf20@gmail.com

مقدمه

اهمیت کنترل فساد برای تحریک توسعه پایدار به خوبی ثابت شده است. یک مؤلفه‌ی حیاتی در برنامه ضد فساد یک کشور، رسانه‌ی تأثیرگذار است. رسانه‌ها نقش دوگانه‌ای را ایفا می‌کنند؛ نه تنها آگاهی‌های عمومی در مورد فساد، دلایل، نتایج و راه‌حل‌های احتمالی را افزایش می‌دهد، بلکه به بررسی و گزارش بروز فساد نیز می‌پردازند. مؤسسه بانک جهانی به‌عنوان رهبری برای کمک به طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های ضد فساد کشورها تبدیل شده است. در پنج سال اخیر، بخش حکومت و دارایی بانک جهانی (WBIGF)، کارگاه روزنامه‌نگاری تحقیقی در آفریقا، اروپای مرکزی و شرقی و اخیراً در امریکای لاتین و آسیای جنوبی را راه‌اندازی نموده است. بیش از ۲۵ کارگاه برای نزدیک به یک هزار روزنامه‌نگار از دوازده کشور، برگزار شده است. مفاهیم پرورشی به برخی زبان‌ها از جمله زبان فرانسوی، روسی و اکراینی ترجمه شده‌اند. پیشرفت‌های اخیر عبارت‌اند از سازگاری این مفاهیم برای روزنامه‌نگاران رسانه‌های الکترونیکی؛ برنامه‌ریزی برای انطباق بیشتر این مفاهیم با خودآموزی از طریق اینترنت و توسعه بخش روزنامه‌نگاری تحقیقی که به‌طور مشترک با همکاری رسانه‌های آفریقا توسعه یافته است.

با توجه به رابطه‌ی بین فساد و آزادی مطبوعات، این مقاله به بررسی روش‌های محسوس و غیرمحسوسی می‌پردازد که در آن روزنامه‌نگاری به‌عنوان مانعی برای فساد است. همچنین چگونگی تقویت رسانه‌ها، به‌منظور ارتقای نقش آن‌ها در مهار فساد مورد بحث قرار می‌گیرد.

مفهوم فساد

ریشه‌های فساد مبتنی بر تاریخ اجتماعی و فرهنگی، توسعه سیاسی و اقتصادی، رسوم و سیاست‌های اداری هر کشوری است. به‌طور کلی، زمانی که نهادها ضعیف بوده و سیاست‌های اقتصادی بازار را از شکل طبیعی خارج کند، فساد رونق می‌یابد. فساد توسعه اقتصادی و اجتماعی را، به سبب انتخاب‌های نادرست و با تشویق به رقابت در رشوه‌خواری و نه در کیفیت و قیمت کالاها و خدمات به انحراف می‌کشاند و اغلب، به این معنی است که فقیرترین مردم دنیا باید هزینه‌ی فساد مقامات خود و شرکت‌های چندملیتی را پرداخت نمایند. علاوه بر این، شواهد موجود نشان می‌دهد که اگر با فساد مقابله نشود، رشد خواهد کرد. هنگامی که یک الگوی موفق از رشوه نهادینه شود، مقامات فاسد انگیزه‌ای برای تقاضای رشوه بزرگ‌تر با ایجاد «فرهنگ» غیرقانونی خواهند داشت که به‌نوبه خود باعث ناکارآمدی بازار خواهد شد.

به ساده‌ترین بیان، فساد را می‌توان به‌عنوان «سوءاستفاده از قدرت دولتی برای کسب منفعت شخصی و یا به نفع گروهی دیگر» تعریف نمود. این موضوع در تقاطع بخش‌های دولتی و خصوصی اتفاق می‌افتد، زمانی که نهاد‌های دولتی به‌واسطه پذیرش، درخواست یا اخاذی رشوه توسط یک مقام دولتی

مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. فساد در محل تلاقی فرصت و تمایل صورت می‌گیرد. کلیتگارد^۱ یک مدل ساده برای توضیح پویایی فساد ارائه نموده است:

پاسخ‌گویی - قدرت انحصار + اختیار = فساد

به عبارت دیگر، میزان فساد بستگی به میزان قدرت انحصار و قدرت اختیاری که یک مقام مسئول به کار می‌برد، دارد. قدرت انحصار در اقتصاد به شدت کنترل شده، جامع‌تر بوده، در حالی که قدرت اختیاری غالباً در کشورهای در حال توسعه و اقتصاد گذاری جامع است که در آن قوانین و مقررات اداری اغلب به شکلی ضعیف تعریف شده است و از نوعی حاکمیت ضعیف قانون رنج می‌برند و در نهایت، ممکن است به ضعف در مسئولیت‌پذیری منجر شود.

استراتژی‌های موفق برای مقابله با فساد باید به‌طور هم‌زمان درصدد کاهش قدرت انحصار یک مقام دولتی (به عنوان مثال با اصلاحات بازارمحور)، قدرت اختیار (به عنوان مثال با اصلاحات اداری) و افزایش پاسخ‌گویی (به عنوان مثال، از طریق سازمان‌های ناظر) باشد. چنین استراتژی‌هایی شامل یک سیستم کنترل و توازن طراحی شده برای مدیریت تضاد منافع در بخش عمومی و شرایط حادی است که در آن تضاد منافع به وجود می‌آیند و یا تأثیر منفی بر منافع مشترک دارند. آن‌ها متضمن چشم‌انداز جامعی از اصلاحات، نشان‌یابی فساد در بخش دولتی از طریق فرایندهای دولت (دستورالعمل‌های رهبری، تغییر سازمانی) و از طریق حضور در جامعه مدنی (روند دموکراتیک، بخش خصوصی و رسانه‌ها) هستند.

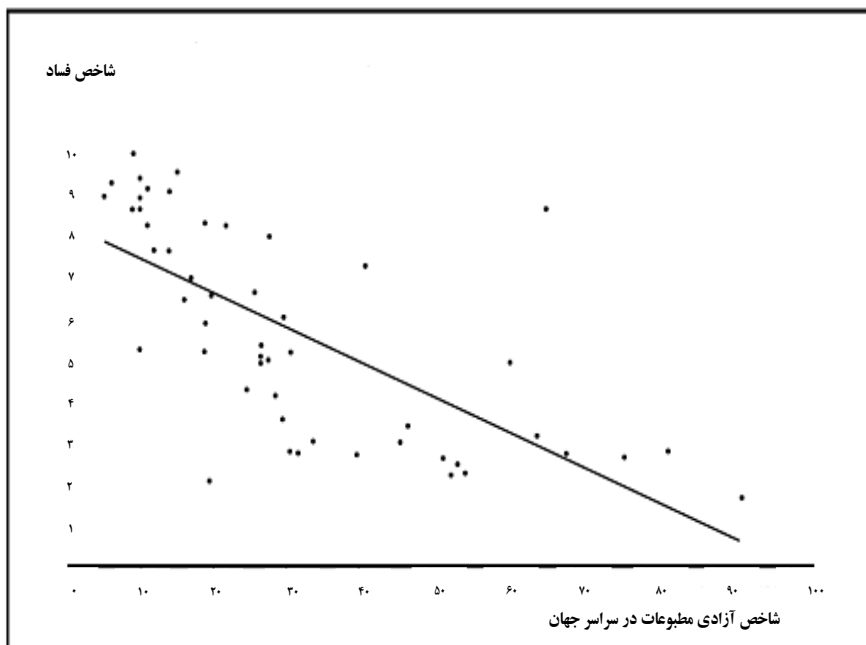
یک طرح مکمل، تمرکز بر دانش و اطلاعات به عنوان شرط لازم برای راهبردهای مبارزه با فساد است، که توسط کافمن به شکل زیر بیان شده است:

اقدام جمعی + رهبری + دانش و اطلاعات = اقدامات ضد فساد

به عبارت دیگر، برنامه‌های مبارزه با فساد موفق وابسته به دانش و اطلاعات به علاوه رهبری به علاوه اقدام جمعی می‌باشد. در اینجا دوباره، اهمیت اطلاعات و دخالت جامعه مدنی، از جمله رسانه‌ها، نقش مرکزی دارد.

اصلاحات نه تنها توسط سیاستمداران و سیاست‌گذاران آغاز شده، بلکه توسط اعضای جامعه مدنی و رسانه‌ها پشتیبانی می‌شود. در واقع، بانک جهانی اعلام کرده است که: «جامعه مدنی و رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و حفظ جو حاکم بر زندگی مردم دارند که مانع تقلب و فساد است. در واقع، آن‌ها مسلماً دو عامل مهم در از بین بردن فساد در نهادهای دولتی هستند.» به‌طور خاص، با وجود اینکه نقش مطبوعات آزاد در بررسی، گزارش و در نتیجه کمک به مبارزه با فساد، اکنون به خوبی شناخته شده است، ارزیابی‌ها و توضیحات جامع به این معنی است که رسانه‌های خبری می‌توانند این کار را به نحو احسن انجام دهند - با وجود این واقعیت است که ارتباط قوی بین بروز فساد و وسعت آزادی

رسانه‌ها آزاد وجود دارد. (شکل ۱) (نقاط در شکل زیر نشان‌دهنده ارتباط سطح فساد کشورهای مختلف، اندازه‌گیری شده توسط شاخص شفافیت بین‌المللی در برابر شاخص سطح آزادی رسانه‌ها در آن کشور است).



شکل ۱ - مقایسه بین فساد و آزادی رسانه‌ها

این مقاله به دنبال رفع این شکاف با طرح روش‌های نوع شناسی تجربی است به‌طوری‌که روزنامه‌نگاری بتواند به جلوگیری از فساد کمک نماید. گونه شناسی نمونه‌هایی از داستان‌های اخیر روزنامه‌نگاران معاصر را ترسیم می‌کند که در دهه گذشته به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی کامل این موضوع نمی‌پردازد، بلکه بر مطالعه نقش رسانه‌ها در مهار فساد، تمرکز دارد. با این کار، اثرات محسوس و غیرمحسوس رسانه‌ها و همچنین راه‌های تقویت و حفاظت از نقش آن در جامعه تحلیل می‌شود.

رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری علیه فساد: اثرات محسوس و نامحسوس

رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان یک نیروی مبارزه با فساد به روش‌های محسوس و نامحسوس عمل کنند. روش‌های محسوس، روش‌هایی قابل‌شناسایی هستند که در آن رسانه‌های خبری گونه‌هایی از نتیجه قابل مشاهده را به داستان‌های خبری خاص یا مجموعه‌ای از داستان‌ها نسبت می‌دهند، به‌عنوان مثال، آغاز بررسی توسط مقامات، کنار گذاشتن قانون و یا سیاستی که شرایط ایجاد فرصت برای فساد را

مهیّا می‌کند، استیضاح و یا استعفای اجباری یک سیاستمدار فاسد، اخراج یک مقام رسمی، راه‌اندازی یک فرآیند قضایی، انتشار پیشنهادهای عمومی توسط فرد ناظر و ... در مقابل، اثرات نامحسوس، می‌توانند به‌عنوان کنترل‌هایی بر فساد، تقویت مناظره عمومی و افزایش حس مسئولیت‌پذیری در میان سیاستمداران، نهادهای دولتی و مؤسساتی که به‌طور اجتناب‌ناپذیری از طرف رسانه‌های خبری مستقل مورد هدف قرار می‌گیرند، توصیف شوند.

روش‌های محسوس

روش‌های محسوسی که در آن روزنامه‌نگاری به‌عنوان مانع برای فساد به‌کار می‌رود می‌تواند اقسام متنوعی داشته باشد. تماشایی‌ترین آن‌ها زمانی است که مقامات دولتی فاسد و یا شاغلین در مناصب دولتی استیضاح، محاکمه و یا مجبور به استعفا پس از سوءعملکردهایشان در انتظار عمومی می‌شوند. بااین‌حال، روزنامه‌نگاری نیز به‌طور مستقیم به‌مقابله با فساد، با جذابیت کمتر، اما مسلماً، به‌اندازه روش‌های مهم می‌پردازد. برای مثال، گزارشی ممکن است نهادهای دولتی را وادار به تحقیقات رسمی نسبت به اتهام فساد تحریک کند. علاوه‌براین، گزارش‌های خبری، یافته‌های نهادهای دولتی ضد فساد را منتشر می‌کنند، در نتیجه با تقویت مشروعیت این نهادها و کاهش آزادی طرف‌های ذی‌نفع که قدرت را در اختیار دارند می‌توان در کار آن‌ها دخالت نمود. در صورتی که فشار عمومی منجر به اصلاح این نهادها شود، اثر درازمدت و بالقوه رسانه‌ها برای عمل به‌عنوان یک وزنه تعادل در برابر فساد تقویت خواهد شد. مواردی وجود دارد که در آن‌ها گزارش درمورد رفتار اخلاقی فاسد یا مشکوک، به تحقیقات فوری، پیگرد قانونی و یا استعفا منجر نمی‌شود، اما موجب تحریک خشم عمومی می‌شود، که نوع دیگری از مجازات را در پی دارد: شکست انتخاباتی در صندوق‌های رأی برای تنها مقام دولتی یا دولت منتخب. روزنامه‌نگاری سخت‌گیرانه نیز می‌تواند نقص در سیاست، قوانین و یا مقرراتی را که شرایط را برای فساد مهیا می‌کنند، افشا کند، در نتیجه باعث ایجاد فشار برای اصلاحات خواهد شد و حتی قبل از اینکه هر مطلبی انتشار یابد، پرسش‌های محض توسط خبرنگاران درمورد تخلفات آشکار می‌تواند باعث استخراج پاسخ‌های انحصاری توسط مقامات مشتاق برای محافظت از تصور عمومی درمورد آن‌ها شود و این، قبل از آنست که هرگونه اتهامی متوجه آن‌ها شود.

در ادامه بحث مفصل‌تری از تأثیرات محسوس مختلفی که روزنامه‌نگاری در مهار فساد دارد، ارائه می‌شود. در صورت امکان، نمونه‌های معاصر برای کمک به تشریح چگونگی ایفای این نقش توسط روزنامه‌نگاری، ارائه خواهد شد.

بررسی و افشاگری درمورد مقامات و کارکنان دولتی فاسد

اکثر نمونه‌های بدیهی از ظرفیت روزنامه‌نگاری برای مهار فساد زمانی مشاهده می‌شود که سیاستمداران یا دیگر مقامات ارشد دولتی شغل خود را به‌دلیل اعتراضات عمومی یا اقدامات قانونی در پی گزارش

درمورد فساد از دست می‌دهند. یافتن نمونه‌هایی از این نوع نتایج سخت نیست، به‌ویژه در آمریکای لاتین معاصر، جایی که در آن موجی از گزارش‌های رسانه‌ها درمورد فساد در طول دهه‌ی گذشته به افشای مقامات فاسد کمک کرده است.

مسلماناً، دنیا رسوایی واترگیت^۱ و استعفای رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون^۲ در ۹ اوت سال ۱۹۷۴، به دلیل روزنامه‌نگاری تحقیقی درخشان خبرنگاران واشنگتن‌پست یعنی باب وودوارد^۳ و کارل برنشتاین^۴ را به‌خاطر دارد. منبع کلیدی ناشناخته این دو روزنامه‌نگار، مارک فلت^۵، هویتی که برای سی سال حفظ شده بود، در سال ۲۰۰۵ از هویت مستعار خود که با عنوان «خبرچین گمنام» شناخته می‌شد پرده برداشت. وی جانشین رئیس‌اف‌بی‌آی بود و در ملاقات مخفی خود با وودوارد در یک پارکینگ زیرزمینی در ویرجینیا، اطلاعات را در اختیار او قرار می‌داد. معرفی این مأمور اف‌بی‌آی حتی شگفتی وودوارد و همکار وی کارل برنشتاین را برانگیخت، چون قرار نبود این موضوع تا پس از مرگ فلت برملا شود. افشای این روزنامه‌نگاران باعث استعفای قدرتمندترین مرد آمریکا، قدرتمندترین کشور دنیا شد. گزارش‌های آن‌ها ثابت کرد که این نوع روزنامه‌نگاری یک ابزار نیرومند است و با این که واترگیت نسلی از خبرنگاران محقق را به وجود آورد و انواع تخلفات و فساد سیستماتیک در بسیاری کشورها را آشکار کرد، نیکسون تنها رئیس‌جمهوری بود که مجبور به کناره‌گیری از دولت به‌واسطه‌ی نتایج گزارش تحقیقی شد.

گزارشی تحقیقی در سال ۲۰۰۰، جوزف استرادا^۶، رئیس‌جمهور وقت فیلیپین را به دام انداخت. مرکز روزنامه‌نگاری تحقیقی فیلیپین (PCIJ)، تحقیقی درخشان از دارایی‌های استرادا انجام داد، که مدرکی برای محاکمه وی بود، محاکمه‌ای که در نتیجه‌ی قیام «توده مردم» در ژانویه ۲۰۰۱ به وقوع پیوست. اتهامات وی غارت، پیمان‌شکنی و بی‌حرمتی به قانون ضدفساد کشور بود.

در برخی موارد، موفقیت گزارش رسانه‌های مستقل در افشای مقامات دولتی فاسد نیازمند همکاری مؤسسات بین‌المللی بوده، این همان چیزی است که در کنیا در سال ۱۹۹۶ اتفاق افتاد و در آن گزارش مطبوعاتی درخصوص توطئه سازمان‌یافته توسط وزیر بهداشت، اعمال فشار مستقیم دولت و غیرمستقیم صندوق بین‌المللی پول را به‌منظور اتخاذ تدابیر در پی داشت. باید تأکید کرد که مطبوعات مستقل نقش مهمی در این مورد داشتند. درحالی که مطبوعات مستقل در کنیا این رسوایی را منتشر کردند، مطبوعات دولتی به‌عنوان تسمه‌نقاله‌های دولت و خود وزیر برای مقاومت در برابر اتهامات وی بدون هیچ‌گونه اظهارنظر درمورد رسوایی استفاده شدند.

1 - Watergate

2 - Richard Nixon

3 - Bob Woodward

4 - Carl Bernstein

5 - Mark Felt

6 - Joseph Estrada

وقتی که مقامات دولتی مشاغل خود را به واسطه ارتکاب فساد از دست می‌دهند، انواع موانع ناشی از فساد مانند تحقیر عمومی، از دست دادن اعتبار، موقعیت اجتماعی و درآمد، و ...، به طور هم‌زمان تقویت می‌شوند. به علاوه، بهم‌ریختگی سیاسی که به دنبال خلع‌ید مقامات دولتی، استانداردهای پاسخ‌گویی دولت را افزایش می‌دهد، مانعی مضاعف برای فساد تلقی می‌شود.

مقایسه این نتایج - استعفاها، تحقیقات، حتی پیگرد قانونی از مقامات عالی‌رتبه، از جمله سران دولتی - با آنچه در اندونزی رخ داده بود، جایی که رسانه‌های خبری مستقل سال‌ها با سانسور و سرکوب مداوم مواجه بودند - شرایطی که رشد بدون کنترل فساد عمده و اقدامات غیرقابل تحمل اقتصادی مرتبط را فراهم می‌نمود، منجر به فروپاشی اقتصادی و تحولات سیاسی اخیر در سراسر کشور شد. لین نیومن^۱، هماهنگ‌کننده برنامه آسیا برای کمیته محافظت از روزنامه‌نگاران مستقر در نیویورک، اشاره کرده است که، در پی بحران اقتصادی، سوهارتو^۲ رئیس‌جمهور سابق در نهایت «به درجه‌ای از دخالت در اقتصاد توسط خانواده خود اعتراف کرد». نیومن به طور کنایه‌آمیز ادامه می‌دهد که «چنین بحثی می‌تواند به زندانی شدن روزنامه‌نگاران اندونزیایی منجر شود. فرزندان سوهارتو منافع عمده‌ای در همه‌چیز، از جمله شرکت یارانه‌ای خودروسازی ملی، ارتباطات راه دور، و رسانه‌ها بدون نیاز به فرصت دفاع از خود در برابر مطبوعات، به دست آوردند. نشریه «Tempo magazine» تنها ناشر اندونزیایی مورد اعتماد عموم توسط سوهارتو در سال ۱۹۹۴ بسته شد. نیومن می‌افزاید: «زیرا گزارش این روزنامه در مورد خانواده سوهارتو، فساد اقتصادی و نقض حقوق بشر در تیمور شرقی موجب خجالت رژیم بود.» اگر مطبوعات مستقل و قوی این کار را به درستی انجام می‌دادند و افکار عمومی داخلی و جهانی را نسبت به فساد فراگیر افشا می‌نمودند به طوری که رژیم سوهارتو را توصیف نمایند، کنترل‌ها علیه چنین فساد می‌توانست ممکن بود در درون جامعه مدنی، دستگاه دولت و جامعه بین‌المللی تقویت شود.

پیدا کردن نمونه‌هایی از این نوع دشوار نیست، به ویژه از آمریکای لاتین معاصر، جایی که موجی از گزارش‌های رسانه‌ای در مورد فساد در سال ۱۹۹۰ منجر به برکناری سه رئیس دولتی شد: عبدالله بوکرام^۳ اکوادوری، کارلوس آندرس پرز^۴ ونزوئلایی و فرناندو کلور دی ملو^۵ برزیلی، به علاوه وزرای کابینه در کلمبیا نیز در نتیجه گزارشی رسانه‌ای از کار خود برکنار شدند.

تحقیقات سریع توسط نهادهای دولتی

حتی اگر از خلع‌ید یک مقام دولتی نتیجه‌ای حاصل نشود، گزارش سخت‌گیرانه توسط خبرنگاران مستقل اندیش برخی اوقات بذره‌ای اولیه برای تسریع در انجام تحقیقات رسمی توسط مراجع دولتی از

1 - Lin Neumann

2 - Suharto

3 - Abdala Bucaram

4 - Carlos Andres Perez

5 - Fernando Collor de Mello

خودشان را می‌پراکند.

چنین موردی پس از گزارش‌های میامی هراللد در سال ۱۹۹۶ به وجود آمد که «ثابت کرد چگونگی یک بانک برجسته‌ی آمریکایی ممکن است در نوعی از فساد که دموکراسی را در سراسر آمریکای لاتین از بین می‌برد، مشارکت داشته باشد»^۱ این گزارش‌ها به‌عنوان ابزاری در راستای تسریع تحقیقات جزایی توسط وزارت دادگستری ایالات متحده توصیف شده‌اند.

به همین ترتیب، گزارش‌های منتشرشده در سال ۱۹۹۷ توسط Dallas Morning News در مورد تقلب در قراردادهای معاملاتی و سوءمدیریت از سوی مقامات بلندپایه در مدارس دولتی دالاس به تسریع رسیدگی به این‌گونه فساد توسط اداره تحقیقات فدرال (FBI) کمک کرد. در مورد مشابه، اف بی آی و پلیس ایالت آرکانزاس بعد از انتشار گزارش‌ها در سال ۱۹۸۶ در روزنامه Arkansas Democrat-Gazette فساد در سراسر سیستم دادگاهی محلی را شناسایی نمودند.^۲

افشای تخلفات تجاری و بازرگانی

رسانه‌ها می‌توانند سوءاستفاده‌های تجاری و بازرگانی را افشا نمایند، مشابه گزارشی که توسط بامیدله آدبایو^۳ از مجله The News، در نیجریه، یک کلاهبرداری مالی از بانکی برزیلی به ارزش ۱۸۱ میلیون دلار را فاش کرد. وی در مقاله اکتبر ۲۰۰۱ خود پیچیدگی‌های کلاهبرداری موسوم به «۴۱۹» را بر ملا نمود، توطئه‌ای که نیجریه را به چشمی سیاه تبدیل کرده بود.

تقویت عملکرد و مشروعیت نهادهای دولتی ضد فساد

همچنین، گاهی اوقات، گزارش‌های روزنامه‌نگاران می‌تواند نقش حیاتی در تقویت تأثیرگذاری نهادهای دولتی ضد فساد ایفا نماید. در واقع گزارش‌دهی منظم، از جزئیات کار و یافته‌های این نهادها می‌تواند نظارت عمومی بر آن‌ها و در نتیجه استقلال این نهادها از منافع مقرر در درون ساختار قدرت را، که ممکن است به نحوی اغواکننده باشد، تقویت نماید.

باید اذعان داشت که روزنامه‌نگاران و رسانه‌های خبری، اغلب رابطه‌ای به‌صورت هم‌زیستی با نهادهای دولتی که وظیفه رسیدگی یا تعقیب مقامات فاسد بر عهده آن‌هاست، دارند. علایق اجتناب‌ناپذیر روزنامه‌نگاران در خدمت کار آن‌ها بوده است به‌طوری‌که خبرنگاران و خروجی‌های آن‌ها را با گزارش‌های تکان‌دهنده و قوی برای پیگیری و انتشار آماده می‌کنند.

علایق نهادهای مبارزه با فساد نیز به همان اندازه در خدمت کار آن‌هاست زیرا گزارش در مورد فعالیت‌های آنان باعث حمایت عمومی برای کارشان خواهد شد و بنابراین، مشروعیت آن‌ها را تقویت خواهد کرد. یکی دیگر از اثرات جانبی مفید گزارش روزنامه‌نگاران در کار چنین نهادهایی این است

1 - IRE, File No. 4097.

2 - IRE, File No. 3183.

3 - Bamidele Adebayo

که ممکن است موجب تحریک شاهدان تخلف برای قدم برداشتن به جلو و شهادت درمورد آنچه می‌دانند، شود.

چنین رابطه‌ی هم‌زیستی در برزیل در ماه‌های منتهی به استعفای کلور رئیس‌جمهور سابق، ثابت شد. به همین ترتیب، در ایتالیا مطبوعات نقش مهمی در انتشار یافته‌های قضات دادگاه‌های مبارزه با فساد ایفا کرده است که در نتیجه به احساسات و عواطف گسترده عمومی سروسامان داده و باعث نیرومندی اصلاحات ضد فساد شده است.

تقویت نهادهای مبارزه با فساد با افشای معایب آن‌ها

با این حال، محدودیت‌هایی برای این نوع همکاری وجود دارد. همیشه این خطر وجود دارد، که روزنامه‌نگاران ممکن است به نهادهای دولتی مبارزه با فساد که پتانسیل ارائه گزارش‌های دراماتیک برای آن‌ها دارند، نزدیک شوند. طبیعت به‌طور بالقوه مشکل‌ساز این چنین روابطی، بدیهی است اگر در نظر داشت که اکثر این نهادها، خود می‌توانند فاسد شده یا آلوده به فساد شوند. هیچ نهاد عمومی یا خصوصی در این مورد نمی‌تواند از فساد مصون بماند. با توجه به این مطلب، برای روزنامه‌نگاران حفظ روحیه سالم استقلال با احترام به پلیس، دادگاه‌ها و دیگر نهادهای دولتی عهده‌دار تفحص، پیگیری قانونی و صدور احکام درمورد فساد، بسیار حیاتی است. درنهایت اگر روزنامه‌نگاری استقلال خود را حفظ کند و نگاه خیره خود را لحظه‌به‌لحظه به این نهادها متمرکز نمایند، می‌تواند به افشای نقاط ضعف آن‌ها کمک نماید و درنهایت، تأثیر آن‌ها در مهار فساد را تقویت نماید.

ترویج پاسخ‌گویی در رأی‌گیری‌ها

حتی زمانی که گزارش فعالیت‌های فاسد به اشکال عمومی به‌طور مستقیم منجر به تنظیم کیفرخواست‌ها نشود، می‌تواند منجر به شکست انتخاباتی برای سیاستمداران شود.

رسوایی «پول برای موضوع» در انگلیس موردی مناسب است. در سال ۱۹۹۴، خبرنگار روزنامه ساندی‌تایمز (Sunday Times) از تطمیع دو نفر از اعضای محافظه‌کار مجلس به منظور اظهار رضایت برای پذیرش مبلغی بیش از هزار دلار توسط یک تاجر در قبال ارائه موضوعات مطرح در مجلس خبر داد. جنجال حاصل از تنفر عمومی منجر به تغییر ناگهانی در افکار عمومی نسبت به پیروزی تونی بلر^۱ نخست‌وزیر وقت در برابر جان میجر^۲ محافظه‌کار در انتخابات سال ۱۹۹۷ شد (بارباش^۳ ۱۹۹۴).

در اکراین، لئونید کوچما^۴ رئیس‌جمهور سابق، متهم به تخلفات متعدد (قتل یک روزنامه‌نگار به دلیل بررسی عملکرد وی) شده بود. به هر حال، این اتهامات منجر به استعفای وی نشد. با این وجود،

1 - Tony Blair

2 - John Major

3-Barbash

4-Leonid Kuchma

کمیسیون انتخابات اظهار کرد که کوچما مظنون به تقلب انتخاباتی در طول انتخابات بعدی است و در عوض ویکتور یوشچنکو^۱ رهبر حزب مخالف به جای وی انتخاب شد.

کمک به شکل گیری افکار عمومی خصمانه نسبت به «سستی» در دولت

حتی زمانی که گزارش درمورد فساد آشکار و یا دیگر رفتارهای مشکوک توسط چهره‌های عمومی به‌طور مستقیم منجر به اعلام جرم، تعقیب و یا فراخوانی به دادگاه نشود، بازهم به‌نوعی به شکل گیری اعتراض عمومی در مقابل چنین فعالیت‌هایی کمک می‌کند و در نهایت می‌تواند باعث شکست انتخاباتی برای سیاستمداران یا درواقع، برای دولت‌ها شود.

فشار برای تغییر در قوانین و مقرراتی که جوی مساعد برای فساد ایجاد می‌کنند

روزنامه‌نگاری تحقیقی همچنین می‌تواند با شناسایی عیوب و ضعف در قوانین و مقرراتی که جوی مساعد برای فساد ایجاد می‌کنند، با آن مقابله کند.

با این کار مقامات وادار به تغییر یا بررسی تغییر در این قوانین و مقررات خواهند شد. چنین فشاری برای تغییر در قوانین می‌تواند به‌صورت توصیه‌های مشخصی از یک رسانه باشد. برای مثال، رادیو WTLC در ایندیاناپولیس به مجموعه‌ای از اتفاقات در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ که به بررسی فساد پیشین در اداره دولتی ایندیانا و ضعف‌های انتقاد شده در قوانین موجود پرداخته بود، خاتمه داد. این ایستگاه رادیویی فهرست پیشنهادی خود از جمله افزایش اختیارات کمیسیون‌های اخلاقی دولت و دادستانی را اعلام نمود.

علاوه بر این، هنگامی که روزنامه‌نگاران درگیر تلاش برای کشف رفتار مشکوک توسط مقامات شوند - به‌ویژه استفاده آن‌ها از بودجه دولتی - خروجی‌های رسانه‌ها گاهی اوقات تبدیل به نیروهای فعال قوی به نفع افشاگری بهتر است. چنین افشاگری، یا پتانسیلی برای آن، اغلب می‌تواند به‌عنوان یک بازدارنده قوی فساد عمل کند. در کانادا، جنگ دادگاهی طولانی روزنامه Montreal Gazette برای دسترسی به حساب‌های هزینه‌ی اعضای منتخب مجمع قانون گذاری استانی را می‌توان در این سبک مشاهده نمود.

اجتناب از تبلیغات جانبی

گاهی اوقات، تحقیقات صرف توسط روزنامه‌نگاران در غیاب انتشار گزارش‌ها و یا اثبات قطعی تخلف، می‌تواند به یک پاسخ محسوس از مقامات مشتاق برای صیانت از اعتبار خود و نهادهای نماینده از طرف آن‌ها، منجر شود. در سال ۱۹۹۶ روزنامه Minneapolis Star-Tribune شروع به تحقیقات درمورد رابطه‌ی یک باشگاه محلی و چندین افسر شرور پلیس کرد. این افسران به «دریافت هدایای ویژه» از این باشگاه تا زمان فروکش نمودن تعقیبات جدی که می‌توانست منجر به تعطیلی کسب‌وکار آنان شود،

اعتراف نمودند، اداره پلیس با صدور حکم تحقیقات و بازرسی، خود به این موضوع پایان داد.

اثرات نامحسوس روزنامه‌نگاری در فساد

در اغلب موارد، تأثیر روزنامه‌نگاری به عنوان مانعی برای فساد، احتمالاً کمتر محسوس و بیشتر غیرمستقیم است. این مهارت نه تنها از لحاظ تأثیر مستقیم آن در موارد خاص «سستی» و یا فساد، بلکه در چارچوب نقش گسترده تری که روزنامه‌نگاری در جامعه ایفا می‌کند، باید مورد ملاحظه قرار گیرد. مایکل جانستون^۱ متخصص در زمینه مطالعه‌ی فساد، عوامل متعددی را که برای کمک به حفظ شیوه‌های فاسد وجود دارند، شناسایی نموده است. در بسیاری از موارد، روزنامه‌نگاری مستقل و تهاجمی یکی از مؤثرترین نیروهای خنثی‌کننده علیه این عوامل است. وی معتقد است که به‌طور کلی رقابت ضعیف سیاسی در تقویت «جدی‌ترین موارد تثبیت فساد سیاسی و اداری» نقش دارد. روزنامه‌نگاری مستقل و سخت‌گیرانه می‌تواند به عنوان کنترلی غیرمستقیم بر حسب نوع فساد که در غیاب چنین رقابتی به سادگی با ارائه انواع نقطه نظرات رشد خواهد کرد، عمل کند و بنابراین باعث اطلاع‌رسانی بحث‌های عمومی و در نتیجه افزایش رقابت سیاسی و اقتصادی خواهد شد. این موضوع می‌تواند عملکردی مشابه با ارائه تنوع گسترده‌ای از اطلاعات اقتصادی توسط فعالان در بازار داشته باشد. وی می‌افزاید: «قوی‌ترین رقابت سیاسی و اقتصادی می‌تواند پاسخ‌گویی را افزایش دهد، راهکارهای بهتری برای برخورد با شبکه‌های فساد ارائه نماید و انگیزه‌ای برای رهبران سیاسی در اقدام علیه فساد ایجاد نماید».

دو عامل دیگر که ارتباط نزدیکی با سطوح بالای فساد دارند «سطح پایین مشارکت جمعی در سیاست و حمایت ضعیف از آزادی‌های مدنی» هستند. در اینجا، نیز، رسانه‌های خبری مستقل آشکارا، اگرچه غیرمستقیم، نقش وزنه تعادل را ایفا می‌کنند. مخصوصاً زمانی که خروجی‌های رسانه‌های خبری، رهبری فشار برای افزایش آزادی‌های مدنی را بر عهده دارند به‌طوری که آن‌ها نوعی منافع مسلم قوی نظیر آزادی بیان دارند.

«دانش اشتراکی» در میان دایره‌ی محدود ذی‌نفعان فساد به عنوان دیگر ویژگی محیط‌های فاسد شناخته شده است که روزنامه‌نگاری مستقل و تهاجمی می‌تواند به عنوان مؤثرترین وزنه به کار گرفته شود. تا زمانی که روزنامه‌نگاری به انتشار دانش تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای عمومی فراتر از گروه‌های کوچک تصمیم‌گیرنده اقدام کند، می‌تواند نقش مهمی در تضعیف این تصور در مورد فساد ایفا کند. از آنجا که ذی‌نفعان فساد همچنین «سهم عمده‌ای در... انجماد منتقدان و نگهداری از عوامل و مشتریان دارند» در اینجا نیز، مطبوعات می‌توانند، به عنوان کنترلی در مقابل فساد و به عنوان متحدی بالقوه و بدیهی برای کسانی که از گم‌گشتگی شخصی رنج می‌برند، به کار آیند زیرا آن‌ها حاضر به شرکت در مبادلات و یا سیستم‌های فاسد نخواهند شد. چنین عناصری غالباً به روزنامه‌نگاران مراجعه می‌کنند،

که به نوبه خود از آن‌ها به عنوان منابع استفاده می‌کند. گزارش‌هایی که آن‌ها تهیه می‌کنند، می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای اخبار تحقیقی و یا به عنوان ادعاهایی به کار رود که می‌تواند به عنوان آیت‌های خبری برای عموم پخش شود.

نوع دیگری از منابع که اغلب مدارکی برای گزارش‌های تحقیقی فراهم می‌کند، عناصر موجود در جوامع مدنی سازمان‌یافته مانند سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های صنفی، گروه‌های فشار، لابی‌ها و گروه شهروندان هستند. جانستون معتقد است که گروه‌های سازمان‌یافته فعال در جامعه مدنی می‌توانند نوعی کنترل بر عملکرد دولت و بر روی یکدیگر باشند.

سازمان‌های جامعه مدنی اغلب دست‌در دست خبرنگاران، یعنی کسانی که به اشاعه خواسته‌های این گروه‌ها کمک نموده و یافته‌های آن‌ها را برای عموم مردم منتشر می‌کنند، فعالیت می‌کنند.

علاوه بر این، از آنجایی که فساد غالباً نیازمند هماهنگی عرضی میان سازمان‌ها است، افزایش استقلال آن‌ها از یکدیگر یا «تشویق به رقابت در بین آن‌ها برحسب اعتبارات، وظایف و موقعیت» می‌تواند شیوه‌ای مفید برای تضعیف یکی از شرایط مورد نیاز برای انواع خاصی از فساد باشد. مشاهده چگونگی ایفای نقش توسط رسانه‌ها در این خصوص کار دشواری نیست، مخصوصاً زمانی که آن‌ها وظیفه گزارش داستان‌های برجسته اختلافات و یا رقابت بین سازمان‌ها مانند نیروهای پلیس و یا نهادهای نظارتی را بر عهده دارند.

جانستون سازمان‌دهی کنترل و توازن، در درون دولت را توصیه می‌کند به طوری که بخش‌های مختلف آن به عنوان چشمی محتاط بر یکدیگر عمل می‌کنند.

چگونه می‌توان رسانه را تقویت کرد؟

در اینجا می‌توان گفت رسانه عنصری حیاتی در استراتژی ضد فساد هر کشوری است. حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان یک رسانه مستقل را پرورش داد. این بخش به بررسی چگونگی تقویت رسانه‌ها و به ویژه حمایت آن توسط مجلس می‌پردازد.

مالکیت خصوصی در مقابل مالکیت عمومی

برخی تحلیل‌گران پیشنهاد کرده‌اند که خصوصی‌سازی رسانه‌های خبری می‌تواند به معنای تقویت حاکمیت آن‌ها و بنابراین، صلاحیت آن‌ها برای مقابله با فساد باشد. جرمی پاپ^۱، در بسیاری از کشورها مشاهده نمود که «دولت خود بزرگ‌ترین مالک رسانه‌ها است، که می‌تواند استقلال رسانه‌ها را زیر پا بگذارد». وی پیشنهاد می‌کند که «لازم است تا تلاش‌هایی برای تقویت استقلال رسانه‌ها، احتمالاً از طریق خصوصی‌سازی رسانه‌های تحت تملک دولت انجام شود.» بدون شک، گاهی اوقات خصوصی‌سازی می‌تواند پیامدهای مفیدی در این خصوص داشته باشد. برای مثال، در مکزیک، مدت

کمی پس از انصراف حکومت از کنترل تمامی شبکه‌های تلویزیونی در سال ۱۹۸۹ و تسهیل در ورود کاغذ روزنامه، رسانه‌های خبری گزارش‌های خصمانه خود در مورد فساد را آغاز نمودند. یکی از این شبکه‌های خصوصی، تلویزیون Azteca بود، که با پوشش خبری این فسادها هزینه اشتراک خود را از ۵ درصد به ۲۵ درصد افزایش داد. شبکه دولتی نیز عکس‌العمل خود را با پوشش بیشتر این گزارش‌ها نشان داد.

تحلیل‌های اخیر بانک جهانی از ساختارهای مالکیت رسانه‌ها در ۹۷ کشور نشان داد که رسانه‌های دولتی تمایل کمتری نسبت به رسانه‌های خصوصی در نظارت بر دولت دارند. کشورهایی که مالکیت دولتی رسانه‌ها را کاهش داده‌اند اغلب بهبود سریع در میزان و کیفیت پوشش را تجربه کرده‌اند. به عنوان مثال، خصوصی‌سازی بخشی از رادیو و تلویزیون مکزیک در سال ۱۹۸۹ به افزایش شدید پوشش رسوایی‌های فساد دولتی منجر شده است. در مقایسه با مناطق دیگر، آمریکای لاتین و کارائیب سطح کمی از مالکیت دولتی از رسانه‌ها را در اختیار دارند، در عین حال هر دو تلویزیون و مطبوعات در اختیار معدودی از مالکان خصوصی متمرکز شده است. این تمرکز بسیار بالای مالکیت خصوصی، همراه با مقررات محدودکننده در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، منجر به توقیف رسانه‌ها شده است.

هیچ گزارش تحلیلی از شیوه‌های فساد در رسانه‌های غول‌پیکر مشاهده نشده است. در برخی موارد، مالکان رسانه‌های خصوصی خود می‌توانند تأثیری قوی بر پوشش یا عدم پوشش فساد داشته باشند، به‌ویژه اگر به دنبال منافع بیشتری به جای اصول گزارش‌دهی آزاد و دسترسی به اطلاعات باشند. زمانی که کنترل رسانه‌ها و قدرت سیاسی در شخصیتی واحد ترکیب شود چنین تضاد منافی برجستگی بیشتری خواهد یافت. یکی از روشن‌ترین تبلورها در این زمینه، نخست‌وزیر ایتالیا سیلویو برلوسکونی^۱ است، حاکم منابع بزرگ املاک و مستغلات، صاحب چندین روزنامه بزرگ و فردی که کنترل بیشترین بازار شبکه‌های خصوصی ایتالیا در اختیار اوست. به عنوان رئیس دولت، او می‌توانست بازار شبکه‌های عمومی کشور را کنترل کند زیرا او به‌طور مؤثر کاندیدای مدیریت رادیو و تلویزیون ایتالیا (RAI) بود. برلوسکونی برای حل و فصل تضاد مابین نقش سیاسی و منافع تجاری خود درصد روز اول دولت خود وعده داده بود. این دوره مدت‌زمانی طولانی است که منقضی شده و تا زمان نوشتن این مقاله برلوسکونی مجبور به نصب «فایروال» (دیوار آتشین) بین نقش‌های دوگانه‌ی نخست‌وزیری و غول رسانه‌ها شده است.

RAI و شرکت‌های رسانه‌ای برلوسکونی از استقلال خاص تحریریه تحت یک توافق جمعی ملی لذت می‌برند. در واقع، روزنامه‌نگارانی که گزارش سخت‌گیرانه در مورد منافع کسب و کار نخست‌وزیر داشته‌اند، خطر انتقال‌های ناخوشایند و یا از دست دادن دائمی کارشان را تجربه نموده‌اند. به هر حال خصوصی‌سازی ممکن است همواره نتایجی مطلوبی در پی نداشته باشد - به‌ویژه

زمانی که در کشوری فقیر با تجارتی کوچک و محدود به طبقه ممتاز جامعه اتفاق بیفتد که ارتباط نزدیکی با قدرت‌مداران دولت دارد. لاورنس کیلیمویکو^۱، رئیس هیئت مدیره انجمن نویسندگان و کارگران رسانه‌های تانزانیا، اذعان کرد که، «باوجود نمای روشنفکری و آزادی‌خواهی - با چهار ایستگاه تلویزیونی، هفت ایستگاه رادیویی، و بیش از هشت روزنامه - صدای دولت در همه جا وجود دارد.» وی در یک کارگاه روزنامه‌نگاری تحقیقی اشاره کرد، «اما در حقیقت همه این‌ها با یک صدا هدایت می‌شوند و با روزنامه‌نگاران تبدیل به بلندگویی [برای] دیدگاه‌های مالکان و متحدان آن‌ها در دولت می‌شوند.» روشی که حکومت تانزانیا برای حفظ معیار کنترل به کار می‌برد، صدور مجوزهای رسانه‌ای برای افراد معدود شناخته‌شده‌ای است که با قدرت در صدد حفظ وضعیت فعلی هستند.

از طرف دیگر، رسانه‌های دولتی، ادعای استقلال خود را به‌طور سلطه‌جویانه‌ای حتی در کشورهای فقیر ابراز می‌کنند. به‌عنوان مثال، در کشور بنین^۲ روزنامه دولتی La Nation متناظر با قانون اساسی توسط یک نهاد نظارتی متشکل از دولت و منتخبین غیردولتی شناخته‌شده از دخالت دولت محافظت می‌شود. راه حل آرمانی شاید ترکیبی از رسانه‌های خبری خصوصی و عمومی با تنوع گسترده‌ای از مالکیت اجرا از طریق قانون ضدانحصار^۳ قوی است. اصول دموکراسی آگاه کیپ تاون (۲۰۰۲) تأکید می‌کند که دولت «باید به انواع چاپ، نشر، و رسانه‌های مبتنی بر اینترنت برای پایان دادن به اتکا به منابع اطلاعات دولتی یا منابع اطلاعاتی حزبی دسترسی داشته باشد.» اعضای مجلس در بهترین موقعیت برای تسهیل مالکیت رسانه‌ای متنوع هستند، خواه با تصویب قانون خصوصی‌سازی رسانه و خواه با تسهیل ورود رسانه‌ی خصوصی به عرصه فعالیت. به‌علاوه، نمایندگان مجلس، زمانی که عمل نظارتی خود را انجام دهند، می‌توان تضمین نمود که حکومت، رسانه‌ای دولتی با منابع و استقلال لازم برای اجرای فعالیت‌های حیاتی آن‌ها تأمین می‌کند. صرف‌نظر از کسانی که فکر مالکیت خروجی رسانه‌ها را دارند، مالکان باید در نظر داشته باشند که مالکیت تعهدی برای اطلاع‌رسانی است.

حمایت از روزنامه‌نگاری تحقیقی و استقلال تحریریه

به‌منظور گسترش آزادی در جامعه و افشای فساد، صاحبان رسانه‌ها، ناشران، سردبیران و روزنامه‌نگاران باید فشار برای گزارش درمورد منافع سیاسی و خصوصی را تقویت نمایند. آن‌ها همچنین باید این موانع را برای گزارش آزاد در غیاب قانون مؤثر آزادی اطلاعات پشت سر بگذارند.

استقلال تحریریه - حق رسانه‌ها در تصمیم‌گیری‌های تحریریه با توجه به وجدان و دستورالعمل‌های رفتاری - در قلب پدیده ترویج روزنامه‌نگاری مستقل نهفته است. روزنامه‌نگاران و گروه‌های آزادی رسانه‌ها نیاز به رایزنی صاحبان رسانه‌ها و مدیریت آن‌ها، صرف‌نظر از خصوصی یا دولتی بودن، برای به

1 -Lawrence Kilimwiko

2-Benin

3 -Antitrust

رسمیت شناختن اصول استقلال تحریریه دارد که به روزنامه‌نگاران اجازه می‌دهد به دنبال داستان‌هایی در راستای منافع عمومی، از جمله افشای فساد باشند. در صورت تمکن مالی، سردبیران و صاحبان رسانه‌ها باید برای پوشش پیشرفته سرمایه‌گذاری کنند. در بسیاری از موارد، امتناع از دریافت خدمات رایگان یا رشوه علنی مشکلات مالی اضافی برای رسانه‌هایی که در حال حاضر منابع محدودی دارند، به وجود می‌آورد. این رسانه‌ها منابعی ندارند تا به روزنامه‌نگاران اجازه دهند در تحقیقات طولانی و یا تحقیقات موردنیاز برای پوشش حرفه‌ای شرکت کنند.

با توجه به این شرایط، جامعه بین‌المللی نمی‌تواند مسئولیت مهار فساد را به تنهایی بر دوش روزنامه‌نگاران و سازمان‌های رسانه‌ای قرار دهد. اگرچه برنامه‌های کمی برای حمایت از روزنامه‌نگاری تحقیقی وجود دارد، یک مؤلفه مهم در مقابله با فساد، ارائه آموزش توسط سازمان‌های متخصص است.

آموزش روزنامه‌نگاری تحقیقی

روزنامه‌نگاری تحقیقی را می‌توان «جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در مورد رویدادهای اخیر برای انتشار به عموم مردم از طریق روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و...» تعریف نمود (کاتوروبو^۱ ۱۹۹۵). پیاده‌سازی این نوع روزنامه‌نگاری نیاز به روزنامه‌نگارانی با مهارت‌های عالی دارد که باید خبره و عالم باشند. به‌طور خاص، مهارت‌های پژوهشی، تحلیلی و ارتباطی باید توسط دست‌اندرکاران برای کارایی بیشتر فعالیت خود فراگرفته شود. روزنامه‌نگاران باید ظرفیت رسیدن به قضاوت‌های سالم و متعادل سیاسی و اجتماعی را به دست آورند. اشتباه در انجام این کار باعث به خطر افتادن قابلیت اطمینان کار آن‌ها خواهد شد. اگر روزنامه‌نگاران توقع پوشش و ارائه خبرهای منصفانه و دقیق را داشته باشند، باید دارای ابزار و دانش مناسب آن نیز باشند. این موضوع به‌ویژه زمانی مهم است که آن‌ها ملزم به تبیین آسان، هر چند صادقانه، اخبار برای عموم مردم باشند.

دست‌اندرکاران رسانه‌ها که تمامی شرایط لازم برای چنین حرفه‌ای را ندارند باید آموزش‌های اختصاصی را دریافت کنند. آموزش به‌ویژه زمانی ارزشمند خواهد بود که به اجتناب از خطاها و نارسایی‌ها در گزارش منجر شود. رایج‌ترین اشتباهات در جمع‌آوری حقایق و داده‌ها، در پردازش تحلیلی آن‌ها، در طراحی نتیجه‌گیری منطقی از واقعیت‌های مشاهده شده و در بیان وقایع رخ می‌دهد. با آموزش می‌توان از این خطاها به‌راحتی اجتناب نمود که باعث بهبود کیفیت روزنامه‌نگاری و بالا بردن اعتبار رسانه‌ها خواهد شد (کاتوروبو ۱۹۹۵). همراه با ارائه ابزار مناسب، آموزش باید ماهیت فساد و نیاز به مبارزه با شیوه‌های فساد را به روزنامه‌نگاران تفهیم نماید.

انجمن بانک جهانی ده‌ها کارگاه روزنامه‌نگاری تحقیقی و آموزش ویدئو کنفرانس را برای بیش از ۲۰۰۰ روزنامه‌نگار از ۲۴ کشور تسهیل نموده است. هدف از این کارگاه‌ها شامل دو بخش است: بالا بردن آگاهی روزنامه‌نگاران از اهمیت حیاتی موضوع فساد و اثرات مضر آن بر توسعه و بهبود

مهارت‌های روزنامه‌نگاران به‌طوری که آن‌ها می‌توانند درمورد حوادث فساد به شیوه‌ای حرفه‌ای و اخلاقی تحقیق نموده و گزارش ارائه نمایند.

سازمان‌های دیگری نیز اهمیت آموزش روزنامه‌نگاری تحقیقی را به رسمیت شناخته‌اند. در سپتامبر سال ۲۰۰۵، دولت ایالات متحده برنامه دوساله آموزش روزنامه‌نگاری تحقیقی برای ۲۲۵ دانش‌آموز در آفریقای جنوبی را اعلام نموده است که هدف آن کمک به اقدامات ضد فساد آن کشور بوده است. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تحقیقی، بانک جهانی و احزاب دموکرات مرکز استرالیا (CDI) دوره‌های آموزشی برای روزنامه‌نگاران علاقه‌مند به پوشش فساد را توسعه داده‌اند. در ماه مارس سال ۲۰۰۲، CDI کارگاه گزارش‌نویسی انتخاباتی را در پاپوآی گینه‌نو برگزار کرد که می‌توان به بخش «پوشش سیاستمداران فاسد» اشاره کرد.

از دیگر موارد این ابتکار عمل‌ها، برنامه روزنامه‌نگاران علیه فساد (PFC) بود که توسط یک سازمان غیردولتی (Probidad) در السالوادور باهدف ترویج دموکراسی در آمریکای لاتین انجام شد. این سازمان یک سیستم نظارتی پست الکترونیکی را اجرا می‌کند که سبب تسهیل تبادل مقالات، نظرات، اطلاعیه‌ها، تماس‌ها و منابع در میان روزنامه‌نگاران بررسی‌کننده فساد می‌شود. روزنامه‌نگاران هویت خود را به مدیر انجمن برای تأیید گواهی‌نامه اعلام می‌کنند، اما این سیستم، تضمینی به‌صورت گمنام به روزنامه‌نگارانی که از تهمت متقابل ترس دارند، اعطا می‌کند. هنوز تأثیر کامل این ابتکار عمل بررسی نشده است، اما بیش از ۶۰۰ روزنامه‌نگار قرارداد استفاده از خدمات این سیستم را امضا کرده‌اند. یک ابتکار عمل مشابه، وب‌سایتی برای روزنامه‌نگاران آفریقایی برای گزارش فساد است. وب‌سایت IFJ-PA که توسط IFJ و با کمک مالی اتحادیه اروپا تأسیس شده است، اطلاعات رایگانی را ارائه می‌دهد و مربوط به گزارش‌های روزنامه‌نگاران آفریقایی از مسائل مالی و فساد است. روزنامه‌نگاران با ارائه منابع به مدیر این سایت به عضویت آن درمی‌آیند.

ابتکارات Probidad و IFJ روزنامه‌نگاران را قادر می‌سازد تا مقالات خود را در صورت عدم پذیرش از طرف سردبیران خودشان، برای دیگر روزنامه‌نگاران و یا سازمان‌های خبری ارسال نمایند.

محافظت از روزنامه‌نگاران

وجود ارتباط سخت بین روزنامه‌نگاری و قدرت سیاسی از مشخصه‌های جامعه‌ی دموکراتیک است. برای رسیدن به این حد، تمایل به دستکاری در اخبار و شکل دستور کار بحث‌های عمومی در تمام جوامع وجود دارد. در کشورهایی که فرهنگ دموکراتیک به‌خوبی برقرار نشده است، محدودیت‌ها در تمایلات رسانه‌ای بیشتر صریح بوده و عمیقاً برای بحث و تعامل عمومی مضر است. از آنجاکه امور دولتی یا گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند با پنهان‌کاری محافظت می‌شوند، اگر روزنامه‌نگاران شروع به تحقیقاتی نمایند که منجر به افشای فساد شود در این صورت با موانع قابل توجه و خطرات فیزیکی و تهدیدات اخلاقی مواجه خواهند شد. باوجود این، رسانه‌ها با چالش‌های درون سلسله‌مراتب

خود نیز مواجه هستند.

برای مثال، تقسیم جامعه به گروه‌های قومی سبب ایجاد احساس ترس در بین روزنامه‌نگاران کنیایی شده است، درحالی که با انتقاد از شیوه‌های فاسد توسط عضوی از همان قومیت همراه با مجموعه‌ای از ملاحظات، ممکن است جامعه قومی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این مسئله نوعی احساس تعهد اخلاقی ایجاد می‌کند که ممکن است مانع از ارائه گزارش‌های دقیق و آزاد توسط روزنامه‌نگاران شود. همچنین ممکن است اغلب روزنامه‌نگاران آزاد گزارش‌هایی درمورد فعالیت‌های فاسد با به خطر انداختن جان‌شان منتشر کنند. متأسفانه نمونه‌هایی از روزنامه‌نگاران شکنجه شده، زندانی شده و یا حتی کشته شده پس از گزارش درمورد فساد به آسانی یافت می‌شوند. آمارهای انجمن بین‌المللی ایمنی خبری (INSI)^۱ نشان می‌دهد که سال ۲۰۰۴ خونین‌ترین سال در یک دهه برای رسانه‌های خبری بوده است. در مجموع ۱۱۷ روزنامه‌نگار در حین پوشش اخبار در دنیا کشته شده‌اند که ۴۲ نفر از آن‌ها در عراق بودند. دوسوم از ۷۵ نفری که در هرجایی غیر از عراق کشته شده بودند، به دلیل شغلشان مورد هدف قرار گرفته بودند.

رودنی پیندر^۲ مدیر INSI می‌گوید: «دموکراسی دینی عظیم و روبه‌رشد نسبت به این اعضای مطبوعات آزاد برگردن دارد... این بهترین زمان است که این کشورها با خون روزنامه‌نگاران در دست‌ان‌شان اقدام مؤثری برای پیدا کردن و تحت تعقیب قراردادن قاتلان‌شان انجام دهند.»^۳

به گفته اتحادیه بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ)^۴، در سال ۲۰۰۴، ۱۲۹ روزنامه‌نگار در دنیا کشته شده‌اند، بدترین ۱۲ ماه تلفات در سابقه: «ماورای هر مرگ غم‌انگیز، داستانی از ارباب گسترده و خشونت علیه روزنامه‌نگاران در مقیاسی که قبلاً هرگز دیده نشده است، وجود دارد.»

در یک مطالعه بر روی روزنامه‌نگاران کشته شده مابین سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۲، کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران مستقر در نیویورک (CPJ)^۵ نشان داد که ۱۶ درصد از روزنامه‌نگاران در چارچوب زمانی پوشش جنگ کشته شده‌اند، درحالی که بیش از ۸۰ درصد افراد مورد هدف قرار گرفته، به وسیله افرادی کشته شده‌اند که هدفشان ساکت نمودن و پایان دادن به کار آن‌ها بوده است. نمونه‌هایی از چنین قتل‌هایی در سراسر جهان یافت می‌شود. در تایلند، روزنامه‌نگاری به نام سایومچای ویجیتویثاپونگ^۶ از روزنامه Matichon در سال ۱۹۹۸ پس از تحقیق درمورد اتهامات فساد مربوط به یک پروژه ساختمانی و افشای پیشنهاد رشوه برای توقف تحقیقاتش به ضرب گلوله کشته شد. در کلمبیا، اسکار

1- International News Safety Institute

2- Rodney Pinder

3- INSI Web page: <http://www.newssafety.com/>

4- International Federation of Journalists

5- Committee to Protect Journalists

6- Sayomchai Vjittwittayapong

گارسیا کالدرون^۱ از روزنامه El Espectador نیز به قتل رسید، که به گفته همکارش، وی در حال بررسی ارتباط بین گاوپازی و جنایت سازمان‌یافته بود. در روسیه، جنازه لاریسا یودینا^۲، ویراستار روزنامه Sovietskaya Kalmykia Today بعد از تهدید به دلیل افشاگری در مورد یک فساد محلی پیدا شد. اما این‌ها برخی از نمونه‌های افراطی‌ترین خطرات ناشی از گزارش در مورد فساد هستند. در واقع، به نظر می‌رسد روزنامه‌نگارانی که در مورد فساد گزارش نموده‌اند احتمالی بالاتر از حد میانگین برای به قتل رسیدن داشته‌اند. از ۱۷ خبرنگار کشته‌شده در نیمه اول سال ۱۹۹۸، با توجه به آمار کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران مستقر در نیویورک - دست کم هفت تن از کلمبیا، مکزیک، فیلیپین، روسیه و تایلند - در حال بررسی موارد فساد بوده‌اند.

اگرچه اقدامات ناچیزی می‌توان در محافظت از روزنامه‌نگاران نسبت به تهدید اخلاقی انجام داد، اما حفاظت از حقوق روزنامه‌نگاران و امنیت آن‌ها برای اطمینان کامل از نقش روزنامه‌نگاری در مهار فساد حیاتی است. گام‌های این مسیر در آفریقای جنوبی برداشته شده است که در آن طرح‌های پیشنهادی برای لایحه قانونی دموکراسی باز حاوی مفادی برای حمایت از کارکنان دولت در برابر انتقام‌جویی است، در صورتی که آن‌ها اطلاعات در مورد اقدامات فاسد را افشا نمایند (مارتین و فلدمن^۳ ۱۹۹۸). این تنها نمونه‌ای از نوعی قانون‌گذاری است که مجلس می‌تواند برای محافظت از روزنامه‌نگاران و منابع آن‌ها به تصویب برساند. در نهایت مجلس باید در راستای ایجاد یک محیط کاری تلاش کند تا در آن مقامات مایل و قادر به تعقیب قانونی کسانی باشند که دست‌اندرکاران ارعاب یا آزار روزنامه‌نگاران هستند. مجلس می‌تواند مشوق تصویب قانون حقوق بشر، از جمله تأسیس نهادهای پاسخ‌گویی مانند کمیسیون‌های حقوق بشر باشد، و همچنین تضمین نماید که قانون جزا حمایت کافی از روزنامه‌نگاران را فراهم می‌نماید. به علاوه، هنگامی که نظارت بر نهادهای کلیدی، مانند پلیس و نیروهای امنیتی انجام گیرد، مجلس می‌تواند توجه خاصی به پاسخ این گونه نهادها برای چنین حوادثی داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که کسانی را که مرتکب خشونت علیه روزنامه‌نگاران شده‌اند، به حساب آورده است.

دسترسی به اطلاعات

دسترسی به اطلاعات می‌تواند به معنای توانایی شهروندان برای به‌دست آوردن اطلاعات در دسترس دولت باشد. «حق دانستن» به‌طور ناگسستگی با پاسخ‌گویی مرتبط است، یک اصل محوری از حکمرانی خوب. قضاوت آگاهانه، زمانی که فعالیت‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری دولت در معرض نظارت عمومی قرار داده نشود، اگر غیرممکن نباشد دشوار است. اطلاعات اجازه می‌دهد تا مردم فعالیت‌ها را مورد دقت و بررسی قرار دهند و مبنایی مناسب برای بحث آگاهانه در مورد آن فعالیت‌هاست. اطلاعات به

1- Oscar Garcia Calderon

2- Larisa Yudina

3 - Martin and Feldman

شهروندان اجازه می‌دهد تا قضاوتی آگاهانه در مورد فعالیت‌های دولت و در نتیجه پاسخ‌گو نگه داشتن مقامات داشته باشند (مارتین و فلدمن ۱۹۹۸). ویلسون^۱ رئیس‌جمهور سابق آمریکا می‌گوید: «همه می‌دانند که فساد در مکان‌های مخفی پیشرفت می‌کند و در محل‌های عمومی از آن اجتناب می‌شود، و معتقدیم که این فرضی منصفانه است که پنهان‌کاری به معنای ناشایستگی است» (IFJ ۱۹۹۶). بنابراین، دسترسی آزادانه به اطلاعات در مورد فعالیت‌های دولت ضروری است تا از پاسخ‌گویی مقامات دولتی اطمینان حاصل شود.

در این میان، سهم رسانه‌ها کاملاً آشکار است: ارائه‌ی اطلاعات به‌موقع و دقیق در امور دولت، کسب‌وکار و منافع خاص برای عموم.

به‌طور کلی، دولت‌ها در ارائه‌ی اطلاعات به مردم که بازتاب خوبی در خود آن‌ها دارد، کمی مشکل دارند. این مشکل زمانی به‌وجود می‌آید که اطلاعات به‌طور متضاد منتشر می‌شوند؛ در این زمان، «افشای داوطلبانه توسط دولت» کارکردی ندارد، زیرا هم سیاستمداران و هم بوروکرات‌ها اغلب سعی می‌کنند تا اطلاعات پیچیده را مخفی کنند. دولت باید به‌منظور کاهش محدودیت‌های افشاگری و افزایش دسترسی تصمیم‌گیرندگان به مطبوعات و مردم به‌طور یکسان، درصدد ترویج تغییرات نگرشی باشد، که تدوین قانون تضمین دسترسی به اطلاعات تنها راه است. بنابراین تقاضا برای دسترسی به اطلاعات قانونی خواهد بود. چنین قانونی می‌تواند سبب ایجاد حق بازبینی (برای مثال، توسط نهاد آمودزمان^۲)، ارائه راهکارها با الزام به رعایت آن‌ها، اعمال محدودیت‌های زمانی برای درخواست اطلاعات و الزام به رسیدگی، و شناسایی دسته‌ای از اطلاعات با ضمانت دسترسی به آن‌ها شود. استدلال در برابر چنین قانونی شامل مواردی است که مربوط به هزینه و کارایی هستند. باین‌حال هزینه‌های ناکامی در تصویب چنین قوانینی شامل عدم پاسخ‌گویی و شفافیت بوده و محیط مناسبی برای فساد به شمار می‌رود. به همین دلیل است که یک گروه تحقیق متشکل از نمایندگان از WBI و انجمن پارلمانی مشترک‌المنافع با همکاری مجلس غنا، مجموعه‌ای از پیشنهادها را در جولای ۲۰۰۴ باهدف بالا بردن نقش دسترسی به اطلاعات طرح نمودند.

«پیشنهادهایی برای حکمرانی شفاف» (۲۰۰۴) چارچوبی برای شفافیت بیشتر در حکومت، به‌ویژه از طریق تکمیل رژیم‌های دسترسی به اطلاعات فراهم می‌کند. سنگ بنای چنین رژیم‌هایی، قانون و دسترسی به اطلاعات است. اصول ژوهانسبورگ، که در سال ۱۹۹۵ به رسمیت شناخته شد، باهدف ایجاد توازن بین حقوق شهروندان برای دسترسی به اطلاعات و حق دولت و وظیفه حفظ امنیت آن بسیار مهم است. دفاع، امنیت ملی، روابط خارجی، دلایل اقتصاد ملی، اجرای قانون و حریم شخصی، و دیگر «اسرار دولتی» ممکن است ادعای قانونی برای محافظت و یا معافیت از قانون دسترسی به

1 - Wilson

2 - Ombudsman

اطلاعات داشته باشند. اما اینکه چگونه این اسرار می‌توانند مجاز باشند، موضوعی قابل بحث است. همواره ظرفیت استفاده از یکی از این معافیت‌ها برای مقامات فاسد به‌عنوان دستاویزی برای افشای اطلاعات وجود دارد. به‌عنوان مثال، در مالزی، قانون امنیت داخلی هرگونه گزارش بدون اجازه از فعالیت‌های نظامی را نوعی نقض تئوری با مجازات زندان تعریف می‌کند. درنهایت، برای جلوگیری از این استثنای استفاده شده برای پنهان‌سازی فعالیت‌های فاسد، هر تصمیم مقامات دولتی براساس یکی از این معافیت‌ها باید در معرض بررسی قضایی قرار گیرد.

مجلس می‌تواند به‌عنوان یک عامل محوری، درصدد تدوین این قانون باشد، به‌طوری که آن را با «پیشنهادهای» مطابقت داده و به‌طور مرتب بررسی کند تا اطمینان حاصل شود که نهایت افشاگری و شفافیت در نظر گرفته شده را به ارمان می‌آورد. علاوه بر این، مجلس می‌تواند از نقش نظارتی خود برای اطمینان از پیاده‌سازی مؤثر این قانون استفاده نماید، یعنی الزام نهادهای دولتی به ارائه‌ی گزارش سالانه منطبق با قانون، انتصاب مسئولی برای پاسخ‌گویی پیرامون عدم موفقیت در اجرا، و نظارت بر عملکرد نهاد مستقل اداری موظف به اجرای این نظام. مجلس نقش رهبری حیاتی در گسترش دسترسی و استفاده از اطلاعات عمومی را داراست. برای تحقق این نقش آن‌ها نیاز به توسعه‌ی یکپارچه و جامع سیاست اطلاعات ملی به‌منظور توسعه و ترویج تولید، انتشار، و استفاده از اطلاعات دولتی برای عموم مردم هستند. مجلس می‌تواند به دنبال کاهش هزینه پابندی به نظام‌های دسترسی به اطلاعات از طریق زیر باشد:

ترویج یک فرهنگ باز، تشویق اجرای مدیریت مؤثر سوابق در سازمان‌های دولتی مشمول چنین قانونی و نیاز به وجود چنین سازمان‌هایی برای تصدی‌گری انتشار روزمره از اطلاعات کلیدی به‌طوری که به‌راحتی قابل دسترس برای جامعه باشد.

برخی پیش‌شرط‌ها برای بهره‌مندی از دسترسی به اطلاعات لازم است. پیش‌شرط اصلی ثبات سیاسی، دستگاه قضایی مستقل و وجود زیرساخت‌های کافی و داده‌ها است. ثبات سیاسی ضروری است زیرا باعث مطمئن‌تر شدن سیاستمداران و مخالف کمتر با دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری می‌شود. سیستم قضایی مستقل نیز ضرورت دارد زیرا واسطه‌ای بین مردم و دولت بوده و دولت را پاسخ‌گو نگه می‌دارد. زیرساخت‌های ارتباطی خوب برای دسترسی به اطلاعات بسیار مهم است، از جمله زیرساخت‌های فیزیکی (رادیو و تلویزیون) و شخصی (آموزش و پرورش).

پیش‌شرط‌های بالا بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته دیده می‌شود. به‌طور کلی، کشورهای در حال توسعه، بیشتر دچار عدم ثبات سیاسی، ضعف سیستم قضایی، زیرساخت‌های نامناسب، و اطلاعات غیرقابل اعتماد هستند. با این حال، آزادسازی دسترسی به اطلاعات در کشورهای در حال توسعه گام مهمی برای تضمین پاسخ‌گویی دولت و شفافیت، و همچنین تقویت آزادی مطبوعات است.

پاسخ‌گویی رسانه‌ها

باوجود اینکه پاسخ‌گویی مقامات دولتی مهم است، رسانه‌ها نیز باید مسئولیت اقدامات خود را بر عهده گیرند. روزنامه‌نگاران، که قهرمان حقوق بشر، پاک‌دامنی، و اصول دموکراتیک هستند، باید به استانداردهای بالایی پایبند باشند. متأسفانه، همیشه این‌طور نیست. برای مثال، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، «روزنامه‌نگاری پاکتی» روش روزمره است. روزنامه‌نگاران در ازای انتشار داستان‌های راضی‌کننده برای «اهدائندگان پاکت»، پول دریافت می‌کنند.

شش رسانه و سازمان‌های روابط عمومی، نیروهایی را در راستای تلاش برای مهروموم کردن رشوه‌خواری در روزنامه‌نگاری و رسانه به هم ملحق کرده‌اند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ)، مؤسسه بین‌المللی مطبوعات (IPI)^۱، شفافیت بین‌المللی (TI)^۲، اتحادیه جهانی روابط عمومی و مدیریت ارتباطات، مؤسسه تحقیقات روابط عمومی و آموزش و پرورش و انجمن بین‌المللی روابط عمومی، منشور شفافیت رسانه‌ها را منتشر کرده‌اند که خواستار سیاست‌های مدون علیه گرفتن پیشکش، تفکیک شفاف محتوای تحریریه و تبلیغات، و پایان دادن به رشوه برای پوشش رسانه‌ای در سراسر جهان است.

سردبیران نیز فشار انتشار مطالب قابل‌تردید را تجربه می‌کنند. به‌همین دلیل، ضروری است که سردبیران از آزادی گروه تحریریه خود، مطمئن باشند. این وضعیت در صورتی که سردبیران و روزنامه‌نگاران حقوق مناسبی برای کارشان دریافت کنند، می‌تواند تا حد زیادی بهبود یابد، بنابراین انگیزه پذیرش مواجب برای ارائه پوشش مطلوب کاهش می‌یابد. زمانی که دولت یا صاحبان رسانه‌ها قادر به ارائه حقوق مناسب و معقول برای سردبیران و روزنامه‌نگاران نباشند، پشتیبانی از طرف اهداکنندگان بیرونی می‌تواند یک راه‌حل باشد. در ماه نوامبر سال ۲۰۰۴، کمیسیون اروپایی مبلغ ۲ میلیون یورو به اعضای رسانه‌های صربستان اهدا کرد که خواهان گزارش درمورد آلودگی محیط‌زیست، جرایم سازمان‌یافته و قاچاق انسان بود.

بااین‌وجود موانعی برای پاسخ‌گویی رسانه وجود دارد. اولاً، رسانه‌ها باید اخبار را منتشر کنند تا سودمند باقی بمانند، که در این صورت ممکن است برخی محافل رسانه‌ای مجبور به «فروش» دارایی‌های خود شوند. ثالماً، بی‌میلی مقامات دولتی به افشای اطلاعات منجر به استفاده روزنامه‌نگاران از ابزار غیرقابل توضیح برای جمع‌آوری اطلاعات خواهد شد. ثالثاً، فشارهای نظام قضایی پاسخ‌گویی رسانه‌ها را کاهش می‌دهد. ترس از زندانی شدن و یا اجبار به پرداخت مقادیر متناهی به دلیل دادخواست افترام ممکن است باعث خودداری رسانه‌ها از انتشار مسائل خاص شود.

1-International Press Institute

2-Transparency International

آزادی رسانه‌ها

یک رسانه‌ی آزاد، همراه با پارلمانی تأثیرگذار و یک قوه قضائیه‌ی مستقل، از پیش‌نیازها برای حکمرانی خوب است. رسانه‌ها نقشی مضاعف در خصوص مهار فساد دارند: بالا بردن آگاهی عمومی درباره فساد و تحقیق و گزارش رخدادهای فساد به شیوه‌ای حرفه‌ای و اخلاقی. برای انجام چنین نقش مضاعفی، رسانه‌ها باید آزاد باشند. به علاوه برای دسترسی به اطلاعات، روزنامه‌نگاران باید به تحقیق و گزارش خود بدون ترس از انتقام‌جویی‌ها بپردازند. فراتر از خطر آسیب فیزیکی، انتقام‌جویی‌ها می‌تواند شامل اعمال سانسور روزنامه‌نگاران، بستن نشریات و ... باشد. باین حال، روزنامه‌نگاران مورد آزار و اذیت، حمله و بازداشت واقع شده و حتی در حین انجام وظیفه کشته شده‌اند. چنین «تهدید پنهان»، فرهنگ خودسانسوری و یا گزارش امن را ترغیب می‌کند که اطلاعات معنی‌داری برای جامعه ارائه نمی‌دهد. بسیاری از کشورها ملزم به ثبت نام جراید یا روزنامه‌نگاران بوده، برخی از حکومت‌ها نیز مجوزها را بر اساس صلاحدید خود لغو می‌کنند. به عنوان مثال، مقررات روزنامه در تانزانیا، اجازه نمی‌دهد روزنامه‌ها نشانی، مقررات اساس نامه، و یا حتی اهداف و ارزش‌های خود را تغییر دهند. علاوه بر این، صدور مجوز می‌تواند به عنوان نوعی سانسور عمل کند زیرا به مقامات اجازه می‌دهد تا تنها به آژانس‌های رسانه‌ای یا روزنامه‌نگارانی که از مواضع دولت حمایت می‌کنند، مجوز اعطا نمایند. مجالس باید توجه داشته باشند که اعطای مجوز به روزنامه‌نگاران با آزادی بیان و خودداری از وضع قانون در این زمینه سازگار نیست (بوچت و کاریتی^۱ ۲۰۰۳).

از زمان حوادث یازدهم سپتامبر، اقدامات جدید برای جلوگیری، کاهش یا کم کردن سرعت جریان اطلاعات - باوجود افزایش نظارت بر دسترسی - خبر از محدودیت آزادی رسانه‌ها دارد. به عنوان مثال، در اردن، اصلاحات جدید در مورد قانون مجازات عمومی برای روزنامه‌نگاران انتشاردهنده موضوعاتی که می‌تواند به شکاف در وحدت ملی، تقسیم جمعیت، یا صدمه به وجهه و شهرت دولت بیانجامد، اعمال شده است. در عربستان سعودی، تمامی ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی باید سوابق کاربران خود را به منظور پیگیری دسترسی به وب سایت‌های ممنوع، نگه‌دارند. افزایش نظارت بر اینترنت، ایمیل و مکالمات تلفنی در هر دو کشور بریتانیا و کانادا مجاز بوده، در حالی که قوانین جدید فرانسه به طور مؤثر رمزگذاری پیام‌های الکترونیکی را جرم‌انگاری نموده است.

آزادی بیان در بسیاری کشورها، به دلایل مختلف محدود شده است. برای مثال، در اتیوپی، آزادی بیان برای اولین بار توسط یک دولت مارکسیست و حتی در حال حاضر با ادامه عقب‌ماندگی اقتصادی به طور فوق‌العاده محدود گردیده است.

دولت‌ها، می‌توانند اقتصاد کسب‌وکار روزنامه‌نگاری را تحت فشار قرار دهند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منبع اصلی تبلیغات دولت است. در سال‌های اخیر، از بین دیگر کشورها،

بنگلادش، مالاوی، اوگاندا، و زامبیا، تبلیغات را به روزنامه‌های خاصی محدود کرده و یا تمامی آن‌ها را به جز از مطبوعات دولتی سلب کرده‌اند. در جای دیگری، دولت‌ها واردات روزنامه را محدود و کنترل، ممیزهای مالیاتی تنبیهی را اعمال، و یا دسترسی به زیرساخت‌های موردنیاز برای پخش از جمله فرکانس‌ها، فرستنده‌ها و آنتن‌ها را محدود کرده‌اند. مجلس باید از روش‌های استفاده شده توسط دولت برای محدود کردن آزادی رسانه‌ها آگاه باشد و به دنبال تلاش برای مقابله با هرگونه عملکرد در هنگام اعمال نظارت خود باشد.

برخی دولت‌ها اتهام توهین به مجلس، رئیس دولت و یا حتی کل کشور را هم‌سطح قرار می‌دهند. در کامرون، آزار و اذیت و توهین به اعضای مجلس شورای ملی به‌عنوان جرم شناخته می‌شود. در کنیا، تا زمان لغو اخیر خود، قوانین فتنه‌جویی نتیجه مشابهی دارد. توهین به مجلس، جرمی چنان مبهم و کلی تعریف شده است که چالشی جدی برای آزادی بیان تلقی می‌شود.

مجموعه‌ای از اصول مقابله با این محدودیت‌ها، منشوری برای رسانه‌های آزاد، توسط روزنامه‌نگاران ۳۴ کشور جهان در کنفرانس جهانی آزادی در خصوص مشکلات سانسور در سال ۱۹۸۷ به تصویب رسید. پترس غالی^۱ دبیر کل سازمان ملل متحد در آن زمان، اعلام کرد که اصول این منشور «سزاوار حمایت همه متعهدان به پیشبرد و حمایت از نهادهای دموکراتیک است». وی اضافه کرد که این مقررات تا زمانی که الزام‌آور نباشند، اهداف تمام کشورهای مشتاق را بیان خواهند کرد.

شوراهای مطبوعات

در بسیاری از دموکراسی‌های جوان و شکننده، رسانه‌ها تجربه کمتری نسبت به دیگر کشورها دارند، و ممکن است رسانه‌ها تمایل کمتری برای «مسئول» بودن از خود نشان دهند. با توجه به این موضوع، ممکن است نیاز به استقرار شوراهای مطبوعات وجود داشته باشد. زمانی که رسانه‌ها عاری از حس مسئولیت باشند، شوراهای مطبوعات می‌تواند محکمه‌ای علنی برای عموم به‌منظور تأدیب مطبوعات فراهم کنند و در نتیجه بر رفتار آن تأثیر بگذارند. شورای مطبوعات باید مستقل بوده و توسط مردم با احترام به اعتبار غیرحزبی و همبستگی آنان اداره شود. این نهادها نباید دارای قدرت مجازات قانونی باشند، بلکه باید، اعتبار و یکپارچگی داشته باشند تا به گزارش‌های عمومی خود نیروی اخلاقی قوی ببخشند. از آنجا که شورای مطبوعات هیچ قدرتی برای تحمیل و اجبار ندارد، اثربخشی آن بستگی به همکاری تمام گروه‌های درگیر دارد. یک شورای مطبوعات مستقل مسئول رسانه‌های خبری خودگردان در هر فضای عاری از دخالت دولت و یا نظارت قضایی است. بر شورای مطبوعات باید به‌صورت مستقل سرمایه‌گذاری شود، کارش مبتنی بر دستورالعمل رفتاری مکتوب باشد، و آزادی بیان، حق آگاهی برای عموم، و حقوق رسانه‌ها برای انتشار بدون محدودیت از پیش تعیین شده را توسعه دهد (بیلز ۲۰۰۲).

مرزبندی بسیار خوبی میان روزنامه‌نگاری مسئول و غیرمسئول وجود دارد. نیروی اخلاقی شورای مطبوعات بهترین راه برای تضمین مطبوعات مسئول، نسبت به تجهیز دولت‌ها و محکمه‌ها با توان گسترده برای مقابله با مطبوعات است. مجلس باید به‌جای تصویب قوانینی که آزادی رسانه‌ها را محدود می‌کند، به دنبال پشتیبانی از استقلال رسانه‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه ثابت شده که نقش رسانه‌ها در مهار فساد بسیار ارزشمند است. مزیت رسانه‌ها این است که مردم و افکار عمومی می‌توانند به راحتی از طریق انتشار روزنامه‌ها یا رادیو و تلویزیون در دسترس باشند. فساد تنها زمانی قابل کنترل است که شهروندان، دیگر آن را تحمل نکنند. اغلب، گزارش‌های ارائه شده در مورد اقدامات فاسد مقامات دولتی نقطه‌ی شروع تحقیقات، اقدامات قضایی، یا کناره‌گیری‌ها است. در سطح وسیع‌تر، گزارش رسانه‌ها سطح پلورالیسم^۱ (عقیده مبتنی بر لزوم دخالت کلی و عملی مؤسسات و مجامع غیردولتی در امر اداره کشور) و مسئولیت‌پذیری در جامعه را بهبود بخشیده است. برای اینکه رسانه‌ها بتوانند به عنوان دیده‌بانی هوشیار بر عملکرد کارکنان دولتی عمل نمایند، باید از دخالت سیاسی مصون باشند. در بسیاری از موارد، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، رسانه‌ها دولتی بوده یا تحت تأثیر آن قرار دارند. این مسئله منجر به گزارش‌های غیرقابل اطمینان خواهد شد که هیچ کمکی به مهار فساد و یا تلاش برای تغییر وضع موجود نمی‌کند. باهدف تقویت استقلال رسانه‌ها، رسانه‌های دولتی باید معاملات آزاد توسط دولت را مورد بررسی قرار دهند تا از گزارش‌های مداخله‌جویانه و نامطمئن اجتناب شود. هم‌زمان، باید سازوکارهایی برقرار شود تا اطمینان حاصل شود که رسانه‌ها دارای صاحبانی با مالکیت‌های مختلف هستند.

رسانه‌ها می‌توانند بحث‌های دموکراتیک را شکل داده و به استقرار و حفظ و مراقبت از حکمرانی خوب کمک نمایند. بنابراین رسانه‌ها به منظور ایفای این نقش باید قادر به دسترسی به اطلاعات عمومی باشند. آزادی مطبوعات، از جمله دسترسی آزاد به اطلاعات، برای بسط جامعه‌ای دموکراتیک، اصلی بنیادی است. به رغم به رسمیت شناختن جهانی آزادی مطبوعات، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های رسانه‌ای در سراسر جهان همچنان با موانعی بر سر راه گزارش‌دهی مواجه هستند. موانع به صورت حضور سانسور فعال و یا مقررات محدودکننده در کار روزنامه‌نگاری، امکان دسترسی محدود یا مسدود شده به اطلاعات رسمی، چشم‌اندازی قانونی که مانع قابلیت روزنامه‌نگاران برای پرس‌وجو و گزارش آزادانه است - از قبیل افتر و قوانین سخت - و سوءاستفاده عیب‌جویانه از خدمات رسانه‌ای ضروری مانند رادیو و تلویزیون، امکانات چاپ و سیستم‌های توزیع ظهور می‌یابند. علاوه بر این، عدم آموزش، استانداردهای حرفه‌ای نامرغوب و کمبود سرمایه‌گذاری، گزارش‌های تحقیقی را دشوار و گاهی دسترسی، انتقال یا انتشار دقیق اطلاعات را برای روزنامه‌نگاران غیرممکن ساخته است.

روزنامه‌نگاران مستقل‌اندیش به‌سادگی با انجام کار خود به نحو احسن نقش مهمی در ترویج دموکراسی ایفا نموده‌اند. بسیاری از آن‌ها زندگی یا آزادی خود را برای ترویج حکمرانی شفاف و پاسخ‌گو و رفتار سازمانی در معرض خطر قرار داده‌اند. مجلس و دیگر نهادهای پاسخ‌گویی می‌توانند با اعمال قوانین بازدارنده از ارباب و خشونت علیه روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه‌ها پیشگیری نمایند. رسانه‌ها برای مبارزه با فساد در بخش‌های دولتی و خصوصی و همچنین در خود دنیای رسانه‌ها باید قادر به دسترسی به اطلاعات باشند. در جایی که قانون آزادی اطلاعات وجود ندارد و یا اجرای آن بی‌فایده است، طرح اصلاحات حقوقی نیازمند ترویج توسط سازمان‌های غیردولتی و همچنین ذی‌نفعان دولتی و خصوصی است. در درون رسانه‌ها، قانون تضاد منافع باید برای مقابله با تمرکز مالکیت رسانه‌ها و اطمینان از تداوم منابع متعدد اطلاعات حمایت شود. طرح‌های روزنامه‌نگاران برای ایجاد اساسنامه استقلال تحریریه همچنین باید توسط صاحبان رسانه‌ها، دولت‌ها پشتیبانی شود. تمایز روشن نیز باید بین بخش‌های سرمقاله و تبلیغات برپا شود. جامعه بین‌المللی، دولت و جامعه مدنی باید در راستای تلاش برای آموزش روزنامه‌نگاران برای گزارش‌دهی و کمک به محدود کردن فساد در داخل و خارج از حیطه خود گام بردارند.

در بحث توسعه سیاست مدیریت اطلاعات ملی و منطقه‌ای نمایندگان مجلس و دیگر قانونگذاران باید بهترین امکان دسترسی و استفاده از اطلاعات برای تمام اعضا، برنامه‌ریزی برای مدیریت منابع اطلاعات، مدیریت فعالیت‌های اشاعه اطلاعات و حفاظت اطلاعات عمومی را مد نظر قرار دهند. قدرت رسانه‌ها باید با ارائه روش‌های حفاظت از دست‌اندرکارانی که تحت تهدید و یا خطر، ممکن است زندگی و کار آن‌ها به مخاطره بیافتد، تقویت شود. باید به رسانه‌ها برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات قابل اعتماد از نهادهای دولتی مطابق با حدود مقرر در ضروریات دفاع و ملاحظات امنیتی اجازه داده شود. بدون دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد، رسانه‌ها به‌شدت در نقش ضدفساد خود محدود خواهند شد. دست‌اندرکاران رسانه‌ها باید دارای مجموعه‌ای وسیع از مهارت‌هایی باشند که لزوم مبارزه با اقدامات فاسد را اثبات نماید. این مهارت‌ها باید از طریق آموزش متمرکز و سمینارهای سازمان‌یافته منظم به‌دست آید.

رسانه‌ها، اغلب به‌عنوان قوه چهارم پس از قوای مجریه، مقننه، و قوه قضاییه، احتمالاً نقشی مهم‌تر از دیگر ارکان ایفا می‌کنند زیرا همان‌طور که کیلیمویکو اشاره کرده، «از طریق رسانه‌های جمعی است که یک کشور با خود و کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کند. از این طریق است که مقامات در داخل کشور مشکلات و خواسته‌های مردم را به‌منظور خدمت‌رسانی به آن‌ها احساس می‌کنند. در مقابل، از همین طریق است که مردم ظرفیت و سیاست‌های آن مقامات را احساس می‌کنند.»

به‌هرحال، اگر رسانه‌ها به دنبال رسیدن به ظرفیت کامل خود و پاسخ‌گو نگه داشتن مقامات دولتی باشند، باید تقویت شوند و - مهم‌تر از همه - باید از استقلال خود اطمینان خاطر داشته باشند. درک

این پتانسیل نیاز به حمایت سیاسی و منابع مالی دارد، زیرا حمایت سیاسی رکنی حیاتی برای موفقیت روزنامه‌نگاران است. منابع مالی نیز برای تقویت ظرفیت، حرفه‌ای‌گری و استقلال رسانه‌ها در راستای بررسی و افشای فساد ضروری است، به‌خصوص در مناطقی که بیشتر مردم تحت تأثیر قرار می‌گیرند. مجلس نقشی حیاتی در تسهیل محیطی برای پرورش رسانه‌های مؤثر ایفا می‌کند، خواه با تصویب قوانین دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان و خواه با ترویج خودگردانی رسانه‌ها.

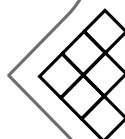
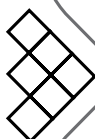
فهرست منابع

- 1- Barbash, Fred. 1994. "Scandal Over Paid Questions Rocks British Tories." washington Post dispatch published in Montreal Gazette (October 21): A8.
- 2- Beales, Ian. 2002. Imperfect Freedom: The Case for Self-Regulation in the Commonwealth Press. London: Commonwealth Press Union.
- 3- Bouchet, Nicolas, and Nixon Kariithi. 2003. Parliament and the Media: Building an Informed Society. Working Paper, World Bank Institute, Washington, DC.
- 4- Cape Town Principles for an Informed Democracy. 2002. Proposed during the Indian Ocean Rim Conference on "Parliament and the Media: Securing an Effective Relationship," Cape Town, South Africa (April 14–18).
- 5- Coronel, Sheila. "Opening a Pandora's Box: The Emergence of a Free Press in Southeast Asia." Development Dialogue (2001:1) Dag Hammarskjöld Foundation. Uppsala, Sweden.
- 6- Commonwealth Press Union. 1999. The Independence of the Commonwealth Media and Those Working Within It. London: CPU.
- 7- CPJ (Committee to Protect Journalists). 1998. <http://www.cpj.org/>.
- 8- Githongo, John. 1997. "The Role of Journalists in Combating Corruption in Kenya." Unpublished paper presented at World Bank Institute seminar, Cotonou, Benin (January).
- 9- HRW (Human Rights Watch). 1998. <http://www.hrw.org/>.
- 10- IFJ (International Federation of Journalists). 1996. "The Right to Know: Access to Information in African Countries." African Regional Conference (July 25–27).
- 11- <http://www.ijnet.org/Director.aspx?P=Ethics&ID=158580&LID=1>.
- 12- IRE (Investigative Reporters and Editors, Inc.) Investigative Journalism Online Resource Center. <http://www.ire.org/resourcecenter/about.html>.
- 13- Islam, R. 2002. The Right to Tell: The Role of Mass Media in Economic Development. Washington, DC: World Bank Institute.
- 14- Johnston, Michael. 1997. "What Can Be Done about Entrenched Corruption?" Paper prepared for the Annual World Bank Conference on Development Economics, Washington, DC. (April 30–May 1).
- 15- Katorobo, James. 1995. "Investigative Journalism: The Mutual Roles of the Media and the Civil Service in Exposing Misconduct." In Investigative Journalism in Uganda

- I:Final Workshop Proceedings,Uganda(August 14-19).
- 16- Kilimwiko, Lawrence. 1997. "Corruption in the Media." Paper presented to the first Investigative Journalism Workshop for Female Journalists, Bagamoyo, Tanzania (February 16-22).
- 17- Klitgaard, Robert. 1996. "Bolivia: Healing Sick Institutions in La Paz." In *Governance and the Economy in Africa: Tools for Analysis and Reform of Corruption*, ed. Patrick Meagher. University of Maryland Press: College Park.
- 18- Langseth, Petter, Rick Stapenhurst, and Jeremy Pope. 1997. "The Role of a National Integrity System in Fighting Corruption." Working Paper 400142/, Economic Development Institute (EDI), World Bank, Washington, DC.
- 19- Larsen, Alex, and Flemming Ytzen. 1997. "Freedonia: Investigative Journalism." Case Study, World Bank Institute, Washington, DC.
- 20- Macdonell, Rod. 1993. "New Chief Judge of Montreal Municipal Court Gets Mandate to Improve Work Ethic." *Montreal Gazette* (November 26): A1.
- 21- Macdonell, Rod, and Alexander Norris. 1997. "Public Documentation Exercise." In *Rapport sur le seminaire sur le journalisme d'investigation tenu a Port-Louis, Ile Maurice, du 29 septembre au 8 octobre 1997*, report submitted to the Economic Development Institute (EDI) of the World Bank, Washington, DC.
- 22- Marsden, William, and Jennifer Robinson. 1987. "Possible Conflict Exposed, Latulippe Quits as Minister." *Montreal Gazette* (June 30): A1.
- 23- Martin, Robert, and Estelle Feldman. 1998. "Access to Information in Developing Countries." A study prepared for Transparency International, Berlin.
- 24- Neumann, A. Lin. 1998. "High Price of Secrecy: Restricting the Press Worsened the Economic Crash." *Columbia Journalism Review* 37 (March/April).<http://archives.cjr.org/year/982//asia.asp>.
- 25- Pope, Jeremy, ed. 1996. *The TI Source Book*. Berlin, Germany: Transparency International, 1996.
- 26- Powell III, Adam Clayton. 1998. "Competition Essential to Press Freedom, Broadcast News Executives Say." *Free! Freedom Forum* online newsletter (May 29): [http://www.freedomforum.org/search/default.asp?ps=100&q=](http://www.freedomforum.org/search/default.asp?ps=100&q=%22Competition+essential+to+press+freedom%22)
- 28- [%22Competition+essential+to+press+freedom%22](http://www.freedomforum.org/search/default.asp?ps=100&q=%22Competition+essential+to+press+freedom%22).
- 29- "Recommendation for Transparent Governance." 2004. Conclusion of a CPA-WBI Study Group on Access to Information, held in partnership with the Parliament of

- Ghana, Accra, Ghana (July 5–9).
- 30- Shugaar, Anthony. 1994. "Italy's New Hall of Mirrors." *Columbia Journalism Review* 33 (July/August).
- 31- Simon, Joel. 1998. "Hot on the Money Trail." *Columbia Journalism Review* 37 (January/February).
- 32- Stapenhurst, Rick. 2000. "The Media's Role in Curbing Corruption." World Bank Institute. <http://www.worldbank.org/wbi/governance/pdf/media.pdf>.
- 33- Wasike, Alfred. 1998. "Sudhir Buys Back Muhwezi Shares." *The New Vision*, Kampala, February 6, 1998, A1.
- 34- Woodward, Robert. 1994. "Sleaze Sinking British MPs: British Regard for Politicians Low." Reuters news dispatch, published in the *Montreal Gazette* (July 15): A12.

پښتانه مکتب



Good process of affairs, a social concept beyond the boundaries of inspection

Ali Farhadi

Abstract

Although criminological theories may not be directly related to the issues of the monitoring and inspection field at first glance, but paying attention to them and their application in society can lead to reduction of crime rates at various levels of society, including administrative agencies and hence the good process of affairs can be the result of it. The present paper, with emphasis and focus on labeling theory, analyzes one of the most utilized and powerful theories of crime. The article states that success in implementing theories at social and administrative levels requires paying attention to some theories in various fields, including Criminology.

Keywords: crime, criminology, labeling, good current affairs

Performance evaluation of some executive organizations in Chaharmahal va Bakhtiari province in the face of drought during the fifth development plan of the country

Dr.Hamid reza Bagheri

Rohollah Sadeghi Rad

Rahmatollah Jahanbakhshi

Dr. Hossein Samadi Brojeni

Dr. Mehdi Karami Dehkordi

Ravanbakhsh Reisian

Dr.Rohollah Fattahi

Abstract

Drought, as one of the natural disasters, has many economic, social and environmental damages to human societies, and comprehensive drought management is an effective way of confronting this natural phenomenon. Comprehensive management is included of a risk management cycle (before the occurrence) and crisis management (after the occurrence); one of the most important stages in the cycle is the "assessment", without which it is impossible to identify the weaknesses and strengths of the management stages and compilation of drought Management Programs. Considering that in recent years, in Chaharmahal and Bakhtiari province, one of the severe and prolonged droughts with profound and long-term effects on economic, social and even cultural conditions has occurred, the performance of relevant executive authorities in the province during the fifth development plan of the country has been evaluated.

Keywords: Drought, Assessment, Regional Water Company, Chaharmahal & Bakhtiari Province

Study of effective factors on the complexity of the tax system of the country and measuring the degree of complexity of direct Tax resources

Ali Baghani
Alireza hasani

Abstract

The complexity of tax increases the cost of compliance for taxpayers and the administrative costs of collecting taxes for the state. this research, while expressing the theoretical foundations of the factors influencing the complexity of direct taxes in the four groups of policy, legal, administrative and executive complexity and compliance, measured the complexity of direct taxes.using the Delphi technique and the Kendall-V coefficient of coordination, with the participation of members of the tax experts, the ranking and weight extraction of factors affecting the direct tax complexity has been done. Then, by integrating the weights received, the data and information in the tax system of the country, provides an indicator for measuring the complexity of direct taxes.

Keywords: Direct Taxation Complexity Index, Policy Factors, Administrative and Implementation Factors, compliance Factors, Legal Factors

A Survey on the Good process of the affairs by Business Ranking in the Foreign Trade of the Selected Countries with an Emphasis on Iran

Asghar Mobarak

Abstract

Capital is a prerequisite for economic growth. Hence attracting foreign direct investment as a complement to domestic financial resources is one of the ways to fund capital. According to studies, direct foreign investment and foreign trade depend on many factors that the business environment is one of them. Improving the business environment plays an important role in increasing the competitiveness of firms and sustained economic growth. on the other hand, the issue of exchange costs in the present economic circles is of particular importance. Experts believe that reducing transaction costs will contribute to the growth of an countries. In other words, if economic spaces, such as markets, firms, economic institutions, etc., by avoiding abusive and unnecessary rules, facilitate the exchange process, the result will be the volume of high exchanges and economic mobility in such an environment. In this research, we have tried to define the institutional environment by defining the indicators of the World Bank and the Heritage Foundation in assessing the business environment as indicators of the cost of the transaction, and by selecting a number of these indicators, based on the views of the experts and Using AHP-Topsis, Expert Choice and Software (SPSS), the status of some selected countries at the transaction cost To be determined . The final results show that in any country where more security and economic freedom prevail in the business environment and exchanges become faster and easier, then the cost of exchanging in those countries will be less.

Keywords: Economic growth of direct foreign investment, business environment

Investigating the Reasons for Not Reporting the Corruption: a Survey in Isfahan

Ali Seifzadeh
Dr.Asghar Mohammadi

Abstract

Corruption is a global and pervasive issue that may occur at any level of society. In particular, the role of people in intensification and reduction of the phenomenon of corruption is important. The main purpose of this study was to investigate the reasons for not reporting corruption by Isfahan citizens.

In this research, a survey method and a questionnaire tool have been used. The statistical population of the study was all citizens of 18 years old and older in Isfahan. The random sampling method was used and the sample size was 739 people. Cronbach's alpha test was used to assess the validity of the formal and for reliability calculations. The results of the study were extracted by SPSS software using descriptive and analytical methods. Findings of the research show that respondents have several reasons for not reporting the corruption. The main cause of corruption is the post-problems of complaints and corruption reports. Difficulties in proving the corruption and not to deal seriously with corruptors are located in the next ranks.

Keywords: corruption, lack of reporting, Isfahan citizens

Investigating the impact of tax evasion on stock return volatility

Saeed Tahmasbi Khorneh
Asghar Sepahban Gharehbaba

Abstract

Tax evasion can affect the information space of a business unit and, as a result, will increase the volatility of stock returns by increasing information asymmetry. Hence, tax evasion is expected to affect the volatility of stock returns. Therefore, in this research, "tax evasion the volatility of stock returns" has been examined as the hypothesis. For this purpose, 104 samples of listed companies have been selected in the stock market during 1391 to 1395 (520 years of corporate) and have been examined by using a combination regression method. In this research, tax evasion has been measured through recognition the difference between taxable profit and accounting profit. Also, for calculating the stock returns volatility, natural logarithms and standard deviation of daily returns have been used. The findings show that tax evasion has a positive and significant effect on the volatility of stock returns of stock companies. These findings may be useful for investors, regulators and other users to explain how a link between tax evasion and stock returns volatility.

Key words: tax evasion, information asymmetry, stock return volatility

The role of the media in dealing with corruption

Author: Rick Stapenhurst

Translators: Ali Karami - Faramarz Tamgid - Behzad Mahmoudi

Abstract

The role of the media is crucial in promoting good governance and controlling corruption, and free, independent and rigorous media can play an important role in preventing corruption. The media not only raise public awareness of corruption, causes, results and possible solutions, but also investigate and report corruption. The impact of the media depends on access to information and freedom of expression, in addition to the professional and ethical career of investigative journalists. Civil society and the media play a decisive role in creating and maintaining the kind of life that prevent fraud and corruption. In fact, they are certainly two important factors in eliminating corruption in government institutions. This article examines how corrupt authorities are exposed by the media, requests by official bodies, strengthening the work and the legitimacy of parliaments and anti-corruption bodies, and the pressure to change the laws and regulations that create the ideal context for corruption. Also, how to strengthen the media and highlighting private property against public ownership has been investigated. The need for support for journalists investigating corruption, press freedom and media responsiveness is also discussed.

Keywords: corruption, media, investigative journalism, press freedom, self-regulation, accountability

Articles

The role of the media in dealing with corruption	3
Investigating the impact of tax evasion on stock return volatility	4
Investigating the Reasons for Not Reporting the Corruption: a Survey in Isfahan	5
A Survey on the Good process of the affairs by Business Ranking in the Foreign Trade of the Selected Countries with an Emphasis on Iran	6
Study of effective factors on the complexity of the tax system of the country and measuring the degree of complexity of direct Tax resources	7
Performance evaluation of some executive organizations in Chaharmahal va Bakhtiari province in the face of drought during the fifth development plan of the country	8
Good process of affairs, a social concept beyond the boundaries of inspection	9

Evaluation Knowledge Quarterly

Volume 9; Number 33; Autumn 2017

Propertier: General Inspection Organization (GIO)

Managing Director: Naser Seraj

Editor in Chief: Ibrahim Shahrokhian

Editorial Advisory Board

Dr.Maghsood Amiri, Dr.Alireza Deyhim, Dr.Hossein Gheleji, Dr.Hossein Gholami, Dr.Norooz Hashemzahi, Dr.Hamidreza Malek mohammadi, Dr.seyedmohammadreza seyednoorani, Dr.Mehdi Sobhaninejad

Publications: Publication of Social Sciences Tel: +982161362135-61362307

Editor: Mahmood Mahdavifar

bazrasi.research@136.ir

Excutive Manager: Ameneh Kashani movahhed

www.bazresi.ir

Address: 6th Floor, GIO Headquarter, Gharani Crossroad, Taleghani St., Tehran, Iran